
۱۶
احکام تقلید

بسم الله الرحمن الرحیم

# مجموعه رهیافت: احکام اجتهاد، احتیاط، تقلید

نویسنده:

ادارهٔ پاسخ گویی به سؤالات دینی آستان قدس رضوی

ناشر چاپی:

انتشارات قدس رضوی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

## مجموعه رهیافت: احکام اجتهاد، احتیاط، تقلید

### مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : مجموعه رهیافت ( احکام اجتهاد، احتیاط، تقلید)/ تهیه و تدوین اداره پاسخگویی به سوالات دینی معاونت تبلیغات و ارتباطات آستان قدس رضوی.

مشخصات نشر : مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۳ .

مشخصات ظاهری : ۱۰۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۹-۱۶۸-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت : کتابنامه .

موضوع : اجتهاد و تقلید -- پرسشها و پاسخ ها

موضوع : فتواهای شیعه -- قرن ۱۴

شناسه افزوده : آستان قدس رضوی. اداره پاسخگویی به سئوالات دینی و اطلاع رسانی

رده بندی کنگره: BP۱۶۷/م۳۱۳۹۳

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۱

شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۱۲۴۲۰

ص: ۱

### اشاره

اجتهاد، احتیاط، تقلید

به کوشش: محمد سلحشور، مجید داورزنی

ویراستاران: سیدحمید حیدری ثانی، جواد کاظمی

کارگروه علمی احکام- ادارهٔ پاسخ گویی به سوالات دینی

خرداد۱۳۹۳

رهیافت احکام؛ احکام تقلید

ویژه استادان

پاسخگویی به سوالات شرعی

فهرست

## پیشگفتار

قال الرضا (ع): رحم الله عبداً أحيا أمرنا فقلت له: و كيف يحيى أمركم؟ قال: يتعلم علومنا و يعلمها الناس... .(۱)

عبدالسلام می گوید از امام رضا (ع) شنیدم که می فرمود: «خداوند رحمت کند هر آن کس را که امر ما را زنده می کند.» به ایشان گفتم: «چگونه امر شما را احیا می کند؟» فرمود: «علوم ما را فرا می گیرد و آن را به مردم تعلیم می دهد... .»

«ادارهٔ پاسخ گویی به سؤالات دینی» مفتخر است در راستای رسالت خود مبنی بر اشاعهٔ فرهنگ تشیع و پاسخ گویی به سؤالات شرعی مردم در این حوزهٔ گسترده از دین، محتوای پیش رو را به استادان فرهیخته تقدیم کند. در این نوشتار تلاش کرده ایم علاوه بر دادن اطلاعات و محتوای غنی، پاسخی مناسب با محتوایی یکسان در اختیار استادان قرار دهیم تا از تعدد جواب و تشویش خاطر مراجعان و سؤال کنندگان جلوگیری شود.

تلخیص کتاب های تخصصی موجود در این حوزه و جمع بندی جواب ها و بی نیازکردن استادان از رجوع به منابع پرشمار در هنگام پاسخ گویی، از اهداف اصلی تهیه و تنظیم این قبیل نوشتارهاست. برای رسیدن به این مهم، کارگروهی از استادان و کارشناسان فرهیختهٔ

---

۱- شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا (ع)، ج۲،ص۲۵۷، ح۶۹.

این اداره موضوع پیشنهادی را موشکافانه بررسی می کنند و محصول تلاش خویش را به داوری و نظارت هیئت علمی می گذارند.

این مجموعه کتاب ها در چهار دستهٔ موضوعی تدوین و ارائه می شود: رهیافت احکام، رهیافت اعتقادی، رهیافت تربیتی و رهیافت ترکیبی (مرکب از هر سه موضوع). بی شک بررسی دقیق و نگاه نقادانهٔ شما فرهیختهٔ گران قدر، ما را درجهت بهبود این مجموعه یاری خواهد کرد.

جبههٔ خضوع به درگاه قدسی احدیت می ساییم که توفیق خدمت در بارگاه ملکوتی و سراسر نور حضرت رضا (ع) را ارزانی مان فرمود. امید است بتوانیم به پاس این افتخار و با استعانت از آن امام همام (ع)، به مصداق روایت نورانی فوق، جرعه ای از علم حقیقی بنوشیم و به تشنگان راستین آن بنوشانیم.

آستان قدس رضوی

معاونت تبلیغات وارتباطات اسلامی

اداره پاسخگویی به سوالات دینی

## درآمد

مجموعهٔ پیش رو با عنوان «احکام تقلید»، در قالب رهیافت احکام تقدیم می شود. مستنداتی که در این کتاب از آن ها استفاده شده و استادان را از مراجعه به آن ها بی نیاز کرده است، عبارت اند از: العروه الوثقی، تحریر الوسیله، منهاج الصالحین، توضیح المسائل و استفتائات مراجع عظام تقلید: حضرت امام، رهبر معظم انقلاب، آیت الله خویی، آیت الله گلپایگانی، آیت الله اراکی، آیت الله تبریزی، آیت الله فاضل، آیت الله بهجت، آیت الله صافی، آیت الله مکارم، آیت الله سیستانی، آیت الله وحید، آیت الله نوری همدانی و آیت الله شبیری زنجانی. تمامی استفتائات از کتاب ها یا سایت های معتبر مراجع عظام استفاده شده است. درصورت نیاز به استفتای جدید نیز هیئت علمی این استفتا را انجام داده و استفتائات یادشده، در این واحد موجود است.

این کتاب حاصل تلاش استادان و اعضای هیئت علمی ادارهٔ پاسخ گویی به سؤالات دینی، حجت الاسلام محمد سلحشور و حجت الاسلام مجید داورزنی بوده و با نظارت حجت الاسلام والمسلمین محمد قاضی انجام شده است. سپاسمند تلاش این عزیزان بوده و امیدواریم خداوند در سایهٔ لطف خویش، توفیق خدمت بیشتر را به ایشان عنایت فرماید.

هیئت علمی ادارهٔ پاسخ گویی به سؤالات دینی

## فصل اول: احکام الهی

### اشاره

### ۱.۱. تعریف احکام

احکـام در لغـت، جمـع حکـم اسـت و بـه معنـای فرمـان و دسـتور بـه کـار می رود. ایـن واژه در اصـطلاح فقهی احکـام، همهٔ دسـتورهای عملی و فروع دین اسـلام در تمام ابعاد آن است و تمامی دستورهای عبادی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را شامل می شود.

### ۲.۱. نیاز بشر به احکام

هدف از آفرینش انسان، تکامل فردی و اجتماعی در امور مادی و معنوی و اخلاقی و درنتیجه رسیدن به مقام جانشینی خدا در زمین است. رسـیدن به کمال مطلق هـدف و مقصـد آدمی است: )وَ أَنَّ إِلی رَبِّکَ الْمُنْتَهی(.(۱) عشق به کمال و رسـیدن به الله، جامع همهٔ کمالات است. این عشق در فطرت و نهاد هر انسانی است و تا خود را به آن نرساند، آرامش نمی یابد؛ چون که )أَلا بِذِکْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ(.(۲)

بنابراین، بشـر به وجود قوانینی کامل و همه جانبه نیاز حیاتی دارد. او با این قوانین به راه مسـتقیم هدایت می شود تا بتواند خود را به کمال برساند و آرامش یابد.

قوانین بشـری، گذشته از نواقص بسیار، به امور مادی و دنیوی محدود می شود و اغلب بر اثر خودخواهی ها و خودپرستی ها و عادات به انحراف کشیده می شود یا باعث می شود انسان

---

۱- .نجم، ۴۲.

۲- .رعد، ۲۸.

سراب ها را آب و دریا بپندارد و به آن دل ببندد و از اقیانوس کمال باز بماند؛ ازاین رو خداوند برای هر امتی رسالت و شریعت و منهاج فرستاده است: )لِكلٍ جَعَلْنَا مِنكُمْ شِرْعَةً وَ مِنْهَاجاً(.(۱)

## ۳.۱. لازمهٔ پذیرفتن هر دین

هر مکتبی (مادی یا الهی) قوانین و مقرراتی دارد. هرکس به مکتبی گرایش پیدا می کند، به طور مجمل می داند آن مکتب تکالیفی را بر دوش او خواهد گذاشت که باید به آن ملتزم باشد. براساس این اصل کلی، هر مسلمان از لحظه ای که با اراده و انتخاب، دین مبین اسلام را برمی گزیند و به این آیین مقدس و آسمانی می گرود، به طور سربسته می داند این مکتب الهی تکالیف و دستورهایی را ازجانب خداوند عالم بر عهدهٔ او می گذارد و درصورت مخالفت با آن تکالیف، مستحق عقوبت اخروی خواهد شد؛ ازاین رو برای اینکه از سقوط در پرتگاه مخالفت با تکالیف اجتناب کند، لازم است تکالیف و احکام الهی را فرا بگیرد.

## ۴.۱. وظیفهٔ انسان در قبال احکام الهی

انسان باید احکام را به گونه ای انجام دهد تا دیگر وظیفه و تکلیفی بر عهده اش نباشد. سه راه برای برداشتن تکلیف بیان شده است: ۱. اجتهاد؛ ۲. احتیاط؛ ۳. تقلید.

---

۱- .مائده، ۴۸.

مسلمان باید در احکامِ(۱) دین،(۲) یا مجتهد باشد و بر طبق اجتهاد خودش عمل کند یا از مجتهد تقلید کند؛ یعنی به دستور او رفتار کند، یا درصورتی که به کیفیت احتیاط آشناست، به احتیاط عمل کند؛ به طوری که یقین کند تکلیف خویش را انجام داده است (مراجع).(۳)

---

۱- محمدتقیبهجت، جامع المسائل، ج۱، فصل۲،«غیرضروری دین»، احکام اجتهاد و تقلید، م۱؛ توضیح المسائل، م۱؛نوری، توضیح المسائل،تقلید، غیرضروری دین، م۱.

۲- سیدموسیشبیری زنجانی، توضیح المسائل،کسی که قطع ندارد، تقلید، مسئلهٔ۱؛ احکام الشرعیه،تقلید، م۱۰.

۳- سیدعلیخامنه ای، تحریر المسائل،م۷؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، م۱؛ سیدروح اللهخمینی؛ محمدفاضل لنکرانی: «و رفتار روزمره اش»؛ ناصر مکارمشیرازی: «و سایر اعمال»؛ محمدرضا گلپایگانی؛ محمدعلیاراکی؛ حسین نوری همدانی؛ سیدعلیسیستانی، منهاج الصالحین؛جواد تبریزی؛ سیدمحمود شاهرودی: «و سایر افعال وتروکش»، ج۱، تقلید، م۱؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین؛ حسینوحید خراسانی: «و سایر اعمال و تروکش»، ج۲، تقلید م۱؛هدایه العباد، لطف اللهصافی گلپایگانی، «و سایر اعمال»، ج۱، تقلید م۱؛جامع المسائل، لنکرانی، محمدفاضل موحدی، ج۲، س۹؛ الاحکام الواضحه، تقلید م۹؛محمدتقی بهجت، وسیله النجاه، تقلید؛ حسیننوری همدانی، توضیح المسائل،م۱؛ لطف الله صافی گلپایگانی، توضیح المسائل، م۱؛ محمدعلی اراکی، توضیح المسائل، م۱؛سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، هدایه العباد؛لطف الله صافی گلپایگانی، ج۱، م۱.

## فصل دوم: اجتهاد

### اشاره

## ۱.۲. تعریف

«اجتهاد» در لغت به معنای تلاش تا سرحد توانایی است؛ به گونه ای که با تحمل رنج همراه باشد. در اصطلاح فقه عبارت است از: به کارگرفتن تلاش خویش در راه به دست آوردن احکام شرعی از راه ها و منابع مربوط به آن.

## ۲.۲. منابع فقه

۱. قرآن؛

۲. سنت: قول و فعل و تقریر معصوم (ع)؛

۳. عقل؛

۴. اجماع: اتفاق نظر فقها بر حکمی از احکام شرعی.

## ۳.۲. عقل و اجماع

### اشاره

اگر برای حکمی از احکام، دلیلی از قرآن و سنت نیابیم، آنچه عقل بشری بدان حکم کند یا فقهای شیعه بر آن اتفاق نظر داشته باشند، به طوری که حاکی از رضایت معصوم باشد، می توان مطابق آن فتوا داد و وظیفهٔ مکلفان را مشخص کرد.

### ۱.۳.۲. چرایی اختلاف فتوا

پیش از بررسی ریشه ها و علل اختلاف فتوا، اشاره به چند نکته بایسته است:

یکم: در مسائل نظری هر رشته ای، متخصصان و دانشمندان آن، در برخی مسائل با یکدیگر اختلاف نظر دارند. دانش فقه و

اجتهاد نیز این چنین است. مجتهد باید در تمامی احکام و مبادی آن، تلاش کند و به نقطهٔ فکری و اجتهادی خاصی برسد. طبیعی است که نمی توان انتظار داشت در صدها مسئلهٔ فقهی، بین دو یا چند نفر وحدت نظر کاملی وجود داشته باشد. حتی در علوم تجربی مانند «رشتهٔ پزشکی» نیز که مبتنی بر حس و آزمایش است، اختلاف نظر و تفاوتِ تشخیص، طبیعی است.

دوم: اختلاف فتوای مجتهدان، به هوا و هوس و منافع شخصی آنان باز نمی گردد و اگر مرجع تقلید براساس منافع شخصی فتوایی صادر کند، صلاحیت مرجعیت را از دست خواهد داد.

سوم: اختلاف فتاوا مسئله ای نیست که در این عصر پیدا شده باشد؛ بلکه این امر در زمان ائمهٔ اطهار (علیهماالسلام) نیز در میان اصحاب و شاگردان به چشم می خورد. در روایت عمربن حنظله آمده است: امام صادق (ع) برای رفع کشمکش ها میان مردم، آنان را به فقیهان ارجاع داده است: هرگاه دو یا چند نفر از آنان در فهم روایات و استنباط احکام اختلاف نظر داشتند، به کسی مراجعه کنید که اعلم و باتقواتر است.(۱) در اینجا بدون اینکه حضرت اختلاف نظر میان آنان را سرزنش کند، آن را امری بدیهی تلقی می کند.

چهارم: مجتهدان در بسیاری از مسائل فقهی ازجمله مسائل ضروری و قطعی دین (مانند وجوب نماز و روزه و احکام وضو) و نیز در بسیاری

---

۱- وسائل الشیعه، کتاب القضاء، باب۹، حدیث۱.

از احکام فرعی اتفاق نظر دارند و حوزهٔ اختلاف، تنها در بعضی از احکام فرعی است.

پنجم: خداوند متعال در هر مسئله ای، بیش از یک حکم ندارد و فقیهان به دنبال یافتن حکم خدا هستند. اگر برخی فقیهان اشتباه کنند، حکم خدا تغییری نمی کند و متعدد نمی شود؛ اما مجتهد و مقلدان، چون تلاش کرده و به وظیفهٔ خود عمل کرده اند، از لطف و ثواب الهی بهره مند می شوند.

پس از این مقدمات، اکنون به بررسی ریشه ها و عوامل اختلاف فتاوا می پردازیم. دانش فقه و اجتهاد بر مجموعه ای از مبادی و اصول فکری مبتنی است و اختلاف در فتوا از آنجا سرچشمه می گیرد. آن اصول عبارت اند از:

۱. اصول فقه: یکی از مبادی مهم و اساسی فقه، علم اصول است. این علم به شناخت مسائلی همچون اوامر، نواهی، مفاهیم، اجماع، خبر واحد و متواتر، تعارض، استصحاب، برائت و... می پردازد و مجتهد برای استنباط احکام فقهی، از نتیجهٔ آن سود می جوید. هریک از این موضوع ها، اندیشه های گوناگونی را در خود دارد و تأثیر این اختلاف، در تفاوت فهم حکم الهی نمایان می شود.

۲. ادبیات عرب: این علم شامل صرف، نحو، معانی، بیان، بدیع و لغت می شود و یکی از مقدمات اجتهاد به شمار می رود. گاهی اختلاف فقیهان، به اختلاف در مسائل نحوی و صرفی باز می گردد.

۳. درایه: شناخت معانی و مفاهیم احادیث و درست آن از نادرست. گاهی تفاوت فتوا، از اختلاف در شناخت معانی و مفاهیم الفاظ نشئت می گیرد.

۴. علم رجال: در زمان معصومان (علیهماالسلام) سند و مدرک روایات و شناخت راویان و ناقلان احادیث، کمتر لازم بود؛ زیرا احادیث و احکام را یا از خود معصوم می پرسیدند یا راوی را به علت نزدیکی زمانی با معصوم، می شناختند. اما در زمان های بعد احادیث با واسطه های بسیاری نقل می شد و عده ای در این میان، به دروغ روایاتی را جعل می کردند. ازاین رو در زمان غیبت، شناسایی راویان سالم از غیر آن ها ضروری شد و به همین جهت علم رجال پایه گذاری شد. در این علم، روایات را به معتبر و غیرمعتبر تقسیم می کنند و براساس آن گاهی یک روایت نزد مجتهدی، معتبر شناخته شده و نزد دیگری ضعیف محسوب می شود. این امر عامل بسیار مهمی برای پیدایش اختلاف فتاوا به شمار می رود.

۵. منطق: علم درست اندیشیدن و استدلال کردن.

۶. تفسیر و علوم قرآن و حدیث.

۷. آشنایی با محاورات عرفی و زبان مردمی که مخاطب قرآن و سنت بوده اند.

۸. آشنایی با گفته ها و نظریات پیشینیان، برای پرهیز از واقع شدن در خلاف شهرت و اجماع.

۹. بررسی فتاوا و اخبار اهل سنت، به خصوص

در مواضع تعارض اخبار.

۱۰. تلاش درجهت استنباط احکام و تمرین در آن؛ به حدی که ملکهٔ استنباط حاصل شود.(۱)

با فراگیری علومی که گفته شد و با وجود شروط لازم، شخص مجتهد باید طبق آنچه استنباط کرده است، عمل کند و چنانچه در استنباط خود اشتباه کند، معذور است.(۲)

## ۴.۲. چند مسئله دربارهٔ اجتهاد

### ۱.۴.۲. وجوب اجتهاد

اجتهاد، واجب کفایی است و اگر افرادی (به قدر کفایت) بر این امر اقدام کردند، تکلیف از دیگران ساقط است (حضرت امام و آیت الله بهجت).(۳)

### ۲.۴.۲. فتوادادن کسی که مجتهد نیست

کسی که اهلیت فتوادادن ندارد (غیرمجتهد)، فتوادادن بر او حرام است (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، وحید، خویی، تبریزی، بهجت، مکارم، شاهرودی، اراکی، گلپایگانی و نوری).(۴)

---

۱- سیدروح الله خمینی، الرسائل، ج۲،ص۹۶.

۲- سیدروح الله خمینی، الرسائل، ج۲،ص۹۹.

۳- سیدروح الله خمینی، آموزش فقه، ص۲۱؛محمدتقی بهجت، جامع المسائل، ج۱، احکام اجتهاد و تقلید،س۱.

۴- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، م۴۳؛محمدعلی اراکی؛ محمدرضا گلپایگانی؛ حسین نوریهمدانی؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین؛ جواد تبریزی؛ سیدمحمودشاهرودی، ج۱، تقلید، م۲۱؛ حسین وحیدخراسانی؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ج۲، تقلید، م۲۱؛ محمدتقیبهجت، جامع المسائل، ج۱، احکاماجتهاد و تقلید، فصل۲، س۳۰.

کسی که اهلیت فتوادادن ندارد، بنا بر احتیاط واجب، فتوادادن بر او حرام است (آیت الله فاضل).(۱)

### ۳.۴.۲. فتوادادن مجتهد غیرجامع الشرایط

برای مجتهدی که سایر شروط مرجعیت را ندارد، فتوادادن به قصد عمل کردن غیرخودش به آن، حرام است (آیات عظام سیستانی، وحید، تبریزی و خویی).(۲)

### ۴.۴.۲. مجتهدشدن بانوان

اجتهاد به مردان اختصاص ندارد. بانوان نیز می توانند در این رشتۀ علمی تحصیل کنند و به مرحلۀ اجتهاد برسند (حضرت امام و آیات عظام مکارم و نوری، آیت الله فاضل: باید به اجتهاد خودش عمل کند).(۳)

بر هر مکلفی، در عبادات و معاملاتش واجب است مجتهد یا محتاط یا مقلد باشد (مشهور مراجع).(۴)

---

۱- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، م۴۳.

۲- جواد تبریزی، منهاجالصالحین؛ سیدعلی سیستانی، ج۱، م۲۱؛سیدابوالقاسم خویی،منهاج الصالحین؛ حسین وحید خراسانی، ج۱، م۲۱.

۳- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، م۱؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتائات،ج۱، س۲۴؛ نوری، استفتائات،ج۲، س۱۰؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج۳، س۲۹ و ج۳، س ۳۰؛سیدروح الله خمینی، استفتائات،ج۱، س۵۴.

۴- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، م۱؛ سیدروح اللهخمینی؛ محمد فاضل لنکرانی: «و رفتار روزمره اش»؛ ناصر مکارمشیرازی: «و سایر اعمال»؛ حسین نوری همدانی؛محمدرضا گلپایگانی؛ محمدعلی اراکی؛ سیدعلیسیستانی، منهاج الصالحین؛جواد تبریزی؛ سیدمحمود شاهرودی، ج۱، تقلید، م۱؛سیدابوالقاسم خویی،منهاج الصالحین؛ حسین وحید خراسانی: «و سایر اعمالو تروکش»، ج۲، تقلید، م۱؛ لطف الله صافیگلپایگانی، هدایه العباد،«و سایر اعمال»، ج۱، تقلید، م۱.

## فصل سوم: احتیاط

### اشاره

### ۱.۳. تعریف

احتیاط این است که شخص اعمال خود را به نحوی انجام دهد که یقین کند مطابق وظیفهٔ خود عمل کرده و تکلیف خود را انجام داده است (آیت الله فاضل).(۱)

چه کسی می تواند احتیاط کند؟

عمل به احتیاط برای همه جایز است؛ ولی باید مواضع احتیاط را بشناسد و البته افراد اندکی این مواضع را می شناسند؛ چون شناخت آن ها کار دشواری است و مستلزم اطلاع کامل دربارهٔ کیفیت آن (در احتیاط، انسان باید مجتهد باشد یا در همین احتیاطش، تقلید کند) (حضرت امام و آیات عظام اراکی و گلپایگانی، آیت الله صافی متن داخل پرانتز را ندارد).(۲)

چون عمل به احتیاط مستلزم شناسایی مواضع و چگونگی احتیاط و صرف وقت بیشتر است، بهتر این است که مکلف در احکام دین از مجتهد جامع الشرایط تقلید کند (رهبر معظم انقلاب).(۳)

کسی که می خواهد احتیاط کند، باید مجتهد

---

۱- محمد فاضللنکرانی، جامع المسائل، ج۱،س۳.
۲- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۲ و م۶۶؛ محمدعلی اراکی؛ محمدرضاگلپایگانی؛ سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج۱، م۱؛ آیت الله گلپایگانی:«پرسش: علما فرموده اند باید مکلف یا مجتهد باشد یا محتاط یامقلد. ظاهراً حصر عقلی است و صورت چهارمی ندارد. پس اینکه بعضیفرموده اند در نفس عمل به احتیاط هم باید تقلید کند، یعنیچه؟ پاسخ: نفس عمل به احتیاط یکی از موضوعات است و اگر بهاجتهاد نتواند حکم آن را استنباط کند، باید تقلید کند. در خود اینموضوع، احتیاط ممکن نیست؛ مگر به ترک آن» (مجمع المسائل، ج ۱،س۳۴)؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی و لطف اللهصافی گلپایگانی، هدایهالعباد، ج۱، م۱و۲.
۳- سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س۲و تحریرالمسائل، م۱۱.

باشد یا در اصل جواز عمل به احتیاط و عدم آن از مجتهد تقلید کند (آیات عظام فاضل و مکارم).(۱)

ازآنجاکه شرط عمل به احتیاط در احکام شرعی، آگاهی کامل به مواضع احتیاط است که فقط عدهٔ اندکی از آن اطلاع دارند، تقلید برای عموم مردم بهتر است (آیات عظام بهجت).(۲)

اقوا جواز ترک تقلید و عمل به احتیاط است؛ ولی معرفت مواضع احتیاط غالباً برای عوام متعذر یا متعسر است (آیات عظام سیستانی، وحید، خویی، شاهرودی و تبریزی).(۳)

عمل به احتیاط اگر موجب عسر و حرج نباشد، راجح است؛ ولی باید به این مطلب توجه کرد که در بسیاری از مواضع در خودِ عمل به احتیاط نیز باید یا مجتهد باشد یا تقلید کند (آیت الله نوری).(۴)

---

۱- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۲، محمد فاضل لنکرانی در عروه: «او یحتاط فیالکیفیه ایضاً»؛ ناصر مکارم شیرازی: «اما با وجودرسیدن به حکم شرعی به وسیلهٔ اجتهاد یا تقلید،احتیاط خوب نیست»؛ محمدفاضل لنکرانی، جامع المسائل،ج۱، س۲، و ج۱، س۳.

۲- محمدتقی بهجت، استفتائات،ج۱، س۴۳ و وسیلهالنجاه، ج۱، تقلید.

۳- سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج۱، م۳؛ سیدابوالقاسمخویی، منهاج الصالحین؛حسین وحید خراسانی، ج۲، م۳؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۲؛ آیت الله خویی:«در احتیاط، انسان باید یا مجتهد باشد یا در همیناحتیاطش تقلید کند»؛ آیت الله سیستانی: «یابا علم وجدانی احتیاط کند»؛ آیت الله تبریزی: «درعمل به احتیاط باید کیفیت احتیاط را بداند و اصل جوازآن را باید تقلید کند و در تقلید اگر به نحو صحیح باشد،مجزی است»؛ جواد تبریزی، استفتائات،ج۲، س۲۰ و منهاجالصالحین، ج۱، م۲.

۴- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۲؛ حسین نوری همدانی، هزارویک مسئلهٔ فقهی، ج۱، م۱۷ و توضیح المسائل، م۱.

## ۲.۳. نحوهٔ احتیاط

مراد از احتیـاط در مواضع آن، رعایت همـهٔ احتمالات فقهی است؛ به طوری که مکلف مطمئن شود به وظیفـهٔ خود عمل کرده است (رهبر معظم انقلاب).(۱)

پرسـش: برای شـخص محتاط آیا حـدود دایرهٔ احتیاط در احکام بین فقهاست و آیا واجب است فتاوی فقهای گذشـته را داخل کرد یا خیر؟ پاسخ: بلی لازم است (آیت الله نوری).(۲)

## ۳.۳. احتیاط به یکی از روش های زیر است:

انجام دادن عملی؛

ترک عملی؛

جمع کردن دو عمل؛ مانند جمع بین نماز ظهر و جمعه، جمع بین قصر و اتمام؛

تکرار عمل؛ مانند به چند جهت نمازخواندن در جایی که قبله معلوم نیست؛

ترک احتیـاط: مثلاًـ در تسبیحـات اربعه احتیاط این است که سه مرتبه گفته شود؛ اما درصورتی که وقت تنگ باشـد و به علت سه مرتبه گفتن، بعض نماز خارج از وقت خوانده شود، احتیاط، بلکه لازم، ترک این احتیاط است (حضرت امام و آیات عظام فاضل، سیستانی، مکارم، خویی، بهجت، گلپایگانی، اراکی و نوری).(۳)

---

۱- سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س۳ و تحریرالمسائل، م۹.

۲- حسین نوری همدانی، هزارویک مسئلهٔ فقهی، ج۱، س۱۸.

۳- عروه الـوثقی، ج۱، تقلیـد، م۳و۶۶؛سـیدروح الله خمینی؛ ناصـر مکـارم شـیرازی؛ سیدعلیسیسـتانی؛ محمـد فاضـل لنکرانی؛ سیدابوالقاسـمخویی؛ محمـدعلی اراکی؛ محمـدرضا گلپایگـانی؛حسـین نوری همـدانی؛ محمـدتقی بهجت، وسـیله النجاه، ج۱، تقلید، م۱ و استفتائات، ج۱، س۴۵و۴۶و۴۸.

## ۴.۳. رعایت آرای فقیهان گذشته در احتیاط

در احتیاط، اگر غرضِ احتیاط کننـده احراز حجت فعلیه باشد، رعایت آرای فقیهان گذشـته لازم نیست؛ به خلاف اینکه غرض احراز واقع باشد (آیت الله بهجت).(۱)

کسـی که به احتیاط عمل می کند، اگر مقصودش احتیاط مطلق است، باید همهٔ اقوال را ببیند و اگر هدفش احتیاط بین محتمل المرجعیه هاست، تنها آگاهی از اقوال علمای زنده برای او کافی است (آیت الله مکارم).(۲)

پرسـش: برای شـخص محتـاط، آیا داخل کردن فتاوای فقهای گذشـته هم لازم است؟ پاسـخ: بلی، برای رعایت احتیاط کامل، باید فتاوای علمای جامع الشرایط تقلید در گذشته نیز ملاحظه شود (آیت الله صافی).(۳)

---

۱- محمدتقی بهجت، وسیلهالنجاه، ج۱، تقلید، م۱ و استفتائات، ج۱، س۴۵و۴۶و۴۸.

۲- ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج۱، س۱۰.

۳- لطف الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج۱، س۵۲.

## فصل چهارم: تقلید

### اشاره

### ۱.۴. تعریف

تقلید به معنای دنباله روی است و در اصطلاح فقهی، یعنی عمل کردن به آنچه مجتهد در مسائل شرعی فتوا می دهد.

افکار عمومی تقلید را به معنای پیروی بدون چون وچرا نمی پذیرند؛ اما در آموزه های فرهنگ اسلامی، مقلد کسی است که از حاصل تلاش علمی مجتهد استفاده می کند و مسئولیت درستی و نادرستی استنباط احکام را بر عهدهٔ مجتهد می گذارد.

### ۲.۴. ضرورت تقلید

تقلید به معنای رجوع غیرمتخصص به متخصص است. به همان دلیل است که در مسائل طبی به طبیب و در مسائل ساختمانی به مهندس ساختمان و در سایر کارها به اهل خبرهٔ آن مراجعه می کنیم. در احکام اسلام نیز باید به فقیه مراجعه کنیم. فقیه متخصص در دین است. قرآن مجید می فرماید: )فَاسْئَلُوا اَهْلَ الذِّکْرِ اِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ( (=اگر چیزی را نمی دانید، از اهل اطلاع سؤال کنید.)

### ۳.۴. تقلید و عقل

اینکه احکام شرعی خود را با توجه به عقل و منطق انجام می دهیم، یعنی چه؟ مثلاً شما چگونه از راه عقل می فهمید مبطلات روزه چیست؟ کفارهٔ روزهٔ عمد چیست؟ زکات فطره چه مقدار باید باشد؟ نمازهای یومیه چند تا

و چند رکعت است و چه اجزا و چه شروطی دارد؟ حقوق دریاها و فلات قاره ازنظر دینی چیست؟ و صدها و هزارها مسئلهٔ دیگر.

واقع مطلب این است که هیچ یک از ما نمی توانیم احکام دینی خود را مستقلًا ازطریق عقل به دست آوریم و انجام دهیم؛ بلکه در همان اموری که به گفتهٔ خود تقلید نمی کنیم، مقلد هستیم؛ ولی به جای اینکه مثلاً رسالهٔ مجتهدی را برداریم و مطابق با آن عمل کنیم، براساس آنچه از دیگران دیده و با آن خو گرفته ایم، عمل کرده و از عرف و عادت عمومی تقلید می کنیم. یعنی در واقع به جای اینکه مستقیماً از متخصص و کارشناس، مسائل دینی را بیاموزیم، با واسطه از غیرمتخصص می گیریم.

گاه نیز ممکن است بنا به پندارهای خود و به سبب ندانستن دلایل و منابع حکم، با آن بستیزیم و آن را خلاف عقل به حساب آوریم؛ درحالی که با اندکی جست وجو و با مراجعه به کارشناسان دین در خواهیم یافت که دانش ما دراین زمینه ناقص بوده است. در چنین زمینه هایی، همان عقل و منطق که مستند برخی از مدعیان روشن فکری است، حکم می کند انسان باید ازطریق دین شناس و متخصص، احکام دین را فرا بگیرد و ناشیانه و با پندار، به بیراهه نرود.

به عبارت دیگر می توان گفت عقل دو گونه است:

الف. عقل ورزیده و کارشناختی: این همان

عقـل و دانش تخصصـی است و عقلای بشـر همواره در اموری که از آن آگاهی ژرف ندارنـد، به انـدیشه و دانش کارشـناس مراجعه می کنند.

ب. عقـل خـام و بـالقوه: چنیـن عقلی در مرحلـۀ پیش از تخصـص اسـت. کسـی کـه در چنیـن مرحلـه ای قرار دارد، همـواره به متخصص نبودن خویش اعتراف می کند و چاره ای نمی بیند جز اینکه در امور به متخصص مراجعه کند. البته راه دراز دیگری نیز وجود دارد و آن، عمری زحمت علمی برای یـافتن تخصـص است. این نیز روشـی نیکوست؛ ولی تا پیش از رسـیدن به آن، چاره ای جز پیروی از کارشناس نیست.

نـاگفته نمانـد گـاهی قـدرت تشـخیص عقل و حکمِ عقل با فراینـد برخی انـدوخته های فکری انسان که حاصل تأثیرپـذیری از محیط و تجربیات بشری و خواسته های شخص است، اشتباه می شود و آدمی تشخیص شخصی خود را حکم عقل به شمار می آورد. اینجـا همـان لغزشـگاهی است که بسـیاری گرفتـارش می شونـد. آنگاه که تشـخیص شخصـی خود را با احکام دینی در تضاد می بینند، فکر می کنند دین و عقل ناسازگارند یا انتظار دارند احکام دینی با تشخیص خودشان منطبق باشد. درحالی که حکم عقل در شـناخت بـدیهیات است که خطاپذیری در آن راه ندارد. چنین حکم عقلی با حکم شـرع منافات ندارد. همچنین گفته هـا و روش و منش عاقلاـن به دور از هرگونه قومیت و رنـگ و نژاد، بیـانگر فطرت مشترک انسـان هاست. این مسـئله در تشخیص

احکام شرعی نیز جایگاه ویژه ای دارد و با شرع ناسازگار نیست.

آنچه عقل حکم می کند، زشتی ناهنجاری و سیاهی ظلم است. اما اینکه چه چیزهایی موجب ناهنجاری و ظلم می شود، عقل به تنهایی قادر به تشخیص آن نیست؛ به ویژه اگر در گسترهٔ ابعاد ناهنجاری علاوه بر جسم و روان، معنویت نیز ملاحظه شود.

پیشینهٔ تقلید

مراجعه به فقیه و اسلام شناس برای آگاهی از احکام الهی و اطمینان به درستی اعمال، در تاریخ صدر اسلام و عصر ائمه (علیهماالسلام) ریشه دارد و طبق نظر برخی از بزرگان، دو آیه دراین زمینه نازل شده است؛ آنجاکه خداوند متعال می فرماید: )فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ((۱) (=...اگر نمی دانید، از آگاهان بپرسید.) «اهل ذکر» در روایات به امامان (علیهماالسلام) تفسیر شده است که مصداق بارز و کامل آیه هستند؛ با وجود این، شأن نزول و مورد، کلیت آیه را تخصیص نمی زند و به آنان محدود نمی سازد و شامل هر اهل خبره ای می شود. فقیهان نیز ازجملهٔ این اهل خبره هستند.

در جای دیگر می فرماید: )وَ ما كانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ((۲) (=شایسته نیست

---

۱- انبیاء، ۲۱.

۲- توبه، ۱۲۲.

مؤمنان همگی [به سوی میدان جهاد] کوچ کنند. چرا از هر گروهی، طایفه ای از آنان کوچ نمی کنند [و طایفه ای بمانند] تا در دین [و معارف و احکام اسلام] آگاهی پیدا کنند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آن ها را انذار کنند تا [از مخالفت فرمان پروردگار] بترسند و خودداری کنند؟) تردیدی نیست که «تفقّه» در این آیه، مفهومی گسترده دارد و شامل معارف و احکام اسلام، اعم از اصول و فروع دین، می شود. ازسوی دیگر مردم به پذیرش سخنان این گروه دعوت شده اند که در حوزهٔ دین تربیت و پرورش یافته اند. این همان رجوع به فقیه و اهل خبره است.

رسول اکرم (ص) برخی از صحابه را برای تبلیغ و تعلیم احکام دین به سرزمین های اطراف می فرستاد. مصعب بن عمیر و معاذبن جبل از نمونه های بارز این افراد به شمار می آیند. آن حضرت می فرمود: «از افتای بدون علم خودداری کنید که لعن فرشتگان را به دنبال خواهد داشت.»(۱) این امر نشانگر این است که فتوادادن ازسوی مفتی و فقیه و تقلید و پیروی کردن ازطرف مردم، در عصر پیامبر (ص) مطرح بوده و رجوع به فقیه پس از رحلت آن حضرت نیز همانند گذشته ادامه داشته است تا اینکه در دوران امام باقر و امام صادق (ع) فزونی گرفت. فقیهان بی شماری در مکتب آن دو بزرگوار تربیت و پرورش یافتند و به منظور احیا

---

۱- محمدحسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج۲۷،باب۴و۷.

و تعلیم احکام، به شهرهای مختلف کوچ کردند و بسیاری از مردم که شیفته و تشنهٔ معارف و احکام الهی بودند و در نقاط دوردست زندگی می کردند و دستشان از اهل بیت کوتاه بود، به سراغ آنان می رفتند و مسائل خود را از ایشان می پرسیدند و از علم بی کران ائمه (علیهماالسلام) سیراب می شدند. این همان «تقلید» است. اکنون به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم:

۱. حضرت باقر (ع) به ابان بن تغلب می فرماید: «اجْلِس فی مسجد المَدینه و افتِ النَّاسَ فَانّی احِبُّ انْ اری فی شیعَتی مِثْلَكْ.» (=در مسجد مدینه بنشین و به مردم فتوا بده؛ زیرا دوست دارم در میان شیعیانم کسانی همچون تو باشند.)(۱)

۲. شعیب عقرقوقی می گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: «رُبَما احْتَجْنا انْ نَسْأَلَ عَنِ الشَی ءِ فَمَنْ نَسْأَل؟» (=گاهی می خواهیم سؤال و مشکل دینی خود را از کسی بپرسیم [و به شما به جهت دوری راه یا حالت تقیه و دسترسی نداریم.] به چه کسی باید رجوع کنیم و سخن او را بپذیریم؟) حضرت در جواب فرمود: «عَلَيْكَ بِالْاَسَدی یَعْنی ابا بَصیر.» (=می توانید به ابوبصیر مراجعه کنید.)(۲)

این امر به همین شکل در عصر امامان بعد نیز تا زمان غیبت صغرای حضرت مهدی (عج) ادامه یافت.

---

۱- میرزاحسین محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج۱۷،باب۱۱.

۲- محمدحسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۷،باب۱۱.

۳. حسن بن علی بن یقطین می گویـد: به امـام رضـا (ع) عرض کردم: «لا ـ اکـادُ اصِـلُ الَیْـک اسْأَلَـکَ عَنْ کُلِ ما احْتاجُ الَیْهِ مِنْ مَعالِمِ دینی. ا فَیُونُسُ بنُ عَبْـدِ الرَّحْمانِ ثِقَهٌ آخُذُ مِنْهُ ما احْتاجُ الَیْهِ مِنْ مَعالِمِ دینی؟» (=نمی توانم دربارهٔ همهٔ مشـکلات دینی که برایم پیش می آیـد، از شـما سؤال کنم. آیا یونس بن عبدالرحمان ثقه و راست گوست و می توانم پاسخ نیازهای دینی خود را از او دریافت کنم؟) امام (ع) فرمود: «نَعَم.»(۱)

۴. حضرت مهدی (عج) در توقیع شریف و معروف خود به اسحاق بن یعقوب به عنوان قاعده ای کلی، این چنین می نگارد: «و امّـا الْحَوادِثُ الواقِعَهُ فَـارْجِعُوا فیها الی رُواهِ احادیثِنا فَانَّهُم حُجَّتی عَلَیْکُم و انَا حُجَّه اللَّهِ عَلَیْهِم.»(۲) (=در پیشامدهایی که رخ می دهد، به راویان احادیث ما (فقها) مراجعه کنید. آن ها حجت من بر شمایند و من حجت خدا بر ایشان.)

براساس این توقیع و دیگر روایات، مسئلهٔ رجوع به فقیه در عصـر غیبت کبرا، شکل دیگری به خود گرفت و دو راه «اجتهاد» و «تقلیـد» باز شـد و فقیهان و مجتهـدان جامع شـرایط، مسئولیت افتا و پاسـخ گویی را به عهـده گرفتند و خلأ و مشـکل نداشـتن دسترسـی به امـام معصوم را بـا حضور خود در عرصـهٔ اجتماع پر کردنـد. این امر تاکنون ادامه دارد و خواهـد داشت؛ چنان که شیخ

---

۱- محمدحسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج۲۷،باب۱۱.

۲- محمدحسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج۲۷،باب۱۱.

طوسی می گوید: «شیعهٔ امامی را از زمان حضرت علی (ع) تاکنون (قرن پنجم هجری) این گونه یافتم که پیوسته سراغ فقیهان خود می رفتند و در احکام و عبادات خود از آنان استفتا می کردند. بزرگان آنان نیز پاسخ و راه عمل به فتوا را به آنان نشان می دادند.»(۱)

## ۴.۴. محدودهٔ تقلید

از چه کسی؟ از مجتهد جامع الشرایط.

تقلید در اصول دین جایز نیست (اجماع).(۲)

در چه چیزی؟ ۱. ضروریات دین؛ مانند اصل وجوب نماز و روزه: نیاز نیست (اجماع).(۳)

در فروع دین ۲. غیرضروریات دین: برای غیرمجتهد واجب است (اجماع).(۴)

---

۱- شیخ طوسی، عده فی اصول الفقه.

۲- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۶و۶۷؛ سیدروح الله خمینی؛ ناصر مکارمشیرازی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ سیدعلیسیستانی؛ سیدابوالقاسم خویی؛ «محل تقلید ومورد آن، احکام فرعیهٔ عملیه است؛ پس تقلید در اصول دینو نه در مسائل اصول فقه و نه در مبادی استنباط جاری نمی شود؛مثل نحو و صرف و مانند این دو و نه در موضوعات مستنبطهٔ عرفیه یالغویه و نه در موضوعات صرفه. پس هرگاه مقلد مثلاً در مایعی شک کردکه آیا خمر است یا سرکه و مجتهد گفت که آن خمر است، تقلید او جایزنیست» (سیدروح الله خمینی، استفتائات، ج۱، تقلید، س۱و۴۱)؛ توضیح المسائل مراجع، م۱؛سیدروح الله خمینی، استفتائات،ج۱؛ محمد فاضل لنکرانی، استفتائات،ج۱، تقلید، س۱؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، تقلید، مجاز وغیرمجاز، س۴؛ آیات عظام تبریزی، خویی،صافی، گلپایگانی، اراکی، نوری همدانی وزنجانی، توضیح المسائل،م۱؛ جواد تبریزی، استفتائات،ج۱، س۵۹.

۳- توضیح المسائلمراجع، م۱؛ سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج۱، تقلید، م۱؛ ناصرمکارم شیرازی، استفتائات،ج۳، س۳.

۴- توضیح المسائلمراجع، م۱؛ محمدتقی بهجت، استفتائات،ج۱، تقلید، س۶۸؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین؛ حسینوحید خراسانی، ج۲، م۱؛ جواد تبریزی، توضیح المسائل، م۱ و استفتائات، ج۱، س۵۹.

۳. تقلید در واجبات و محرمات و مستحبات و مکروهات و مباحات واجب است (مشهور مراجع) (البته تفصیلاتی دارد که در بحث «تقلید در احکام پنجگانه» بیان می شود).(۱)

۴. در موضوعات به عهدهٔ خود مکلف است (حضرت امام و رهبر معظم انقلاب و آیات عظام بهجت، وحید، مکارم و تبریزی)(۲) (تفصیلی دارد که در بحث «نظر مرجع تقلید در موضوعات محضه یا صرفه» ذکر شده است).

## ۵.۴. آشنایی با اصطلاحات

### ۱.۵.۴. فتوا

فتوا بیان حکم کلی الهی است که آن را مجتهد استنباط کرده است. البته تطبیق آن بر موضوعات و مصادیق آن، بر عهدهٔ مقلد است. مثال: اگر روزه گرفتن برای بدن ضرر داشته باشد، صحیح نیست. یا: درصورتی که خریدار در معامله فریب خورده باشد، حق فسخ معامله را دارد.

---

۱- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۲۹، سیدروح الله خمینی؛ ناصر مکارمشیرازی؛ محمدعلی اراکی؛ سیدروح اللهخمینی، تحریرالوسیله، ج۱، تقلید، م۱؛ هدایه العباد، ج۱، م۱؛ منهاج الصالحین، ج۱، م۱؛ محمدتقی بهجت، استفتائات، ج۱، س۶۶.

۲- سیدروح الله خمینی، استفتائات، ج۱، تقلید، م۴۰و۴۱؛ محمدتقیبهجت، استفتائات، ج۱،س۶۹و۱۰۲؛ سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س۵؛ حسینوحید خراسانی، توضیح المسائل،م۱؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت،تقلید، عمل بدون تقلید، س۱۰۲؛ جوادتبریزی، استفتائات، ج۱،س۵۹.

### ۲.۵.۴. الفاظ دال بر فتوا

۱. بعید نیست.(۱)

۲. الاقوی ذلک و ان لم یخل عن اشکال.(۲)

۳. بنا بر اقوا.(۳)

۴. یجب علی اشکال.(۴)

۵. لا اشکال فیه.(۵)

۶. اقوا.(۶)

۷. اظهر آن است.(۷)

۸. اقوا آن است.(۸)

۹. حرام است.(۹)

۱۰. جایز است، جایز نیست.(۱۰)

الفاظ زیر فقط در جامع المسائل آیت الله فاضل ذکر شده است:

۱. محل اشکال، بل عدم الاعتبار لا یخلو من قوه.

۲. بعید است.

۳. لا تخلو من الاشکال و ان لا تخلو من قوه.

۴. لازم است.

---

۱- محمـد فاضل لنکرانی، جامعالمسائل، ج۳، س۳۹؛ سیدموسی شبیریزنجانی، توضیح المسائل مراجع،م۷؛ جواد تبریزی، استفتائاتجدید، ج۱، م۴۸.

۲- محمد فاضل لنکرانی، جامعالمسائل، ج۳، س۴۰؛ سیدمحمدرضا موسویگلپایگانی، مجمع المسائل، ج۱، س۳۷.

۳- محمد فاضل لنکرانی، جامعالمسائل، ج۳، س۳۹؛ سیدموسی شبیری زنجانی،توضیح المسائل، م۷؛سیدعلی سیستانی، رسالهٔ

جامع، ج۱،م۷.

۴- سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج۱، تقلید، م۳۱؛ حسینوحید خراسانی، منهاجالصالحین؛ سیدابوالقاسم خویی، ج۲، تقلید،م۳۱.

۵- سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س ۵۰ و تحریر المسائل، م۴۰.

۶- سیدروح الله خمینی، استفتائات، ج۱، تقلید، م۴۷؛ محمد فاضللنکرانی، جامع المسائل، ج۲،س۳۱؛ سیدعلی سیستانی، رسالهٔ جامع،ج۱، م۷.

۷- سیدموسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل مراجع، م۷؛ سیدعلی سیستانی، رسالهٔجامع، ج۱، م۷.

۸- سیدموسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل مراجع، م۷.

۹- سیدعلیسیستانی، رسالهٔ جامع، ج۱، م۷.

۱۰- سیدعلیسیستانی، رسالهٔ جامع، ج۱، م۷.

۵. بنا بر اظهر.

۶. الاحوط کذا، بل لا یبعد ذلک.

۷. فیه نظر بل منع.

۸. محل نظر بل منع.

۹. بل الظاهر العدم.

۱۰. کفایتها لا تخلو عن قوه.

۱۱. لا یبعد.

۱۲. باید.

۱۳. فیه نظر بل منع.

۱۴. خالی از وجه نیست.

۱۵. بل لا یخلو عن قوه.

۱۶. الاشتراط لا یخلو عن وجه بل عن قوه.

۱۷. فیه اشکال بل منع.

۱۸. هو الاقرب.

۱۹. و ان کان فی غایه البعد

۲۰. یجب علی تأمل.

۲۱. ظاهراً.

۲۲. فی ثبوتها بالعدل الواحد اشکال بل منع.(۱)

### ۳.۵.۴. احتیاط واجب

## اشاره

اگر دلیل مسئله ای شرعی، به طور صددرصد برای مجتهد روشن باشد، دربارهٔ آن مسئله به صراحت فتوا می دهد؛ ولی گاه به عللی از فتوا و نظردادن خودداری کرده و در مسئله احتیاط می کند. این عمل یا به جهت این است که دلیل مسئله به خوبی و به طور صددرصد

---

۱- محمد فاضل لنکرانی، جامعالمسائل، ج۳، س۴۲و۳۹و۴۰ و ج۲،س۳۱ و ج۱، س۳۱.

برای او روشن نیست یا اینکه نظر او با همه یا بیشتر فقها تفاوت دارد و به منظور رعایت احتیاط و تقوا، به خلاف آنان فتوا نمی دهد و احتیاط می کند یا به جهت عوامل دیگری که در کتاب های استدلالی ذکر شده است. این نوع خودداری از فتوادادن را «احتیاط واجب» گویند. دراین زمینه، مقلد یا باید به این احتیاط عمل کند یا به فتوای مجتهدی عمل کند که بعد از او اعلم است.

#### ۱.۳.۵.۴. الفاظ دال بر احتیاط واجب یا در حکم احتیاط واجب

۱. محل تأمل.(۱)

۲. محل اشکال.(۲)

۳. فیه تأمل، فیه اشکال، المشهور کذا، قیل کذا.(۳)

۴.خالی از اشکال نیست.

۵. هو مشکل.

۶. وجوبه مبنی علی الاحتیاط.

۷. فیه اشکال، مشکل، لا یخلو من اشکال.(۴)

۸. مشکل کذا.

۹. فی قوته اشکال.

۱۰. القوه ممنوعه.

---

۱- رسالهٔ مراجع،م۷؛ محمد فاضل لنکرانی، جامعالمسائل، ج۳، س۴۲.

۲- رسالهٔ مراجع،م۷؛ محمد فاضل لنکرانی، جامعالمسائل، ج۳، س۴۲.

۳- سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج۱، تقلید، م۳۱؛ حسینوحید خراسانی و سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین؛ ج۱، تقلید،م۳۱.

۴- سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س ۵۰ و تحریر المسائل، م۴۰.

۱۱. مشکل، فیه اشکال.(۱) اشکال دارد.(۲)

۱۲. الاحوط وجوباً (احتیاط واجب).(۳)

۱۳. الاحوط لزوماً (احتیاط لازم).(۴)

۱۴. بنا بر احتیاط، بنا بر احوط.(۵)

این الفاظ در جامع المسائل آیت الله فاضل ذکر شده است:

۱. مشکل و کذا فی الثانی بل هو اشد اشکالاً.

۲. محل تأمل و اشکال.

۳. لا یخلو من الاشکال.

۴. علی اشکال فیها.

۵. فی کفایته اشکال.

۶. و فی ایجابه لکذا اشکال و الاحوط کذا.

۷. فی اطلاقه اشکال.

۸. اشتراط هذا الامر مشکل.

۹. محل نظر و اشکال.

۱۰. تشکل صحتها.

۱۱. محل تأمل و الاحوط فیه الاعاده.

۱۲. العفو لا یخلو عن وجه.

۱۳. لا یخلو عن تأمل.(۶)

استثنا (احتیاط واجب هایی که نزدیک به فتوا هستند و به عالمی دیگر نمی توان رجوع کرد):

۱- سیدروح الله خمینی، استفتائات، ج۱، تقلید، س۴۷ و تحریر المسائل، م۴۰.

۲- محمد فاضل لنکرانی، جامعالمسائل، ج۲، تقلید، س۳۱.

۳- سیدعلیسیستانی، رسالهٔ جامع، ج۱، م۸.

۴- سیدعلیسیستانی، رسالهٔ جامع، ج۱، م۸.

۵- سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی و لطف اللهصافی گلپایگانی، هدایه العباد، ج۱،م۳۷؛ محمد فاضل لنکرانی، جامعالمسائل، ج۳، س۳۹و۴۲ و ج۲، س۳۱و۳۳.

۶- محمد فاضل لنکرانی، جامعالمسائل، ج۳، س۳۹و۴۲ و ج۲، س۳۱و۳۳.

هـذا هو الاـحوط لو لم یکن اقوی، لاـ یخلو من قرب (آیات عظام فاضل، خویی و تبریزی؛ آیت الله سیستانی: در حکم احتیاط واجب است).(۱)

الاحوط لو لم یکن اقوی، الاحوط لو لم یکن او اظهر (آیت الله تبریزی: فتواست).(۲)

### ۲.۳.۵.۴. فرق فتوا و احتیاط واجب

عمل به فتوا واجب است و نمی توان از آن رجوع کرد؛ اما در احتیاط واجب می توان به مجتهد بعد که عالم تر(۳) از بقیهٔ مراجع است، رجوع کرد (اجماع، غیر از آیت الله شبیری زنجانی).(۴)

اگر مجتهد اعلم در مسئله ای فتوا دهد، مقلدِ

---

۱- محمد فاضل لنکرانی، جامعالمسائل، ج۳، س۴۲؛ آیات عظام خویی و تبریزی؛آیت الله فاضل، صراط النجاه، ج۱، ص۱۸، س۲۱؛آیت الله سیستانی، استفتای کتبی خصوصی.

۲- جواد تبریزی، منهاجالصالحین، ج۱، م۳۱.

۳- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۶۳؛ سیدابوالقاسم خویی: این زمانیاست که به مخالفت فتوا علم داشته باشیم؛ وگرنه مراعات الاعلم فالاعلم واجبنیست.

۴- رسالهٔ مراجع، م۷؛ سیدروح اللهخمینی، تحریرالوسیله، ج۱، تقلید، م۳۴؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۶۳، محمد فاضللنکرانی؛ سیدعلی سیستانی؛ سیدابوالقاسمخویی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ محمدعلی اراکی؛ سیدمحمدرضا موسویگلپایگانی؛ حسین نوری همدانی؛ استفتائات، سیدروح اللهخمینی، ج۱، تقلید، س۵۱؛ سیدابوالقاسمخویی، استفتائات، تقلید،س۲۳و۲۴؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، م۷؛ محمد فاضللنکرانی، جامع المسائل، ج۳،تقلید، س۱۷؛ سایت،ناصر مکارم شیرازی، «رجوع به مساوی هم جایز است؛ اما بهمیت نمی توان رجوع کرد»، تقلید، اصطلاحات فقهی، س۲و بقای بر تقلید، میت، س ۱۰ و تقلید،میت، س۵؛ جواد تبریزی، توضیح المسائل، م۷ و استفتائات،ج۱، س ۴۰؛ توضیح المسائل،سیدابوالقاسم خویی، م۷؛ توضیح المسائل، محمدعلی اراکی، م۷؛ سیدمحمدرضاموسوی گلپایگانی، توضیح المسائل، م۷ و مجمعالمسائل، ج۱، س۲۲؛ لطف الله صافیگلپایگانی، توضیح المسائل،م۷؛ حسین نوری همدانی، هزارویک مسئلهٔ فقهی، س۱۱.

آن مجتهد نمی تواند در آن مسئله به فتوای مجتهد دیگر عمل کند. گفتنی است علاوه بر مسائلی که بدون هیچ قیدی ذکر شده است، مسائلی که در آن عباراتی نظیر «اقوا آن است»، «بنا بر اقوا»، «اظهر آن است» و «بعید نیست» به کار رفته است، فتواست.

احتیاط بر سه قسم است:

۱. احتیاط مستحب: در جایی است که قید «استحبابی» یا «مستحب» همراه احتیاط آمده است؛ مثل اینکه گفته شود: «احتیاط مستحب این است که پیش از نماز، اذان و اقامه گفته شود.» عمل به احتیاط مستحب، واجب نیست؛ بلکه شایسته است.

۲. احتیاط واجب: در جایی است که قید «وجوبی» یا «واجب» همراه احتیاط، ذکر شده باشد؛ مثل اینکه گفته شود: «بنا بر احتیاط واجب باید برای قضای نماز آیات غسل کرد.» عمل به این گونه احتیاط، واجب است و نمی توان در آن به فتوای مجتهد دیگر رجوع کرد.

۳. احتیاط مطلق: در جایی است که احتیاط، بدون هیچ قیدی به کار رفته است؛ مثل اینکه گفته شود: «بنا بر احتیاط باید از آب قلیلی که بعد از برطرف شدن عین نجاست برای آب کشیدن چیز نجس روی آن می ریزند و از آن جدا می شود، اجتناب کرد.» در احتیاط مطلق، مقلد می تواند به احتیاط عمل نکند؛ بلکه مطابق فتوای مجتهد دیگر، با رعایت

شرط اعلمیت نسبی رفتار کند. عبارت «محل اشکال است» نیز در احتیاط مطلق به کار می رود (آیت الله شبیری زنجانی).(۱)

در احتیاط واجب، قبل از عمل و بعد از عمل می توان رجوع کرد. حالا این رجوع می تواند به فتوا باشد یا احتیاط واجب دیگر (با رعایت الاعلم فالاعلم) (حضرت امام و آیات عظام خویی، مکارم و سیستانی).(۲)

در احتیاط واجب مکلف می تواند به مجتهد دیگری که در مسئله احتیاط ندارد، بلکه فتوای صریح دارد، با مراعات الاعلم فالاعلم رجوع کند (رهبر معظم انقلاب و آیت الله وحید).(۳)

درصورت تساوی مراجع ازنظر علم یا ممکن نبودن تشخیص اعلم، مخیر هستید در احتیاط های واجب به هرکدام رجوع کنید؛ مگر اینکه یکی از آن ها اورع باشد. دراین صورت بر دیگران مقدم است (آیت الله بهجت).(۴)

در احتیاط واجب نمی توان به فتوای مجتهد میت رجوع کرد؛ بلکه باید به مجتهد زندۀ الاعلم فالاعلم رجوع کند یا به احتیاط عمل کند و در احتیاط، رجوع بعد از عمل هم مانعی ندارد (آیت الله تبریزی).(۵)

---

۱- سیدموسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل، م۷.

۲- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج۱، م۳۴؛ سیدابوالقاسمخویی، استفتائات، تقلید،س۲۴؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، تقلید از چند مرجع، س۷؛ سیدعلی سیستانی، رسالۀجامع، ج۱، استفتائاتتقلید، س۵و۶.

۳- سیدعلی خامنه ای، تحریر المسائل، م۳۹؛ حسین وحیدخراسانی، مناسك حج، اصطلاحات، احتیاط واجب،ص ۳۵۰.

۴- محمدتقی بهجت، استفتائات،ج۱، تقلید، س۸۵.

۵- جواد تبریزی، استفتائات،ج۲، س۶و۲۸.

پرسش: در مسائلی که حضرت آیت الله گلپایگانی احتیاط می کرد، بنده به حضرت آیت الله اراکی رجوع می کردم. حال در این زمان هر دو به رحمت ایزدی پیوسته اند. چه باید بکنم؟ پاسخ: در مسائلی که به مرحوم آیت الله آقای اراکی رحمت الله رجوع کرده اید، می توانید به تقلید ایشان باقی بمانید (آیت الله صافی).(۱)

پرسش: دربارهٔ بقای بر تقلید مجتهد متوفی فرموده اید: اگر فرد در زمان حیات مجتهد، ملتزم شده است که به فتوای آن مجتهد عمل کند، برای بقای بر تقلید او بعد از فوت کافی است. حال شخصی در بعضی از مسائلی که احتیاط واجب یا احتیاط لازم داده اید به فالاـعلمِ معین رجوع می کرده و ملتزم بوده است که تمامی مسائل احتیاطی را درصورت احساس نیازِ به رجوع، به همان فالاعلم معین مراجعه و تقلید کند. هم اکنون مجتهد فالاعلم فوت کرده است. آیا بعد از فوت او بازهم می توان مسائل احتیاطی را که جدیداً محلّ ابتلای او می شود و قبلاً مراجعه نکرده است، به فالاعلم فوت شده مراجعه کند؟ پاسخ: بلی، به نظر این جانب می تواند (آیت الله سیستانی).(۲)

---

۱- لطف الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۳۳.

۲- سیدعلیسیستانی، رسالهٔ جامع، ج ۱، استفتائات تقلید، س ۱.

### ۳.۳.۵.۴. تفاوت «فتوای به احتیاط» با «احتیاط در فتوا»

فتوای به احتیاط این است که مجتهد دستور به احتیاط بدهد؛ مثلاً بگوید: «اگر دو ظرف آب وجود دارد و می دانی یکی از آن دو نجس است، اما نجس را نمی شناسی، باید احتیاط کرده و از هر دو اجتناب کنی.» ولی احتیاط در فتوا این است که مثلاً بگوید: «اکتفا به یک تسبیح اربعه در رکعت سوم و چهارم اشکال دارد و احتیاط این است که سه مرتبه بخوانی» (آیت الله مکارم).(۱)

### ۴.۵.۴. احتیاط مستحب

#### اشاره

در جایی است که مجتهد فتوای صریحی دارد؛ مثلاً گفته است یک بار تسبیحات اربعه در رکعت سوم و چهارم نماز کفایت می کند و با وجود آن احتیاط می کند و می گوید: «احتیاط این است که سه مرتبه بگویند.» این را «احتیاط مستحب» می گویند. عمل به این احتیاط واجب نیست؛ بلکه مستحب است.

### ۱.۴.۵.۴. احتیاط بعد از فتوا یا قبل از فتوا

اگر مجتهد اعلم بعد از اینکه در مسئله فتوا داده است، احتیاط کند، مثلاً بفرماید «ظرف نجس را که یک مرتبه در آب کر بشویند پاک می شود، اگرچه احتیاط این است که سه مرتبه بشویند» مقلد او نمی تواند در آن مسئله

---

۱- ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج۳، س۱۲، سایت، تقلید، اصطلاحات فقهی، س۱۸.

به فتوای مجتهد دیگر رفتار کند؛ بلکه باید یا به فتوا عمل کند یا به احتیاط بعد از فتوا که آن را احتیاط مستحب می گویند؛ (مگر اینکه فتوای مجتهد دیگر نزدیک تر به احتیاط باشد) (حضرت امام و آیات عظام تبریزی، بهجت، «وحید، خویی»،(۱) سیستانی،(۲) نوری، صافی گلپایگانی، شاهرودی، مکارم، اراکی، گلپایگانی و فاضل).(۳)

### ۲.۴.۵.۴. فرق مستحب با احتیاط مستحب

مستحب سنت پیامبر و ائمهٔ معصوم (علیهماالسلام) است و انجام آن ثواب دارد؛ اما احتیاط مستحب احتمال به واقع رسیدن است.

### ۳.۴.۵.۴. الفاظ احتیاط مستحب

یجوز علی اشکال، یجوز علی تأمل (آیات عظام سیستانی و خویی و وحید).(۴)

۱. و ان کان الاحتیاط لا ینبغی ترکه. ۲. ینبغی (آیات عظام فاضل و گلپایگانی و صافی).(۵)

---

۱- حسین وحید خراسانی و سیدابوالقاسمخویی، منهاج الصالحین،ج۲، تقلید، م۳۱؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، تقلید،م۷ و سایت، استفتائات، تقلید، س۲۱.

۲- سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج۱، تقلید، م۳۱.

۳- توضیح المسائلمراجع، م۸؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱،تقلید، م۶۴؛ متن داخل پرانتز را آیات عظام محمدتقیبهجت و ناصر مکارم شیرازی ندارند؛ محمدتقی بهجت، توضیح المسائل، تقلید،م۱۰ و استفتائات، ج۱،تقلید، س۵۱؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، تقلید، اصطلاحاتفقهی، س۳؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج۱، م۳۱؛ سیدمحمدرضاموسوی گلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی، هدایهالعباد، ج۱، م۳۷.

۴- سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج۱، تقلید، م۳۱؛ حسینوحید خراسانی و سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ج۲، تقلید،م۳۱.

۵- محمد فاضل لنکرانی، جامعالمسائل، ج۳، س۴۲، ش۱۷؛ سیدمحمدرضاموسوی، هدایه العباد؛ لطف اللهصافی گلپایگانی، ج۱، م۳۷.

الاولی و الاحوط کذا، الاحوط الاولی کذا (آیات عظام گلپایگانی و صافی).(۱)

### ۵.۵.۴. وجه اختلاف تعبیر در عبارات فقها

وجه اختلاف تعبیرها، اختلاف ادله و فهم و استنباط فقیه از مفاد آن هاست؛ مثلاً در جایی که دلالت ادله بر حکمِ مسئله، صریح و قطعی نیست، اما به نظر فقیه حکم آن روشن و دلالتِ دلیل بر آن قوی است، تعبیر به «اقوا» می کنند و در جایی که حکم مسئله روشن است، به گونه ای که فقیه را به اظهار فتوا متمایل می کند (هرچند دلالت دلیل قوی نیست)، تعبیر به «بعید نیست» یا «ظاهراً چنین است» می کنند. در جایی که دلالت ادله بر حکم، به طوری ظهور دارد که فقیه را در مرز فتوا قرار می دهد (گرچه حتمی نیست)، شبههٔ قوی بر وجوب یا حرمت وجود دارد. در این حالات تعبیر به «احتیاط واجب...» می کنند و اگر شبهه قوت ندارد، تعبیر به «احوط» یا «احتیاط» (به نحو مطلق) می کنند و هکذا (آیت الله فاضل).(۲)

### ۶.۵.۴. فرق علم و اطمینان

در علم، احتمال خلاف وجود ندارد. در اطمینان احتمال خلاف وجود دارد؛ ولی ضعیف و در حدی که عقلا به آن اعتنا نمی کنند

---

۱- سیدمحمدرضا موسوی و لطف الله صافیگلپایگانی، هدایه العباد،ج۱، م۳۷.

۲- محمد فاضل لنکرانی، جامعالمسائل، ج۲، س۳۵.

(آیت الله فاضل).(۱)

اطمینان و علم مساوی هستند مطلقاً (آیت الله خویی).(۲)

در غیر مرافعات و بعض موارد حکم حاکم، اطمینان در حکمِ یقین است (آیت الله تبریزی).(۳)

### ۷.۵.۴. جاهلِ مقصر و جاهلِ قاصر

جاهل قاصر: کسی است که اصلاً ملتفت جهلش نیست یا اگر ملتفت باشد، به طرق رفع جهل، علم ندارد.

جاهل مقصر: کسی است که ملتفت جهلش است و طرق ممکن رفع جهل را هم می داند؛ اما در پیمودن آن طرق کوتاهی می کند (رهبر معظم انقلاب).(۴)

ملاک، التفات داشتن و احتمال بطلان و شک در صحت و عدمِ صحت عمل است؛ به این معنا که اگر کسی احتمالِ بطلانِ عمل خاصی را بدهد و در صحتِ آن شک داشته باشد و درعین حال سؤال نکند، جاهلِ مقصر محسوب می شود و معذور نیست؛ اما اگر به جهل خود توجه نداشته باشد و احتمال بطلان ندهد و عمل را صحیح بداند، جاهل قاصر محسوب می شود و معذور است (آیت الله فاضل).(۵)

در هر عصری تفسیر و تبیین مصادیق جاهل

---

۱- محمد فاضل لنکرانی، جامعالمسائل، ج۳، س۲۸.

۲- سیدابوالقاسم خویی، استفتائات، تقلید، س۱۱.

۳- جواد تبریزی، استفتائات،ج۱، س۶۵.

۴- سیدعلی خامنه ای، تحریر المسائل، م۳۸.

۵- محمد فاضل لنکرانی، جامعالمسائل، ج۲، س۳۶.

قاصر، به عرف همان عصر مربوط می شود (آیت الله بهجت).(۱)

جاهل قاصر ممکن است در کنار حوزه های علمیه هم وجود داشته باشد و آن، کسی است که مسئله ای را اشتباه فهمیده است یا اصلاً به ذهنش نمی آمده که چنین مسئله ای وجود داشته باشد یا اهل مطالعه بوده و در مطالعه به خطا رفته است. همهٔ این ها جاهل قاصر هستند (آیت الله مکارم).(۲)

جاهل قاصر فردی است که ازروی عذر، حکم شرعی را نمی داند و در فراگیری آن کوتاهی نکرده است و به تعبیر دیگر، کسی است که در ندانستن حکم شرعی معذور است و در فعل یا ترک چیزی به دلیل و حجتی استناد می کرده است؛ هرچند که خطای آن بعداً آشکار شود.

جاهل مقصر فردی است که امکان آموختن مسائل را داشته؛ ولی در فراگیری آن کوتاهی کرده است و به تعبیر دیگر، کسی است که در ندانستن حکم شرعی معذور نیست؛ مانند کسی که در آموختن مسائل دینی، سستی کرده باشد.

فردی که در حکم شرعی عملی شک دارد و به فراگیری آن قادر نیست، وظیفه اش احتیاط است و چنانچه با امکان احتیاط، عمداً عملِ مطابق با احتیاط را ترک کند، مقصر محسوب می شود و داخل در عنوان جاهل قاصر به

---

۱- محمدتقیبهجت، استفتائات، ج ۱، س ۵۲.

۲- سایت،تقلید، متفرقه.

حساب نمی آید؛ بلکه جاهل مقصر محسوب می شود (آیت الله سیستانی).(۱)

#### ۸.۵.۴. فرق حکم و فتوا

فتوا در احکامِ کلی است و حکم، در موضوعات (آیات عظام بهجت و مکارم).(۲)

فتوا عبارت است از بیان حکمی کلی که مجتهد آن را از کتاب و سنت استفاده کرده است؛ ولی حکم، انشا و دستوری است در موضوع خاص جزئی که مجتهد جامع الشرایط صادر می کند (آیت الله صافی).(۳)

#### ۹.۵.۴. فرق «جایز نیست» با «حرام است»

تفاوتی ندارد (رهبر معظم انقلاب و آیات عظام بهجت و مکارم).(۴)

در مقام عمل فرقی بین آن ها نیست (آیات عظام فاضل و سیستانی).(۵)

### ۶.۴. ضروریات دین

هرچیزی که جمیع مسلمانان آن را قبول دارند و جزء دین اسلام می شمارند و نیز حکمش برای همهٔ آنان روشن است، «ضروری دین»

---

۱- استفتای کتبی خصوصی (تصویر استفتا در پایانکتاب آمده است).

۲- محمدتقیبهجت، استفتائات، ج۱، س۵۷؛ناصر مکارم شیرازی، استفتائات،ج۱، س۲۲.

۳- لطف الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج۱، س۴۸.

۴- ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج۳، س۱۱ و سایت، تقلید، اصطلاحات فقهی، س۷؛ محمدتقیبهجت، استفتائات، ج۱، س۵۰؛سیدعلی خامنه ای، اجوبهالاستفتائات، س۵۱ و تحریرالمسائل، م۴۰.

۵- محمد فاضل لنکرانی، جامعالمسائل، ج۲، س۳۴؛ سیدعلیسیستانی، رسالهٔ جامع، ج۱، استفتائاتتقلید، س۳.

نامیده می شود. اصل وجوب نماز، روزه، زکات و خمس ضروری اسلام است. حکم ضروریات، به صراحت در آیات و روایات ذکر شده است (آیت الله فاضل).(۱)

### ۷.۴. اهل خبره

اهل خبره عالمانی اند که قدرت تشخیص مقام علمی و استعداد و صلاحیت مرجع تقلید را دارند و صلاحیت را با شرکت در بحث های خارج فقه و اصولِ او یا با مطالعه و بررسی کتاب های علمی وی احراز می کنند.

لازم نیست اهل خبره، خود مجتهد باشند؛ ولی باید در حدی از مرتبهٔ علم باشند که بتوانند مجتهد را از غیرمجتهد و اعلم را از غیراعلم تشخیص دهند (اجماع).(۲)

### ۸.۴. معنای اورعیّت

مراد از اورعیت این است که به واسطهٔ مزید قوّت ایمان، مسامحهٔ شخص در فحصِ لازِم در استنباط، کمتر بوده و اَولی به محافظه کاری در این مقام باشد (آیت الله بهجت).(۳)

اورعیت یعنی شخص در اموری که در فتوادادن و استنباط نقش دارد، بیشتر احتیاط کند و اهل تحقیق و بررسی باشد (آیت الله سیستانی).(۴)

---

۱- محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج۶، ص۴۶و۴۷.

۲- جواد تبریزی، استفتائات،س۵۶ و ج۲، س۱۸؛ آیت الله نوری، توضیح المسائل، م۳؛ حسینوحید خراسانی، توضیح المسائل،م۳؛ سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س۲۴و۲۵؛محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل،ج۲، س۱۱؛ توضیح المسائلمراجع، م۳؛ سیدابوالقاسم خویی، استفتائات، تقلید، س۷؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج۳، س۸.

۳- محمدتقی بهجت، جامعالمسائل، ج ۱، ص۱۲.

۴- سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج۱، ۱۴۳۰، تقلید،م۸.

### ۹.۴. مراد از امور حسبیه

امور حسبیه کارهایی هستند که مشروعیت آن ها حتمی است و ازنظر شرع مقدس اسلام باید انجام شوند و مسئولیت آن هم متوجه شخص خاصی نیست؛ مانند امربه معروف و نهی ازمنکر و امثال آن (آیت الله فاضل).(۱)

به اقدامات ضروریه ای گفته می شود که حاکم شرع یا وکیل او در حفظ جان، ناموس، مال و حقوقی که در معرض خطر است، انجام می دهد (آیت الله بهجت).(۲)

### ۱۰.۴. تفاوت موضوعات با احکام

حکم، قانونی است که شارع گذاشته است و موضوع چیزی است که این حکم در آن پیاده می شود و استنباط حکم، وظیفهٔ مجتهد و تشخیص موضوع، وظیفهٔ مکلّف است (آیت الله بهجت).(۳)

### ۱۱.۴. حد گمان و یقین در مسائل

امر عرفیِ معروف مراد است (آیت الله بهجت).(۴)

### ۱۲.۴. معنای رجاء

رجاء به معنای امید و آرزوست. «عملی را رجاءً به جا بیاورند»، یعنی عمل را به امید رسیدن به هدفی انجام دهند. در شرع، جایی

---

۱- محمد فاضل لنکرانی، جامعالمسائل، ج۲، تقلید س۳۷.

۲- محمدتقی بهجت، استفتائات،ج۱، تقلید، س۵۵.

۳- محمدتقی بهجت، استفتائات،ج۱، تقلید، س۶۹.

۴- محمدتقی بهجت، استفتائات،ج۱، تقلید، س۵۳.

گفته می شود که معلوم باشد فلان عمل یا فلان دعا حرام نیست؛ ولی وجوب و استحباب آن هم ثابت نیست. عمل در چنین جایی قهراً یا واجب است یا مستحب یا مباح یا مکروه. ازاین رو فرموده اند انسان می تواند این عمل یا دعا و ذکر را رجاءً یعنی به امید این انجام دهد که شاید واجب یا مستحب باشد و ثواب داشته باشد (آیت الله فاضل).(۱)

## ۱۳.۴. فرق واجب و لازم

لازم و واجب معمولاً ـ به یک معناست؛ ولی گاهی لازم مفهوم وسیع تری دارد و بر غیر احکام تکلیفی نیز اطلاق می شود (آیت الله مکارم).(۲)

## ۱۴.۴. معنای مکروه بودن

مکروه یعنی ناپسند، نامطلوب، آنچه انجام آن حرام نیست؛ ولی ترکش اولی است (آیت الله مکارم).(۳)

کراهت در عبادات به معنای کم شدن ثواب است (حضرت امام و آیات عظام بهجت، فاضل، خویی، نوری، اراکی و گلپایگانی).(۴)

کراهت در عبادت به معنای کم شدن ثواب است و نیز ممکن است به سبب امری عارضی

---

۱- محمد فاضل لنکرانی، جامعالمسائل، ج ۱، تقلید، س ۲۶.

۲- ناصر مکارم شیرازی، سایت، اصطلاحات فقهی، س ۹.

۳- ناصر مکارم شیرازی، سایت، اصطلاحات فقهی، س ۱۶.

۴- محمدتقی بهجت، توضیح المسائل، م ۱۲۱۲. سیدروح الله خمینی، استفتائات، ج ۱، ص ۲۷۸، س ۴۸۰؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج ۲، کتاب صوم، مقدمه، ص ۵؛ محمدعلیاراکی؛ سیدمحمدرضا گلپایگانی؛ سیدابوالقاسمخویی؛ حسین نوری همدانی؛ محمد فاضل لنکرانی.

به معنای مرجوح بودن باشد. همچنین ممکن است به این معنا باشد که این مستحب مرجوح با مستحبی که افضل از آن است، مزاحمت کند (آیات عظام سیستانی و مکارم).(۱)

## ۱۵.۴. معنای مجزی بودن عمل به رسالهٔ عملیه

۱. تصریح به جواز عمل به رساله، دلیل بر نفی دیگران نیست؛ بلکه ممکن است دیگران هم در وضعیت مساوی و هر دو یا هر چند نفر جایزالتقلید باشند. آری اگر کسی در اول رسالهٔ خود بنویسد عمل به این رساله متعیّن است و عمل به غیر آن جایز نیست، مفهومش نفی دیگران است؛ درحالی که هرگز ندیده ایم احدی در مقدمهٔ رساله چنین چیزی بنویسد.

۲. درست است که قدرت بیان باعث معرفی شخص است؛ اما اگر کسی بیانی نداشت و مقام علمی او مجهول ماند و بعد از فحص نیز مقام علمی او روشن نشد، مردم در برابر او وظیفه ای ندارند؛ مانند گنجی که شناخته نشده است و کسی در برابر آن گنج وظیفه ای ندارد (آیت الله مکارم).(۲)

## ۱۶.۴. فرق اجتهاد کامل و متجزی

اجتهاد کامل و مطلق این است که فقیه در تمام ابواب فقه قدرت استنباط داشته باشد.

---

۱- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۲، کتاب صوم،مقدمه، ص۵؛ سیدعلی سیستانی؛ ناصر مکارمشیرازی؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج۲، س۲۰۶.

۲- ناصر مکارم شیرازی، سایت، تقلید، راه های شناخت اعلم، س۷.

اجتهاد ناقص و متجزی این است که فقیه در برخی از ابواب فقه قدرت استنباط داشته باشد (آیت الله نوری).(۱)

## ۱۷.۴. مراد از علم اجمالی منجز

مراد از علم اجمالی، جایی است که مکلف به اصل تکلیف علم دارد؛ ولی مورد تکلیف (مکلف به) اجمال دارد و به تفصیل معلوم نیست. دراین صورت چنانچه مصداق تکلیف یکی از دو امر متباین باشد، مانند نماز شکسته و نماز کامل، علم اجمالی منجّز می شود و مکلف بنا بر احتیاط موظف می شود مطابق با احتیاط رفتار کند. برای مثال، مجتهدِ اول دربارهٔ نماز دانشجو در شهری که در حدّ مسافت شرعی از وطنش قرار دارد و آن را مقرّ دانشجویی خویش انتخاب کرده است، می فرماید: «در مقرّ مذکور نماز کامل است، هرچند فرد قصد ده روز نداشته باشد.» مجتهد دوم که مساوی یا در حکم مساوی با مجتهد اول محسوب می شود، می فرماید: «نماز شکسته است؛ مگر اینکه فرد قصد ده روز داشته باشد.» دراین حال در ایامی که دانشجوی مذکور نمی خواهد ده روز در آنجا بماند، به هنگام اذان ظهر علم دارد که نماز ظهر بر او واجب است؛ ولی نمی داند نماز کامل واجب است یا نماز شکسته؛ ازاین رو اصل تکلیف برای او روشن است؛ ولی مورد تکلیف برایش مجمل است. در این فرض مراعات مقتضای احتیاط، این است

---

۱- حسین نوری همدانی، هزارویک مسئلهٔ فقهی، ج۲، س۹.

که نماز ظهر را هم شکسته و هم کامل به جا آورد.

اما چنانچه مورد از مصادیق علم اجمالی نباشد، مثل جایی که مکلف به اصل تکلیف علم ندارد و اصل تکلیف مشکوک است، رعایت این احتیاط در فرض مسئله لازم نیست. برای مثال دربارهٔ مالی که به مکلف هدیه داده شده است و وی از آن تا انتهای سال خمسی اش استفاده نکرده است، مجتهد اول می فرماید: «مال مذکور خمس ندارد» و مجتهد دوم می فرماید: «مال مذکور خمس دارد.» بنابراین مکلف در اصل تکلیف شک دارد. در این فرض چنانچه دو مجتهد مذکور در رتبهٔ علمی و دقت نظر، مساوی یا در حکم مساوی باشند، آن چنان که توضیح آن در متن آمد، فرد می تواند از مجتهدی تقلید کند که می گوید هدیه خمس ندارد. ازاین رو لازم نیست مطابق با احتیاط عمل کند و خمس هدیه را بپردازد.

همچنین اگر مورد از مصادیق علم اجمالی باشد، ولی علم اجمالی منجّز نباشد، رعایت احتیاط لازم نیست؛ مثل جایی که تکلیف، بین دو امری که اقل و اکثر هستند، مردد باشد. در این حالت دو مثال ذکر می شود:

۱. اگر مجتهدی بگوید: «بر نمازگزار واجب است تسبیحات اربعه را در رکعت سوم و چهارم سه بار بگویید» و مجتهد دیگر بفرماید: «یک بار کافی است»، دراین حال چنانچه دو مجتهد مذکور مساوی یا در حکم مساوی باشند، مکلف

می تواند از مجتهدی تقلید کند که یک بار تسبیحات اربعه را کافی می داند.

۲. اگر مجتهدی بگوید: «در وضو، مسح پا از سرِ یکی از انگشتان تا برآمدگی روی پا کافی است» و مجتهد دیگر بگوید: «مسح پا از سر یکی از انگشتان تا برآمدگی روی پا کافی نیست و علاوه بر آن، باید روی پا تا مفصل مسح شود»، دراین حال چنانچه دو مجتهد مذکور مساوی یا در حکم مساوی باشند، مکلف می تواند از مجتهدی تقلید کند که مسح پا را تا برآمدگی روی پا کافی می داند.

## ۱۸.۴. مراد از حجت اجمالی

مراد از حجت اجمالی جایی است که مکلف به اصل تکلیف علم و یقین ندارد؛ ولی اصل تکلیف به حجت شرعی بر عهدهٔ او ثابت است و مورد تکلیف (مکلف به) اجمال دارد و به تفصیل معلوم نیست.

حال چنانچه مورد تکلیف یکی از دو امر متباین باشد، مانند روزه گرفتن و صدقه دادن، حجت اجمالی منجز می شود و مکلف بنا بر احتیاط، موظف می شود که مطابق با احتیاط رفتار کند.

مثل اینکه فردی به حج مشرّف شده و مُحرّم خاصی از محرمات احرام را در اثنای مناسک حج انجام داده است. حال دو مجتهد فتوا می دهند به اینکه فرد مذکور لازم است کفاره بدهد و کفارهٔ مذکور هم براساس هر دو فتوا تعیینی

است، نه تخییری. اما دو مجتهد در مقام تعیین نوع کفاره اختلاف دارند و در فتوای مستقل دیگری یکی از دو مجتهد می گوید: «لازم است مکلف سه روز روزه بگیرد» و دیگری می گوید: «باید صدقه بدهد.» در این حالت چنانچه مورد کفاره از قطعیات فقهی نباشد، مکلف، به اینکه تکلیفی بر عهدهٔ او آمده است، یقین و علم ندارد؛ ولی براساس گفتار دو مجتهد که در رتبهٔ علمی و دقت نظر مساوی یا در حکم مساوی هستند، اصل وجوب کفاره بر وی ثابت می شود؛ ولی نمی داند سه روز روزه است یا صدقه دادن به فقرا. ازاین رو مورد تکلیف برای او مُجمل است. در این فرض، مراعات مقتضای احتیاط، این است که فرد، هم سه روز روزه بگیرد و هم صدقه بپردازد.

گفتنی است برای اینکه مثال مذکور از مصادیق حجّت اجمالی محسوب شود، چنین فرض شده است که دربارهٔ کفارهٔ مذکور سه دسته روایت رسیده باشد. دستهٔ اول می گوید فلان محرّمِ خاص از محرمات احرام کفاره دارد. دستهٔ دوم می گوید کفارهٔ فلان محرم خاص از محرمات احرام، فقط سه روز روزه گرفتن است. دستهٔ سوم می گوید کفارهٔ فلان محرم خاص از محرمات احرام، فقط صدقه دادن است. دراین حال دستهٔ دوم روایات با دستهٔ سوم روایات تعارض دارد و تساقط می کنند و دستهٔ اول روایات اصل ثبوت کفاره را بر ذمهٔ مکلف ثابت می کند (آیت الله سیستانی).(۱)

---

۱- سیدعلیسیستانی، رسالهٔ جامع، ج۱، تقلید، م۱۲.

## فصل پنجم: مسائل مربوط به مجتهد

### اشاره

## ۱.۵. تقلید از غیرمجتهد

تقلیـد از غیرمجتهد جایز نیست، هرچند از اهل علم باشد؛ همچنان که بر غیرمجتهد واجب است تقلید (یا احتیاط) کند، هرچند از اهل علم باشد (حضرت امام و آیات عظام گلپایگانی، صافی، فاضل، خویی، مکارم و سیستانی).(۱)

## ۲.۵. مجتهد جامع الشرایط چه کسی است؟

### اشاره

از مجتهـدی بایـد تقلیـد کرد که مرد و بـالغ و عاقل و شـیعهٔ دوازده امامی و حلال زاده(۲) و زنـده و عادل بوده و از مجتهـدان دیگر اعلم(۳) باشد

---

۱- سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱،تقلید، م۱۹؛ محمدعلی اراکی؛ سیدمحمدرضاموسوی گلپایگانی؛ حسین نوری همدانی؛ سیدروح اللهخمینی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ سیدابوالقاسـمخویی؛ ناصـر مکارم شیرازی؛ سیدعلیسیستانی؛ محمد فاضـل لنکرانی، الاحکام الواضـحه، تقلیـد، م۳؛ سـیدمحمدرضا موسوی گلپایگـانی ولطف الله صـافی گلپایگانی، هـدایهالعباد، ج۱،م۲۲.

۲- آیت الله سیدمحمود شاهرودی: «بنا بر احتیاط واجب حلال زاده باشد» (توضیح المسائل، م۲).

۳- .حضـرت امـام: «درصـورت اختلاـف بین فتوای اعلم و غیراعلم، اعلمیتشـرط است.» آیت الله فاضـل: «بـا علم به مخـالفت یا احتمـال مخـالفت، ازاعلـم تقلیـد کنـد.» آیـت الله اراکی: «بنـا بر احتیـاط واجب، در مسـائلی که می دانـدفتوای اعلم بـا غیراعلم اختلاف دارد و همچنین در مسائل محدودیکه می داند در یکی یا بعضـی از آن ها اختلاف فتوادارند (شبههٔ محصوره)، باید از اعلم تقلیـد کنـد.» آیات عظام گلپایگانی و صافی: «مجتهـدی کهانسان از او تقلید می کند، درصورت علم به مخالفت فتوای او بافتوای غیر، بنا بر احتیاط واجب بایـد غیر، اعلم ازاو نباشد؛ مگر اینکه فتوای غیراعلم موافق با احتیاط باشد.»آیت الله صافی: «یا فتوای اعلم شاذ باشد. دراین صورتباید به قولی عمل کند که احوط است.» آیات عظام خویی و تبریزی و سیستانی:«درصورتی که اختلاف فتوای مجتهـدان در مسائل محل ابتلا هرچنـد اجمالاًمعلوم باشد، لازم است مجتهدی که انسان از او تقلید می کند، اعلمباشد.» آیت الله تبریزی: «در احکام شرعی الزامیباید از مجتهد اعلم تقلید کرد.» آیت الله نوری: «بنا بر اقوا درصورت علم به مخـالفت فتوای او بـافتوای غیر در مسائل مبتلابه، او بایـد اعلم باشـد؛ مگر اینکهفتوای غیراعلم موافق با احتیاط باشـد.» آیت الله زنجانی:«درصورتی که احتمال اختلاف فتوا بین مجتهـدان در مسائل را بدهـد.» آیت اللهناصر مکارم شـیرازی: «تقلیـد از اعلم درصورت امکان، واجب استزمانی که علم تفصـیلی به مخالفت فتوای به اعلم وغیراعلم داشـته باشیم یا علم اجمالی به مخالفت در مواردابتلا داشـته باشیم که در غیر این دو، تقلید غیراعلمجایز است. بنابراین در این صورتِ اخیر، دلیلیبرای وجوب فحص از اعلـم نیسـت و در دو صـورت اول فحص واجب است.»آیت الله بهجت: «اظهر، وجـوب تقلیـد اعلم است درصـورت عـدم لزوم عسرشخصـی در تشـخیص اعلـم یـا در وصـول بـه فتـاوای او و درجمیع مسائـل و فرق آن هـا.» آیـت الله وحیـد: «درصـورتی که بهاختلاـف بین مجتهـدان در فتوا دربارهٔ مسائل محل ابتلا، اگرچه اجمالاً علمداشـته باشـد، باید اعلم باشد.» رهبر معظم انقلاب:

«در مسائلی که فتوایاعلم با فتوای غیراعلم اختلاف دارد، بنا بر احتیاط واجب از اعلمتقلید کند.»

(حضرت امام و رهبر معظم انقلاب و آیات عظام تبریزی، بهجت، خویی، فاضل، سیستانی، مکارم، وحید، شاهرودی، صافی گلپایگانی، نوری، گلپایگانی، اراکی و زنجانی).(۱)

۱. بنا بر احتیاط واجب باید از مجتهدی تقلید کرد که به دنیا حریص نباشد (حضرت امام و آیات عظام فاضل، نوری).(۲)

۲. سابقهٔ فسق معروفی بین مردم نداشته باشد (آیات عظام تبریزی و شاهرودی؛ آیت الله تبریزی: به گونه ای که مراجعه به او در احکام،

---

۱- توضیح المسائلمراجع، م۲؛ سیدابوالقاسم خویی و حسینوحید خراسانی، منهاجالصالحین، ج۲، م۶؛ سیدمحمدکاظم طباطباییزدی، عروه الوثقی،ج۱، تقلید، م۲۲؛ سیدروح الله خمینی؛ سیدمحمدرضاموسوی گلپایگانی؛ محمدعلی اراکی؛ حسیننوری همدانی؛ سیدعلی سیستانی؛ محمد فاضللنکرانی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ محمد فاضل لنکرانی، استفتائات، ج۱، تقلید،س۵ و الاحکام الواضحه، تقلید، م۸؛ سیدعلیخامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س۱۲و۱۵و۱۶و۲۱و۲۲و توضیح المسائل آموزشی،تقلید، درس۲، ص۱۵؛ تحریرالمسائل، م۲۹؛ محمدتقی بهجت، وسیله النجاه، ج۱، م۳؛ جامع المسائل، ج۱، شرایط مرجع تقلید؛ حسیننوری همدانی، هزارویکمسئلهٔ فقهی، ج۱، س۳؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج۱، م۶و استفتائات، ج۲، س۹؛ سیدمحمدرضاموسوی گلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، ج۱،م۵و۶.

۲- حضرت امام و آیات عظام فاضل لنکرانی و نوری: «وبنا بر اقوا درصورت علم به مخالفت فتوای او با فتوای غیراعلم موافقبا احتیاط باشد» (توضیح المسائل، م۲)؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۲۲؛ محمد فاضللنکرانی، الاحکام الواضحه، تقلید، م۸؛ سیدروح اللهخمینی، تحریرالوسیله، ج۱، تقلید، م۳.

وهن مذهب محسوب شود).(۱)

### ۵.۲.۱. اختلاف فتاوا

۳. آزاد باشد (آیت الله بهجت).(۲)

۴. بنا بر احتیاط واجب، عادل و زنـده باشـد و در مسائلی که مجتهـدان اختلاف نظر دارنـد، بایـد از «اعلم» تقلید کند (آیت الله مکارم).(۳)

۵. بنا بر احتیاط واجب، بالغ و اعلم باشد؛ مگر اینکه قول غیراعلم مطابق با احتیاط باشد (آیت الله وحید).(۴)

۶. بنا بر احتیاط واجب (آیت الله اراکی: فتوا) به دنیا حریص نباشد (رهبر معظم انقلاب و آیت الله اراکی).(۵)

۷. حافظهٔ متعارف داشته باشد (آیات عظام سیستانی و خویی و تبریزی).(۶)

۸. به دنیا حریص نباشد؛ البته به اندازه ای که حرمت داشته باشد (آیت الله گلپایگانی).(۷)

---

۱- توضیح المسائل،جواد تبریزی، م۲ و منهاجالصالحین، ج۱، م۶؛ سیدمحمود شاهرودیهاشمی، توضیح المسائل،م۲.

۲- محمدتقی بهجت، توضیح المسائل، م۱ و وسیله النجاه، ج۱، م۳.

۳- توضیح المسائل، م۳؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۹و۲۲.

۴- وحید، توضیح المسائل، م۲ و منهاج الصالحین، ج۲، تقلید، م۶.

۵- سـیدعلی خـامنه ای، اجـوبه الاسـتفتائات، س۱۲و۱۵و۱۶و۲۱و۲۲؛توضـیح المسائـل آموزشـی،تقلیـد، درس۲، ص۱۵؛ تحریرالمسائل، م۱۹؛ محمدعلی اراکی، توضیح المسائل، م۲.

۶- سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج۱، تقلید، م۶؛ سیدابوالقاسمخویی، منهاج الصالحین،ج۲، تقلید، م۶؛ سیدابوالقاسم خـویی:«حافظـهٔ متعـارف بـه معنـای ایـن اسـت کـه بـه نسـیان مبتلاـ نباشـد؛بـه طـوری کـه متـذکر مـدارک حکمش نباشـد» (استفتائات،تقلید، س۵)؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج۱، م۶.

۷- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۲۲؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی؛ توضیح المسائل، م۲.

۹. حریص به دنیا نباشد؛ به گونه ای که مضر به عدالتش باشد (آیت الله خویی).(۱)

۱۰. موثق باشد؛ یعنی اشتباهش از متعارف بیشتر نباشد و کسی که به دنیا حریص باشد، غالباً موثق نیست (آیت الله شبیری).(۲)

## ۳.۵. عدالت مرجع تقلید

### ۱.۳.۵. به چه کسی عادل می گویند؟

۱. عادل کسی است که پرهیزکاری او به حدی رسیده باشد که ازروی عمد مرتکب گناه نشود (رهبر معظم انقلاب).(۳)

۲. عادل کسی است که (حضرت امام و آیت الله گلپایگانی: با ملکهٔ عدالت) کارهایی را که بر او واجب است، به جا آورد و کارهایی را که بر او حرام است، ترک کند (حضرت امام و آیات عظام تبریزی و وحید و شاهرودی).(۴)

۳. عادل کسی است که حالت خداترسی باطنی دارد که او را از انجام گناه کبیره و اصرار بر گناه صغیره باز می دارد (آیت الله مکارم).(۵)

---

۱- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۲۲؛ سیدابوالقاسم خویی، ج۲؛ توضیح المسائل، م۲.

۲- سیدموسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل، م۲.

۳- سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س۱۳؛ تحریر المسائل، م۲۰.

۴- توضیح المسائل،م۲؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۲۳؛ سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، تقلید، م۲۸؛ حسینوحید خراسانی، توضیح المسائل،م۲ و سایت، استفتائات، تقلید، س۱۸:«عدالتی که در مرجع تقلید، معتبر است، عبارت است از استقامت درطریق شریعت مقدس و عدم انحراف از آن و این مطلب حاصل نمی شود،مگر به اینکه مرتکب معصیت صغیره یا کبیره نشود وبدون عذر شرعی کار حرامی انجام ندهد و واجبی را ترک نکند»؛ جوادتبریزی، توضیح المسائل،م۲.

۵- توضیح المسائل،م۳؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۲۳.

۴. مقصود از عـدالت این است که قـدرت نفسـانیه ای بر انجـام واجبـات و ترک گناهان کبیره داشـته و علاوه بر این ها مروت داشته باشد (آیت الله فاضل).(۱)

۵. عدالت عبارت است از ملکه ای که به واسـطهٔ آن شـخص از گناهان کبیره و اصـرار بر گناهان صغیره اجتناب کند (آیت الله بهجت).(۲)

۶. عدالت عبارت است از استقامت در مسیر شرع و نداشتن انحراف از آن (آیات عظام خویی و تبریزی).(۳)

۷.عدالت عبارت است از استقامت عملیه در مسیر شرع که غالباً از ترس راسخ در نفس ناشی می شود (آیت الله سیستانی).(۴)

۸. عدالت عبارت است از ملکهٔ انجام واجبات و ترک محرمات (آیات عظام نوری، اراکی، گلپایگانی و زنجانی).(۵)

۹. عـادل کسـی است که بـا ملکـهٔ عـدالت کارهـایی که بر او واجب است، به جـا آورد و کارهـایی که حرام است، ترک کند (آیات عظام صافی و گلپایگانی).(۶)

---

۱- محمـد فاضـل لنکرانی، توضـیح المسائـل،م۳؛ سـیدمحمدکاظم طباطبـایی یزدی، عروه الـوثقی، ج۱، تقلید،م۲۳؛ الاحکام الواضحه، م۹.

۲- محمدتقی بهجت، استفتائات،ج۱، تقلید، س۵۴.

۳- سیدمحمدکاظم طباطبـایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۲۳؛ سیدابوالقاسم خویی، توضیح المسائل، م۲؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج۱، ۲۹.

۴- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۲۳.

۵- سـیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهـالوثقی، ج۱، تقلیـد، م۲۳؛ حسـین نوریهمـدانی؛ محمـدعلی اراکی؛ سیدمحمدرضـا موسویگلپایگانی؛ توضیح المسائل مراجع، م۲.

۶- لطف الله صافی گلپایگانی، توضیح المسائل، م۲.

۱۰. عدالت عبارت است از ملکهٔ راسخ در نفس که باعث رعایت تقوا می شود. تقوا عبارت است از ترک محرمات و انجام واجبات (آیات عظام گلپایگانی و صافی).(۱)

### ۲.۳.۵. راه های ثابت شدن عدالت

#### ۱.۲.۳.۵. یقین

علم وجدانی یا اطمینانی که منشأ عقلانی داشته باشد؛ مانند اختبار (آیت الله سیستانی).(۲)

علمی که به وسیلهٔ اختبار یا غیر آن ثابت شده است (آیات عظام خویی و وحید و تبریزی).(۳)

شهرتی که مفید علم یا اطمینان باشد (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، مکارم، فاضل، خویی، وحید، نوری و بهجت).(۴)

شهرتی که مفید علم باشد (آیات عظام اراکی و گلپایگانی و صافی).(۵)

---

۱- سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی و لطف اللهصافی گلپایگانی، هدایه العباد، ج۱، م۳۱.
۲- سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج۱، تقلید، م۲۰.
۳- سیدابوالقاسمخویی، منهاج الصالحین؛حسین وحید خراسانی، ج۲، تقلید، م۲۰؛ حسینوحید خراسانی، سایت،استفتائات، تقلید، س۱۸؛جواد تبریزی، منهاجالصالحین، ج۱، تقلید، م۲۰.
۴- سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۲۳؛ سیدروح اللهخمینی؛ سیدعلی سیستانی؛ حسیننوری همدانی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ محمد فاضل لنکرانی؛سیدابوالقاسم خویی، منهاجالصالحین؛ حسین وحید خراسانی، ج۲،م۲۰؛ محمد فاضل لنکرانی، الاحکامالواضحه، تقلید، م۹؛ محمدتقی بهجت، «علم یااطمینان باشد»، وسیله النجاه،م۲۹.
۵- سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۲۳؛ محمدعلیاراکی؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی و لطف اللهصافی گلپایگانی، هدایه العباد، ج۱،م۳۰.

### ۲.۲.۳.۵. بیّنه

شهادت دو نفر عادل (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، مکارم، فاضل، خویی، وحید، بهجت، اراکی، گلپایگانی، نوری و صافی).(۱)

شهادت دو نفر عادل؛ بلکه بعید نیست ثبوت آن به شهادت یک نفر عادل، بلکه به شهادت مطلق ثقه ثابت می شود (آیت الله تبریزی).(۲)

### ۳.۲.۳.۵. حسن ظاهر

حسن ظاهر کاشف تعبدی است؛ به این معنا که شارع آن را راه تشخیص دانسته است؛ هرچند از آن برای مکلف، ظن یا علم به عدالت حاصل نشود (حضرت امام).(۳)

حسن ظاهر کاشف طریقی است؛ به این معنا که شارع آن را راه تشخیص دانسته است؛ هرچند از آن برای مکلف ظن به عدالت حاصل نشود (آیت الله اراکی).(۴)

---

۱- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۲۳؛ سیدروح الله خمینی؛ سیدعلیسیستانی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ سیدابوالقاسمخویی؛ حسین وحید خراسانی؛ محمدعلیاراکی؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی؛ حسیننوری همدانی؛ در مسئلهٔ ۴۴ عروه عدالتقاضی اضافه شده است؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین؛ حسینوحید خراسانی: «که دو عادل دیگر معارض وی نباشند وبعید نیست ثبوت آن عدالت به شهادت یک نفر، هرچند یک نفرثقه باشد»؛ خویی و وحید، ج۲، تقلید،م۲۰؛ حسین وحید خراسانی، سایت، استفتائات،تقلید، س۱۸؛ محمد فاضل لنکرانی، الاحکام الواضحه، تقلید، م۹؛ محمدتقی بهجت، وسیله النجاه، م۲۹؛سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی و لطف الله صافیگلپایگانی، هدایه العباد، ج۱، م۳۰.

۲- جواد تبریزی، منهاجالصالحین، ج۱، س۲۰.

۳- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۲۳؛ سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج۱، تقلید، م۲۷.

۴- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۲۳؛ محمدعلی اراکی.

مراد از آن حسن ظاهر و حسن معاشرت و سلوک دینی است (رهبر معظم انقلاب و آیات عظام سیستانی، مکارم، فاضل، خویی، وحید و تبریزی).(۱)

حسن ظاهر و مواظبت ظاهری شخص در شرعیات و طاعات که عبارت است از حضور در جماعات و غیر آن از چیزهایی که کاشف علمی یا ظنی از ملکه و حسن باطن هستند؛ بلکه حسن ظاهر شخص کفایت می کند، هرچند موجب ظن به ملکه نشود (آیات عظام گلپایگانی و صافی).(۲)

مراد از آن، حسن ظاهر و حسن معاشرت و سلوک دینی است و بنا بر احتیاط واجب، باید موجب علم یا اطمینان یا گمان به وجود ملکهٔ تقوا در فرد شود (آیت الله بهجت).(۳)

حسن ظاهری که موجب علم یا ظن مفید وثوق و اطمینان باشد (آیت الله نوری).(۴)

---

۱- سیدعلی خامنه ای،اجوبه الاستفتائات، س۶۲؛تحریر المسائل، م۲۰؛سیدعلی سیستانی، منهاجالصالحین، ج۱، تقلید، م۲۰؛ سیدابوالقاسمخویی، منهاج الصالحین؛حسین وحید خراسانی: «به گونه ای که اگر دیگران ازحالش سؤال کنند، بگوییم جز خیر ندیدیم» (ج۲، تقلید،م۲۰)؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۲۳؛ محمد فاضل لنکرانی؛ ناصر مکارم شیرازی: «حسنظاهری که کاشف علمی یا ظنی از عدالت باشد»؛ محمد فاضللنکرانی، الاحکام الواضحه، تقلید،م۹؛ حسین وحید خراسانی، سایت، استفتائات،تقلید، س۱۸؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج۱، م۲۰.
۲- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۲۳؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی و لطف اللهصافی گلپایگانی، هدایه العباد، ج۱،م۳۰.
۳- محمدتقی بهجت، وسیلهالنجاه، م۳۰؛ جامع المسائل،ص۱۹.
۴- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۲۳.

### ۴.۲.۳.۵. زائل شدن عدالت

صفت عدالت به ارتکاب گناهان کبیره و اصرار بر گناهان صغیره زائل می شود (آیات عظام بهجت و صافی و گلپایگانی).(۱)

حکم عدالت با ارتکاب هریک از گناهان کبیره یا اصرار بر گناهان صغیره از بین می رود؛ بلکه احتیاط این است که بگوییم با ارتکاب هریک از گناهان صغیره نیز از بین می رود. این حکم برمی گردد به شرطی که در مسئلهٔ گذشته ذکر شد؛ یعنی اینکه ملکهٔ عدالت باقی باشد (حضرت امام).(۲)

عدالت، با ترک واجب یا فعل حرام بدون عذر شرعی از بین می رود. در معاصی فرقی بین صغیره و کبیره نیست (آیات عظام سیستانی، خویی، وحید و تبریزی).(۳)

نکته:

عدالت با توبه و پشیمانی برمی گردد (حضرت امام و آیات عظام صافی، بهجت، تبریزی، وحید، خویی و سیستانی؛ آیت الله گلپایگانی: اگر ملکهٔ راسخ در نفس باقی باشد).(۴)

---

۱- محمدتقی بهجت، وسیله النجاه، م۳۱؛ سیدمحمدرضاموسوی گلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی، هدایهالعباد، ج۱، م۳۲.

۲- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج۱، تقلید، م۲۹.

۳- سیدابوالقاسمخویی، منهاج الصالحین؛حسین وحید خراسانی، ج۲، تقلید، م۲۹؛ سیدعلیسیستانی و جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج۱، م۲۹.

۴- منهاج الصالحین، تقلید، م۳۰؛ محمدتقیبهجت، وسیله النجاه، م۳۱؛هدایه العباد، سیدمحمدرضاموسوی گلپایگانی؛ لطف الله صافی گلپایگانی، ج۱،م۳۲؛ سیدروح الله خمینی، وسیله النجاه، تقلید، م۲۹.

## ۴.۵ اعلمیت مرجع تقلید

### اشاره

۱. یعنی در فهمیدن حکم خدا، از تمام مجتهدان زمان خود استادتر باشد (حضرت امام و آیات عظام نوری، صافی گلپایگانی، شاهرودی، اراکی و گلپایگانی).(۱)

۲. ملاک اعلمیت این است که آن مرجع در مقایسه با دیگر مراجع، قدرت بیشتری بر شناخت حکم الهی داشته باشد و بهتر بتواند احکام شرعی را از ادله استنباط کند و همچنین دربارهٔ اوضاع زمان خود به مقداری که در تشخیص موضوعات احکام و ابراز نظر فقهی مؤثر است، آگاه تر باشد (رهبر معظم انقلاب).(۲)

معنای اعلم: ۳. یعنی در استنباط احکام الهی تواناتر باشد (آیات عظام بهجت(۳) و سیستانی(۴) و فاضل(۵)).

۴. یعنی در فهمیدن حکم خدا (آیت الله وحید: و وظایف مقررشده به حکم عقل و شرع) از تمام مجتهدهای زمان خود بهتر باشد (آیات عظام تبریزی و خویی و وحید).(۶)

---

۱- توضیح المسائل، م۲؛ منهاجالصالحین، ج۲، م۲۰؛ سیدمحمدکاظم طباطباییزدی، عروه الوثقی،ج۱، تقلید، م۱۷؛ سیدروح الله خمینی؛حسین نوری همدانی؛ محمدعلی اراکی.

۲- سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س۱۶ و تحریر المسائل، م۲۳.

۳- توضیح المسائل،م۱.

۴- توضیح المسائل، م۲؛ منهاجالصالحین، ج۱، تقلید، م۸؛ سیدعلیسیستانی: توضیحات بیشتر؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۱۷.

۵- توضیح المسائل، محمد فاضل لنکرانی، م۳؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۱۷؛ استفتائات، ج۱،تقلید، س۹: «مراد از اعلمیت، آشنایی بیشتر و قدرتکامل تر در استنباط احکام الهی از منابع معتبر است»؛ الاحکام الواضحه، تقلید، م۵.

۶- توضیح المسائل، جواد تبریزی، سیدابوالقاسمخویی، حسین وحید خراسانی، م۲؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۱۷؛ سیدابوالقاسمخویی؛ استفتائات، جواد تبریزی، «ملاک،بهترفهمیدن حکم شرعی است»، ج۱، س۴.

### ۱.۴.۵. آیا می توان از غیراعلم تقلید کرد؟

در مسائلی که فتوای غیراعلم مخالفِ فتوای اعلم نباشد یا فتوای اعلم مخالف با احتیاط و فتوای غیراعلم موافق با احتیاط باشد، رجوع به غیراعلم اشکال ندارد (رهبر معظم انقلاب).(۱)

در مسائلی که فتوای غیراعلم مطابق فتوای اعلم است و بلکه در مسائلی هم که نمی داند فتوای آن دو مخالف یکدیگر است، مکلف می تواند به فتوای غیراعلم عمل کند (حضرت امام).(۲)

درصورتی که مجتهد غیراعلم و اعلم در مسائل محل ابتلا، اختلاف در فتوا نداشته باشند، تقلید از غیراعلم جایز است (آیات عظام سیستانی، تبریزی، مکارم و وحید).(۳)

درصورت موافقت فتوا، جایز است و درصورتی که علم به مخالفت بعد از فحص ممکن نداشته باشیم. اما با احتمال مخالفت درصورت امکان دسترسی به فتاوای اعلم و عدم عسر شخصی، احوطِ لزومی، تقلید از اعلم است (آیت الله بهجت).(۴)

---

۱- سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س۸و۱۹و۲۰و۴۵و تحریر المسائل، م۲۴و۳۳.

۲- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج۱، تقلید، م۱۰.

۳- سیدعلی خامنه ای،اجوبه الاستفتائات، س۱۹؛ جوادتبریزی، استفتائات، ج۱،س۴۳؛ حسین وحید خراسانی، سایت، استفتائات،تقلید، س۱۶؛ ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل، م۴؛ سیدعلیسیستانی، توضیح المسائل،م۲.

۴- محمدتقی بهجت، استفتائات،ج۱، تقلید، س۷۵.

### ۲.۴.۵. اگر چند مجتهد مساوی باشند، تکلیف چیست؟

اگر چند نفر در نظر مقلد، اعلم از دیگران و با یکدیگر مساوی باشند، از هریک از آنان می تواند تقلید کند (حضرت امام، شاهرودی، نوری و اراکی).(۱)

اگر چند نفر در نظر مقلد اعلم از دیگران و با یکدیگر مساوی باشند، از هریک از آنان می تواند تقلید کند؛ اما درصورتی که بین دو نفر مردد باشد و احتمال اعلمیت یکی از آن دو را بدهد، باید از همان شخص تقلید کند (آیات عظام صافی و گلپایگانی).(۲)

اگر یکی اورع بود، تقلید از او واجب است و اگر مساوی بودند، مخیر است (آیات عظام گلپایگانی و سیستانی؛ آیت الله سیستانی: مگر در مصادیق علم اجمالی منجز یا حجت اجمالی منجز در خصوص مسئله ای که بنا بر احتیاط واجب، باید در عمل جمع کند).(۳)

درصورتی که دو مجتهد ازنظر علمی مساوی

---

۱- توضیح المسائل مراجع، م۴؛ سیدروح اللهخمینی: بنابر احتیاط مستحب، از اورع تقلید کند و همچنینتبعیض در تقلید جایز است؛ حتی در احکام عمل واحد؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۱۳و۶۵؛حسین نوری همدانی؛ محمدعلی اراکی؛ سیدمحمودشاهرودی: «ولی چنانچه یکی از آنان پرهیزکارتر باشد،بنا بر احتیاط واجب، باید از او تقلید کند»؛ سیدروح اللهخمینی، تحریرالوسیله، ج۱، تقلید، م۵؛ هزارویک مسئلهٔ فقهی، ج۱، س۱۳ وج۲، س۴.

۲- سیدمحمدرضا موسویگلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، ج۱، م۷؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۱۳و۶۵؛ سیدمحمدرضاموسوی گلپایگانی: «ولی چنانچه یکی پرهیزکارترباشد، بهتر این است که از او تقلید کند» (توضیح المسائل، م۴).

۳- سیدعلیسیستانی، منهاج الصالحین،ج۱، تقلید، م۸؛ سیدمحمدکاظم طباطباییزدی، عروه الوثقی،ج۱، تقلید، م۱۳و۶۵؛ سیدمحمدرضاموسوی گلپایگانی.

باشند، احتیاطِ لازم این است که از کسی تقلید کند که اتقی و اورع است. اگر با یکدیگر مساوی باشند، باید از یکی از آنان تقلید کند و جایز است تبعیض در تقلید؛ حتی در احکام عمل واحد (آیت الله فاضل).(۱)

اگر دو مجتهد مساوی بودند، درصورتی که به اختلاف فتوای دو مجتهد علم داشته باشیم، به فتوای کسی عمل می کنیم که به احتیاط نزدیک تر باشد؛ وگرنه مخیر هستیم (آیت الله مکارم).(۲)

اگر دو مجتهد در فضیلت مساوی بودند، بین آن دو درصورت عدم علم به مخالفت فتوا، مخیر هستیم؛ وگرنه بین آن دو احتیاط می کنیم؛ هرچند یکی از آن دو اورع باشد (آیت الله خویی).(۳)

اگر دو مجتهد در علم مساوی بودند یا بعد از جست وجو اعلم از آن دو مشخص نشد، بین آن دو مخیر است؛ مگر اینکه یکی از آن دو معیناً اورع یا اعدل باشد. دراین صورت باید از آن معین تقلید کند. زمانی که مردد باشد بین دو شخص و احتمال اعلمیت یکی از آن دو (معینٌ دون آخر) را بدهد، باید از معین تقلید کند (آیت الله بهجت).(۴)

درصورتی که در فتاوای محل ابتلا، به

---

۱- محمد فاضل لنکرانی، توضیح المسائل، م۴؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۱۳و۶۵؛ الاحکام الواضحه، تقلید، م۱۴.

۲- توضیح المسائل،م۶؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۱۳و۶۵.

۳- سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ج۱، تقلید، م۸؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۱۳و۶۵.

۴- محمدتقی بهجت، وسیلهالنجاه، م۵و۶و۸.

اختلاف ایشان، اگرچه اجمالاً علم داشته باشد و علم یا حجتی شرعی بر تساوی آن ها در علم داشته باشد، باید به فتوای کسی عمل کند که فتوای او مطابق با احتیاط است. چنانچه فتوای هیچ یک از آنان مطابق با احتیاط نباشد، مثل اینکه یکی به قصر فتوا داده و دیگری به تمام فتوا بدهد، احتیاط کند به جمع بین آن دو. اگر احتیاط ممکن نباشد، مثل اینکه یکی به وجوب عملی فتوا داده و دیگری به حرمت آن فتوا بدهد، یا مشقت داشته باشد، بنا بر احتیاط، به فتوای کسی عمل کند که ورع او در فتوادادن بیشتر است. اگر در این جهت هم مساوی اند، مخیر است و می تواند به هریک از ایشان رجوع کند (آیت الله وحید).(۱)

اگر دو نفر از مجتهدان اعلم بوده و با یکدیگر مساوی باشند، مقلد مخیر است از هرکدام از آن ها تقلید کند (آیت الله تبریزی).(۲)

### ۳.۴.۵. رابطهٔ شلوغی درس خارج با اعلمیت

ازآنجاکه ملاک اعلم بودن، فهم بهتر حکم الهی است و این مطلب با نحوهٔ بیان و چگونگی تدریس ملازمه ای ندارد، شلوغی درس خارج نمی تواند ملاک اعلم بودن مجتهد محسوب شود (آیت الله بهجت).(۳)

می تواند یکی از قراین باشد؛ ولی به تنهایی دلیل قطعی نیست (آیت الله مکارم).(۴)

---

۱- حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج۱، تقلید، م۸ و سایت، تقلید، س۱۴.

۲- جواد تبریزی، منهاجالصالحین، ج۱، م۹؛ استفتائات،ج۱، س۳.

۳- محمدتقی بهجت، استفتائات،ج۱، تقلید، س۸۱.

۴- ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج۲، س۹، سایت،راه های شناخت اعلم، س۳.

### ۴.۴.۵. از چه راه هایی مجتهد اعلم شناخته می شود؟

۱. خود انسان یقین کند؛ مثل اینکه از اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم را بشناسد (اجماع).(۱)

۲. دو نفر عالم عادل که می توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند، مجتهدبودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند؛ به شرط اینکه دو نفر عالم عادل دیگر با گفتهٔ آنان مخالفت نکنند (حضرت امام و رهبر معظم انقلاب و آیات عظام تبریزی، بهجت، فاضل، مکارم، نوری، صافی گلپایگانی، شاهرودی، اراکی و گلپایگانی).(۲)

اگر یک مرد عادل خبر دهد، بنا بر احتیاط واجب باید احتیاط کند (آیت الله زنجانی).(۳)

---

۱- توضیح المسائل مراجع، م۳؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۲۰؛ سیدعلی خامنه ای،اجوبه الاستفتائات، س۲۵: «احراز اجتهاد و اعلمیتمرجع تقلید به وسیلهٔ امتحان یا تحصیل یقین،هرچند از شهرت مفیدِ علم یا اطمینان یا شهادت دو نفر عادلاز اهل خبره صورت می گیرد»؛ تحریرالمسائل، م۲۹؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، م۳ و سایت، استفتائات، تقلید، س۱۹؛محمد فاضل لنکرانی، الاحکام الواضحه،تقلید، م۶؛ محمدتقی بهجت، وسیلهالنجاه، م۱۹؛ جامع المسائل،ج۱، تقلید، شیوهٔ اعلمیت؛ هدایه العباد، سیدمحمدرضا موسویگلپایگانی؛ لطف الله صافی گلپایگانی، ج۱،م۲۲.
۲- توضیح المسائل،م۳؛ ناصر مکارم شیرازی؛ محمد فاضل لنکرانی، م۵؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۲۰؛ سیدعلی خامنه ای،اجوبه الاستفتائات،س۲۴و۲۵و۲۷: «اگر بینهٔ شرعیبر اعلمیت مجتهد جامع الشرایط اقامه شود، تازمانی که بینهٔشرعی دیگری که معارض آن باشد پیدا نشود، آن بینه حجتشرعی است و به آن اعتماد می شود؛ اگرچه موجب حصول علم یا اطمینانباشد. دراین صورت جست وجو از بینه معارض و احراز عدم وجود آن لازم نیست.»و تحریر المسائل، م۲۹و۳۰؛سیدروح الله خمینی، تحریرالوسیله، ج۱، تقلید، م۱۹؛ محمد فاضللنکرانی، الاحکام الواضحه، تقلید،م۶؛ محمدتقی بهجت، وسیلهالنجاه، م۱۹؛ هدایهالعباد، سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی؛ لطف اللهصافی گلپایگانی، ج۱، م۲۲.
۳- توضیح المسائل مراجع، م۳.

۱.۲. دو نفر عالم و عادل که می تواننـد مجتهـد و اعلم را تشـخیص دهنـد، مجتهدبودن یا اعلم بودن کسـی را تصدیق کنند؛ به شرط اینکه دو نفر عالم و عادلِ دیگر با گفتهٔ آنان مخالفت نکنند. ظاهر این است که اجتهاد یا اعلمیت کسـی به گفتهٔ یک نفر که موثق باشد نیز ثابت می شود (آیت الله سیستانی).(۱)

۲.۲. دو نفر عالم و عادل که می توانند مجتهد اعلم را تشخیص دهند، مجتهدبودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند؛ به شرط اینکه دو نفر عالم و عادلِ دیگر با گفتـهٔ آنان مخالفت کنند و درصورت اختلاف، خبره بودن هرکدام بیشتر باشد، قول او مقدم است؛ بلکه به گفتهٔ یک نفر عالِم خبرهٔ موثق نیز اجتهاد یا اعلمیت ثابت می شود (آیت الله تبریزی).(۲)

۳.۲. دو نفر عالم عادل که می تواننـد مجتهـد و اعلم را تشـخیص دهنـد، مجتهـد یا اعلم بودن کسـی را تصدیق کنند؛ به شـرط اینکه دو نفر عـالم عادل دیگر با گفتـهٔ آنان مخالفت نکننـد و (آیت الله وحیـد: اقوا) ثبوت اجتهاد و اعلمیت به گفتـهٔ ثقـهٔ خبیر است (آیت الله وحید: درصورتی که

---

۱- توضـیح المسائل، م۳؛ منهاجالصـالحین، ج۱، تقلید،م۲۰؛ سیدمحمدکاظم طباطبـایی یزدی، عروه الـوثقی، ج۱، تقلید،م۲۰؛ «اگر دو عـادل بـا دو عـادل دیگر معارضه کردنـد، قول کسـیرا اختیار می کنیم که خبره تر است؛ به حـدی که موجبازبین رفتن شک حاصل از معارضه شود.»

۲- توضـیح المسائـل، م۳؛ «پرسـش: آیـا بر مـن واجـب اسـت کهبعـد از احراز اعلمیت مجتهـدی، به وسـیلهٔ شـهادت عـدلین،از اشـخاص خبرهٔ دیگر نیز تحقیق کنم؟ پاسـخ: چنـانچه احتمـال می دهیـدکه قول دو شاهـدی که از اهـل خبره هسـتند و اعلمیت مجتهـد را خبر داده انـد،بـا قـول بقیـهٔ اهـل خـبره معـارض نیست، تحقیـق و فحص از اهلخبرهٔ دیگر لازم نیست. و اللّه العـالم» (تبریزی، استفتائاتجدید، ج ۲، س۲۵و۳۴).

ظن بر خلاف گفتهٔ او نباشد. آیت الله خویی: یا شهرتی که مفید اطمینان است).(۱)

۳. عده ای از اهل علم که می توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند و از گفتهٔ آنان اطمینان پیدا می شود، مجتهدبودن و اعلم بودن کسی را تصدیق کنند (حضرت امام و آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، نوری، وحید، صافی گلپایگانی، شاهرودی، گلپایگانی و اراکی).(۲)

۱.۳. عده ای از اهل علم که می توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند و از گفتهٔ آنان اطمینان پیدا می شود، مجتهدبودن و اعلم بودن کسی را تصدیق کنند؛ بلکه از هر راهی که انسان به اعلم بودن کسی اطمینان پیدا کند، بنا بر اظهر می تواند به همان اکتفا کند (آیت الله بهجت).(۳)

۲.۳. اجتهاد و اعلم بودن شخصی به حدی شایع باشد که از آن شیوع و شهرت، برای انسان علم یا اطمینان حاصل شود (حضرت امام و آیات عظام فاضل و مکارم).(۴)

۳.۳. برای شناختن مجتهد حائز شرایط، باید خود مکلف اطمینان پیدا کند؛ چه از راه شهرت فراگیر مردم و چه از راه تجربهٔ شخصی و چه از راه دیگر، یا باید دو نفر خبرهٔ عادل به این

---

۱- توضیح المسائل، م۳؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۲۰؛ سیدابوالقاسمخویی، استفتائات،تقلید، س۸؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، م۳ و سایت، استفتائات، تقلید، س۱۹.

۲- توضیح المسائل،م۳؛ توضیح المسائل، حسینوحید خراسانی، م۳ و سایت،استفتائات، تقلید، س۱۹؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۲۰.

۳- توضیح المسائل، م۳؛ وسیله النجاه، م۱۹.

۴- توضیح المسائل، م۵؛ سیدروح اللهخمینی، تحریرالوسیله، ج۱، تقلید، م۱۹؛ محمد فاضللنکرانی، الاحکام الواضحه، تقلید،م۶.

مطلب شهادت دهند؛ هرچند موجب اطمینان نشود (رهبر معظم انقلاب).(۱)

۴.۳. از راهی برای خود انسان یا برای نوع مردم، در این شروط اطمینان حاصل شود؛ مثلاً عده ای از اهل علم که می توانند مجتهد و اعلم و واجد شرایط را تشخیص دهند، واجد شرایط بودن کسی را تصدیق کنند و از گفتهٔ آنان برای شخص انسان یا نوع مردم اطمینان پیدا شود (آیت الله زنجانی).(۲)

اعلمیت از راه آزمایش هم ثابت می شود (حضرت امام).(۳)

شیاع مفید علم یا اطمینان (آیات عظام بهجت و نوری).(۴)

شیاع مفید علم (آیات عظام گلپایگانی و صافی).(۵)

پرسش: شخصی به گفتهٔ دو نفر عادل که خبره بودن آنان معلوم نیست، به مجتهدی رجوع کرده است. آیا این رجوع صحیح است؟ پاسخ: چنانچه از اهل خبره نباشند، شهادت آن ها اعتبار ندارد (آیت الله فاضل).(۶)

---

۱- سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س۲۵.

۲- سیدموسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل، م۳.

۳- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج۱، تقلید، م۱۹.

۴- محمدتقی بهجت، وسیلهالنجاه، م۱۹؛ سیدمحمدکاظم طباطباییزدی، عروه الوثقی،ج۱، تقلید، م۲۰؛ حسین نوری همدانی.

۵- سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی و لطف اللهصافی گلپایگانی، هدایه العباد، ج۱،م۲۲.

۶- محمد فاضل لنکرانی، استفتائات،ج۱، تقلید، س۱۶.

### ۵.۴.۵. تعارض شهادت اهل خبره دربارۀ اعلمیت مجتهدان

درصورت تعارض شهادت اهل خبره دربارۀ اعلمیت مجتهدان، مقلد مخیر است از هرکدام خواست، تقلید کند (آیات عظام فاضل و مکارم و گلپایگانی).(۱)

درصورتی که یقین انسان به اعلم بودن فرد دیگری، براساس موازین ذکرشده باشد، عمل به یقین مقدم است و درصورت تعارض نظرهای علما، اگر مرجحات دیگر همچون اورعیت در یکی از آنان بود، باید از وی تقلید کرد و درصورت یأس از ترجیح یکی از آن دو بر دیگری، فرد اختیار دارد از هریک از آن دو مجتهد تقلید کند (آیت الله بهجت).(۲)

درصورت تعارض شهادت اهل خبره دربارۀ اعلمیت مجتهدان، هر دو بینه از درجۀ اعتبار ساقط می شود. اگر واجد حجیت بوده باشند، پس باید به احوط از دو قول و احوط از دو فتوا اخذ کرد. درصورت تعارض شیاع و بینه، اگر شیاع افادۀ علم یا اطمینان کند، بر بینه مقدم است و اگر افادۀ علم یا اطمینان نکند، بینه بر شیاع مقدم است (آیت الله خویی).(۳)

در اثبات اعلمیت مرجع از راه شیاع، اگر تعارض شد و اهل خبره تعارض کردند، هرکدام

---

۱- محمد فاضل لنکرانی، جامعالمسائل، ج۱، تقلید، س۸؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج۳، س۸؛ سایت، راه های شناخت اعلم،س۴؛ مجمع المسائل، سیدمحمدرضا موسویگلپایگانی، ج۱، س۷و۲۱.

۲- محمدتقی بهجت، استفتائات،ج۱، تقلید، س۷۹.

۳- سیدابوالقاسم خویی، استفتائات، تقلید، س۹و۱۰.

خبرویت زیادتر دارند، ترجیح با آن ها می شود (آیت الله تبریزی).(۱)

درصورت تعارض اهل خبره، شهادت گروهی پذیرفته است که خبرویت بیشتری دارند؛ به طوری که احتمال اصابت واقع در شهادت آن گروه از اهل خبره، از احتمال اصابت واقع در شهادت گروه دیگر قوی تر باشد و دودلیِ ناشی از تعارض گفتار دو گروه از اهل خبره، تنها به یک طرف منصرف شود و گفتار گروه دیگر در مقایسه با گروه معارض، عرفاً خالی از تردید محسوب شود (آیت الله سیستانی).(۲)

### ۶.۴.۵. اگر شناختن اعلم مشکل باشد، از چه کسی تقلید کنیم؟

اگر شناختن اعلم مشکل باشد، به احتیاط واجب (آیات عظام اراکی و نوری: فتوا) باید از کسی تقلید کند که به اعلم بودن او گمان دارد؛ بلکه اگر احتمال ضعیفی هم بدهد که کسی اعلم است و بداند دیگری از او اعلم نیست، به احتیاط واجب باید از او تقلید کند (حضرت امام و آیات عظام بهجت، نوری، شاهرودی، اراکی و گلپایگانی).(۳)

---

۱- جواد تبریزی، استفتائات، ج ۱،س۴۷ و ج۲، س۵ و توضیح المسائل،م۳ و منهاج الصالحین،ج۱، م۲۰.

۲- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۲۰؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج۱، م۲۰.

۳- توضیح المسائل،م۴؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۲۱، سیدروح الله خمینی؛ محمدعلیاراکی؛ حسین نوری همدانی؛ سیدمحمدرضا موسویگلپایگانی؛ محمدتقی بهجت،توضیح المسائل، م۴:«ولی بهتر است دراین صورت به قول کسی عمل کند که موافقاحتیاط باشد.»

اگر شناختن اعلم مشکل باشد، باید از کسی تقلید کند که به اعلم بودن او گمان دارد؛ بلکه اگر احتمال ضعیفی بدهد که کسی اعلم است و احتمال اعلم بودن دیگری را ندهد، باید از همان کس تقلید کند. همین طور اگر علم داشته باشد که مثلاً دو نفر یا مساوی در علم هستند یا یکی از آن ها به طور معین، احتمالاً اعلم است و احتمال اعلمیت دیگری را ندهد، باید از آن شخص معین تقلید کند (آیت الله فاضل).(۱)

اگر اختلاف مجتهدان هرچند اجمالاً معلوم شود و شناختن اعلم مشکل باشد، لازم است از کسی تقلید کند که او با دیگران مساوی بوده یا از آن ها اعلم باشد. درصورت احتمال اعلمیت در هرکدام، کافی است از یکی از آن ها تقلید کند. گمان به اعلمیت معتبر نیست (آیت الله تبریزی).(۲)

اگر اختلاف دو مجتهد، هرچند اجمالاً معلوم شود و شناختن اعلم مشکل باشد، هرچند به اعلمیت یکی گمان پیدا کنیم، لازم است احتیاط کنیم. درصورتی که احتیاط ممکن نباشد، باید از کسی تقلید کنیم که به اعلم بودن او گمان داریم؛ بلکه اگر احتمال ضعیفی هم بدهیم که کسی اعلم است و بدانیم دیگری از او اعلم نیست، باید از او تقلید کنیم (آیت الله خویی).(۳)

---

۱- محمد فاضل لنکرانی، توضیح المسائل، م۶؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۲۱؛ محمد فاضللنکرانی، جامع المسائل، ج۱،تقلید، س۷؛ محمد فاضل لنکرانی، الاحکام الواضحه، تقلید، م۷.

۲- جواد تبریزی، توضیح المسائل،م۴ و استفتائات، ج۱،س۳و۳۵و۵۸.

۳- توضیح المسائل،م۴؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۲۱.

اگر اختلاف دو مجتهد یا بیشتر در مسائلِ محل ابتلا، هرچند اجمالاً معلوم باشد، ولی شناختن شخص اعلم میسر نباشد یا مساوی باشند، چنانچه اورعیت یکی از آن ها ثابت شود، باید از او تقلید کند و اگر اورعیت هم ثابت نشود، مخیر است عمل خود را با فتوای هرکدام تطبیق کند؛ مگر در مصادیق علم اجمالی یا حجت اجمالی بر تکلیف. دراین صورت بنا بر احتیاط واجب، مکلف باید هر دو فتوا را رعایت کند (آیت الله سیستانی).(۱)

هرگاه شناختن اعلم به طور قطع ممکن نشود، احتیاط این است از کسی تقلید کند که به اعلم بودن او گمان دارد. درصورت شک میان چند مجتهد و عدم ترجیح آن ها، از هرکدام که بخواهد، می تواند تقلید کند (آیت الله مکارم).(۲)

اگر بین دو مجتهد یا بیشتر در فتاوای مبتلابه، علم به اختلاف باشد، اگرچه اجمالاً، درصورتی که بداند یا حجت شرعی بر تساوی آنان در علم باشد، باید به فتوای کسی عمل کند که فتوای او مطابق با احتیاط است. چنانچه فتوای یکی از آنان مطابق با احتیاط نباشد یا مشقت داشته باشد، بنا بر احتیاط باید به فتوای کسی عمل کند که ورع او در فتوادادن بیشتر است. اگر دراین جهت هم مساوی اند،

---

۱- منهاج الصالحین،ج۱، ۱۴۳۰، م۸؛ توضیح المسائل، م۴؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۲۱.
۲- ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل جدید، چ۴۵، م۶؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۲۱ و استفتائات، ج۱، س۱۷و ج۲، س۱۵ و سایت، تقلید از چند مرجع، س۴.

مخیر است. همچنین است در غیر این صورت؛ چه وجود اعلم معلوم باشد، ولی معین نباشد یا وجود اعلم محتمل باشد، اگر احتیاط ممکن بوده و مشقت نداشته باشد. اگر احتیاط ممکن نباشد یا مشقت داشته باشد، درصورتی که وجود اعلم معلوم باشد، ولی معین نباشد، چنانچه احتمال اعلمیت در یک طرف بیشتر باشد، باید به فتوای او عمل کند و اگر مساوی باشد، بنا بر احتیاط باید به فتوای اورع در فتوا عمل کند. اگر دراین جهت هم مساوی اند، مخیر است. درصورتی که وجود اعلم محتمل باشد، بنا بر احتیاط باید به فتوای کسی عمل کند که گمان دارد یا احتمال می دهد اعلم است یا احتمال اعلمیت در او اقواست. اگر نه، بنا بر احتیاط، باید به فتوای اورع در فتوا عمل کند. اگر دراین جهت هم مساوی اند، مخیر است (آیت الله وحید).(۱)

اگر شناختن اعلم مشکل باشد، می تواند از کسی تقلید کند که به اعلم بودن دیگران از او، یقین نداشته باشد یا مخالفت فتوای او با فتوای اعلم، معلوم نباشد (آیت الله صافی گلپایگانی).(۲)

اگر انسان اختلاف بین مجتهدان را در مسائل محل ابتلا احتمال دهد و یقین داشته باشد که یکی از مجتهدان از دیگران اعلم است، ولی نتواند اعلم را تشخیص دهد، باید درصورت

---

۱- .حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل،م۴ و سایت، استفتائات،تقلید، س۴۳۸.

۲- لطف الله صافی گلپایگانی، توضیح المسائل، م۴ و جامع الاحکام، ج۱، س۸.

امکان احتیاط کند و اگر احتیاط ممکن نیست، از کسی تقلید کند که به اعلم بودن وی گمان داشته باشد. اگر گمان نداشته باشد، از هرکسی که احتمال اعلم بودن او را بدهد، می تواند تقلید کند.

اگر یقین نداشته باشد که یکی از مجتهدان از دیگران اعلم است، باید از کسی تقلید کند که به اعلم بودن او گمان دارد و احتیاط کردن لازم نیست؛ بلکه اگر احتمال اعلم بودن یکی را بدهد و بداند دیگری از او اعلم نیست، باید از او تقلید کند؛ اگرچه گمان داشته باشد که مساوی اند و اگر هیچ یک از افراد در احتمال اعلم بودن بر دیگری ترجیح نداشته باشد، از یکی از آن ها تقلید کند (آیت الله زنجانی).(۱)

### ۷.۴.۵. علم اجمالی به اعلمیت یکی از دو مجتهد

اگر بدانیم که یکی از این دو مجتهد اعلم است (آیت الله گلپایگانی: که اگر احتمال تساوی هم نباشد، درصورت تساوی مخیر هستند)، ولی معین کردن اعلم ممکن نباشد،(۲) اگر احتیاط بین دو قول ممکن باشد، بنا بر احتیاط واجب باید احتیاط کند و اگر احتیاط ممکن نبود، مخیر است (حضرت امام و آیات عظام مکارم،

---

۱- سیدموسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل، م۴.

۲- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۳۸؛ ناصر مکارم شیرازی: «اگر به اختلاف در مسائلی کهمحل ابتلاست، علم داشته باشد، پس اگر احتیاط ممکن باشد»؛ محمدعلیاراکی؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی.

گلپایگانی، اراکی و صافی).(۱)

اگر بدانیم که یکی از این دو مجتهد اعلم است، ولی معین کردن اعلم ممکن نباشد به اینکه هرکدام از آن دو محتمل الاعلمیه باشد، در اینجا مخیر هستیم (آیت الله فاضل)(۲)

اگر بدانیم که یکی از این دو مجتهد اعلم است، ولی معین کردن اعلم ممکن نباشد و اختلاف دو مجتهد یا بیشتر در مسائل محل ابتلاء هرچند اجمالاً ـ معلوم باشد، در مصادیق علم اجمالی منجز، احتیاط واجب است و در دوران امر بین محذورین، محلی برای احتیاط نیست؛(۳) بلکه با تساوی احتمال اعلمیت، مخیر است. اما اگر احتمال اعلمیت یکی از دو مجتهد بیشتر از مجتهد دیگر باشد، باید از همان مجتهد معین تقلید کرد. اما در غیر این دو حالت، تفصلی دارد که در منهاج مسئلهٔ ۹ ذکر شده است (آیت الله سیستانی).(۴)

اگر بدانیم که یکی از این دو مجتهد اعلم است، ولی معین کردن اعلم ممکن نباشد، اگر به مخالفت فتوای بین دو مجتهد علم نداشته باشیم، از همان ابتدا مخیر هستیم؛ اما اگر علم

---

۱- سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۳۸؛ سیدروح اللهخمینی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ سیدمحمدرضا موسویگلپایگانی؛ محمدعلی اراکی؛ سیدروح اللهخمینی، تحریرالوسیله، ج۱، تقلید، م۶؛ سیدمحمدرضاموسوی گلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، ج۱، م۸.

۲- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی و محمدفاضل لنکرانی، عروه الوثقی،ج۱، تقلید، م۳۸.

۳- مثل اینکه مجتهدی به وجوب عملی و دیگریبه حرمت همان عمل فتوا بدهد.

۴- سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج۱، تقلید، م۹؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۳۸.

به مخالفت داشته باشیم، اگر احتیاط ممکن باشد، به احوط القولین عمل می کنیم و اگر احتیاط ممکن نباشد، از مظنون الاعلمیه تقلید می کنیم. درصورتی که ظن به اعلمیت نداشته باشیم، مخیر هستیم اگر احتمال اعلمیت هر دو مجتهد را بدهیم؛ وگرنه باید از محتمل الاعلمیه تقلید کنیم (آیات عظام خویی و وحید).(۱)

اگر اعلم منحصر در دو فرد باشد و امکان تعیین وجود نداشته باشد، درصورتی که احتمال تساوی آن دو باشد، اقوا تخییر است مطلقاً و در غیر این صورت، بنا بر احتیاط واجب، باید بین دو قول احتیاط کند و درصورت ممکن نبودن احتیاط، مخیر است (آیت الله نوری).(۲)

درصورتی که بدانیم یکی از این دو مجتهد اعلم است، اگر به مخالفت فتوای بین دو مجتهد علم نداشته باشیم، از همان ابتدا مخیر هستیم؛ اما درصورت علم به مخالفت، فحص از اعلم واجب است. درصورت عجز از شناخت اعلم، مخیر هستیم از هرکدام از آن ها ابتدا تقلید کنیم. این مطلب زمانی است که بدانیم یکی از آن دو به صورت غیرمعین اعلم است؛ اما اگر احتمال اعلمیت یکی از آن دو معین باشد به اینکه بدانیم آن دو یا مساوی هستند یا یکی از آن ها معیناً اعلم است، پس تقلید از همان فرد

---

۱- سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ج۲، تقلید، م۹؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۳۸. حسینوحید خراسانی در منهاجالصالحین: «اگر یکی از آن دو در فتوا اورع بودع بنا براحتیاط واجب به قول ایشان عمل کند.»

۲- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۳۸؛ حسین نوری همدانی.

معین واجب است (آیت الله تبریزی).(۱)

### ۸.۴.۵. وظیفهٔ عامی در مسئلهٔ وجوب و عدم وجوبِ تقلید از اعلم

بر عامی واجب است در مسئلهٔ وجوب و عدم وجوب تقلید از اعلم، از مراجع اعلم تقلید کند و جایز نیست از غیراعلمی تقلید کند که به عدم وجوب تقلید از اعلم فتوا داده است. اگر مرجع اعلم به عدم وجوب تقلید اعلم فتوا بدهد، می توان طبق آن عمل کرد (حضرت امام و آیات عظام مکارم، خویی، فاضل، سیستانی، اراکی، گلپایگانی، نوری و صافی).(۲)

بر عامی واجب است که در مسئلهٔ وجوب و عدم وجوب تقلید از اعلم، از مراجع اعلم تقلید کند و جایز نیست که از غیراعلمی تقلید کند که فتوای به عدم وجوب تقلید از اعلم داده است و اگر مرجع اعلم به عدم وجوب تقلید اعلم فتوا بدهد، نمی توان طبق آن عمل کرد (آیت الله بهجت).(۳)

---

۱- جواد تبریزی، منهاجالصالحین، ج۱، م۹؛ استفتائات،ج۲، س۴.
۲- سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۴۶؛ سیدروح اللهخمینی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ سیدابوالقاسمخویی؛ سیدعلی سیستانی؛ ناصر مکارمشیرازی؛ محمدعلی اراکی؛ سیدمحمدرضا موسویگلپایگانی؛ حسین نوری همدانی؛ سیدروح اللهخمینی، تحریرالوسیله، ج۱، تقلید، م۷؛ استفتائات، ج۱، تقلید، س۱۶؛ سیدمحمدرضاموسوی گلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، ج۱، م۹.
۳- محمدتقی بهجت، وسیلهالنجاه، ج۱، م۷.

### ۹.۴.۵. تقلید از مرجعی که عدول به اعلم را حرام می داند

اگر از مجتهـدی تقلید کند که عدول به اعلم را حرام می داند، سـپس اعلم از آن مجتهد پیدا شود، احوط عدول به اعلم اسـت (حضـرت امـام و آیـات عظـام فاضـل، مکارم، سیسـتانی، خویی و نوری؛ آیت الله نوری: درصورتی که مجتهـد اعلم عـدول را واجب بدانـد، عدول واجب است. آیت الله مکارم: عدول به اعلم واجب است. آیات عظام سیسـتانی و خویی: عدول به اعلم با علم به مخالفت فتوا واجب است مطلقاً).(۱)

اگر از مجتهـدی تقلید کند که عدول به اعلم را حرام می داند، سـپس اعلم از آن مجتهد پیدا شود، احوط عدول به اعلم است؛ هرچند مرجع اول قائل به جواز باشد؛ مگر اینکه مرجع اعلم عدول را واجب نداند (آیات عظام گلپایگانی و اراکی).(۲)

### ۱۰.۴.۵. تبعیض در تقلید

تبعیض یعنی تقلید را قسمت قسمت کردن و در هر قسمت از احکام، از مجتهد آن قسمت تقلیدکردن.

اگر دو مرجع تقلیـد باشـند که یکی مثلاً در عبادات و دیگری در معاملات اعلم باشـند، در اینجا تبعیض در تقلید واجب اسـت (حضرت امام

---

۱- سـیدمحمدکاظم طباطبـایی یزدی، عروه الـوثقی، ج۱، تقلید،م۳۴؛ محمـد فاضـل لنکرانی؛ سیدعلیسیسـتانی؛ سـیدروح الله خمینی؛ حسین نوریهمدانی.

۲- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۳۴؛ محمدعلی اراکی؛ سیدمحمدرضا موسویگلپایگانی.

و آیـات عظـام مکارم، خویی، سیسـتانی، بهجت، نوری، گلپایگانی و اراکی؛ آیت الله فاضل: بنا بر احتیاط واجب از اعلم تقلید کند).(۱)

مقلد می تواند هر قسـمت از احکام شرعی را از مجتهدی تقلید کند که در آن قسمت تبحر و مهارت بیشتری دارد؛ مثلاً عبادت را از مجتهـدی و معاملات را از مجتهد دیگری تقلید کند یا احکام فردی را از یکی و احکام اجتماعی و سیاسـی و اقتصادی را از دیگری تقلیـد کند؛ بلکه اگر اعلمیت هریک از مجتهدان در مسائلی که مکلف بنا دارد در آن مسائل از او تقلید کند، محرز شود، بنـا بر احتیاط (واجب)، تبعیض در تقلیـد درصورت اختلاف فتوا در مسائلی که مقلـد به آن نیاز دارد، واجب است (رهبر معظم انقلاب).(۲)

### ۱۱.۴.۵. تبعیض در تقلید درصورت تساوی دو مجتهد

درصورتی که دو مجتهـد مسـاوی باشـند، مقلـد مخیر است از هرکـدام خواست، تقلیـد کنـد. تبعیض در مسائل هم جایز است (حضرت امام و آیت الله اراکی).(۳)

درصورتی که دو مجتهد ازنظر علمی مساوی

---

۱- سـیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهـالوثقی، ج۱، تقلیـد، م۴۷؛ سـیدروح اللهخمینی: «بنـا بر احتیـاط لازم واجب است»؛ حسـین نوریهمدانی؛ محمد فاضل لنکرانی: «بنا بر احتیاط واجب، واجب است»؛ سیدابوالقاسـمخویی؛ سـیدعلی سیسـتانی؛ ناصر مکارمشیرازی؛ محمدتقی بهجت، استفتائات،ج۱، تقلید، س۱۵۲؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج۳، س۱۶و۱۷.

۲- سیدعلی خامنه ای، رسالهٔ آموزشی،تقلید، ص۱۷ و اجوبهالاستفتائات، س۱۸ و تحریرالمسائل، م۲۸.

۳- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۱۳و۳۳و۶۵.

باشند، احتیاط لازم این است: از کسی تقلید کند که اتقی و اورع است. اگر با یکدیگر مساوی باشند، باید از یکی از آنان تقلید کند. تبعیض در تقلید هم جایز است؛ حتی در احکام عمل واحد (آیت الله فاضل).(۱)

درصورت تساوی مراجع تقلید، تبعیض در تقلید در مسائلی که هنوز به فتوای مرجعی عمل نکرده باشد، جایز است (آیات عظام نوری و تبریزی).(۲)

درصورت تساوی، تبعیض در تقلید جایز است؛ ولی در مسائلی که تقلید یکی از متساویین محقق شده است، احتیاط، خودداری از رجوع است (آیت الله صافی گلپایگانی؛ آیت الله گلپایگانی: که درحقیقت قدر متیقن تخییر بدوی است، نه استمراری و فرق ندارد که اول تکلیف باشد یا نه).(۳)

درصورت تساوی دو مجتهد (درصورت علم به اختلاف فتوا بین دو مجتهد) تبعض در تقلید جایز است (تخییر به صورت استمراری است)؛ مگر در مصادیق علم اجمالی یا حجت اجمالی بر تکلیف که بنا بر احتیاط واجب، مکلف باید

---

۱- محمد فاضل لنکرانی، توضیح المسائل،م۴؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۱۳و۶۵؛ الاحکامالواضحه، تقلید، م۱۴؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید،م۱۳و۳۳و۶۵؛ محمد فاضل لنکرانی، استفتائات، ج۱، تقلید،س۱۱.

۲- حسین نوری همدانی، هزارویک مسئلهٔ فقهی، ج۱، س۴ و ج۲،س۱۱؛ جواد تبریزی، استفتائات، ج۱، س۲۴و۴۲،ج۲، س۴۳.

۳- سیدمحمدرضا موسویگلپایگانی، مجمع المسائل، ج۱، س۳؛ لطف اللهصافی گلپایگانی، جامعالاحکام، ج۱، س۱۴ و۱۶؛ سیدمحمدرضاموسوی گلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، ج۱،م۱۰.

هر دو فتوا را رعایت کند (آیت الله سیستانی).[(۱)]

درصورتی که دو مجتهد مساوی بودند، تبعض در تقلید جایز است. درصورتی که به اختلاف فتوای دو مجتهد علم داشته باشیم، باید به فتوای کسی عمل کنیم که به احتیاط نزدیک تر باشد (آیت الله مکارم).[(۲)]

### ۱۲.۴.۵. تبعیض در تقلید در عمل واحد

جایز است تبعیض در تقلید حتی در احکام عمل واحد؛ ولی اگر به گونه ای است که به قول هر دو، عمل باطل باشد، (آیت الله نوری: بنا بر احتیاط واجب) صحیح نیست (حضرت امام و آیات عظام فاضل، گلپایگانی، اراکی، نوری و تبریزی).[(۳)]

تبعیض در تقلید، درصورت تساوی دو مجتهد مانعی ندارد؛ ولی در عملِ واحد از یک نفر تقلید کند؛ زیرا در بعضی از مسائلِ مبتلابه اشکال می شود (آیت الله مکارم).[(۴)]

نمازگزاری از دو مجتهد تقلید می کند، درحالی که یکی از آن دو، سوره را در نماز مستحب

---

۱- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج ۱، تقلید،م۱۳و۳۳و۶۵؛ سیدعلی سیستانی،منهاج الصالحین، ج ۱، ۱۴۳۰،م۸.

۲- .توضیح المسائل، م۶؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج ۱، تقلید، م۱۳و۶۵.

۳- سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج ۱، تقلید، م۱۳و۶۵؛سیدروح الله خمینی؛ محمدعلی اراکی؛ سیدمحمدرضاموسوی گلپایگانی؛ حسین نوری همدانی؛ محمدفاضل لنکرانی، توضیح المسائل،م۴؛ الاحکام الواضحه،تقلید، م۱۴؛ استفتائات،ج ۱، تقلید، س۱۲؛ جواد تبریزی، استفتائات، ج ۱،س۲۴و۴۲، و ج ۲، س۴۳؛ سیدروح اللهخمینی، استفتائات، ج ۱،تقلید، س۹؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، مجمعالمسائل، ج ۱، س۲.

۴- ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج ۲، س ۱۱ و سایت، تقلید، تقلید از چند مرجع، س ۱.

می دانـد و جلسـهٔ استراحت را واجب؛ امـا مجتهـد دیگر به عکس، سوره را در نمـاز واجب و جلسـهٔ استراحت را مسـتحب می دانـد، این شـخص در یک نماز نمی توانـد از هر دو تقلیـد کنـد؛ به گونه ای که هم سوره و هم جلسهٔ استراحت را ترک کند؛ زیرا با هر دو مخالفت کرده است و به نظر هر دو، نماز او ازجهتی باطل است (آیت الله بهجت).(۱)

درصورت تساوی دو مجتهـد، مقلـد درصورت عـدم علم به مخالفت، مخیر است به هرکـدام عمل کنـد؛ وگرنه به احتیاط عمل کند. حکم تبعیض هم همین است (آیت الله خویی).(۲)

در فرض تسـاوی دو مجتهـد و عـدم علم به اختلاـف بین دو مجتهـد در مسائـل محـل ابتلاـ مقلـد اجمالاًـ مخیر است به فتـوای هرکـدام از دو مجتهـد عمـل کنـد؛ امـا اگر اختلاـف بین دو مجتهـد در مسائـل محل ابتلا، هرچنـد اجمالاً معلوم باشـد، چنانچه اورعیت یکی از آن هـا ثـابت شـود، بایـد از او تقلیـد کنـد و اگر اورعیت هم ثـابت نشـود، مخیر است عمـل خـود را بـا فتوای هرکدام تطبیق کند؛ مگر در مصادیق علم اجمالی یا حجت اجمالی بر تکلیف که بنا بر احتیاط واجب، مکلف باید هر دو فتو را رعایت کند (آیت الله سیستانی).(۳)

اگر چند عالم در یک سطح باشند، شخص می تواند بعضی از مسائل را از یکی و مسائل

---

۱- محمدتقی بهجت، استفتائات،ج۱، تقلید، س۱۴۵.

۲- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۶۵.

۳- سیدمحمدکاظم طباطبـایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۱۳و۳۳و۶۵؛ سیدعلی سیسـتانی، منهاج الصالحین، ج۱،۱۴۳۰، م۸.

دیگر را از دیگری تقلید کند (آیت الله صافی گلپایگانی).(۱)

### ۱۳.۴.۵. تقلید از اعلم غیرعادل

تقلید از غیرعادل جایز نیست؛ اگرچه اعلم باشد (آیت الله خویی).(۲)

### ۱۴.۴.۵. تقلید از عالِمِ اعدل، یا عادلِ اعلم؟

عادِلِ اعلم مقدّم است (آیات عظام مکارم و صافی).(۳)

### ۱۵.۴.۵. داشتن علومی دیگر غیر از فقه و اصول

داشتن علومی دیگر غیر از فقه و اصول سبب ترجیح فقیهی بر فقیه دیگر نمی شود؛ مگر علومی که در فهم احکام یا تنقیح موضوعات، مؤثر باشد (آیت الله مکارم).(۴)

### ۱۶.۴.۵. اعلمیت در علم اصول

اگر انسان بتواند تشخیص دهد که فلان مرجع ازنظر مبانی اصولی قوی تر است، این تشخیص نمی تواند ملاک اعلمیت باشد؛ چون اعلم بودن تنها به آگاهی و اعلمیت در علم اصول حاصل نمی شود؛ بلکه شروط دیگری نیز دارد (آیت الله مکارم).(۵)

---

۱- لطف الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۱۳.

۲- سیدابوالقاسم خویی، استفتائات، تقلید، س ۶.

۳- ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج ۲، س ۱۰ و سایت، تقلید، شرایط مرجع تقلید، س ۳؛ لطف اللهصافی گلپایگانی، جامعالاحکام، ج ۱، س ۶.

۴- ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج ۱، س ۱، سایت،راه های شناخت اعلم، س ۵.

۵- ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج ۱، س ۸، سایت،راه های شناخت اعلم، س ۶.

## ۵.۵. خاتمه

### ۱.۵.۵. فتوادادن غیرمجتهد یا مجتهد غیرجامع الشرایط

فتوادادن غیرمجتهـد مطلقاً حرام است؛ اما کسـی که مجتهـد است، ولی جامع الشـرایط نیست، اگر به این قصـد فتوا بدهـد که دیگران عمل کنند، حرام است (آیات عظام سیستانی، وحید و خویی).(۱)

### ۲.۵.۵. اطلاع مجتهد از اوضاع زمان و مکان

اطلاع از زمان و مکان صـدور آیه یا روایت، فی الجمله در اسـتظهار و اسـتفاده از آن ها دخالت دارد و اطلاع از زمان و مکان خود در تطبیق حکم بر موضوع، نافع است (آیت الله بهجت).(۲)

### ۳.۵.۵. آگاهی سیاسی مرجع

آگاهی سیاسی می تواند در حکم مرجع تقلید دخالت داشته باشد (آیت الله بهجت).(۳)

تقلیـد از مجتهـدی که از مسائـل روز جـامعه و سـیاست داخلی و خـارجی کشور آگـاه نیست، ولی شـروطی دارد که در رسالهٔ عملیه ذکر شده است، جایز است؛ به شرط اینکه فتاوای او موجب مفسده ای در جامعهٔ اسلامی نشود (آیت الله مکارم).(۴)

---

۱- سـیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج۱، تقلید، م۲۱؛ حسـینوحید خراسانی و سـیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین؛ ج۲، تقلید،م۲۱.

۲- محمدتقی بهجت، استفتائات،ج۱، تقلید، س۵۹.

۳- محمدتقی بهجت، استفتائات،ج۱، تقلید، س۶۰.

۴- ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج۱، س۲۱.

### ۴.۵.۵. رابطهٔ رسالهٔ عملیه با مرجعیت

تصدی مقام مرجعیت یا داشتن رساله، شرط جواز تقلید نیست؛ ولی مقلد باید بتواند به یکی از راه های ذکرشده در رساله، به آرا و فتاوای مرجع خود دسترسی پیدا کند (آیت الله بهجت).(۱)

### ۵.۵.۵. تقلید از علمای کشورهای دیگر

در تقلید از مجتهد جامع الشرایط شرط نیست که مجتهد اهل کشور مکلف یا ساکن در محل سکونت او باشد (رهبر معظم انقلاب).(۲)

درصورت وجود شروط ازجمله اعلمیت، جایز است؛ اما اگر دسترسی به آرا و فتاوای او به طور کلی امکان ندارد، باید با رعایت موازین ذکرشده و با رعایت اعلمیت و اورعیت، به مجتهد دیگر مراجعه کند (آیت الله بهجت).(۳)

### ۶.۵.۵. مجتهد متجزی

تقلید از مجتهد متجزی در موضوعی که اجتهاد دارد، جایز است (حضرت امام و رهبر معظم انقلاب و آیات عظام بهجت، گلپایگانی، نوری و شبیری زنجانی).(۴)

مجتهد متجزی می تواند به فتوای خودش

---

۱- محمدتقی بهجت، استفتائات،ج۱، تقلید، س۶۱.

۲- سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س۱۱.

۳- محمدتقی بهجت، استفتائات،ج۱، تقلید، س۶۲.

۴- سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۲۲؛ سیدروح اللهخمینی؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی؛حسین نوری همدانی؛ توضیح المسائلمراجع، سیدموسی شبیری زنجانی؛ محمدتقیبهجت، استفتائات، ج۱،تقلید، س۵۸؛ سیدعلی خامنه ای، تحریر المسائل، «به احتیاطمستحب از مجتهد متجزی تقلید نکند»، م۲۲.

عمل کند و برای دیگران هم درصورتی که مقدار معتدٌبه از احکام را بداند، عمل به فتوای ایشان جایز است؛ مگر اینکه علم پیدا کنیم فتوای ایشان مخالف مجتهد اعلم یا مخالف فتوای کسی است که با ایشان مساوی است (آیات عظام سیستانی، وحید، خویی و اراکی).(۱)

تقلید از مجتهد متجزی جایز نیست (آیت الله مکارم).(۲)

درصورتی که مجتهد متجزی از دیگران اعلم باشد، تقلید از ایشان اشکال ندارد (آیت الله فاضل).(۳)

مجتهد متجزی می تواند به فتوای خودش عمل کند؛ بلکه اگر مقدار درخور اعتنایی از احکام را بشناسد، جایز است غیر ایشان هم از او تقلید کنند؛ مگر با علم به مخالفت فتوای او با فتوای افضل (آیت الله تبریزی).(۴)

استنباط احکام شرعی، مقدماتی دارد که اگر شخص در یک باب مهارت پیدا کند، در ابواب دیگر هم مهارت خواهد داشت. فرض اینکه شخص در یک باب اعلم باشد و در ابواب دیگر اعلم نباشد، امر بعیدی است (آیت الله تبریزی).(۵)

---

۱- سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م۲۲؛ منهاج الصالحین، حسینوحید خراسانی؛ سیدابوالقاسم خویی، ج ۲،تقلید، م۲۲؛ سیدمحمدکاظم طباطباییزدی و محمدعلی اراکی، عروه الوثقی، ج ۱، تقلید، م۲۲.

۲- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج ۱، تقلید،م۲۲، ناصر مکارم شیرازی؛ در استفتائات، بنا بر احتیاط واجب جایز نیست، ج ۱،س۲۳، سایت،شرایط مرجع تقلید، س۵.

۳- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی و محمدفاضل لنکرانی، عروه الوثقی،ج ۱، تقلید، م۲۲.

۴- جواد تبریزی، منهاجالصالحین، ج ۱، م۲۲.

۵- جواد تبریزی، استفتائات،ج ۲، س۸و۵۸.

پرسش: آیا تقلید از مجتهد متجزی جایز است؟ پاسخ: باید از مجتهد اعلم یا محتمل الاعلمیه تقلید کرد (آیت الله تبریزی).(۱)

### ۷.۵.۵. طرح مسائل قومی و نژادی در باب مرجعیت

مرجعیت هیچ ارتباطی با مسائل قومی و نژادی ندارد. شروط و ضوابط آن در رساله های عملیه نوشته شده است (آیت الله مکارم).(۲)

### ۸.۵.۵. انتخاب مرجع توسط طلبه های سال اول طلبگی

طلبه هایی که سال های اول طلبگی را می گذرانند، نمی توانند با استفاده از معیارهای فکری خودشان، مجتهد اعلم را انتخاب کنند؛ بلکه لازم است از افراد سابقه دار حوزه که موثق هستند، سؤال کنند (آیت الله مکارم).(۳)

### ۹.۵.۵. فحص از مجتهد اعلم

بنا بر احتیاط واجب، فحص از مجتهد اعلم واجب است و اگر رسیدن به اعلم میسر نباشد، درصورت امکان از اعلم بعدش تقلید کند و اگر ممکن نبود، در اطراف شبهه مخیر است (آیت الله بهجت).(۴)

---

۱- جواد تبریزی، استفتائات،ج۲، س۸و۵۸.

۲- ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج۱، س۲، سایت،شرایط مرجع تقلید، س۲.

۳- ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج۲، س۷؛ سایت،تقلید، راه های شناخت اعلم، س۲.

۴- محمدتقی بهجت، وسیلهالنجاه، ج۱، م۵.

فحص از مجتهـد اعلم واجب است (حضـرت امـام و آیـات عظام خویی، فاضل، سیسـتانی، مکارم، گلپایگانی، اراکی، نوری و تبریزی).(۱)

### ۱۰.۵.۵. عوض کردن مرجع درصورت نداشتن رساله

در صحت تقلید مجتهد جامع الشـرایط، نوشـتن رساله شرط نیست؛ بنابراین زمانی که مکلف مجتهد جامع الشرایط را شناخت، در تقلید از او اشـکالی نیست؛ هرچند رساله نداشته باشد یا تصدی مرجعیت نکرده باشد. همچنین شرط نیست در مجتهد جامع الشرایط که از اهل وطن مکلف یا ساکنان شهرش باشد (رهبر معظم انقلاب).(۲)

نمی شود از یک مرجع تقلید به علت نداشـتن رسالهٔ فارسـی به دیگری عدول کرد و در تمام مسائل، تقلید از اعلم واجب است (آیت الله بهجت).(۳)

---

۱- سیـدمحمدکاظم طباطبـایی یزدی، عروه الـوثقی، ج۱، تقلید،م۱۲؛ محمـد فاضل لنکرانی؛ ناصـر مکارم شـیرازی؛ سیـدروح اللهخمینی؛ سـیدعلی سیسـتانی؛ سیدابوالقاسـمخویی؛ گلپایگانی؛ حسـین نوری همدانی؛محمدعلی اراکی؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج۱، م۹؛ سیدمحمدرضاموسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج۱،س۲۰.

۲- تحریر المسائل،سیدعلی خامنه ای، م۲۶.

۳- محمـدتقی بهجت، اسـتفتائات،ج۱، تقلیـد، س۱۶۲: «پرسـش: آیـا می شـود ازیـک مرجع تقلیـد بـه علت نداشـتن توضـیح المسائلفارسی به دیگری عدول کرد؟ پاسخ: در تمام مسائل، تقلید ازاعلم واجب است.»

## ۶.۵. مسائل انتخاب مرجع

### ۱.۶.۵. وظیفهٔ والدین در انتخاب مرجع برای فرزندان تازه بالغ

اگر بچه ای به سن تکلیف می رسد و درک مسئلهٔ تقلید برای او دشوار است و به تنهایی نمی تواند وظیفهٔ شرعی خود را در انتخاب مرجع تشخیص دهد، وظیفهٔ والدین راهنمایی اوست (رهبر معظم انقلاب).(۱)

پرسش: اگر بچه ای به سن بلوغ برسد، ولی به سبب نداشتن رشد کافی، هنوز نتواند مرجع تقلیدش را بشناسد، والدین او در قبال وی چه وظیفه ای دارند؟ پاسخ: سیرهٔ مؤمنان بر ارشاد این دسته افراد و تحقیق برای آن هاست (آیت الله بهجت).(۲)

اطفالی که تازه به سن بلوغ رسیده اند و قدرت شناخت مرجع تقلید و اعلم را ندارند، اگر از معلم یا والدین خود سؤال کرده و از گفتهٔ آن ها اطمینان حاصل و مطابق گفتهٔ آن ها عمل کنند، کفایت می کند (آیت الله فاضل).(۳)

لازم است والدین برای تعیین مرجع تقلید دختری که به نه سالگی رسیده است، او را راهنمایی کنند و اطلاعاتشان را در اختیار وی بگذارند و اگر دختر از سخن والدین اطمینان پیدا کرد، می تواند عمل کند (آیت الله مکارم).(۴)

---

۱- سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س۴ و تحریرالمسائل، م۲۷.

۲- محمدتقی بهجت، استفتائات،ج۱، تقلید، س۸۷.

۳- محمد فاضل لنکرانی، جامعالمسائل، ج۳، س۲۱.

۴- ناصر مکارم شیرازی، سایت، راه های شناخت اعلم، س۱.

### ۲.۶.۵. وکالت در تحقیق مرجع اعلم

پرسش: آیا وکالت در تحقیق مرجع اعلم درست است؛ مثل وکالت پسر برای پدر و زن برای شوهر؟ پاسخ: چنانچه پدر اطمینان دارد که پسر به طریق شرعی تحقیق کرده و اعلم را تشخیص داده است، می تواند به گفتهٔ او عمل کند. دربارهٔ زن و شوهر نیز همین طور است (آیت الله تبریزی).(۱)

### ۳.۶.۵. نظر بزرگ قوم در انتخاب مرجع

اگر بزرگ قوم یا عشیره یا خانواده از فردی تقلید کند، افراد دیگر نمی توانند به تبعیت از او از همان مجتهد تقلید کنند؛ مگر اینکه او توانایی تشخیص مجتهد و اعلم را داشته باشد و به واسطهٔ گفتار وی، دربارهٔ اجتهاد و اعلمیت آن فرد، برای دیگران علم یا اطمینان پیدا شود (آیت الله بهجت).(۲)

در انتخاب مرجع تقلید، افراد خانواده مختارند و می توانند همه یک مرجع داشته یا اگر تشخیص هایشان متفاوت باشد، مرجع تقلیدِ متفاوت داشته باشند (آیت الله نوری).(۳)

### ۴.۶.۵. اختیار زن در انتخاب مرجع تقلید

زن در انتخاب مرجع تقلید، مستقل است. اگر زن از مجتهدی تقلید کند که کاری را واجب

---

۱- جواد تبریزی، استفتائات،ج۲، س۲۹.

۲- محمدتقی بهجت، استفتائات،ج۱، تقلید، س۸۳.

۳- حسین نوری همدانی، هزارویک مسئلهٔ فقهی، ج۱، س۱۴.

یا حرام می دانـد و شوهر از مجتهـدی تقلید کند که آن کار را واجب یا حرام نمی داند، در اینجا شوهر نمی تواند همسـر خود را به مخالفت با فتوای مرجع تقلیدش وادار کند؛ بلکه بر زن واجب است طبق فتوای مرجع خود عمل کند (آیت الله فاضل).(۱)

زن در انتخاب مرجع تقلید، مسـتقل است؛ اما اگر زن و شوهر هرکدام مرجع تقلید متفاوتی داشـته باشـند، در مسائل مشترک و اختلافی که به هر دو نفر آنان مربوط می شود، مثل جواز یا عـدم جواز دخول بعـد از پاک شـدن و قبل از غسل حیض، وظیفهٔ آنان عمل به احتیاط است (آیت الله بهجت).(۲)

هرکس در تقلیدش آزاد است. باید تحقیق کند و مطابق آن تقلید کند (آیت الله مکارم).(۳)

در انتخاب مرجع تقلید، افراد خانواده مختارند و می توانند همه یک مرجع داشـته یا اگر تشـخیص هایشان متفاوت باشد، مرجع تقلید متفاوت داشته باشند (آیت الله نوری).(۴)

---

۱- محمد فاضل لنکرانی، جامعالمسائل، ج۲، تقلید، س۲۲و۲۳.

۲- محمدتقی بهجت، استفتائات،ج۱، تقلید، س۸۶ و س۱۰۶.

۳- ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج۳، س۵، سایت،راه های شناخت اعلم، س۹.

۴- حسین نوری همدانی، هزارویک مسئلهٔ فقهی، ج۱، س۱۴.

## ۷.۵. مسائل مربوط به مجتهد

### ۱.۷.۵. تقلید مجتهد از دیگری

تقلید بر مجتهد حرام است. این مسئله، هم شامل مجتهد مطلق می شود و هم متجزی (آیت الله مکارم).(۱)

هرکسی که مجتهد باشد، چه اعلم و چه غیراعلم، تقلید از مجتهد دیگر برای او جایز نیست (آیات عظام گلپایگانی و نوری).(۲)

اگر کسی واقعاً مجتهد باشد، باید در خصوص این مسئله اجتهاد کند (آیت الله تبریزی).(۳)

### ۲.۷.۵. خطا در نقل فتوا

اگر مجتهد بعد از گفتنِ فتوا بفهمد اشتباه کرده است، باید اشتباه را برطرف کند (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، مکارم، فاضل، گلپایگانی، اراکی و نوری؛ آیت الله خویی به تفصیل قائل است).(۴)

---

۱- ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج ۱، س ۲۸.

۲- سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، مجمعالمسائل، ج ۱، س ۲۵؛ حسین نوری همدانی، هزارویکمسئلهٔ فقهی، ج ۱، س ۱۰.

۳- جواد تبریزی، استفتائات،ج ۲، س ۴۲.

۴- سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج ۱، تقلید، م۴۸؛ سیدروح اللهخمینی؛ سیدعلی سیستانی؛ ناصر مکارمشیرازی؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی؛محمدعلی اراکی؛ حسین نوری همدانی؛ محمد فاضللنکرانی: «و همچنین است اگر مجتهد در نقل فتوا خطا کند»؛ محمد فاضللنکرانی، جامع المسائل، ج ۲،س ۳۰؛ الاحکام الواضحه،تقلید، م۱۷و۱۸؛ سیدابوالقاسمخویی، عروه: «در این مطلب، تفصیل است بینااینکه مجتهد به اباحهٔ شیء فتوا داده باشد و بعد مشخص شود کهواجب یا حرام بوده است یا اینکه مجتهد به حرمت یا وجوبفتوا داده و بعداً مشخص شود که مباح بوده است. در حالت اول، اعلام، بر مجتهد واجباست و در دومی واجب نیست.»

### ۳.۷.۵. اعلام تغییر فتوا

پرسش: هرگاه رأی مجتهد از مسئله برگشت، آیا واجب است مجتهد، آن را به مقلدان خود اعلام کند؟ پاسخ: در این مسئله تفصیل است؛ به این نحو که اگر فتوای سابق او با احتیاط موافق است، ظاهر این است که اعلام واجب نباشد و اگر با احتیاط مخالف است، باید اعلام کند (حضرت امام و آیات عظام فاضل، اراکی، گلپایگانی و نوری).(۱)

پرسش: هرگاه رأی مجتهد از مسئله برگشت، آیا واجب است آن را به مقلدان خود اعلام کند؟ پاسخ: در این مسئله تفصیل است؛ به این نحو که اگر فتوای سابق او با احتیاط موافق است، ظاهر این است که اعلام واجب نباشد (در اطلاق این مسئله اشکال است؛ زیرا گاهی فتوای سابق موجب ضرر مالی یا شبه آن بر مقلد است. دراین صورت، اعلام واجب است.) اگر با احتیاط مخالف است، باید اعلام کند (آیت الله مکارم).(۲)

اگر رأی مجتهد عوض شد، اعلام بر وی مطلقاً واجب نیست؛ به شرط اینکه رأی اول با موازین اجتهاد باشد (آیات عظام سیستانی، تبریزی، خویی و وحید).(۳)

---

۱- سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۶۹، سیدروح اللهخمینی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ سیدعلیسیستانی؛ محمدعلی اراکی؛ سیدمحمدرضا موسویگلپایگانی؛ حسین نوری همدانی؛ سیدابوالقاسمخویی.
۲- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۶۹؛ ناصر مکارم شیرازی.
۳- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۶۹؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج۱ ، ۱۴۳۰، م۲۷؛سیدابوالقاسم خویی، منهاجالصالحین؛ حسین وحید خراسانی، ج۲، م۲۷؛جواد تبریزی، منهاجالصالحین، ج۱، م۲۷.

### ۴.۷.۵. نظر مرجع تقلید در موضوعات محضه یا صرفه

تشخیص موضوع محضه، به نظرِ خود مکلف موکول است و متابعت از مجتهد در تشخیص آن واجب نیست؛ مگر اینکه به آن تشخیص اطمینان پیدا کند یا موضوع از موضوعاتی باشد که تشخیص آن به استنباط نیاز دارد (رهبر معظم انقلاب و آیات عظام وحید، فاضل، خویی، نوری و مکارم).(۱)

میزانِ تشخیص موضوعات محضه عرف است و اگر بین مجتهد و مقلد اختلاف باشد، باید از عرف، نظرخواهی کنند و اگر هریک مدعی است که عرف چنین است، هریک به نظر خود عمل کند (حضرت امام).(۲)

تشخیص موضوع محضه، به نظرِ خود مکلف موکول است و متابعت از مجتهد در تشخیص آن واجب نیست. در حکم مترتب بر موضوعات مستنبطه، باید از مجتهد تقلید کند (آیات عظام گلپایگانی و اراکی).(۳)

تشخیص مصادیق موضوعات محضه به عهدهٔ خود مکلف است (آیات عظام تبریزی و بهجت).(۴)

---

۱- سیدعلی خامنه ای،اجوبه الاستفتائات، س۵؛ حسینوحید خراسانی، توضیح المسائل،م۱؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۶۷؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، تقلید، عمل بدون تقلید، س۳.

۲- سیدروح الله خمینی، استفتائات، ج۱، تقلید، س ۴۰.

۳- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۶۷.

۴- جواد تبریزی، استفتائات،ج۱، س۵۹؛ محمدتقی بهجت، استفتائات، ج۱، تقلید، س۱۰۲.

#### ۵.۷.۵. اعلام ازدست دادن شروط مرجعیت

اگر مرجع تقلید یا مجتهدی احساس کند شروط مرجعیت یا اجتهاد را از دست داده است، لازم است اعلام کند (آیت الله مکارم).(۱)

## ۸.۵. مسائل مربوط به پاسخ گو

### ۱.۸.۵. وظیفهٔ پاسخ گو در پاسخ گفتن

#### ۱.۱.۸.۵. جواب دادن طبق مرجع خودش

۱. کسی که پاسخ گوی مسائل شرعی است، آیا می تواند مسائل را به صورت احتیاط، به مقلدان پاسخ دهد؟

۲. آیا پرسیدن نام مرجع تقلید ایشان لازم است؟

۳. آیا می تواند طبق نظر مرجع تقلید خودش جواب بدهد؟

۴. درصورتی که احتیاط، مثلاً موجب پرداخت خمس بیشتر شود، آیا حکم تفاوتی دارد؟

پاسخ ۱ و ۴: اگر بگوید احتیاط در این است که این گونه عمل کنید، اشکال ندارد.

پاسخ ۲ و ۳: اگر سؤال کننده نظر مرجع خاصی را نپرسیده است، در پاسخ می تواند طبق نظر مرجع تقلید خودش پاسخ دهد (مقام معظم رهبری).(۲)

اگر مسئله گو بداند مرجع تقلید خودش و

---

۱- ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج۱، س۷، سایت،شرایط مرجع تقلید، س۴.

۲- سیدعلی خامنه ای،استفتای خصوصی، کد رهگیری: ۹۳۲۲۱۸۴۱.

مرجع تقلیـد سؤال کننده یکی است، می تواند طبق فتوای مرجع تقلید خودش مسـئله را بیان کند. همچنین است اگر مسـئله گو اعلمیت مجتهدی را که خود از او تقلید می کند، احراز کرده باشد، ولی احتمال دهد تقلید سؤال کننده صحیح است و اعلمیت مجتهد خود را احراز نکرده است، باید فتوای مجتهد او را بگوید (آیت الله فاضل).(۱)

درصورت نداشـتن علم به مخالفت فتوای مرجع تقلید خودمان با مرجع سائل، می توانیم طبق فتوای مرجع تقلید خودمان جواب دهیم (آیت الله خویی).(۲)

اگر از کسـی مسـئلهٔ محل اختلافی را سؤال کننـد، او نمی توانـد نظر و فتوای خودش را اجتهاداً یا تقلیداً بگوید؛ بلکه باید طبق فتوای مرجع سؤال کننده جواب دهد؛ چون سؤال کننده از وظیفهٔ فعلیهٔ خودش سؤال کرده است که همان فتوای مرجع خودش است (آیت الله بهجت).(۳)

اگر مسـئله ای از روحانی یا مسـئله گو یا غیر آن پرسیده شود، لازم نیست مرجع تقلیدِ مخاطب را جویا شود. می تواند براساس فتوای مرجع خود جواب دهد (آیت الله مکارم).(۴)

باید رأی مجتهدی را بگوید که سائل از او تقلید می کند (آیت الله گلپایگانی).(۵)

---

۱- محمد فاضل لنکرانی، جامعالمسائل، ج۱، تقلید، س۲۷.

۲- سیدابوالقاسم خویی، استفتائات، تقلید، س۱۳.

۳- محمدتقی بهجت، استفتائات،ج۱، تقلید، س۱۱۴.

۴- ناصر مکارم شیرازی، سایت، تقلید، راه های دستیابی به فتوایمجتهد، س۳.

۵- سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، مجمعالمسائل، ج۱، س۳۰.

### ۲.۱.۸.۵. وجوب ارشاد جاهل به حکم

ارشاد جاهل بدون عسر و محذور، لازم است (آیت الله بهجت).(۱)

ارشاد جاهل واجب است؛ مگر اینکه عذری برای مسئول باشد (آیت الله فاضل).(۲)

ارشاد جاهل واجب است (آیت الله صافی).(۳)

اگر مسئله محل اختلاف نباشد، ولی احتمال داده شود شخصی که آن را مرتکب می شود، به حکم مسئله نادان باشد، ظاهر این است که امرونهی او واجب است؛ مخصوصاً اگر (در ندانستن حکم) مقصر باشد. احتیاط این است که اولاً او را به حکم مسئله ارشاد کند؛ آنگاه اگر به آن اصرار کرد، انکارش کند؛ مخصوصاً اگر (جاهل) قاصر باشد (حضرت امام).(۴)

چنانچه فردی در مسئله ای، از حکم شرعی بی اطلاع باشد و به سبب ندانستن مسئلهٔ شرعی، واجبی را ترک یا حرامی را مرتکب شود، درصورتی که فردِ جاهل درصدد فراگیری است و احتمال تأثیر نیز وجود داشته باشد، ارشاد وی و یاددادن مسئلهٔ شرعی به او واجب است؛ مگر در هنگام عسر و حرجِ تحمل ناپذیر یا ضرر چشمگیر.

---

۱- محمدتقی بهجت، استفتائات،ج۱، س۱۱۲و۱۱۵.

۲- محمد فاضل لنکرانی، جامعالمسائل، ج۲، س۲۹ و ج۳، س۲۴: «کسی کهمسئلهٔ شرعی می پرسد، چنانچه مسئله محل ابتلای او باشد وکسی نباشد پاسخ او را بدهد و برای یادگرفتن به جز سؤالراهی ندارد، اگر شما بدانید که وی عبادات را ازروی جهل بهمسئله و حکم آن، باطل انجام می دهد، ارشاد جاهل به حکم، واجب است؛ مگراینکه برای مسئول عذری باشد؛ ولی درخصوص انتخاب مرجع،تذکر لازم نیست.»

۳- استفتای کتبی خصوصی.

۴- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج۱، کتاب امربه معروف، القولفی شرایط وجوبهما، م۳.

بنابراین، کسی که نمی داند استفاده از انگشتر طلا بر مرد حرام است یا گوش دادن به موسیقی لهوی و غنا حرام است یا دست دادن و مصافحه با نامحرم هرچند از خویشاوندان باشد، حرام است یا نمی داند نماز آیات در وقت زلزله واجب است یا پوشش قدم پای زن در مقابل نامحرم واجب است و به سبب جهل به حکم شرعی و ندانستن مسائل محل ابتلایش احکام مذکور را رعایت نمی کند، ارشاد او با جمع شدن شروط بالا واجب است. والله العالم (آیت الله سیستانی).(۱)

ارشاد جاهل به احکامی کلی که علما آن را در توضیح المسائل یا استفتائاتشان بیان نکرده اند و در معرض آگاهی فرد جاهل قرار نگرفته است، چنانچه از احکام الزامی محل ابتلای فرد باشد، لازم است؛ چون تنها راه رسیدن به حکم آن، بیان فرد عالم است (آیت الله خویی).(۲)

ارشاد جاهل در واجبات و محرمات واجب است (آیت الله مکارم).(۳)

ارشاد جاهل به حکم شرعی کلی که تکلیف الزامی باشد، واجب است؛ مثل کسی که نمی داند پوشیدن انگشتر طلا بر مرد جایز نیست یا نماز آیات در وقت زلزله واجب است (آیت الله تبریزی).(۴)

---

۱- استفتای کتبی خصوصی.

۲- سیدابوالقاسم خویی، صراط النجاه، ج۳،س۹۴۵؛ سیدابوالقاسم خویی، استفتائات، تقلید، س۱۴؛سیدابوالقاسم خویی، منهاجالصالحین، ج۲، امربه معروف و نهی ازمنکر، القول فیشرائطها، الرابع.

۳- استفتای کتبی خصوصی.

۴- استفتای کتبی خصوصی.

### ۳.۱.۸.۵. وجوب ارشاد جاهل به موضوع

اگر فاعل به موضوع جاهل باشد، نه انکار او و نه برطرف کردن جهل او واجب نیست؛ مثل اینکه نماز را ازروی غفلت یا فراموشی ترک کند یا مایع مست کننده ای را از باب اینکه موضوع را نمی داند (که مست کننده است) بنوشد. ولی اگر مطلب از چیزهای بااهمیت باشد و مولا مطلقاً به فعل یا ترک آن رضایت نداشته باشد، واجب است آن را برپا دارد و او را امر یا نهی کند؛ مانند قتل نفس محترمه (حضرت امام).(۱)

ارشاد جاهل در موضوعات لازم نیست؛(۲) مگر در جایی که احراز شود شارع مقدس به وقوع آن کار هرچند دربارهٔ جاهلِ به موضوع رضایت ندارد؛ مثل اشتباه کسی که قتل او حرام است، با کسی که قتل او جایز است (آیات عظام مکارم، فاضل، سیستانی، خویی و وحید).(۳)

ارشاد جاهل در موضوعات لازم نیست؛ مگر درجایی که احراز شود شارع مقدس به وقوع آن کار هرچند دربارهٔ جاهلِ به موضوع رضایت ندارد؛ مثل شرب خمری که شاربش به خمریت جاهل

---

۱- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج۱، کتاب امربه معروف، القولفی شرائط وجوبهما، م۳.

۲- برای مثال، وقتی فردی اطلاع ندارد لباسش نجساست و با لباس مذکور نماز می خواند یا فردی می داندباید رو به قبله نماز بخواند، اما اشتباهاً به سمتی نماز می خواندکه قبله نیست، بر دیگری که از این امر مطلع است، لازمنیست وی را آگاه کند.

۳- ناصر مکارم شیرازی، سایت، تقلید، لزوم فراگیری احکام، س۲؛محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل،ج۲، طهارات و نجاسات، س۹۴، ص۸۴؛ سیدابوالقاسمخویی، منهاج الصالحین؛حسین وحید خراسانی، ج۲، امربه معروف و نهی ازمنکر،القول فی شرائطها، الرابع؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج۱، امربه معروفو نهی ازمنکر، القول فی شرائطها، الرابع.

است یا خوردن سمی که فاعلش به سم بودن آن آگاهی ندارد یا اشتباه کسی که قتل او حرام است با کسی که قتل او جایز است یا ازدواج با محارم (آیت الله خویی).(۱)

ارشاد جاهل در موضوعات لازم نیست؛ مگر درجایی که احراز شود شارع مقدس به وقوع آن کار، هرچند دربارهٔ جاهلِ به موضوع رضایت ندارد؛ مثل شرب خمری که شاربش جاهل به خمریت است یا خوردن سمی که فاعلش به سم بودن آن آگاهی ندارد یا اشتباه کسی که قتل او حرام است با کسی که قتل او جایز است یا ازدواج با محارم. آنچه بیان شد، در غیر مصادیق تسبیب به حرام است؛ اما درجایی که عالم سبب ارتکاب حرام توسط جاهل شده است، اعلام لازم است (آیت الله تبریزی).(۲)

ارشاد جاهل به موضوع واجب نیست (آیت الله صافی).(۳)

### ۲.۸.۵. عوض شدن فتوای مجتهد

اگر کسی فتوای مجتهدی را به دیگری بگوید، چنانچه فتوای آن مجتهد عوض شود، لازم نیست به او خبر دهد که فتوای ایشان عوض شده است (حضرت امام و آیات عظام تبریزی، بهجت، نوری، شاهرودی، سیستانی،

---

۱- سیدابوالقاسم خویی، صراط النجاه، ج۳،س۹۴۵؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ج۲، امربه معروفو نهی ازمنکر، القول فی شرائطها، الرابع.

۲- تبریزی، صراط النجاه، ج۳، س۹۴۵.

۳- استفتای کتبی خصوصی.

وحید، خویی، گلپایگانی و اراکی).(۱)

اگر کسی فتوای مجتهدی را به دیگری بگوید، چنانچه فتوای آن مجتهد عوض شود (آیت الله شبیری: درصورت امکان و عدم حرج) بنا بر احتیاط واجب لازم است به او خبر دهد که فتوا عوض شده است (آیات عظام فاضل و شبیری زنجانی).(۲)

درصورت تغییر فتوای مرجع تقلید، احتیاط واجب این است که اگر اطلاع پیدا کرد، اطلاع دهد (آیت الله مکارم).(۳)

پرسش: با توجه به اینکه طی استفتایی فرموده بودید اعلام تغییر فتوا احتیاط واجب است، می خواستم بدانم چرا در مسئلهٔ ۱۵ رساله، اعلام تغییر فتوا را لازم ندانسته اید. پاسخ: هرگاه تغییر فتوا به سبب خطا باشد، باید اعلان کند؛ اما اگر طبق موازین، خطایی سر نزده، بلکه مدارک جدیدی پیدا کرده است و فتوای او تغییر کرده، اعلام آن لازم نیست (آیت الله مکارم).(۴)

---

۱- توضیح المسائل مراجع، م۱۳؛ محمدتقی بهجت، توضیح المسائل، م۱۹ و استفتائات، ج۱، تقلید، س۱۱۳،وسیله النجاه، م۲۷؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۵۸؛ سیدمحمدرضاموسوی گلپایگانی؛ محمدعلی اراکی؛ حسیننوری همدانی، سیدروح الله خمینی: «و همچنیناست اگر مجتهد در نقل فتوا خطا کند»؛ سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله: «بایدبه هرکسی که از او یاد گرفته است، اطلاع دهد»، ج۱، تقلید،م۳۰؛ منهاج الصالحین،حسین وحید خراسانی: «اعلام درصورتی واجب است که از عدم اعلاممخالفت حکم الزامی پیش آید»، ج۲، تقلید،م۲۷ و توضیح المسائل،م۱۳؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج۱، تقلید، م۲۷؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۴۸و۵۸، سیدعلیسیستانی: «و همچنین است اگر مجتهد در نقل فتوا خطا کند.»

۲- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۴۸و۵۸، محمد فاضل لنکرانی و جامع المسائل، ج۲، س۳۰، الاحکام الواضحه، تقلید، م۱۷و۱۸؛سیدموسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل مراجع، م۱۳.

۳- ناصر مکارم شیرازی، سایت، راه های دستیابی به فتوای مرجع،س۱.

۴- ناصر مکارم شیرازی، سایت، تقلید، لزوم فراگیری احکام، س۴.

### ۳.۸.۵. اشتباه گفتن فتوای مجتهد

در تصدی نقل فتوای مجتهد و بیان احکام شرعی، اجازه داشتن شرط نیست؛ ولی کسی که دچار خطا می شود، جایز نیست متصدی این کار شود و اگر در مسئله ای اشتباه کرد، چنانچه متوجه اشتباه خود شد، بر او واجب است شنونده را از آن اشتباه آگاه کند. به هرحال، بر مستمع جایز نیست تا به صحت گفتار گوینده اطمینان پیدا نکرده است، به نقل او عمل کند (رهبر معظم انقلاب).(۱)

اگر شخصی فتوای مجتهد را اشتباه بگوید، باید به هرکسی که از او یاد گرفته است، اطلاع دهد (حضرت امام و آیات عظام فاضل، اراکی، گلپایگانی، نوری و صافی).(۲)

اگر کسی بعد از گفتن فتوا بفهمد اشتباه کرده است، درصورتی که ممکن باشد، باید اشتباه را برطرف کند (آیات عظام تبریزی، بهجت و شاهرودی).(۳)

اگر کسی بعد از گفتن فتوا بفهمد اشتباه کرده است، درصورتی که حرجی نباشد، باید اشتباه را

---

۱- سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س۲۸ و تحریر المسائل، م۳۲.
۲- توضیح المسائل مراجع، م۱۳؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۴۸و۵۸؛محمدعلی اراکی، سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی؛حسین نوری همدانی؛ محمد فاضل لنکرانی و جامع المسائل، ج۲، س۳۰؛الاحکام الواضحه، تقلید، م۱۷و۱۸؛سیدروح الله خمینی: «و همچنین است اگر مجتهد در نقل فتواخطا کند» (تحریر الوسیله،ج۱، تقلید، م۳۰)؛ سیدمحمدرضا موسویگلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی، هدایهالعباد، ج۱، م۳۳.
۳- توضیح المسائلمراجع، م۱۳؛ محمدتقی بهجت، توضیح المسائل، م۱۹ و استفتائات، ج۱، تقلید، س۱۱۳ و وسیله النجاه، م۲۷.

برطرف کند (آیت الله شبیری زنجانی). (۱)

اگر کسی فتوای مجتهدی را به شخص دیگری بگوید و بعد از گفتن فتوا بفهمد اشتباه کرده است و گفتهٔ او موجب آن می شود که آن شخص به خلاف وظیفهٔ شرعی اش عمل کند، باید بنا بر احتیاط لازم(۲) اشتباه را برطرف کند (آیات عظام سیستانی، وحید و خویی).(۳)

هرگاه کسی در نقل فتوای مجتهدی اشتباه کرده است، باید بعد از اطلاع، صحیحِ آن را بگوید و اگر در منبر و سخنرانی گفته است، باید آن را در جلسات مختلف تکرار کند تا کسانی که به اشتباه افتاده اند، از اشتباه در آیند. اما اگر فتوای آن مجتهد تغییر کرده است، اعلام تغییر بر او لازم نیست (آیت الله مکارم).(۴)

## ۹.۵. مسائل مربوط به مقلد

### ۱.۹.۵. شروط مقلد

۱. به سن تکلیف برسد؛ ۲. مجتهد نباشد؛ ۳. محتاط نباشد (رهبر معظم انقلاب).(۵)

---

۱- توضیح المسائلمراجع، م۱۳.

۲- سیدابوالقاسم خویی: «بر او، اعلام بهکسی که این مسئله را از او شنیده است، واجب است» (منهاج الصالحین، ج۲، تقلید،م۲۷).

۳- توضیح المسائل،م۱۳؛ حسین وحید خراسانی: «اعلام درصورتیواجب است که از عدم اعلام مخالفت حکم الزامی پیش آید» (منهاج الصالحین، ج۲، تقلید،م۲۷)؛ توضیح المسائل،م۱۳؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج۱، تقلید، م۲۷؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۴۸و۵۸؛سیدعلی سیستانی و سیدابوالقاسم خویی: «وهمچنین است اگر مجتهد در نقل فتوا خطا کند.»

۴- توضیح المسائل،م۱۵. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۴۸و۵۸؛ آیت الله مکارم: «و همچنین است اگرمجتهد در نقل فتوا خطا کند.»

۵- سیدعلی خامنه ای، تحریر المسائل، م۱۲.

## ۲.۹.۵. شک در جامع الشرایط بودن مرجع

### ۱.۲.۹.۵. درصورت شک (ساری) در جامع الشرایط بودن مجتهد

اگر در جامع الشرایط بودن مجتهدی که از او تقلید می کنیم، شک (مراد شک ساری است) کردیم، واجب است جست وجو کنیم. اگر جامع الشرایط بود که بر تقلید ایشان باقی می مانیم و اگر جامع الشرایط نبود یا مشخص نشد که جامع الشرایط است یا نیست، عدول به مجتهد دیگر واجب است (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، وحید، خویی، مکارم، فاضل، نوری، گلپایگانی، صافی و تبریزی؛ آیت الله اراکی جملهٔ داخل پرانتز را ندارد).(۱)

اگر شخصی دربارهٔ شروط لازم در مرجع تقلید خود دچار شک شود، باید همان کاری را بکند که پیش از انتخاب آن مرجع باید می کرد؛ یعنی اگر به اعلم بودن مرجعی گمان دارد،

---

۱- سیدعلیسیستانی، منهاج الصالحین،ج۱، تقلید، م۱۱؛ منهاجالصالحین، حسین وحید خراسانی؛ سیدابوالقاسمخویی، ج۲، تقلید، م۱۱؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۴۲؛ سیدمحمدرضاموسوی گلپایگانی؛ حسین نوری همدانی؛ محمدعلیاراکی؛ سیدروح الله خمینی؛ محمد فاضل لنکرانی در عروه:«اگر شک ساری باشد»؛ ناصر مکارم شیرازی؛ جواد تبریزی:«اعمال سابق درصورتی که ازروی حجت شرعی تقلید کرده است، درعبادات و عقود و ایقاعات به تدارک و اعاده نیاز ندارد؛ چه کیفیتآن اعمال را بداند، چه نداند و درصورتی که تقلیدش ازروی حجت شرعینبوده باشد، اگر کیفیت آن ها را بداند، در آن اعمال به مجتهد جامع الشرایطرجوع کند و درصورتی که کیفیت آن را نمی داند، بایدآن را تدارک کند. البته درصورتی که شک در خارج از وقت باشد، قضا ندارد» (منهاج الصالحین، ج۱، م۱۱)؛سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی و لطف الله صافیگلپایگانی، هدایه العباد، ج۱، م۱۹؛آیات عظام گلپایگانی و صافی: «اما حکم اعمال گذشته درصورتی کهاحتمال عقلایی بر صحت آن باشد، تا قبل از فحص صحیح است.»

درصورتی که گمانش به حد اطمینان برسد، باید از او تقلید کند؛ بلکه اگر برای او اطمینان حاصل نشد، بعید نیست ترجیح مرجعی که فقط به اعلم بودن او گمان دارد یا احتمال می دهد؛ ولی بهتر این است که دراین صورت به قول کسی عمل کند که موافق احتیاط باشد؛ اما اگر احتمال ضعیفی هم بدهد که کسی اعلم است و بداند دیگری از او اعلم نیست، باید از او تقلید کند. اگر چند نفر در نظر او از دیگران اعلم و با یکدیگر مساوی باشند، باید از یکی از آن ها تقلید کند (آیت الله بهجت).(۱)

### ۲.۲.۹.۵. شک در فوت مجتهد یا تبدیل رأی یا زائل شدن شروط مرجعیت (شک غیرساری)

بنا بر احتیاط، تقلید از غیراعلم در مسائل محل اختلاف، به مجرد احتمال نبود شروط معتبر در اعلم، جایز نیست (رهبر معظم انقلاب).(۲)

اگر در فوت مجتهد یا تبدیل رأی ایشان یا عارض شدن چیزی شک کنیم که موجب جایزنبودن تقلید از ایشان شود، برای مقلد جایز است بقای بر همین مجتهد تازمانی که حال ایشان آشکار شود (حضرت امام و آیات عظام خویی، مکارم، سیستانی، فاضل، اراکی، گلپایگانی، نوری، وحید، تبریزی و صافی).(۳)

---

۱- محمدتقی بهجت، استفتائات،ج۱، تقلید، س۷۸.

۲- سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س۱۷.

۳- سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۳۹، سیدروح اللهخمینی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ سیدابوالقاسمخویی؛ سیدعلی سیستانی؛ ناصر مکارمشیرازی؛ محمدعلی اراکی؛ سیدمحمدرضا موسویگلپایگانی؛ حسین نوری همدانی؛ محمد فاضللنکرانی، الاحکام الواضحه، تقلید،م۲۱؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، شرایط مرجع تقلید، س۶؛ جواد تبریزی،توضیح المسائل، م۶؛ منهاج الصالحین، ج۱،م۲۳؛ سیدابوالقاسم خویی و حسین وحیدخراسانی، منهاج الصالحین،ج۲، م۲۳؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی ولطف الله صافی گلپایگانی، هدایهالعباد، ج۱، م۲۰؛ آقای صافی فقط قسمت «عارض شدنچیزی که موجب شود جایزنبودن تقلید از ایشان» رادارد.

اگر در زائل شـدن بعضـی شـروط مرجعیت، مانند عدالت یا اجتهاد شک کردیم، جست وجو لازم نبوده و جایز است بر حالت اول بنا کنیم (آیت الله بهجت).(۱)

### ۳.۲.۹.۵. شک در جامع الشرایط بودن مجتهدی بعد از فوت

اگر بعـد از فوت مرجع تقلید شک شود که آیا تا لحظات آخر، شـروط مرجعیت را داشـته است یا نه، می توان بر تقلید او باقی ماند (آیت الله فاضل).(۲)

### ۴.۲.۹.۵. مجتهد مجهول الحال

مجتهدی که عادل نیست یا مجهول الحال است، تقلید او جایز نیست (آیت الله اراکی: زمانی که سابقاً عادل نباشد)؛ اگرچه در نقل فتاوای خود موثق باشد.(۳) ولی فتاوای او برای عمل خود او معتبر است؛ چنان که حکم او و نه تصـرفات او، در امور عامه و نه ولایت او، در اوقاف و وصایا و اموال صغار و غائبان نافذ نیست

---

۱- محمدتقی بهجت، وسیلهالنجاه، م۱۷.

۲- محمد فاضل لنکرانی، جامعالمسائل، ج۲، تقلید، س۱۴.

۳- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۷۱، ناصر مکارم شیرازی: «بنا بر احتیاط واجب، اگرموثق باشد، جایز نیست و قد مر الکلام فیه و کذا ما بعده.»

(حضرت امام و آیات عظام مکارم، سیستانی، فاضل، خویی، اراکی، گلپایگانی و نوری).(۱)

### ۳.۹.۵. تقلید ناصحیح

#### ۱.۳.۹.۵. تقلید از مجتهدی که جامع الشرایط نیست

اگر شخصی از مجتهدی که جامع الشرایط نیست، تقلید کند و بعد از مدتی بفهمد وی جامع الشرایط نبوده است، این شخص مانند کسی است که بدون تقلید اعمالی را انجام داده است (حضرت امام و آیات عظام وحید، خویی، سیستانی، فاضل، مکارم، بهجت، اراکی، گلپایگانی، نوری، تبریزی و صافی).(۲)

#### ۲.۳.۹.۵. فاقدشدن شروط مرجعیت

زمانی که مجتهدی شروط مرجعیت را از دست بدهد، بر مقلد واجب است به دیگری عدول کند (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، خویی،

---

۱- سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۷۱، ناصر مکارمشیرازی؛ سیدعلی سیستانی؛ سیدروح اللهخمینی؛ سیدابوالقاسم خویی؛ حسین نوریهمدانی؛ محمدعلی اراکی؛ سیدمحمدرضا موسویگلپایگانی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج۲، س۷.

۲- حسین وحیدخراسانی و سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ج۲، تقلید، م۱۳؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۲۵؛ حسین نوریهمدانی؛ محمدعلی اراکی؛ سیدمحمدرضا موسویگلپایگانی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ سیدعلیسیستانی؛ سیدروح الله خمینی؛ آقای سیدعلیسیستانی دربارهٔ جاهل قاصر و مقصر در عروه، م۲۵توضیح داده است؛ سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج۱، تقلید، م۱۸؛ محمدفاضل لنکرانی، الاحکام الواضحه، م۱۱؛حسین وحید خراسانی، سایت،استفتائات، تقلید، س۱۶؛محمدتقی بهجت، وسیله النجاه،ج۱، م۱۷و۱۸؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج۱، م۱۳؛سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی و لطف الله صافیگلپایگانی، هدایه العباد،ج۱، م۲۱.

مکارم، فاضل، بهجت، اراکی، گلپایگانی، نوری و صافی).(۱)

اگر شخص از مجتهد اعلم تقلید کند، بعد دیگری اعلم شود، واجب است به اعلم عدول کند (آیت الله تبریزی).(۲)

### ۳.۳.۹.۵. اعمالی که بدون تقلید انجام داده ایم

اگر اعمال، موافق احتیاط یا مطابق با واقع یا با نظر مجتهدی باشد که وظیفه دارند از او تقلید کنند، محکوم به صحت است (رهبر معظم انقلاب).(۳)

اگر مکلف مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجام دهد، درصورتی اعمال او صحیح است که بفهمد به وظیفهٔ واقعی خود رفتار کرده است یا (آیت الله نوری: احتمال بدهد) عمل او با فتوای مجتهدی که وظیفه اش تقلید از او بوده است یا با فتوای مجتهدی که فعلاً باید از او تقلید کند، مطابق باشد (حضرت امام(۴) و آیات عظام بهجت و شاهرودی و نوری؛ آیت الله نوری: و در

---

۱- سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۲۴، سیدروح اللهخمینی: «بنا بر احتیاط واجب عدول واجب است»؛ سیدعلیسیستانی؛ حسین نوری همدانی؛ محمدعلیاراکی؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی؛ ناصر مکارمشیرازی؛ سیدابوالقاسم خویی؛ محمد فاضللنکرانی؛ سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج۱، تقلید، م۱۸ (درتحریر، فتوای به وجوب عدول دارد) و استفتائات، ج۱، تقلید، س۱۷؛ محمد فاضللنکرانی، الاحکام الواضحه، م۱۰؛محمدتقی بهجت، وسیله النجاه،م۱۸؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی و لطف اللهصافی گلپایگانی، هدایهالعباد، ج۱، م۲۱.

۲- جواد تبریزی، منهاجالصالحین، ج۱، م۱۰.

۳- سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س۷ و تحریرالمسائل، م۱۸.

۴- فتاوای مراجع فوت شده در مسئلهٔ بقا، از درجهٔاعتبار ساقط است. بقا باید با اجازهٔ مرجع زنده باشد.

آن ها قصد قربت داشته باشد).(۱)

اگر مکلف مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجام دهد، درصورتی اعمال او صحیح است که بفهمد به وظیفهٔ واقعی خود رفتار کرده است یا عمل او با فتوای مجتهدی که فعلاً بایداز او تقلید کند، مطابق باشد (آیت الله گلپایگانی: و اگر عبادی بوده است، به قصد قربت آن را به جا آورده باشد) (و در غیر این صورت، باید آن مقداری را که یقین دارد موافق نبوده است، قضا کند و احتیاط مستحب است که به اندازه ای قضا کند که به برائت ذمه یقین پیدا کند) (آیات عظام گلپایگانی و اراکی؛ آیت الله تبریزی متن داخل پرانتز را ندارد).(۲)

اگر مکلف مدتی بدون تقلید عمل کند، درصورتی صحیح است که مطابق با واقع انجام شده باشد و اگر عبادی بوده است، به قصد قربت آن را به جا آورده باشد. راه به دست آوردنِ

---

۱- سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۷؛ حسین نوریهمدانی؛ توضیح المسائل، سیدروح اللهخمینی، م۱۴؛ استفتائات،ج۱، تقلید،س۵و۷و۱۸و۲۷تا۳۲؛ نوریهمدانی، استفتائات، ج۲، س۱؛آیت الله نوری: «اگر مکلف مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجامدهد، درصورتی اعمال او صحیح است که بفهمد به وظیفهٔ واقعیخود رفتار کرده است یا عمل او با فتوای مجتهدی که فعلاًـ بایداز او تقلید کند، مطابق باشد؛ مگر عمل را طوری انجام داده باشد که از گفتهٔآنان به احتیاط نزدیک تر باشد. دراین صورت هم صحیح است» (توضیح المسائل)؛ محمدتقی بهجت، «و عباداتیکه قبلاً انجام داده است، با قصد قربت انجام داده باشد»، م۲۰ و استفتائات، ج۱، س۴۹و۸۴و۹۲.

۲- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۷؛ محمدعلی اراکی؛ سیدمحمدرضا موسویگلپایگانی و توضیح المسائل، م۱۴ و مجمعالمسائل، ج۱، س۱۹: «پرسش: کسانی که مقلد نبوده اند وبیست سال یا بیشتر، کورکورانه عبادت کرده اند، الان که متوجهشده اند، تکلیفشان چیست؟ پاسخ: اگر اعمال گذشته مطابق با فتوایمجتهدی باشد که اکنون از او تقلید می کنند، صحیح است؛وگرنه واجب است اعمال گذشته را تدارک کنند و اگر احتمال صحت بدهند، قضا واجب نیست»؛جواد تبریزی، منهاجالصالحین، ج۱، م۲ و استفتائات،ج۱، س۶۶، و توضیح المسائل، م۱۴.

مطابق شـدن آن با واقع این است که یا بعـد علم پیـدا کند که مطابق با واقع بوده است یا اینکه مطابق فتوای مجتهدی واقع شده باشد که فعلاً وظیفه اش تقلید از اوست (آیت الله صافی گلپایگانی).(۱)

اگر مکلف مـدتی اعمال خود را بـدون تقلیـد انجام دهـد، سپس از مجتهـدی تقلید کند، درصورتی که آن مجتهد به صـحت اعمال گذشته حکم کند، آن اعمال صحیح است؛ وگرنه محکوم به بطلان است (آیت الله مکارم).(۲)

اگر مکلفی مـدتی عبادات خویش را بـدون تقلیـد انجام داده است و مقـدار آن عبادات را نمی دانـد، چنانچه کیفیت آن ها را بدانـد و به موافقت آن بـا واقع (آیت الله گلپایگانی: یا احتمال موافقت با واقع) علم داشـته باشـد یا بدانـد طبق فتوای مجتهـدی بوده است که باید از او تقلید می کرده است، صحیح است (آیت الله فاضل).(۳)

اگر مکلف مـدتی اعمال خود را بـدون تقلیـد انجام دهـد، سپس از مجتهـدی تقلیـد کنـد، چنانچه علم داشـته باشـد که اعمال گذشـته مطابق با واقع یا مطابق فتوای کسـی است که فعلاً تقلید از او واجب است، اعمال او صـحیح است (آیات عظام وحید و خویی).(۴)

---

۱- لطف الله صافی گلپایگانی، توضیح المسائل، م۱۴؛ لطف اللهصافی گلپایگانی، هدایهالعباد، ج۱، م۱.
۲- توضیح المسائل،م۱۴؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج۱، س۱۵؛ سایت، تقلید، عمل بدون تقلید، س۱و۴و۸.
۳- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۷؛ محمد فاضل لنکرانی، توضیح المسائل،م۱۴.
۴- حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج۲، تقلید، م۲ و توضیح المسائل، م۱۴.

اگر مکلف مـدتی اعمال خود را بـدون تقلیـد انجام دهد، چنانچه اعمال او مطابق با واقع یا فتوای مجتهدی باشد که اکنون می توانـد مرجع او باشـد، صـحیح است. در غیر این صورت، اگر جاهـل قاصـر بوده و نقص عمل ازجهت ارکان وماننـد آن نبوده است، عمل صـحیح است. همچنین است اگر جاهل مقصر بوده است و نقص عمل ازجهتی بوده است. این اعمال نیز درصورت جهـل، صـحیح است؛ ماننـد جهر به جای اخفات یا به عکس. همچنین اگر کیفیت اعمال گذشـته را ندانـد، محکوم به صـحت است؛ به جز در بعضی مسائل که در منهاج الصالحین، مسئلۀ ۲ و ۱۱، تفصیل آن بیان شده است (آیت الله سیستانی).(۱)

اگر مکلف مـدتی اعمال خود را بـدون تقلید انجام دهد و پس از آن، از مجتهدی تقلید کند، درصورتی که این مجتهد اعمال گذشـته را صـحیح بدانـد، آن اعمـال صـحیح است و اگر باطـل بدانـد، محکوم به بطلان است و چنانچه در صـحت آن اعمال احتیاط کند، مکلف، به وظیفۀ احتیاطی عمل می کند (آیت الله شبیری زنجانی).(۲)

---

۱- توضیح المسائل،م۱۲ و منهاج الصالحین،ج۱، تقلید، م۲؛ سیدمحمدکاظم طباطباییزدی، عروه الوثقی،ج۱، تقلید، م۴۰.
۲- سیدموسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل، م۱۴.

### ۴.۳.۹.۵. حکم جاهل به مقدار اعمالی که بدون تقلید انجام شده است

چنـانچه مکلف بدانـد مـدتی عباداتش را بـدون تقلیـد انجام داده است، ولی مقـدار آن را ندانـد، اگر اعمال با واقع یا با فتوای مجتهـدی که وظیفه، تقلیـد از او بوده است یا مجتهـدی که فعلاً بایـد از او تقلیـد کند، موافق باشد، صـحیح است و در غیر این صورت(۱) بایـد عباداتش را به انـدازه ای قضا کند که به برائت ذمه یقین کند؛ هرچند جواز اکتفای به قدر متیقن، بعید نیسـت (حضرت امام و آیات عظام مکارم و خویی).(۲)

اگر مکلفی مدتی عبادات خویش را بدون تقلید انجام داده است و مقدار آن عبادات را نداند، چنانچه کیفیت آن ها را بداند و به موافقت آن با واقع (آیت الله گلپایگانی: یا احتمال موافقت با واقع) علم داشـته باشـد یا بداند طبق فتوای مجتهدی بوده اسـت که باید از او تقلید می کرده است، صحیح است و اگر مطابق نباشد، قضای به مقدار متیقن واجب است. البته درصورتی که آن مجتهد قضا را واجب بداند، احتیاط مستحب این است: به مقداری که یقین به برائت

---

۱- سـیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۴۰؛ ناصـر مکارمشیرازی: «وگرنه عباداتش را اگر جاهل مقصر باشـد، بنا بر احتیاطواجب، بایـد به انـدازه ای قضا کنـد که یقین به برائت ذمهپیـدا کنـد و اگر جاهل قاصـر باشـد، بنا بر احتیاط مسـتحب باید به اندازه ایقضا کند که یقین به برائت ذمه پیدا کند و اگرچه بعیدنیست جواز اکتفا به قدر متیقن»؛ سیدابوالقاسـم خویی:«وگرنه درصورتی که به مخـالفت بـا واقع علم داشـته باشـد و این مخـالفت بهنظر مجتهـدی که فعلاًـ رجوع به او واجب است، موجب قضا باشد، واجب است قضا کند.»

۲- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۴۰؛ سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج۱، م۲۴.

ذمه پیدا کند، قضا کند (آیات عظام فاضل، گلپایگانی، اراکی و صافی). (۱)

اگر مکلفی مـدتی عبادات خویش را بـدون تقلیـد انجام دهـد و مقدار آن عبادات را نداند، چنانچه کیفیت آن ها را بداند و به موافقت با واقع یا با فتوای مجتهدی که باید از او تقلید می کرده است، علم داشته باشد، صحیح است. اگر مطابق نباشد، قضا به مقدار متیقن واجب است (آیت الله تبریزی).(۲)

با توجه به توضـیح مسئلهٔ قبل (اعمالی که بدون تقلید انجام داده ایم)، اگر مکلف متوجه شد که عمل ایشان باطل است، قضای آن به مقدار متیقن واجب است (آیات عظام سیستانی و نوری).(۳)

### ۵.۳.۹.۵. اعمال کسی که در انتخاب مرجع اعلم اشتباه کرده است

کسـی که مقلـد مجتهـدی بوده و به دسـتور او عمل کرده است و بعـداً متوجه شـده که علم و عدالتش کمتر از مجتهدان دیگر است، اگر در تشخیص اول، جهات شرعی را رعایت کرده باشد، اعمال گذشتهٔ او صحیح است (آیت الله فاضل).(۴)

---

۱- محمــد فاضـل لنکرانی، توضــیح المسائـل، م۱۳؛ جـامع المسائـل،ج۱، تقلیــد، س۲۸ و الاحکامالواضــحه، تقلیــد، م۲و۱۱؛ سیدمحمــدکاظمطباطبایی یزدی، عروهــالوثقی، ج۱، تقلیــد، م۷و۴۰؛ محمـدعلیاراکی، ســیدمحمدرضا موسوی گلپایگـانی؛ سیدمحمدرضاموسوی گلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، ج۱،م۲۷.

۲- جواد تبریزی، استفتائات،ج۲، س۳۹.

۳- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۷و۴۰؛ حسین نوری همدانی؛ سیدعلیسیستانی.

۴- محمد فاضل لنکرانی، استفتائات،ج۱، تقلید، س۱۰.

فردی که قبلاً از مجتهدی تقلید می کرده و اعمال خود را مطابق فتوای او انجام می داده و اکنون متوجه اشتباه خود در انتخاب مرجع شده است، اگر مرجعش را با تحقیق انتخاب کرده، اعمال گذشتهٔ او قضا ندارد (آیت الله مکارم).(۱)

زمانی که مکلف بدون فحص از مجتهدی تقلید کند یا قطع پیدا کند به جامع الشرایط بودن مجتهد، سپس در جامع الشرایط بودن او شک کند، اگر اعمال گذشته موافق فتوای ایشان بود، احتیاج به اعاده نیست؛ اما اگر موافق نبود، اصلاح اعمال گذشته به وسیلهٔ اعاده کردن واجب است؛ اگر به اعاده نیاز داشته باشد (آیت الله بهجت).(۲)

پرسش: اگر شخصی اعلم بودن مجتهدی را از راه دو شاهد عادل خبره به دست آورد و به فتوای آن مجتهد عمل کند و بعد از چند سال متوجه شود آن دو عادل، خبره نبودند و پیداکردن دو عادل خبره برای او مشکل باشد، آیا می تواند از مجتهدی تقلید کند که به اعلم بودن او گمان دارد؟ آن چند سال که از مجتهد قبلی تقلید کرده است، اعمالش چه حکمی دارد؟ پاسخ: در فرض سؤال اگر متمکن از فحص است، تفحص کند تا احراز اعلمیت بکند و با عدم تمکن، مظنه کفایت می کند. دربارهٔ اعمال گذشته، درصورتی که عملش با رأی مجتهدی که به تقلید او مکلف بوده، مطابق بوده است و در

---

۱- ناصر مکارم شیرازی، سایت، تقلید، متفرقه.

۲- محمدتقی بهجت، وسیلهالنجاه، م۱۷.

عبادات هم قصد قربت داشته، عملش صحیح و مجزی است (آیت الله گلپایگانی).(۱)

### ۶.۳.۹.۵. احراز صلاحیت مرجع بعد از مدتی تقلید

پرسش: اگر کسی پس از مدتی که از مجتهدی تقلید کرد، صلاحیت مجتهد را برای تقلید احراز کرد، آیا حکم کسی را دارد که می خواهد از آغاز از او تقلید کند؟ مثلاً درصورتی که صلاحیت وی، بعد از فوت او احراز شد، می تواند بر تقلید وی باقی باشد؟ پاسخ: اعمال او در این مدت به صحت محکوم است؛ ولی در فرض سؤال، بقای بر تقلید مشکل است (آیت الله بهجت).(۲)

پرسش: شخصی در ابتدای بلوغ، بدون درنظرگرفتن مبنای شرعی، از زید تقلید کرده است و پس از مدتی فهمیده که باید تقلید بر مبنای شرعی باشد. ازاین رو با درنظرگرفتن تساوی بین مراجع عظام، از دیگری تقلید کرده و پس از مدتی باز برای او شبهه ایجاد شده است و چون در ابتدای بلوغ از زید تقلید کرده بود و مبنای شرعی، تساوی بین آن هاست، باز از زید تقلید کرده است. حال این شخص دچار این شبهه شده است: آیا تقلید زید درست است چون اولِ بلوغ از او تقلید کرده است؟ یا اینکه تقلید آن دیگری درست است چون تقلید بر مبنای شرعی، از وی شروع شده است؟ پاسخ: در فرض مرقوم، بنا بر احتیاط واجب، از مجتهد

---

۱- سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، مجمعالمسائل، ج ۱، س ۵ و ۳۹.

۲- محمدتقی بهجت، استفتائات،ج ۱، س ۹۰.

دوم تقلید کند که طبق موازین صحیح، از او تقلید کرده است؛ مگر اینکه مجتهد دوم، تقلید را عبارت از عمل به فتوای مجتهد بداند. دراین صورت، در مسائلی که عمل نکرده است، با احراز تساوی هر دو مجتهد، می تواند از هرکدام که بخواهد تقلید کند. همچنین اگر مجتهد دوم، تقلید را اخذ فتوای مجتهد برای عمل بداند، در مسائلی که از او اخذ فتوا نکرده است، مختار است (آیت الله گلپایگانی).(۱)

### ۷.۳.۹.۵. تقلیدکردن از کسی که اهلیت فتوا ندارد

اگر از کسی تقلید کند که اهلیت فتوا ندارد و بعداً متوجه شود، عدول واجب است و اعمال گذشته مانند عمل جاهل است که تقلید نکرده است. همچنین اگر از غیراعلم تقلید کند، بنا بر احتیاط واجب باید به اعلم رجوع کند؛ اما اگر از اعلم تقلید کند و بعد مشخص شود دیگری اعلم بوده است، بنا بر احتیاط واجب، باید به اعلم عدول کند (حضرت امام و آیات عظام مکارم، اراکی، گلپایگانی، سیستانی و صافی).(۲)

اگر از کسی تقلید کند که اهلیت فتوا ندارد و

---

۱- سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، مجمعالمسائل، ج۱، س۶.
۲- سیدروح اللهخمینی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ سیدعلیسیستانی؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۳۷؛ محمدعلی اراکی؛ سیدمحمدرضا موسویگلپایگانی؛ سیدابوالقاسم خویی و ناصر مکارمشیرازی: «به احتیاط واجب، با علم به مخالفت به فتوا رجوع بهاعلم واجب است.» آیت الله سیدعلی سیستانی در مسئلهٔ۲۵ عروه توضیح بیشتری داده است؛ سیدروح اللهخمینی، تحریرالوسیله، «بنا بر احتیاط واجب در مسائلی که تفصیلاًمی داند فتوای آن دو مخالف یکدیگر است، به اعلم عدول کند»،ج۱، م۱۲؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی ولطف الله صافی گلپایگانی، هدایهالعباد، ج۱، م۱۳.

بعداً متوجه شود، عدول واجب است و اعمال گذشته مانند عمل جاهل است که تقلید نکرده است. همچنین اگر از غیراعلم تقلید کند، باید به اعلم رجوع کند؛ اما اگر از اعلم تقلید کند و بعد مشخص شود که دیگری اعلم بوده است، در اینجا هم باید به اعلم عدول کند و اگر تقلیدش صحیح بوده است، اعمال گذشته صحیح است (آیات عظام فاضل و خویی).(۱)

اگر از کسی تقلید کرده است که اهلیت فتوادادن ندارد، واجب است از او عدول کرده و از کسی تقلید کند که برای فتوادادن اهلیت دارد و اعمال گذشته، اگر مطابق با واقع یا فتوای مجتهدی باشد که فعلاً وظیفه اش تقلید از اوست، صحیح است (آیت الله وحید).(۲)

اگر از کسی تقلید کند که اهلیت فتوا ندارد، عدول به کسی که اهلیت فتوا دارد، واجب است (آیت الله تبریزی).(۳)

#### ۸.۳.۹.۵. درصورت تقلید اشتباهی از مرجع دیگر

اگر از شخصی تقلید کند به خیال اینکه زید است، سپس آشکار شود عمرو بوده است، در اینجا اگر هر دو در فضیلت، مساوی بودند، تقلید هم صحیح است (حضرت امام و آیات عظام خویی، مکارم، گلپایگانی و نوری).(۴)

---

۱- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۳۷؛ سیدابوالقاسم خویی؛ محمد فاضل لنکرانی،الاحکام الواضحه، تقلید، م۲۷و جامع المسائل، ج۳، تقلید،س۳۲.

۲- حسین وحید خراسانی، سایت، استفتائات،تقلید، س۱۶.

۳- جواد تبریزی، منهاجالصالحین، ج۱، م۱۰.

۴- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۳۵؛ حسین نوری همدانی؛ ناصر مکارمشیرازی: «اگر در فضیلت مساوی هم نبودند، تقلیدصحیح است»؛ سیدروح الله خمینی؛ سیدابوالقاسمخویی؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی.

هرگاه از شخصی تقلید کرد به خیال اینکه زید است، سپس ظاهر شد که او عمرو است، اگر هر دو در فضیلت مساوی اند و تقلید او هم بر وجه تقیید نبوده است، صحیح است؛ وگرنه مشکل است (آیات عظام فاضل و اراکی).(۱)

اگر از شخصی تقلید کند به خیال اینکه زید است، سپس آشکار شود عمرو بوده است، در اینجا اگر یکی از دو مجتهد افضل بودند، با نداشتن علم به مخالفت بین آن دو مرجع تقلید، تقلید مطلقاً صحیح است؛ هرچند زید افضل باشد. درصورت علم به مخالفت، تقلید از عمرو صحیح نیست؛ مگر زمانی که عمرو افضل باشد. اما اگر تقلیدش بر وجه تقیید باشد، تقلید به این معنا تحقق پیدا نکرده است (آیت الله سیستانی).(۲)

### ۹.۳.۹.۵. عمل بدون توجه به تقلید

شخصی که متوجه عنوان تقلید نبوده است، ولی اگر مسئله ای برایش پیش می آمده است به رسالهٔ مجتهد وقت رجوع و بدان عمل می کرده است، همانند فرد بدون تقلید بوده و بقای بر آن میت درصورت فوت مشکل است؛ اگرچه

---

۱- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۳۵؛ محمد فاضل لنکرانی؛ محمدعلی اراکی.

۲- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۳۵؛ سیدعلی سیستانی.

عملش صحیح است (آیت الله بهجت).(۱)

عمل بدون توجه به تقلید باطل است؛ مگر اینکه مطابق با واقع یا تقلید صحیح باشد (آیت الله تبریزی).(۲)

شخصی تقلید نمی کند و حاضر به تقلید هم نیست. اگر اعمال او طبق فتوای مجتهدی باشد که باید از او تقلید کند، صحیح است (آیت الله نوری).(۳)

عمل بدون تقلید محکوم به بطلان است؛ مگر درصورتی که مطابق با فتوای مجتهدی باشد که فعلاً وظیفه، تقلید از اوست و دربارهٔ عبادات، باید با قصد قربت انجام گرفته باشد (آیت الله صافی).(۴)

### ۱۰.۳.۹.۵. رجوع قهری احتیاط واجب بدون نیت رجوع

پرسش: اگر اعلم در مسئله ای فتوا نداده و تنها احتیاط واجب کرده است، ولی فالاعلم، آن احتیاط را ندارد، آیا لازم است مقلد اعلم، بداند مرجعش احتیاط واجب کرده است و باید نیت رجوع به فالاعلم کند یا همین که در مقام انجام وظیفهٔ شرعی بوده و عملش طبق فتوای فالاعلم است، کافی است؟ به عبارت دیگر اگر اعلم مثلاً در احرام از مکهٔ قدیم احتیاط واجب دارد، ولی فالاعلم چنین احتیاطی ندارد و مقلد

---

۱- محمدتقی بهجت، استفتائات،ج۱، تقلید، س ۱۳۰.

۲- جواد تبریزی، استفتائات،ج۱، س۶۴.

۳- نوری همدانی، هزارویک مسئلهٔفقهی، ج۲، س۱.

۴- لطف الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج۱، س۱و۳.

اعلم، از مکهٔ جدید محرم شده و بعد از اعمال حج، فهمیده است که اعلم چنین احتیاطی داشته، آیا عملش صحیح است؟ اکنون چه وظیفه ای دارد؟

پاسخ:

اگر عمل او در هنگام صدور از وی مطابق با فتوای کسی بوده است که شرعاً می توانست از او تقلید کند، صحیح و مجزی است (رهبر معظم انقلاب).

اگر با فتوای کسی که می تواند از او تقلید کند، مطابقت داشته باشد، الان می تواند به او رجوع کند (آیت الله سیستانی).

در فرض سؤال، بعد از خاتمهٔ اعمال اگر نیت کند که «آنچه انجام داده ام، طبق نظر فالاعلم باشد»، اشکال ندارد؛ البته مشروط به اینکه هنگام احرام از مکهٔ جدید قصد قربت از او متمشی شده باشد (آیت الله صافی).

بعد از اعمال حج، به فالاعلم رجوع می کند و چون عمل گذشتهٔ او با آن هماهنگ است، اعاده لازم نیست (آیت الله مکارم).

همین که عمل مطابق فتوای مشهور باشد، صحیح است و نیت رجوع و حتی گفتن و ارجاع دادن لازم نیست. بلی اگر سؤال کردند، باید گفت و اگر بعد از عمل متوجه آن احتیاط شدند، اعاده لازم نیست؛ هرچند اگر بخواهند طبق احتیاط اعاده و عمل کنند، مانعی ندارد (آیت الله فاضل).

می تواند با رجوع فعلی، آن عمل را تصحیح

کند (آیت الله بهجت).

پس از فهمیدن فتوای فالاعلم در تصحیح عمل، به فتوای وی استناد می کند (آیت الله تبریزی).(۱)

#### ۱۱.۳.۹.۵. تقلید از میت با لزوم تقلید از حی

فردی در مسئله ای که باید از مجتهد زنده تقلید کند، مطابق فتوای مجتهد میت عمل کرده است. اگر اعمالی که انجام داده است، مطابق با فتوای مجتهد اعلم زنده باشد، صحیح است. در غیر این صورت، اگر احتیاج به اعاده دارد، باید آن ها را اعاده کند (آیت الله بهجت).(۲)

### ۴.۹.۵. راه های دستیابی به فتوای مجتهد

#### اشاره

۱. شنیدن از خود مجتهد (حضرت امام و رهبر معظم انقلاب و آیات عظام تبریزی، بهجت، خویی، فاضل، سیستانی، وحید، نوری، شاهرودی، اراکی، گلپایگانی، زنجانی و صافی؛ آیت الله مکارم: یا ملاحظهٔ دست خط او).(۳)

---

۱- مناسک حج، چ۳، ۱۳۹۱، احکامتقلید، فتاوی آیات عظام سیستانی،تبریزی، صافی، مکارم و فاضل؛ مناسک حج، چ۳، ۱۳۸۶،احکام تقلید، م۱۳۵۹، فتاوی مقام معظمرهبری و آیت الله بهجت.

۲- محمدتقی بهجت، استفتائات،ج۱، تقلید، س۱۳۹.

۳- توضیح المسائل مراجع، م۵؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۳۶؛ حسین نوریهمدانی؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی؛ محمدعلیاراکی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ ناصر مکارم شیرازی، م۷؛ سیدعلیخامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س۲۵،تحریر المسائل، م۳۱؛سیدروح الله خمینی، تحریرالوسیله، ج۱، تقلید، م۲۱؛ توضیح المسائل، حسین وحید خراسانی؛ سایت، استفتائات، تقلید، س۲۰، م۵؛ محمد فاضللنکرانی، الاحکام الواضحه، تقلید،م۱۶؛ محمدتقی بهجت، وسیلهالنجاه، م۲۵؛ آیت الله شبیری زنجانی:«مسئلهٔ به دست آوردن فتوا، یعنی نظر مجتهد، دو راه دارد: اول،از هر طریقی که علم یا اطمینان برای خود انسان یانوع مردم بیاورد؛ مثل شنیدن از خود مجتهد یا دیدن دررسالهٔ مجتهد یا شنیدن از کسی که از گفتهٔ وباطمینان حاصل شود. دوم، شنیدن از دو مرد عادل ضابط که فتوایمجتهد را نقل کنند. مراد از ضابط، کسی است که اشتباهش در نقل، از متعارفمردم بیشتر نباشد»؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی ولطف الله صافی گلپایگانی، هدایهالعباد، ج۱، م۲۴.

۲. شنیدن از دو نفر عادل که فتوای مجتهد را نقل کنند (حضرت امام و رهبر معظم انقلاب و آیات عظام تبریزی، بهجت، خویی، سیستانی، وحید، نوری، اراکی، گلپایگانی، صافی، شاهرودی؛ آیت الله فاضل: خبردادن یک نفر عادل کفایت نمی کند؛ مگر اینکه از قول او علم یا اطمینان حاصل شود؛ آیت الله زنجانی: دو مرد عادل ضابط).(۱)

۳. شنیدن از کسی که مطمئن و راست گوست (رهبر معظم انقلاب و آیات عظام تبریزی، نوری، شاهرودی، زنجانی؛ وحید: درصورتی که ظن به خلاف نباشد).(۲)

شنیدن از کسی که معتمد است (آیت الله مکارم).(۳)

شنیدن از کسی که موثق است و به گفته اش اطمینان است (حضرت امام و آیات عظام بهجت،

---

۱- توضیح المسائلمراجع، م۵؛ محمد فاضل لنکرانی، توضیح المسائل، م۷، الاحکامالواضحه، تقلید، م۱۶؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۳۶؛ سیدعلیخامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س۲۵و تحریر المسائل، «یا عادل واحد»، م۳۱؛سیدروح الله خمینی، تحریرالوسیله، ج۱، تقلید، م۲۱؛ حسینوحید خراسانی، توضیح المسائل،م۵ و سایت، استفتائات،تقلید، س۲۰؛ حسین وحید خراسانی در سایت در ادامهٔ مطلب بالا،این مطلب را هم آورده است: «و ظن بر خلاف گفتهٔ او نیست یابه گفتهٔ او اطمینان دارد»؛ محمدتقی بهجت، وسیله النجاه، م۲۵؛ سیدمحمدرضا موسویگلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، ج۱،م۲۴.

۲- .سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید، م۳۶؛ سیدعلیخامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س۲۵،تحریر المسائل، م۳۱؛حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل،م۵ و سایت، استفتائات،تقلید، س۲۰؛ توضیح المسائلمراجع، م۵.

۳- ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل، م۷.

سیستانی، خویی، فاضل، اراکی، گلپایگانی و صافی).(۱)

۴. دیدن در رسالهٔ مجتهد درصورتی که انسان به درستیِ آن رساله اطمینان داشته باشد (حضرت امام و رهبر معظم انقلاب و آیات عظام سیستانی، مکارم، وحید، نوری، شاهرودی، اراکی، گلپایگانی، تبریزی، زنجانی، خویی و صافی؛ آیت الله بهجت: بنا بر احوط؛ آیت الله فاضل: یعنی بداند که تمام رساله را خود مجتهد یا افراد موثق وی ملاحظه کرده اند).(۲)

۵. مشهوربودن در میان مردم به طوری که سبب اطمینان شود (آیت الله مکارم).(۳)

### ۵.۹.۴.۱. احتمال تغییر فتوای مرجع

تا انسان یقین نکند که فتوای مجتهد عوض شده است، می تواند به آنچه در رساله نوشته شده است، عمل کند. اگر احتمال دهد که فتوای او عوض شده است، جست وجو لازم نیست (حضرت امام و آیات عظام تبریزی،

---

۱- سیدروح اللهخمینی، تحریرالوسیله، ج۱، تقلید، م۲۱؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۳۶؛ محمد فاضللنکرانی؛ سیدعلی سیستانی؛ سیدابوالقاسمخویی، محمدتقی بهجت، وسیلهالنجاه، م۲۵؛ توضیح المسائلمراجع، م۵؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی و لطف اللهصافی گلپایگانی، هدایهالعباد، ج۱، م۲۴.
۲- توضیح المسائلمراجع، م۵؛ محمد فاضل لنکرانی، توضیح المسائل؛ ناصر مکارم شیرازی، م۷؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۳۶؛ سیدعلیخامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س۲۵،تحریر المسائل، م۳۱؛سیدروح الله خمینی، تحریرالوسیله، ج۱، تقلید، م۲۱؛ حسینوحید خراسانی، توضیح المسائل،م۵ و سایت، استفتائات،تقلید، س۲۰؛ الاحکامالواضحه، تقلید، م۱۶؛ محمدتقی بهجت، وسیله النجاه، م۲۵، (بنابر احوط را در وسیله ندارد)؛ سیدمحمدرضا موسویگلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، ج۱،م۲۴.
۳- توضیح المسائل،م۷.

شاهرودی، فاضل، صافی گلپایگانی، نوری، مکارم، بهجت، وحید، خویی، سیستانی، گلپایگانی و اراکی).(۱)

اگر انسان احتمال عقلایی بدهد که فتوای مجتهد عوض شده است و تحقیق کردن برای وی حرجی نباشد، لازم است تحقیق کند. کار حرجی کاری است با مشقتی که معمول مردم در امور خود آن را متحمل نمی شوند. در زمان تحقیق می تواند به همان فتوای سابق عمل کند؛ به شرط اینکه در اولین زمان ممکن درصدد تحقیق برآمده باشد. ولی اگر تحقیق را تأخیر انداخته باشد، در زمان تحقیق باید احتیاط کند (آیت الله زنجانی).(۲)

### ۲.۴.۹.۵. تعارض در گفتن فتوای مجتهد

هرگاه میان دو ناقل در نقل فتوا معارضه شد، نقل هر دو ساقط است.(۳) همچنین است حکم در تعارض میان دو بینه. هرگاه نقل با سماع از مجتهد معارضه کرد، آنچه از زبان مجتهد شنیده شد، مقدم است. همچنین است هرگاه فتوای در رساله با شنیدن از آن مجتهد معارضه

---

۱- توضیح المسائل مراجع، م۶؛ محمد فاضل لنکرانی و محمدتقیبهجت، م۹؛ ناصر مکارم شیرازی، م۸؛ سیدعلیسیستانی و سیدابوالقاسم خویی و حسینوحید خراسانی: «یا عارض شدن حالتی برای مجتهد کهشروط اجتهاد را از دست بدهد»؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج۱، تقلید،م۲۳؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین؛ سیدابوالقاسم خویی، ج۲،تقلید، م۲۳؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، م۶.

۲- رسالهٔ مراجع، م۶.

۳- ناصر مکارم شیرازی: «مگر زمانی که بهیکی از آن دو (نه دیگری) وثوق حاصل شود و همین گونهاست درصورت تعارض نقل با شنیدن و مابعد مسئله»؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۵۹.

کرد. اگر نقل بـا آنچه در رسـاله است، معارضه کرد، رساله مقـدم است با ایمنی از غلط بودن آن؛ مگر زمانی که ناقل بگوید مجتهـد از آنچـه در رسـاله اسـت، عـدول کرده اسـت. درایـن صـورت حرف ناقـل مقـدم می شـود (حضـرت امـام و آیـت الله مکارم).(۱)

اگر دو ناقل در فتوای مجتهـدی تعارض کردنـد، چنانچه اطمینان ناشـی از قراین عقلانیه دربارهٔ یک طرف حاصل شـد، همان، فتوای مجتهـد است؛ وگرنه اگر ممکن نبود، تا زمان اسـتعلام از مجتهـد به احتیاط عمل کند یا به غیراعلم رجوع کند یا کارش را به تأخیر بینـدازد تا از مجتهـدش اسـتعلام کنـد. همچنین است حکم در تعارض میان دو بینه. هرگاه نقل با شـنیدن از مجتهد معـارضه کرد، آنچه از زبـان مجتهـد شـنیده شـد، مقـدم است. همچنین است هرگـاه فتـوای در رسـاله بـا شـنیدن از آن مجتهد معـارضه کرد. اگر نقل با آنچه در رساله است، معارضه کرد، رساله مقـدم است با ایمنی از غلط بودن آن؛ مگر زمانی که ناقل بگوید مجتهد از آنچه در رساله است، عدول کرده است. دراین صورت حرف ناقل مقدم می شود (آیت الله سیستانی).(۲)

اگر دو ناقـل در فتوای مجتهـدی تعـارض کردنـد و اختلاـف تاریـخ در این نقـل بود و عـدول مجتهـد از رأی اولش را احتمال بدهیم، به

---

۱- سیدروح الله خمینی و ناصر مکارمشیرازی و سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۵۹.

۲- سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج۱، تقلید، م۲۸؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۵۹.

متأخرالتاریخ عمل می کنیم. در غیر این صورت، به احتیاط عمل می کنیم بنا بر احتیاط واجب (آیت الله وحید: بل علی الاقوی)، تازمانی که حکم مرجع آشکار شود (آیات عظام وحید و خویی و تبریزی).(۱)

اگر قول دو نفر در جواب سؤالی مخالف یکدیگر بود و به رساله یا مرجع تقلید هم دسترسی نبود، قول هرکدام را که اطمینان به وثاقت و صحتش دارید، اخذ کرده و بدان عمل کنید. اگر مساوی هستند، قول هرکدام را که موافق احتیاط است، مقدم بدارید یا به احتیاط عمل کنید. همچنین است حکم در تعارض میان دو بینه.

هرگاه نقل با شنیدن از مجتهد معارضه کرد، آنچه از زبان مجتهد شنیده شد، مقدم است. همچنین است هرگاه فتوای موجود در رساله با شنیدن از آن مجتهد معارضه کرد. اگر نقل با آنچه در رساله است، معارضه کرد، درصورتی که رساله به خط مجتهد بوده یا همه اش به رؤیت مجتهد رسیده باشد، رساله مقدم است، با ایمنی از غلط بودن آن؛ مگر زمانی که ناقل بگوید

---

۱- حسین وحیدخراسانی، منهاج الصالحین؛ سیدابوالقاسمخویی، ج۲، تقلید، م۲۸؛ آیت الله سیدابوالقاسمخویی در عروه این گونه دارد: «هرگاه معارضه شدمیان دو ناقل در نقل فتوا، نقل هر دو ساقط است. همچنین است حکم درتعارض مابین دو بینه. هرگاه نقل با سماع از مجتهد معارضه کرد، آنچه اززبان مجتهد شنیده شد، مقدم است. (در این مسائل و مسائل بعدش به طورمطلق نیست) همچنین است هرگاه فتوای در توضیح المسائل با شنیدن آن از مجتهد معارضه کرد. اگر نقلبا آنچه در توضیح المسائل است،معارضه کرد، توضیح المسائل مقدماست با ایمنی از غلط بودن آن؛ مگر زمانی که ناقل بگویدمجتهد از آنچه در توضیح المسائلاست، عدول کرده است؛ دراین صورت حرف ناقل مقدم می شود.» سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۵۹؛ جواد تبریزی،منهاج الصالحین، ج۱،م۲۸.

مجتهد از آنچه در رساله است، عدول کرده است. دراین صورت حرف ناقل مقدم می شود (آیت الله فاضل).(۱)

زمانی که دو ناقل در نقل فتوای مجتهد اختلاف کردند، به قول کسی اخذ می شود که بین آن دو ثقه است. با مساوی بودن آن دو در وثاقت، قول هر دو ساقط می شود. اگر امکان رجوع به مجتهد یا رساله باشد، به احتیاط عمل می کند یا احوط از دو فتوا را عمل می کند. درصورتی که برخی از طریق های چهارگانهٔ ارائه شده برای به دست آوردن نظر مجتهد با یکدیگر منافات پیدا کرد، شنیدن از خود مجتهد یا دو نفر عادل، بر دیدن از رساله یا شنیدن از فرد مطمئن مقدم است. درصورت تعارض بین دو راه اخیر، باید تا کسب نظر مجتهد در آن مسئله به احتیاط عمل کند (آیت الله بهجت).(۲)

درصورتی که نقل شخص معتبر با نوشتهٔ رسالهٔ معتبر مخالفت کند و اشتباه در یکی معلوم نشود، شخص باید تا روشن شدن فتوای مجتهد به احتیاط عمل کند. اگر ناقل نقل خود را به رساله ای نسبت بدهد که در آن رساله خلاف نقل مذکور است، نقل او اعتبار ندارد (آیت الله تبریزی).(۳)

درصورتی که انسان فتوایی را از خود مجتهد بشنود، ولی به سببی احتمال مخالفت آن فتوا را

---

۱- محمد فاضل لنکرانی، جامعالمسائل، ج۳، س۲۷ و الاحکامالواضحه، تقلید، م۱۹؛ سیدمحمدکاظم طباطباییزدی، عروه الوثقی،ج۱، تقلید، م۵۹.

۲- محمدتقی بهجت، وسیلهالنجاه، م۲۶ و استفتائات،ج۱، تقلید، س۱۰۸.

۳- .توضیح المسائل، م۵.

با رسالهٔ مجتهد بدهد، بدین گونه که مثلاً مجتهد در نقل فتوای خود اشتباه کرده است، نمی تواند به گفتهٔ مجتهد اعتماد کند. همچنین تا به درستی رسالهٔ مجتهد اطمینان حاصل نشود، نمی تواند بدان عمل کند (آیت الله شبیری زنجانی).(۱)

اگر دو نفر مسئله گو و ناقل فتوا در خصوص یک مسئله، فتوای یک مجتهد را به دو گونه نقل کنند، قول هر کدام که بیشتر محل وثوق و اعتماد است، مقدم است و اگر ازنظر وثاقت و اطمینان، مساوی باشند، قول هر دو از بین می رود. حال اگر ممکن باشد، باید به خود مجتهد یا رسالهٔ او مراجعه کرد و اگر ممکن نبود، می توان به هریک از این دو قول که موافق احتیاط است، عمل کرد یا می توان احتیاط کرد (آیت الله صافی).(۲)

اگر قول دو ناقل یا دو بینه در نقل فتوا تعارض کند، درصورتی که متکافئ باشند، قول هر دو ساقط می شود و درصورت عدم تکافؤ به قول کسی اخذ می شود که به آن وثوق حاصل می شود. درصورتی که نقل ناقل با شنیدن از خود مجتهد به صورت شفاهی تعارض کند، شنیدن مقدم است. اگر آنچه در رساله است، با شنیدن از خود مجتهد تعارض کند و خود مجتهد به آنچه در رساله است، التفات داشته باشد، شنیدن مقدم است؛ وگرنه ایشان را به

---

۱- رسالهٔ مراجع، م۵.

۲- لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، ج ۱،م۲۵.

آنچه در رساله است، توجه می دهیم؛ پس هرکدام را مجتهد اختیار کرد، اخذ می کنیم. اگر نقل ناقل با آنچه در رساله است، تعارض کند، درصورتی که رساله، مأمون از غلط باشد، رساله مقدم است (آیت الله گلپایگانی).(۱)

اگر قول دو ناقل یا دو بینه در نقل فتوا تعارض کند، قول هر دو ساقط می شود. درصورتی که نقل ناقل با شنیدن از خود مجتهد به صورت شفاهی تعارض کند، شنیدن مقدم است. اگر آنچه در رساله است، با شنیدن از خود مجتهد تعارض کند، شنیدن، مقدم است. اگر نقل ناقل با آنچه در رساله است، تعارض کند، درصورتی که رساله، مأمون از غلط باشد، رساله مقدم است (آیت الله اراکی).(۲)

اگر قول دو ناقل یا دو بینه در نقل فتوا تعارض کند، درصورت عدم تکافؤ، به قول اوثق اخذ می شود؛ مگر درصورتی که ناقل بگوید مجتهد از آنچه در رساله است، عدول کرده است. دراین صورت در فرض ممکن نبودن احتیاط، عمل به آن واجب است؛ وگرنه درصورت امکان تأخیر، باید احتیاط کند. درصورتی که نقل ناقل با شنیدن از خود مجتهد به صورت شفاهی تعارض کند، شنیدن مقدم است. اگر آنچه در رساله است، با شنیدن از خود مجتهد تعارض کند، شنیدن مقدم است. اگر نقل ناقل با

---

۱- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۵۹؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، هدایه العباد، ج۱،م۲۵ و مجمع المسائل، ج۱، س۲۶و۲۷.

۲- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۵۹.

آنچه در رساله است، تعارض کند، درصورتی که رساله مأمون از غلط باشد، رساله مقدم است (آیت الله نوری).(۱)

### ۳.۴.۹.۵. وظیفهٔ مقلد، درصورتی که مرجع در مسئله ای فتوا نداشته باشد

در مسائلی که مجتهد اعلم فتوا ندارد، رجوع به مجتهدی که در آن مسئله احتیاط نکرده است و فتوای صریح دارد، با رعایت ترتیب الاعلم فالاعلم اشکال ندارد (رهبر معظم انقلاب).(۲)

هرگاه اعلم در مسئله ای فتوا نداشت، اخذ فتوای غیراعلم با رعایت الاعلم فالاعلم (گلپایگانی و صافی: بنا بر احتیاط واجب) جایز است؛ هرچند احتیاط ممکن باشد (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، مکارم، خویی، اراکی، گلپایگانی، نوری و صافی).(۳)

هرگاه اعلم در مسئله ای فتوا نداشته باشد، درصورت نیاز و ممکن نبودن احتیاط یا مشقت داشتن آن، رجوع به غیر، با رعایت الاعلم فالاعلم مانعی ندارد (آیت الله فاضل).(۴)

---

۱- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۵۹.

۲- سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س۸.

۳- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۱۴؛ محمدعلی اراکی؛ حسین نوری همدانی؛سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی؛ سیدعلیسیستانی: «یا استعلام فتوا حین ابتلا برای مکلفممکن نباشد»؛ سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج۱، تقلید، م۱۷؛ ناصرمکارم شیرازی: «ندانستن فتوا هم مانند همین است»؛ سیدابوالقاسمخویی و سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۱۴؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی و لطف اللهصافی گلپایگانی، هدایهالعباد، ج۱، م۱۲.

۴- محمد فاضل لنکرانی، جامعالمسائل، ج۲، س۲۱ و عروه، ج۱، تقلید،م۱۴: «بنا بر احتیاط واجب اخذ حکم از غیراعلم جایزاست.»

هرگـاه مجتهـد اعلم در مسـئله ای فتوا نـداشت یا تشـخیص فتوای ایشان ممکن نبود، جایز است. در این مسـئله با رعایت الاعلم فاالاعلم به مرجع بعد رجوع کند (آیت الله بهجت).(۱)

#### ۴.۴.۹.۵. توقف و تردد مجتهد در مسئله

زمانی که فتوای مجتهـد به توقف و تردد تبـدیل شـد، بر مقلـد واجب است که یا احتیاط کنـد یا (امام: بنا بر احتیاط واجب) به مرجع اعلم بعـد از او عـدول کنـد (حضـرت امـام و آیـات عظـام سیسـتانی، مکـارم، فاضل، خویی، اراکی، گلپایگانی، نوری و تبریزی).(۲)

#### ۵.۴.۹.۵. تقلید در احکام پنج گانه

تقلید در واجبات و محرمات واجب است؛ بلکه تقلید در مسـتحبات و مکروهات و مباحات نیز واجب است؛ بلکه تعلم هر فعلی که از انسـان صـادر می شود و حکم آن را نمی دانـد، لازم است؛ چه از عبـادات باشـد چه معاملات و چه عادیات؛ مگر عقل استقلالاً دربارۀ آن حکم کند یا از ضروریات باشد یا برای مکلف قطع به حکم حاصل شود (حضرت امام و آیات عظام خویی و مکارم و اراکی).(۳)

---

۱- محمدتقی بهجت، وسیلهالنجاه، ج۱، م۱۱.

۲- محمد فاضل لنکرانی: «و لا یترکالاحتیاط»؛ سیدروح الله خمینی؛ سیدابوالقاسمخویی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ سیدعلیسیستانی؛ سیدمحمـدکاظم طباطبـایی یزدی، عروه الـوثقی، ج۱، تقلیـد،م۳۲؛ محمـدعلی اراکی؛ حسـین نـوری همـدانی؛سیدمحمدرضـا موسوی گلپایگانی؛ سیدروح اللهخمینی، تحریرالوسیله، م۱۱؛ تبریزی، منهاج الصالحین، ج۱، م۱۵.

۳- سـیدمحمدکاظم طباطبـایی یزدی، عروه الـوثقی، ج۱، تقلید،م۲۹؛ سـیدروح الله خمینی؛ سیدابوالقاسـمخویی؛ محمـدعلی اراکی؛ شیرازی، ناصر مکارم.

تقلید در واجبات و محرمات واجب است؛ بلکه تقلید در جمیع احکام (غیر از قطعیات و ضروریات) ازحیث التزام و نفی تشریع واجب است. اما ازحیث عمل، تقلید در مستحبات و مکروهات و مباحات چنانچه به عدم وجوب و عدم حرمت علم داشته باشیم، واجب نیست (آیت الله نوری).(۱)

تقلید در واجبات و محرمات واجب است و درصورتی که احتمال وجوب بدهیم، تقلید در مستحبات و مکروهات و مباحات واجب است و درصورت عدم احتمال وجوب، تقلید در آن ها واجب نیست؛ همچنان که درخصوص دوران امر بین استحباب و اباحه تقلید لازم نیست (آیت الله فاضل).(۲)

تقلید در واجبات و محرمات واجب است و در مکروهات و مستحبات و مباحات که در آن احتمال وجوب یا حرمت می رود، واجب است، همچنان که تشریع با جهل حرام است (آیت الله گلپایگانی).(۳)

انسان باید (آیت الله وحید: در مسائلی که احتمال مخالفت حکم الزامی می دهد) در جمیع عبادات و معاملات و سایر افعال و تروکش یا تقلید کند یا احتیاط؛ مگر در جایی که به حکم شرعی

---

۱- سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۲۹؛ حسین نوریهمدانی.

۲- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۲۹؛ محمد فاضل لنکرانی.

۳- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۲۹؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، هدایه العباد، ج۱، م۱.

علم دارد. همین طور است در بیشتر مستحبات و مباحات (آیات عظام خویی و وحید).(۱)

همچنان که تقلید در واجبات و محرمات واجب است، در مکروهات و مستحبات و مباحات هم تقلید لازم است؛ مگر در جایی که علم داشته باشد از فعل یا ترک آن عمل، مخالفت حکم الزامی پیش نمی آید (هرچند حرامی مانند حرمت تشریع باشد) یا حکمی باشد که از ضروریات دین یا مذهب باشد و برای او علم وجدانی یا اطمینانی حاصل شود که از منشأ عقلا حاصل شده باشد؛ مانند شیاع و خبردادن خبرهٔ مطلع بر آن؛ همان طورکه در بسیاری از مستحبات و مکروهات این گونه است (آیت الله سیستانی).(۲)

برای غیرمجتهد و محتاط واجب است در عبادات و معاملات و جمیع اعمال حتی مستحبات و مباحات تقلید کنند؛ مگر زمانی که آن ها از ضروریات یا یقینیات باشند (آیت الله صافی).(۳)

پرسش: آیا تقلید در واجبات و محرمات و مستحبات و مباحات و مکروهات واجب است؟ پاسخ: اگر بخواهد قصد ورود از شارع کند، در غیرضروریات، تقلید یا عمل به احتیاط واجب است (آیت الله بهجت).(۴)

---

۱- سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین؛ حسین وحید خراسانی، ج۲،م۱.

۲- منهاج الصالحین،سیدعلی سیستانی، ج۱، م۱؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۲۹.

۳- لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، ج۱، م۱.

۴- محمدتقی بهجت، استفتائات،ج۱، س۶۶.

### ۶.۴.۹.۵. ندانستن حکم مسئله

زمانی که مکلف بدانـد کاری حرام نیست، اما ندانـد که واجب یا مکروه یا مسـتحب یا مباح است، به علت احتمال مطلوبیت و رجای ثواب، جایز است که آن را انجام دهد (حضرت امام و آیات عظام فاضل، خویی، اراکی، گلپایگانی و نوری).(۱)

زمانی که مکلف بداند کاری حرام نیست، اما نداند که واجب یا مکروه یا مستحب یا مباح است، تا قبل از فحص، واجب است آن را انجام دهد (آیت الله مکارم).(۲)

زمـانی که مکلف بدانـد کـاری حرام نیست؛ امـا ندانـد که واجب یا مکروه یا مسـتحب یا مباح است، تا زمان اسـتعلام حکم از مفتی، واجب است آن را انجام دهد (آیت الله سیستانی).(۳)

زمانی که مکلف بدانـد کاری واجب نیست؛ اما نداند که حرام یا مکروه یا مسـتحب یا مباح است، به علت احتمال مبغوضـیت، جایز است آن را ترک کند (حضرت امام و آیات عظام فاضل، خویی، اراکی، گلپایگانی و نوری).(۴)

زمانی که مکلف بداند کاری واجب نیست،

---

۱- سـیدمحمدکاظم طباطبـایی یزدی، عروه الـوثقی، ج۱، تقلید،م۳۰؛ محمدعلی اراکی؛ حسـین نوری همدانی؛سیدمحمدرضـا موسوی گلپایگانی؛ سیدروح اللهخمینی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ سیدابوالقاسم خویی.
۲- ناصر مکارم شیرازی؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۳۰.
۳- سیدعلی سیستانی؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۳۰.
۴- سـیدمحمدکاظم طباطبـایی یزدی، عروه الـوثقی، ج۱، تقلید،م۳۰؛ محمدعلی اراکی؛ حسـین نوری همدانی؛سیدمحمدرضـا موسوی گلپایگانی؛ سیدروح اللهخمینی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ سیدابوالقاسمخویی.

اما نداند که حرام یا مکروه یا مستحب یا مباح است، تا قبل از فحص واجب است آن را ترک کند (آیت الله مکارم).(۱)

زمانی که مکلف بداند کاری واجب نیست، اما نداند که حرام یا مکروه یا مستحب یا مباح است، تا زمان استعلام حکم از مفتی، واجب است آن را ترک کند (آیت الله سیستانی).(۲)

#### ۷.۴.۹.۵. وظیفهٔ مقلد درصورت تبدیل رأی مجتهد

زمانی که رأی مجتهد عوض شود، بر مقلد جایز نیست که بر رأی اول باقی باشد (حضرت امام و آیات عظام مکارم، سیستانی، خویی، فاضل، نوری، اراکی و گلپایگانی).(۳)

#### ۸.۴.۹.۵. اجرای اصاله البرائه و... برای مقلد

برای مقلد اجرای اصالت برائت و اصالت طهارت و استصحاب در شبهات حکمیه جایز نیست؛ اما در شبهات موضوعیه، به شرط اینکه مجتهد او به حجیت آن ها قائل باشد، جایز است (حضرت امام و آیات عظام مکارم، سیستانی،

---

۱- ناصر مکارم شیرازی؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۳۰.

۲- سیدعلی سیستانی؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۳۰.

۳- سیدمحمدکاظم طباطباییزدی، عروه الوثقی،ج۱، تقلید، م۳۱؛ محمدعلی اراکی؛ حسیننوری همدانی؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی؛محمد فاضل لنکرانی: «الا زمانی که رأی اول موافق احتیاطباشد. دراین صورت بقا به عنوان احتیاط جایز است»؛ سیدروح اللهخمینی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ سیدابوالقاسمخویی؛ سیدعلی سیستانی؛ محمد فاضللنکرانی، الاحکام الواضحه، تقلید،م۲۶.

فاضل، خویی، نوری، اراکی و گلپایگانی).(۱)

### ۹.۴.۹.۵. آیا ظن در نقل فتوا حجت است؟

ظن حجت نیست؛ مگر زمانی که از ظواهر الفاظ مجتهد، چه شفاهاً و چه در رساله اش یا ازطریق ناقل حاصل شود (حضرت امام و آیات عظام مکارم، سیستانی، فاضل، خویی، گلپایگانی و نوری؛ آیت الله اراکی: ظاهر لفظ حجت است؛ اگرچه ظن هم پیدا نشود).(۲)

ظن حجت نیست و حق این است که مجرد ظن در باب الفاظ نیز حجیت ندارد و مدار بر ظهور عرفی است (آیت الله مکارم).(۳)

### ۱۰.۴.۹.۵. وقتی حکم مجتهد را نمی دانیم و مجتهد در دسترس نیست

هر گاه برای عامی مسئله ای عارض شد که حکم آن را نمی داند و مجتهد اعلم هم حاضر نیست، اگر احتیاط ممکن است، احتیاط می کند یا واقعه را به تأخیر می اندازد تا وقتی که حکم به دستش برسد و سؤال کند. اگر احتیاط

---

۱- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۷۰؛ محمدعلی اراکی؛ حسین نوری همدانی؛سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی؛ ناصر مکارمشیرازی: «با علم به شروط آن اصل و شناخت سببی و مسببی وسایر احکام آن»؛ سیدعلی سیستانی؛ سیدروح اللهخمینی؛ سیدابوالقاسم خویی؛ محمد فاضللنکرانی.

۲- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۷۲؛ محمدعلی اراکی؛ حسین نوری همدانی؛سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی؛ سیدعلیسیستانی: «حجیت ظواهر از باب افادۀ ظن نیست؛ همچنان کهدر محلش گذشت»؛ سیدروح الله خمینی؛ سیدابوالقاسمخویی؛ محمد فاضل لنکرانی.

۳- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی و ناصرمکارم شیرازی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۷۲.

ممکن نیست، درصورتی که محذوری در عمل نباشد، یک طرف را انجام می دهد و حداکثر این است که درصورت مخالفت با واقع یا قول فقیه، عمل را اعاده می کند. اگر احتیاط ممکن باشد، با رعایت الاعلم فالاعلم، رجوع به مجتهد دیگر جایز است. اگر آن هم نباشد و رسالهٔ او هم در دسترس نباشد، عمل به قول مشهور بین علما جایز است؛ هرگاه کسی قدرت داشته باشد قول مشهور را معین کند. هرگاه به قول مشهور بین علما عمل کرد و بعد مخالفت آن با قول مجتهدی که از او تقلید می کرد، معلوم شد، باید اعاده یا قضا کند. اگر تعیین قول مشهور هم ممکن نبود، بنا بر احتیاط واجب، به اعلم از علمای اموات مراجعه کند. درصورت ممکن نبودن تعیین اعلم، مخیر است فتوای هرکدام را که می خواهد، انجام دهد؛ هرچند بهتر این است که به قول اوثق مراجعه کند و اگر آن هم ممکن نباشد، به مظنهٔ خود عمل کند و اگر به هیچ طرف مظنه ندارد، بنا بگذارد بر یک طرف. در همهٔ صورت ها، بعد از اطلاع از فتوای مجتهد، اگر آنچه عمل کرده است، با فتوای او مخالف است، باید آن عمل را اعاده یا قضا کند (حضرت امام).(۱)

زمانی که مسئله ای پیش آید که حکمش را نمی دانیم و فتوای اعلم در هنگام حاجت، در معرض وصول نباشد، بین سه امر مخیر هستیم:

---

۱- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی و سیدروح اللهخمینی، عروه الوثقی،ج۱، تقلید، م۶۰.

۱. احتیاط؛ ۲. رجوع به غیراعلم؛ ۳. تأخیر واقعه تا زمان تمکن از سؤال. با عدم تمکن از این سه امر، اگر امر بین دو محذور دائر باشد، مخیر هستیم. در غیرمحذورین، اگر امر بین امتثال ظنی و امتثال احتمالی دائر باشد، امتثال ظنی مقدم می شود؛ بلکه لازم است به قوی ترین ظن عمل شود. اگر شک در اصل تکلیف باشد، ازلحاظ عمل، مخیر است (آیت الله سیستانی).(۱)

زمانی که مسئله ای پیش آید که حکمش را نمی دانیم و مرجع اعلم هم نیست، اگر به اختلاف فتوا علم نداشته باشیم، به فتوای یکی از مجتهدان عمل می کنیم و اگر به اختلاف علم داشته باشیم، بین تأخیر و احتیاط مخیریم. اگر تأخیر و احتیاط ممکن نبود، با رعایت الاعلم فالاعلم، جایز است به مجتهد دیگری رجوع کنیم و اگر مجتهد دیگری نبود یا رساله اش در دسترس نبود، جایز است به قول مشهور بین علما عمل کنیم؛ هرگاه کسی قدرت داشته باشد تا قول مشهور را معین کند. هرگاه به قول مشهور بین علما عمل کردیم و بعد مخالفت آن با قول مجتهدی که از او تقلید می کردیم، معلوم شد، اقوا عدم وجوب اعاده یا قضا است؛ زیرا دلیلی بر حرمت تقلید میت نداریم. اگر تعیین قول مشهور هم ممکن نبود، به اوثق اموات رجوع می کنیم و اگر خلافش ظاهر شد، اعاده و قضا ندارد. اگر آن هم ممکن نباشد، به مظنّة

---

۱- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی و سیدعلیسیستانی، عروه الوثقی،ج۱، تقلید، م۶۰.

خود عمـل کنیم و اگر به هیـچ طرف مظنه نـداریم، یـک طرف را انجـام دهیم. بعـد از اطلاع از فتوای مجتهـد، اگر آنچه عمل کرده ایم، با فتوای او مخالف است، باید آن عمل را اعاده یا قضا کنیم (آیت الله مکارم).(۱)

هرگاه برای عامی مسئله ای عارض شد که حکم آن را نمی داند و مجتهد اعلم هم حاضر نیست و اگر تأخیر واقعه تا وقتی که دستش برسد و سؤال کنـد، ممکن است، تـأخیر واجب است (اگر از اول قصـد تقلیـد را داشته و اراده احتیـاط نکرده باشـد)؛ وگرنه اگر احتیاط ممکن است، معین است احتیاط و اگر آن هم ممکن نیست، با رعایت الاعلم فالاعلم، رجوع به مجتهد دیگر جایز است. اگر آن هم ممکن نبوده و رسالهٔ او هم در دسترس نباشد، عمل به قول مشـهور بین علما جایز است؛ هرگاه کسی بر تعیین قول مشـهور قدرت داشته باشد. هرگاه به قول مشـهور بین علما عمل کرد و بعد مخالفت آن با قول مجتهدی معلوم شـد که از او تقلید او می کرده است، باید اعاده یا قضا کند. اگر قدرت تعیین قول مشهور را ندارد، باید به اوثق اموات رجوع کند. اگر آن هم ممکن نباشـد، بایـد به مظنـهٔ خود عمل کنـد. اگر به هیـچ طرف مظنه ندارد، باید بنا بگذارد بر یک طرف. در همهٔ صورت ها، بعد از اطلاع از فتوای مجتهد، اگر آنچه عمل کرده است، با فتوای او مخالف است، باید آن عمل را

---

۱- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی و ناصرمکارم شیرازی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۶۰.

اعاده کند یا قضا (آیت الله فاضل).(۱)

هرگاه برای عامی مسئله ای عارض شد که حکم آن را نمی داند و مجتهد اعلم هم حاضر نیست (آیت الله اراکی: پس اگر تأخیر واقعه تاوقتی که دستش برسد و سؤال کند، ممکن است، بنا بر احتیاط، تأخیر واجب است؛ البته اگر از اول قصد تقلید را داشته و ارادهٔ احتیاط نکرده باشد؛ وگرنه با رعایت الاعلم فالاعلم، رجوع به مجتهد دیگر جایز است) (آیت الله خویی: جایز است تأخیر واقعه یا رجوع به غیراعلم با رعایت الاعلم فالاعلم) و اگر آن هم ممکن نباشد و رسالهٔ او هم در دسترس نباشد، عمل به قول مشهور بین علما جایز است؛ هرگاه کسی قدرت تعیین قول مشهور را داشته باشد. هرگاه به قول مشهور بین علما عمل کرد و بعد مخالفت آن با قول مجتهدی که تقلید او را می کرد، معلوم شد، باید اعاده یا قضا کند. اگر بر تعیین قول مشهور قدرت ندارد، به اوثق اموات رجوع کند. اگر آن هم ممکن نباشد، به مظنهٔ خود عمل کند و اگر به هیچ طرف مظنه ندارد، بنا بگذارد بر یک طرف. در همهٔ صورت ها، بعد از اطلاع از فتوای مجتهد، اگر آنچه عمل کرده است، با فتوای او مخالف است، باید آن عمل را اعاده کند یا قضا (آیات عظام خویی و اراکی).(۲)

---

۱- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۶۰؛ محمد فاضل لنکرانی، جامعالمسائل، ج۱، تقلید، س۶ و ج۳، تقلید، س۱۲.

۲- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۶۰؛ سیدابوالقاسم خویی؛ محمدعلیاراکی؛ توضیح المسائل،م۱۲؛ سیدابوالقاسم خویی، استفتائات، تقلید، س۱۲.

هرگاه برای عامی مسئله ای پیش آید که حکم آن را نمی داند و مجتهد اعلم هم حاضر نیست، مخیر است بین اینکه احتیاط کند یا تا زمان سؤال از مرجع، عملش را به تأخیر بیندازد یا با رعایت الاعلم فالاعلم به نظر مرجع بعد رجوع کند. اگر مجتهد دیگری نبود، می تواند براساس قول مشهور یا اوثق اموات یا هر ظنی عمل کند که ازطریق اسباب به دست آمده باشد. (اسباب در طریق استنباط قرار می گیرند.) هرگاه بر طبق یکی از این ها (مشهور اوثق یا ظن) عمل کرد و معلوم شد با فتوای مجتهدش مخالف بود، باید آن را اعاده یا قضا کند (آیت الله گلپایگانی).(۱)

هرگاه دست مقلد به مجتهد، چه اعلم و چه غیراعلم نرسد، باید به احتیاط عمل کند، اگر موجب عسر و حرج نشود؛ وگرنه هجرت از آن محل واجب است، اگر عسر و حرج نباشد؛ وگرنه به قول مشهور اخذ کند، ثم الاشهر فالاشهر. اگر آن هم متعذّر باشد، به اوثق اموات رجوع کند؛ بلکه با رعایت اعلمیت و اوثقیت به ترتیب و تفصیلِ مقرر در احیا، اظهر است و لزوم عسر بر عامی یا عدم آن، در غیر تقلید میت واضح است. همچنین اعتبار اعلمیت و اوثقیت در بین امواتی که وصول به آخرین فتاوای ایشان ممکن است؛ وگرنه به مظنون خود عمل می کند. اگر ظن ندارد، به احتمال عمل کند (آیت الله بهجت).(۲)

---

۱- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۶۰؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی و مجمعالمسائل، ج۱، س۸.

۲- محمدتقی بهجت، جامعالمسائل، ج ۱، ص۱۴ و استفتائات، س۹۶: «اگر صبر ممکن است،وظیفه، به دست آوردن فتوای مرجع است. در غیر این صورت، اگراحتیاط ممکن است، به احتیاط عمل کند و اگر احتیاط ممکن نباشد، چنانچهاز انجام عمل، محذوری پیش نیاید، می تواند عمل را بهجا آورد و بعد از دسترسی به فتوای مرجع، درصورت مخالفت، اعاده کند. این هادرصورتی است که عدم دسترسی در تمام مسائل نباشد. در غیر اینصورت، می تواند به مجتهد اعلمِ پس از او مراجعه کند.»

هرگاه برای عامی مسئله ای عارض شد که حکم آن را نمی داند و مجتهد اعلم هم حاضر نیست، درصورتی که احتیاط یا تأخیر واقعه، هر دو امکان دارد، بین این دو مخیر است. در غیر این صورت، رجوع به مرجع بعد با رعایت الاعلم فالاعلم جایز است. اگر مجتهد یا رسالۀ او موجود نباشد، عمل بر طبق قول مشهور بین علما جایز است و زمانی که قدرت بر تعیین قول مشهور موجود باشد و طبق آن عمل کند و بعد معلوم شود که این قول مخالف فتوای مجتهد خودش بوده است، باید آن عمل را اعاده یا قضا کند. درصورتی که نتواند قول مشهور را مشخص کند، به اوثق اموات رجوع کند و اگر آن هم ممکن نباشد و اخذ قول صحیح مجتهدی ممکن نباشد، به ظن خود عمل می کند و اگر به هیچ طرفی ظن ندارد، بنا را به یک طرف بگذارد. در همۀ این حالات، اگر عمل شخص مخالف فتوای مجتهد خودش باشد، باید عمل را اعاده یا قضا کند (آیت الله نوری).(۱)

اگر برای انسان مسئله ای پیش آید که حکم آن را نمی داند، لازم است احتیاط کند یا با شروطی که ذکر شد، تقلید کند؛ ولی چنانچه مخالفت غیراعلم با اعلم را اجمالاً بداند و

---

۱- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی وحسین نوری همدانی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۶۰ و توضیح المسائل، م۱۲.

تأخیر واقعه و احتیاط ممکن نباشد و دستش به اعلم نرسد، جایز است از غیراعلم تقلید کند (آیت الله تبریزی؛ آیت الله وحید: یا حرجی باشد، می تواند از غیراعلم تقلید کند).(۱)

اگر برای انسان مسئله ای پیش آید که فتوای اعلم را نداند، اگر مخالفت فتوای غیراعلم با اعلم معلوم نباشد یا فتوای غیراعلم موافق با احتیاط باشد، می تواند به غیراعلم رجوع کند و می تواند از روی احتیاط، وظیفهٔ خود را انجام دهد (آیت الله صافی گلپایگانی).(۲)

اگر برای انسان مسئله ای پیش آید که حکم آن را نمی داند، چنانچه ممکن است، باید صبر کند تا فتوای مجتهد اعلم را به دست آورد. اگر ممکن نیست، باید به فتوای مجتهدی عمل کند که علم او کمتر از مجتهد اعلم و بیشتر از مجتهدهای دیگر است یا اگر می تواند، از راه احتیاط وظیفهٔ خود را انجام دهد (آیت الله شاهرودی).(۳)

اگر برای غیرمجتهد مسئله ای پیش آید که حکم آن را نمی داند، لازم است احتیاط کند یا از مجتهد جامع الشرایط تقلید کند. چنانچه احتمال مخالفت غیراعلم با اعلم را بدهد و تأخیر واقعه و احتیاط ممکن نباشد یا با حرج همراه باشد و دستش به اعلم نرسد، جایز است با رعایت الاعلم فالاعلم از غیراعلم تقلید کند (آیت الله شبیری زنجانی).(۴)

---

۱- جواد تبریزی، توضیح المسائل،م۱۲؛ سیدابوالقاسم خویی، استفتائات، تقلید، س۲۰؛ حسین وحیدخراسانی، توضیح المسائل، م۱۲.

۲- توضیح المسائل،م۱۲.

۳- توضیح المسائل،م۱۲.

۴- توضیح المسائلمراجع، م۱۲.

### ۱۱.۴.۹.۵. ظهور و اطلاق کلام مجتهد

پرسش: آیا می شود به اطلاق کلام مجتهد عمل یا به ظهور آن اکتفا کرد؟ پاسخ: در جایی که عُقلا به ظهور و اطلاق تمسک می کنند، مانع ندارد؛ به شرطی که از مظانّ آن جست وجوی کامل شده باشد (آیت الله بهجت).(۱)

### ۱۲.۴.۹.۵. توهم مطابق نبودن فتاوای مرجع

بنا بر احتیاط واجب، به مجرد توهمِ مطابق نبودن فتاوای مرجعی که تقلید از او واجب است با ویژگی های زمان یا به مجرد سخت بودن فتاوا، عدول از مجتهد اعلم به غیراعلم، جایز نیست (رهبر معظم انقلاب).(۲)

برای انتخاب مرجع تقلید روش هایی غیر از آنچه در توضیح المسائل آمده است، معیار نیست؛ نظیر: ۱. از مرجعی تقلید کنیم که شاگرد مرجع قبلی ما باشد؛ ۲. مرجعی را انتخاب کنیم که فتاوای آسان تری داشته باشد؛ ۳. مرجعی را برگزینیم که بیشتر اقوام و آشنایان از او تقلید می کنند؛ ۴. مقلد مرجعی شویم که پدر و مادر یا معلم ما معرفی می کنند. معیار، آگاه تربودن آن مرجع است؛ از هر طریقی که علم به آن حاصل شود (آیت الله مکارم).(۳)

---

۱- محمدتقی بهجت، استفتائات،ج۱، س۱۱۷.

۲- سیدعلی خامنه ای، تحریر المسائل، م۳۶.

۳- ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج۳، س۹ و سایت،تقلید، راه های شناخت اعلم، س۱۸.

## ۵.۹.۵. مسائلی که یادگرفتن آن ها واجب است

### اشاره

مکلف باید مسائلی را که انجام تکالیف شرعی روزمره، به دانستن آن وابسته است، فرا بگیرد؛ مانند مسائل اصلی نماز و روزه و طهارت و برخی معاملات و غیر آن. اگر نیاموختن احکام به ترک واجب یا ارتکاب حرام بینجامد، گناهکار است (رهبر معظم انقلاب).(۱)

مسائلی را که انسان غالباً به آن ها احتیاج دارد، واجب است یاد بگیرد (حضرت امام و آیات عظام خویی، بهجت، مکارم، سیستانی، نوری، وحید، صافی گلپایگانی، شاهرودی، اراکی و گلپایگانی).(۲)

مسائلی را که انسان احتمال عقلایی می دهد به آن ها احتیاج پیدا کند و نتواند احتیاط کند، باید پیش از عمل یاد بگیرد تا در هنگام عمل، برخلاف وظیفهٔ شرعی خود رفتار نکند (آیت الله شبیری زنجانی).(۳)

بر هر مکلفی واجب است اجزا و شروط و

---

۱- رسالهٔ آموزشی، درس ۱، ص۱۱و اجوبه الاستفتائات، س۶ و تحریر المسائل، م۱.

۲- توضیح المسائل مراجع، م۱۱؛ سیدروح اللهخمینی، استفتائات، ج۱،تقلید، س۷۳و۹۵؛ ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل، م۱۲؛ سیدعلیسیستانی، منهاج الصالحین،ج۱، تقلید، م۱۹؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین؛ سیدابوالقاسمخویی، ج۲، تقلید، م۱۹؛ حسینوحید خراسانی، توضیح المسائل،م۱۱؛ محمدتقی بهجت، توضیح المسائل،م۱۷: «اما در مسائلی که به ندرت اتفاق می افتد، اخذ توضیح المسائل کافی است تاموقعی که مبتلا شد، به آن مراجعه کند؛ به گونه ای که از وقوع درمخالفت به سبب جهل به احکامی که ابتلا به آن ها فرض شده است، ایمنباشد و به آن توضیح المسائل درآیندهٔ نزدیک مراجعه کند به احتمال اینکه در زمان وقوعابتلا ممکن است نتواند یک باره مراجعه کند»؛ وسیله النجاه، م۲۸؛ لطف الله صافیگلپایگانی، جامع الاحکام،ج۱، س۲: «مقصود این است که مسائل محل ابتلا را که اگر یادنگیرد، در مخالفت تکلیف واقع می شود، یاد بگیرد.»

۳- توضیح المسائلمراجع، م۱۱.

موانع و مقـدمات عبـادات را هرچنـد اجمالاً ـ بدانـد (آیت الله فاضل: به گونه ای که بدانـد عبادتش جامع اجزا و شـروط و فاقد موانع است) (حضرت امام و آیات عظام فاضل، سیستانی، خویی، مکارم، اراکی، تبریزی و نوری).(۱)

یادگرفتن مسائل شک و سهو و دیگر مسائلی که غالباً محل ابتلاست، واجب است؛ همان طورکه یادگرفتن اجزا، شروط، موانع و مقـدمات عبـادات واجب است. البته اگر اجمالاً بدانـد عملش همـهٔ اجزا و شـروط را دارد و فاقـد موانع است، صـحیح است؛ هرچنـد علم تفصـیلی نداشـته باشـد. همچنین اگر اطمینان به آن ها داشـته باشد یا اطمینان نداشـته باشد، اما عمل را به امید این انجام دهد که برای او شکی پیش نیاید یا شک به وجود آید و عمل را به امید مطابقت با وظیفه انجام دهد، درصورت مطابقت اعمال، صحیح است (آیات عظام گلپایگانی و صافی).(۲)

یـادگرفتن مسائل شک و سـهو به مقـداری که غالباً محل ابتلاست، واجب است؛ ولی اگر مطمئن باشـد(۳) که به شک و سـهو مبتلا نمی شود، عملش صحیح است؛ هرچند به احکام شک و سهو علم پیدا نکرده باشد (حضرت امام و

---

۱- سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۲۷؛ سیدروح اللهخمینی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ سیدعلیسیستانی؛ سیـدابوالقاسم خویی؛ ناصـر مکارمشـیرازی؛ محمدعلی اراکی؛ حسـین نوریهمدانی؛ سیـدمحمدرضا موسوی گلپایگانی؛ محمد فاضللنکرانی، الاحکام الواضحه، تقلید،م۳۱؛ جواد تبریزی، منهاجالصالحین، ج۱، م۱۸.

۲- سیـدمحمدرضا موسوی گلپایگـانی و لطف اللهصـافی گلپایگـانی، هـدایهالعباد، ج۱، م۲۶؛ سیـدمحمدکاظم طباطباییزدی، عروه الوثقی،ج۱، تقلید، م۲۷.

۳- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۲۸، سیدابوالقاسم خویی: اگر احتمال هم بدهد.

آیت الله مکارم).(۱)

یادگرفتن مسائل شک و سهو واجب نیست و اگر یاد نگرفت و شک یا سهوی اتفاق افتاد و رجاءً برطبق وظیفه عمل کرد یا از این نماز، به وسیلهٔ نماز دیگری رفع ید کرد که خالی از شک و سهو است، نمازش صحیح و بدون اشکال است (آیت الله فاضل).(۲)

یادگیری اجزای عبادات واجب و شروط آن ها واجب است و علم اجمالی به اینکه عباداتش تام الاجزاء و الشرایط است، کفایت می کند و علم تفصیلی لازم نیست. یادگرفتن مسائل شک و سهوی که در معرض ابتلای مکلف است، واجب است (آیات عظام سیستانی و وحید و خویی).(۳)

یادگیری مسائل شک و سهوی که در معرض ابتلاست، واجب است؛ برای اینکه در مخالفتِ واقع گرفتار نشود. همچنین است یادگرفتن دیگر مسائلی که در معرض ابتلاست و برایش احراز نشده است که درحال عمل، امکان یادگیری یا احتیاط در آن مسئله وجود دارد (آیت الله تبریزی).(۴)

---

۱- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۲۸؛ سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج۱، تقلید، م۲۳.

۲- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۲۸؛ محمد فاضل لنکرانی، جامعالمسائل، ج۳، تقلید، س۲۵.

۳- سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج۱، تقلید، م۱۸و۱۹؛منهاج الصالحین، حسینوحید خراسانی؛ سیدابوالقاسم خویی، ج۲، تقلید،م۱۸و۱۹؛ سیدمحمدکاظم طباطباییزدی، عروه الوثقی،ج۱، تقلید، م۲۸.

۴- جواد تبریزی، منهاجالصالحین، ج۱، م۱۹.

### ۱.۵.۹.۵. حکم جاهل بودن به مسئله ای که در نماز اتفاق می افتد

هر گاه برای مکلف در اثنای نماز مسئله ای پیش بیاید که حکم آن را نمی داند و تمکن از استعلام ندارد، جایز است به یکی از دو طرفی که احتمال آن را می دهد، عمل کند و نماز را به آخر برساند؛ ولی پس از نماز باید مسئله را بپرسد و اگر آنچه عمل کرده است، موجب بطلان نمازش شده باشد، نماز را دوباره بخواند (رهبر معظم انقلاب).(۱)

هر گاه بین نماز مسئله ای اتفاق افتاد که حکم آن را نمی داند، (آیات عظام بهجت و گلپایگانی و صافی: و تمکن از استعلام ندارد) جایز است که بنا را بر یکی از دو طرف گذارد (آیت الله گلپایگانی: اگر احتیاط ممکن نباشد؛ وگرنه باید احتیاط کند).(۲) اگر آنچه عمل کرده است، برخلاف واقع باشد، اعاده کند. پس هر گاه چنین کرد و اتفاقاً آنچه عمل کرده است، مطابق با واقع شد، بر او اعاده واجب نیست (حضرت امام و آیات عظام تبریزی، بهجت، مکارم، خویی، فاضل، سیستانی، اراکی، گلپایگانی، نوری و صافی).(۳)

---

۱- سیدعلی خامنه ای، رسالهٔ آموزشی، ج۱،ص ۲۰، تحریر المسائل،سیدعلی خامنه ای، م۳۷.

۲- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۴۹، ناصر مکارم شیرازی: «اگر یکی از آن دوطرف مطابق احتیاط یا ارجح باشد، به حسب ظنش بنا را بر همان می گذارد»؛سیدابوالقاسم خویی: «و برای او قطع نماز جایز است تانماز را دوباره بخواند.»

۳- سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۴۹؛ محمدعلیاراکی؛ حسین نوری همدانی؛ سیدمحمدرضا موسویگلپایگانی؛ سیدروح الله خمینی؛ محمد فاضللنکرانی؛ سیدابوالقاسم خویی؛ سیدعلیسیستانی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ متن داخل پرانتز راآقای سیستانی و آقای مکارم شیرازی ندارند؛ سیدروح اللهخمینی، تحریرالوسیله، ج۱، تقلید، م۳۱؛ محمد فاضللنکرانی، الاحکام الواضحه، تقلید،م۳۲؛ محمدتقی بهجت، وسیلهالنجاه، م۲۱؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج۱، م۱۸؛ سیدمحمدرضاموسوی گلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، ج۱،م۳۴.

## ۶.۹.۵. شک در صحت تقلید

### ۱.۶.۹.۵. شک در صحت تقلید اعمال گذشته

اگر بداند که اعمال گذشته اش ازروی تقلید بوده است، اما نمی داند که تقلیدش صحیح بوده یا نه، بنا را بر صحت تقلید می گذارد (حضرت امام و آیات عظام مکارم، خویی، فاضل، سیستانی، بهجت، اراکی، گلپایگانی، نوری و صافی؛ آیت الله بهجت: مگر درجایی که به کوتاهی مکلف در فحص علم پیدا شود).(۱)

### ۲.۶.۹.۵. شک در انجام دادن اعمال ازروی تقلید

اگر شخصی بعد از بلوغ دربارهٔ صحت تقلیدش شک کند که آیا اعمالش ازروی تقلیدِ صحیح بوده است یا نه، اعمال سابق را بنا بر صحت می گذارد و دربارهٔ اعمال آینده واجب است که ازروی تقلید صحیح عمل کند (حضرت امام و آیات عظام مکارم، خویی، فاضل، سیستانی، اراکی، گلپایگانی، نوری و صافی).(۲)

---

۱- سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۴۱؛ محمدعلیاراکی؛ حسین نوری همدانی؛ سیدمحمدرضا موسویگلپایگانی؛ سیدروح الله خمینی؛ محمد فاضللنکرانی؛ سیدابوالقاسم خویی؛ سیدعلیسیستانی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ سیدروح اللهخمینی، تحریرالوسیله، ج۱، تقلید، م۲۵؛ محمد فاضللنکرانی، جامع المسائل، ج۳،س۱۴؛ محمدتقی بهجت، وسیلهالنجاه، م۲۳و۲۴؛ سیدمحمدرضا موسویگلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، ج۱،م۲۸.

۲- سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۴۵؛ محمدعلیاراکی؛ حسین نوری همدانی؛ سیدمحمدرضا موسویگلپایگانی؛ سیدروح الله خمینی؛ محمد فاضللنکرانی؛ سیدابوالقاسم خویی؛ سیدعلیسیستانی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ سیدروح اللهخمینی، تحریرالوسیله، ج۱، تقلید، م۲۶؛ محمد فاضللنکرانی، الاحکام الواضحه، تقلید،م۲۵؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی و لطف اللهصافی گلپایگانی، هدایهالعباد، ج۱، م۲۹.

### ۵.۹.۷. تقلید بچهٔ ممیز

#### ۵.۹.۷.۱. تقلید صبی

تقلیـد بچهٔ ممیز صـحیح است؛ بنابراین چنانچه بچـهٔ نابالغ ممیز از مجتهـدی تقلیـد کند، سـپس آن مجتهد قبل از بلوغش فوت کند، حکم تقلید وی مانند سایر بالغان است (رهبر معظم انقلاب و آیات عظام وحید و خویی و تبریزی).(۱)

تقلیـد بچهٔ ممیز صـحیح است؛ بنابراین چنانچه بچـهٔ نابالغ ممیز از مجتهـدی تقلیـد کند، سـپس آن مجتهد قبل از بلوغش فوت کنـد، حکم تقلیـد وی ماننـد سـایر بالغـان است؛ مگر دربارهٔ علم اجمالی منجز که در بحثی با عنوان «اگر چنـد مجتهـد مساوی باشند، تکلیف چیست؟» بیان شد (آیت الله سیستانی).(۲)

بچه های ممیزی که خوب و بـد را می فهمنـد و طبق فتوای مجتهـد اعلم عمل کرده اند، می توانند بر تقلید او بعد از فوت باقی بمانند (آیت الله فاضل).(۳)

در اصل تقلیدکردن و همچنین برای باقی ماندن بر تقلید از میت، بلوغ شرط نیست.

---

۱- حسـین وحیدخراسانی، سـیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ج۲، تقلید، م۵؛ سایت، حسـین وحیدخراسانی، تقلید، س۱؛ تحریرالمسائل، سیدعلی خامنه ای، م۱۶؛ جواد تبریزی،منهاج الصالحین، ج۱،م۵ و استفتائات، ج۲،س۳۷.

۲- سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج۱، تقلید، م۵.

۳- محمد فاضل لنکرانی، جامعالمسائل، ج۳، س۱۶.

اگر ایشـان را اعلم یـا مساوی با حی می دانیـد، واجب یا جایز است باقی بمانیـد؛ به شـرحی که در رساله آمـده است (آیت الله بهجت).(۱)

درصورت علم به اینکه تقلیـد او درحـال تمییز و قبـل از بلوغ، از آن مجتهـد صـحیح بوده است، جواز بقـای بر آن تقلیـد بعید نیست؛ اما اصاله الصحه دربارهٔ عمل قبل از بلوغ، خواه تقلید باشد یا عمل، دیگر جاری نیست (آیت الله صافی گلپایگانی).(۲)

### ۲.۶.۹.۵. انتخاب مرجع تقلید توسط بچهٔ ممیز قبل از بلوغ

پرسـش: اگر بچـهٔ ممیز قبل از سن تکلیف و رسـیدن بلوغ، با تحقیق، از مجتهـد اعلم جامع الشـرایط یا مجتهـد جامع الشـرایطی تقلید کند که احتمال اعلم بودن او را می دهد، آیا لازم است بعد از بلوغ دربارهٔ شناخت اعلم جامع الشرایط یا محتمل الاعلمیه جامع الشـرایط تحقیق کنـد یا جایز است به تقلیـد اولیـهٔ خود ادامه دهد؟ پاسخ: اگر احراز اعلمیت یا محتمل الاعلمیه که قبل از بلوغ کرده، روی میزان بوده است، لازم نیست دوباره تحقیق کند (آیت الله تبریزی).(۳)

---

۱- محمدتقی بهجت، استفتائات،ج ۱، تقلید، س۱۲۴و۱۲۸و۱۲۹.

۲- لطف الله صافیگلپایگانی، جامع الاحکام، ج ۱،س۲۸.

۳- جواد تبریزی، استفتائات،ج۲، س ۳۰.

### ۸.۹.۵. عبادت جاهل قاصر و مقصر

عمل جاهل مقصرِ ملتفت بدون تقلید باطل است؛ مگر اینکه هرچه می کرده است، به امید درک واقع کرده باشد و مطابق واقع یا مطابق فتوای مجتهدی هم انجام داده باشد که تقلید از او جایز است. همچنین عمل جاهل قاصر یا مقصر غافل، اگر قصد قربت داشته است، صحیح است؛ به شرطی که مطابق با واقع یا با فتوای مجتهدی باشد که تقلید از او جایز است (حضرت امام).(۱)

عمل جاهل مقصر ملتفت درصورتی که موافق واقع باشد، صحیح است. این صحت به دلیل این است که آن عمل، به قصد قربت نیاز نداشته است و اگر به قصد قربت نیاز داشته، قصد قربت حاصل شده است؛ همچنان که این مسئله برای بعضی از عوام، اتفاق می افتد؛ زیرا تقلید، مانند اجتهاد، فقط طریقی است. مطالبی که ذکر شد، برای زمانی است که شخص، عالم به واقع باشد؛ در غیر این صورت، طریق به واقع، نظر مجتهدی است که اکنون باید از او تقلید کند؛ پس به درستی که حکم آن مرجع برای او منجز است؛ حتی درخصوص حکم قضای اعمال گذشته (آیت الله مکارم).(۲)

عمل جاهل مقصر ملتفت باطل است؛ هرچند مطابق واقع باشد. اما جاهل قاصر یا مقصری

---

۱- سیدروح اللهخمینی، تحریرالوسیله، ج۱، تقلید، م۲۰؛ استفتائات، ج۱، تقلید، س۳۲؛ سیدروح اللهخمینی و سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۱۶.

۲- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۱۶.

که حین عمل غافل بوده و قصـد قربت داشـته است، درصورتی که مطابق واقع باشـد، صـحیح است. طریق به واقع، همان فتوای مجتهـدی است که اکنون باید از او تقلید کند. البته در حصول قصد قربت از جاهل مقصـر در عبادات در بعضـی از صورت ها اشـکال است. احتیاط این است که علاوه بر مطابقت با این مجتهـد، با فتوای مجتهـدی که حین عمل بایـد از او تقلید می کرده است نیز مطابق باشد (آیت الله نوری).(۱)

عمل جاهل مقصر ملتفت درصورتی که عملی عبادی باشـد و قصـد قربت نکرده باشـد، باطل است؛ هرچنـد آن را مطابق واقع انجام داده باشد. اما جاهل قاصر یا مقصری که حین عمل غافل بوده و قصد قربت کرده است، درصورتی که مطابق واقع باشد، یعنی مطابق با فتوای مجتهـدی باشد که اکنون باید از او تقلید کند، صـحیح است. احتیاط این است که علاوه بر مطابقت با این مجتهد، با فتوای مجتهدی که حین عمل باید از او تقلید می کرده است نیز مطابق باشد (آیات عظام گلپایگانی و صافی).(۲)

عمـل جاهـل مقصـر ملتفت درصورتی که مطـابق واقع نباشـد، باطـل است؛ ولی به عبادتی که حکم آن معلوم نیست، نمی شود اکتفا کرد؛ تازمانی که مطابقت آن با واقع احراز شود و وجهی برای بطلان درصورت احراز مطابقت با

---

۱- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۱۶.

۲- سـیدمحمدکاظم طباطبـایی یزدی، عروه الـوثقی، ج۱، تقلید،م۱۶؛ سـیدمحمدرضا موسـوی گلپایگـانی و لطف اللهصـافی گلپایگانی، هدایهالعباد، ج۱، م۲۳.

واقع نیست. اما جاهل قاصر یا مقصر که حین عمل غافل بوده است و قصد قربت کرده، درصورتی که مطابق فتوای مجتهدی باشد که تقلید از او در حین عمل واجب بوده است، عملش صحیح است (آیت الله فاضل).(۱)

عمل جاهل مقصر ملتفت باطل است، هرچند مطابق واقع باشد؛ مگر اینکه عمل را به قصد رجا به جا آورد و بعد از عمل معلوم شود مطابق وظیفه اش عمل کرده است. دراین صورت، عملش صحیح است و بر مکلف واجب است پس از عمل، مطابق بودن آن با وظیفه اش را تحقیق کند. اما جاهل قاصر یا مقصری که هنگام عمل، غافل بوده و قصد قربت کرده است، درصورتی که عملش مطابق فتوای مجتهدی باشد که بعدازآن از او تقلید کرده است، صحیح است. احتیاط این است که علاوه بر مطابقت با این مجتهد، با فتوای مجتهدی که حین عمل باید از او تقلید می کرده است نیز مطابق باشد (آیت الله اراکی).(۲)

عمل جاهل مقصر ملتفت درصورتی که مطابق با واقع نباشد، باطل است؛ اما جاهل قاصر یا مقصری که در حین عمل غافل بوده و قصد قربت کرده است، درصورتی که مطابق واقع باشد، صحیح است. راه دستیابی به واقع، فتوای مجتهدی است که اکنون باید به او

---

۱- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج ۱، تقلید،م۱۶.

۲- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج ۱، تقلید،م۱۶.

رجوع کند (آیت الله خویی).(۱)

عمـل جاهـل (همـهٔ اقسام جاهل) درصورتی که به مطابقت آن با واقع یا با فتوای مجتهـدی که اکنون(۲) بایـد از او تقلید کند، علم پیـدا کنـد، به آن اکتفـا می شود؛ بلکه همین حکم در جـایی که در مطابقت آن عمل با واقع شک دارد، جاری است. این حکم به علت این است که در کیفیت عملی که از او صادر شده است، شک دارد. مگر در بعضی جاها؛ مانند جایی که مکلف بنـایش بر مـانعیت جزء یـا شـرطی بوده است و احتمـال می دهـد آن جزء یـا شـرط را غفلتـاً اتیان کرده باشـد. در همین جا هم درصورتی که بر آن مخالفت، اثری غیر از وجوب قضا مترتب نباشد، به وجوب قضا حکم نمی شود و به همان عمل قبلی اکتفا می شود (آیت الله سیستانی).(۳)

عمل جاهل مقصـر ملتفت، بـدون تقلید اگرچه مطابق واقع باشد، باطل است؛ مگر درصورتی که قصد قربت حاصل شده باشد. همچنین درصورت مخالفت هنگامی که مرجع تقلید قائل به عدم وجوب اعاده باشد، صـحیح است؛ هرچند در زمان عمل قائل به اعاده بوده است.

اما عمل جاهر قاصـر یا مقصر غافل در حین عمل، با تحقق قصد قربت صحیح است، اگر مطابق فتوای مجتهدی باشد که بعد از عمل از

---

۱- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۱۶.

۲- مطابقه مع فتوی من یجب تقلیدهحین النظر.

۳- سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۱۶؛ ناصر مکارمشیرازی؛ سیدعلی سیستانی؛ سیدابوالقاسمخویی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ سیدروح الله خمینی؛سیدابوالقاسم خویی: «العبره فی الصحّه بمطابقه العمل للواقع، والطریق إلیها هو فتوی من یجب الرجوع إلیه فعلاً.»

او تقلید می کند و آن مجتهد به عدم لزوم اعاده و قضا فتوای بدهد؛ هرچند مخالف فتوای کسی باشد که در حین عمل، وظیفه اش تقلید از او بوده است (آیت الله بهجت).(۱)

### ۹.۹.۵. وظیفهٔ انسان تا زمان انتخاب مرجع

بر هر شخصی در زمان جست وجو برای انتخاب مرجع واجب است در اعمالش احتیاط کند (حضرت امام و آیات عظام فاضل، خویی، سیستانی، اراکی و تبریزی؛ آیات عظام گلپایگانی و صافی و مکارم: یا احوط اقوال را اخذ کند؛ آیت الله نوری: در احتیاط، اقوال کسانی که محتمل الاعلمیه هستند، کفایت می کند).(۲)

### ۱۰.۹.۵. وظیفهٔ عامی تا زمان مشخص شدن حکم شرعی

عامی در اطراف شبهه تازمانی که به تساوی یا رجحان در بعضی از اطراف، علم پیدا کند، مخیر است و احتیاط لازم نیست (آیت الله بهجت).(۳)

---

۱- محمدتقی بهجت، وسیلهالنجاه، م۲۰.

۲- سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۵۰؛ ناصر مکارمشیرازی؛ سیدعلی سیستانی؛ سیدروح اللهخمینی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ سیدابوالقاسمخویی؛ محمدعلی اراکی؛ سیدمحمدرضا موسویگلپایگانی؛ حسین نوری همدانی؛ جواد تبریزی،منهاج الصالحین، ج۱، م۹؛محمد فاضل لنکرانی، الاحکام الواضحه،تقلید، م۲۳؛ منهاجالصالحین، حسین وحید خراسانی؛ سیدابوالقاسمخویی، ج۲، م۹؛ سیدمحمدرضا موسویگلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، ج۱،م۱۱؛ سیدروح الله خمینی: «بر مکلف عامی واجب استدر زمانی که مشغول فحص و پیداکردن مجتهد یا تشخیص اعلم است،به احتیاط عمل کند و در فرض دوم که درحال جست وجو از اعلم است، کافی استفتوای چند مجتهد محتمل الاعلمیه را به دست آورد و در آن ها احتیاطکند؛ یعنی به آن فتوایی عمل کند که به احتیاط نزدیکباشد» (تحریر الوسیله، ج۱، تقلید، م۹، استفتائات و ج۱، تقلید، س۲۱).

۳- محمدتقی بهجت، وسیلهالنجاه، ج۱، م۹.

## ۱۱.۹.۵. وظیفۀ وکیل و وصی در انجام اعمال

### ۱.۱۱.۹.۵. وکیل و اجیر و وصی چگونه اعمال خود را انجام دهند؟

کسی که ازطرف غیر برای انجام کاری ازقبیل اجرای عقد یا ایقاع یا پرداخت خمس یا زکات یا کفاره وکیل شده است، درصورت اختلاف فتوای وکیل و موکل، باید این اعمال را مطابق تقلید موکل خود انجام بدهد، نه مطابق تقلید خودش. اما اگر از ناحیۀ وصی یا ولی اجیر شده باشد که نماز یا عبادتی نظیر آن را به نیابت از میت انجام دهد، اقوا(۱) این است که مراعات تقلید خود را بکند، نه تقلید میت و نه تقلید وصی یا ولی را (حضرت امام و آیات عظام فاضل و خویی).(۲)

کسی که ازطرف غیر برای انجام کاری ازقبیل اجرای عقد یا ایقاع یا پرداخت خمس یا زکات یا کفاره وکیل شده است، واجب است درصورت اختلاف فتوای وکیل و موکل، این اعمال را مطابق تقلید موکل خود انجام دهد، نه مطابق

---

۱- سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۵۴؛ سیدابوالقاسمخویی: «در اینجا وصی به مقتضای تقلید خودش درنفس اجاره دادن که عمل خودش است عمل کند و اما اعمالی که اجیر انجامی دهد، به مطابق تقلید خودش انجام دهد و احتیاط این استکه مراعات تقلید خودش و میت را بکند.»

۲- سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۵۴، سیدروح اللهخمینی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ سیدابوالقاسمخویی؛ سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج۱، م۳۲ و استفتائات، ج۱، س۴۵؛جامع المسائل، محمد فاضللنکرانی، ج۱، تقلید، س۲۶و۳۰ و ج۲،س۲۶و۲۷ و الاحکامالواضحه، تقلید، م۲۹.

تقلید خودش. همچنین است درخصوص وصـی؛ مگر درجایی که موصـی به (اگر وصـیتی نباشد) از اصل مال خارج می شود؛ پس بنا بر احتیاط، دراین باره باید بر طبق تقلید ورثه عمل کند تا عمل صـحیح باشد و درنتیجه تصرف در ترکه بعد از عمل به وصیت، برای ورثه جایز باشد (آیت الله تبریزی).(۱)

وکیـل در عمـل مطـابق تقلیـد موکلش عمـل می کنـد؛ مگر زمـانی که آن عمل عبادی باشـد، ماننـد ادای زکات و وکیل واقعاً احتمال صحت آن را ندهد. درخصوص وصی بنا بر احتیاط واجب، باید به احتیاط بین تقلید خود و موصی عمل کند (آیت الله وحید).(۲)

کسـی که ازطرف غیر برای انجام کاری ازقبیل اجرای عقد یا ایقاع یا پرداخت خمس یا زکات یا کفاره وکیل شده است، بر او واجب است که آن عمل را مطابق تقلیـد موکل خود انجام دهـد، نه تقلید خودش؛ البته در جایی که وکیل شـرعاً در قبال نفس عمل خارجی یا در قبال آثار عمل مسئول نباشد.(۳) در غیر این صورت، باید مراعات فتوای هر دو مرجع را بکند. در وصی هم حکم

---

۱- جواد تبریزی، منهاجالصالحین، ج۱، م۲۴.

۲- حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج۲، م۲۴.

۳- مثـال نفس عمـل خـارجی: مرجع موکـل،فروش چـک به شـخص ثـالث را حلال می دانـد؛ اما مرجع وکیل آن را حرام می داند.در اینجا وکیل نمی تواند چک موکل را به شـخص ثالث بفروشد. مثالآثار عمل خارجی: اگر پسـری پدر خویش را وکیل در امر ازدواجکند و مرجع موکل عقد به فارسـی را صـحیح بداند، اما مرجع وکیل صحیحنداند، در اینجا اگر وکیل (پدر) عقد را به فارسـی بخواند، نمی تواندآثار محرمیت را بر همسـر فرزندش بار کند؛ زیرا هرچند خواندن عقد بهفارسی اشکالی ندارد، این عقد به نظر مرجع تقلید وکیلباعث ایجاد علقهٔ زوجیت برای موکل نمی شود؛ازاین رو آثار زوجیت بار نمی شود.

همین است (آیت الله سیستانی).(۱)

شکی نیست در اینکه موکل و موصی دراین خصوص، طبق نظر مراجع خودشان عمل می کنند؛ زیرا هر دوی آن ها مأمور به نتیجه هستند؛ اما طریق رسیدن به آن نتیجه، به تشخیص خودشان موکول است؛ مگر اینکه موکل و موصی طریق خاصی را معین کنند. دراین صورت واجب است طبق همان انجام شود (آیت الله مکارم).(۲)

کسی که ازطرف غیر برای انجام کاری ازقبیل اجرای عقد یا ایقاع یا پرداخت خمس یا زکات یا کفاره وکیل شده است، بر او واجب است که آن عمل را مطابق تقلید موکل خود انجام دهد، نه مطابق تقلید خودش؛ اما وصی باید براساس فتوای مرجع تقلید خودش عمل کند. در استیجار، اجیر باید تقلید خودش را رعایت کند؛ ازجمله در نماز (آیت الله نوری).(۳)

کسی که ازطرف غیر برای انجام کاری ازقبیل اجرای عقد یا ایقاع یا پرداخت خمس یا زکات یا کفاره وکیل یا وصی شده است، واجب است بر طبق فتوای مرجع خودش عمل کند؛ مگر اینکه موصی یا موجر خصوصیتی را در عمل لحاظ کرده باشد. دراین صورت، تخلف از آن

---

۱- سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۵۴؛ سیدعلیسیستانی، منهاج الصالحین،ج۱، م۲۴.
۲- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، م۵۴؛ناصر مکارم شیرازی.
۳- سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، م۵۴؛ حسین نوریهمدانی؛ برای آگاهی بیشتر دربارهٔ استیجار نک:عروه، استیجار، م۱۵.

خصوصیت جایز نیست (آیت الله اراکی).(۱)

کسی که ازطرف غیر برای انجام کاری ازقبیل اجرای عقد یا ایقاع یا پرداخت خمس یا زکات یا کفاره وکیل شده است، بر او واجب است که آن عمل را مطابق تقلید موکل خود انجام دهد، نه تقلید خودش. اما در وصی، اگر موصی وصیت کند به انجام عملی بدون اینکه خصوصیت خاصی را در آن لحاظ کند، وصی بر طبق تکلیف خودش عمل می کند و در اجیر هم همین گونه است. البته اگر موصی وصیت کند به استیجار عمل مخصوص، نباید از آن تخلف کرد. همین گونه است در اجیر (آیات عظام گلپایگانی و صافی).(۲)

کسی که برای انجام عباداتی چون نماز و روزه و حج نایب می شود، باید به فتوای مرجع تقلید خودش عمل کند و در نیابت از حی در حج، فی الجمله احتیاط کند. اگر وصی یا ورثه با متوفی در مرجع تقلید متفاوت باشند، در مقدار محاسبهٔ دیون بر میت، میزان تکلیفِ میت در زمان حیاتش است؛ اما در کیفیت پرداخت، اگر دربارهٔ آن اختلاف باشد، میزان، تقلید وصی و ورثه است (آیت الله بهجت).(۳)

وکیل در عمل از غیر، مانند اجرای عقد یا

---

۱- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، م۵۴؛محمدعلی اراکی؛ برای آگاهی بیشتر دربارۀاستیجار نک: عروه، استیجار، م۱۵.

۲- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، م۵۴؛سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی؛ برای آگاهیبیشتر دربارۀ استیجار نک: عروه، استیجار،م۱۵؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی و لطف اللهصافی گلپایگانی، هدایهالعباد، ج۱، م۳۵.

۳- محمدتقی بهجت، استفتائات،ج۱، تقلید، س۱۱۰و۱۱۱.

ادای خمس یا زکات یا کفاره، واجب است که به مقتضای تقلید موکل عمل کند، نه تقلید خودش؛ البته درصورتی که فتوای مراجعشان مختلف باشد. درصورتی که به مخالفت رأی موکل با واقع علم نداشته باشد. اگر به مخالف علم داشته باشد، باید در عمل توقف کند. اما وصی در مثل استیجارشدن نماز میت، به فتوای مرجع خودش عمل می کند (آیت الله بهجت).(۱)

#### ۲.۱۱.۹.۵. وظیفهٔ نایب در انجام اعمال عبادی

پرسش: کسی که برای انجام عباداتی چون نماز و روزه و حج نایب می شود، آیا باید به فتوای مرجع تقلید خودش عمل کند یا به فتوای مرجع تقلید منوب عنه؟ پاسخ: اگر هنگام عقدِ اجاره، قید نکرده باشد که طبق فتوای مرجع تقلید منوب عنه عمل کند، باید مطابق فتوای مرجع تقلید خودش عمل کند و درصورت امکان، بهتر است طوری عمل کند که با فتوای هر دوی آن ها مطابق باشد (آیت الله فاضل).(۲)

### ۱۲.۹.۵. وظیفهٔ مکلف در عقود درجایی که فتوای مرجع طرفین مختلف است

#### ۱.۱۲.۹.۵. اگر در عقود، فتوای مرجع تقلید دو طرف متفاوت بود

اگر بایع، مقلدِ مرجعی باشد که مثلاً به صحت معاطات یا صحت عقد به فارسی قائل است و

---

۱- محمدتقی بهجت، وسیلهالنجاه، م۳۲.

۲- محمد فاضل لنکرانی، جامعالمسائل، ج۱، تقلید، س۳۱.

مشتری، مقلد مرجعی باشد که به بطلان قائل است، بیع برای بایع، صحیح و برای مشتری باطل است (حضرت امام و آیات عظام مکارم، سیستانی، خویی، فاضل، بهجت، اراکی، گلپایگانی، نوری و صافی).(۱)

پرسش: اگر در عقود، فتوای مرجع تقلیدِ دو طرف متفاوت بود، تکلیف چیست؟ مانند اینکه بایع مقلدِ مرجعی باشد که به بطلان بیع حکم کند؛ اما مشتری مقلد کسی باشد که به صحت بیع حکم کند. پاسخ: هرکدام باید بر طبق نظر مرجع تقلید خود عمل کنند (رهبر معظم انقلاب).(۲)

### ۲.۱۲.۹.۵. تفاوت نظر مرجع تقلید طرفین در کارهای مشترک

ممکن است اجتهاد دو فقیه در صحت ازدواج و فساد آن مختلف باشد. مثلاً در این مسئله اختلاف وجود دارد که تزویج زانی با مادر کسی که با او زنا کرده است یا تزویج زانی با زنی که از آب زانی خلق شده باشد، جایز است یا نه. اگر کسی که به صحت آن قائل است یا کسی که مقلد اوست، با آن زن ازدواج کند، آن دیگری که قائل به فساد ازدواج است، حق ترتب آثار صحت را بر

---

۱- سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۵۵؛ محمدعلیاراکی؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی؛ حسیننوری همدانی؛ سیدروح الله خمینی؛ ناصر مکارمشیرازی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ سیدعلیسیستانی؛ سیدابوالقاسم خویی؛ محمدتقی بهجت، وسیله النجاه، م۳۳؛ سیدمحمدرضاموسوی گلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، ج۱، م۳۶.

۲- سیدعلی خامنه ای، استفتای خصوصی، استفتای۲۵،کد رهگیری: ۲۵۶۵۲۶۶۰.

آن ندارد. پس نزد کسی که آن را باطل می داند، توارثی بین آن ها نیست (حضرت امام).(۱)

پرسش: در مسائلی مانند ازدواج، اگر مرجع تقلید دو نفر متفاوت باشد و هرکدام بر سر یک موضوع فقهی نظری متفاوت داشته باشند، درصورتی که احتیاط ممکن باشد و درصورتی که احتیاط ممکن نباشد، وظیفهٔ طرفین چیست؟ پاسخ: به هرحال، اگر امکان احتیاط وجود دارد، به طوری که بر طبق هر دو نظر عمل شود، لازم است انجام گیرد؛ وگرنه هرکدام باید بر طبق فتوای مرجع خود عمل کنند (رهبر معظم انقلاب).(۲)

پرسش: در مسائلی مثل ازدواج که بین دو نفر است، اگر مراجع تقلید دو نفر، هرکدام بر سر یک موضوع فقهی نظری متفاوت داشته باشند، تکلیف چیست و باید نظر کدام مرجع را اجرا کرد؟ پاسخ: باید نظر مرجعی اجرا شود که موافق احتیاط است (آیت الله مکارم).(۳)

پرسش: زن و شوهری، هرکدام مقلد یک مرجع تقلید هستند. مسلماً گاهی برخی از دیدگاه های آن دو باهم فرق می کند. مثلاً مجتهدی خونِ در تخم مرغ را نجس و مجتهد دیگر، آن را پاک می داند. این اختلاف دیدگاه ها باعث عسر و حرج می شود. چه کنند؟ پاسخ: مرجع تقلیدِ هرکدام اعلم باشد، آن دیگری نیز باید از او تقلید

---

۱- تحریرالوسیله، ج۲، کتاب المواریث، لواحق ارث، فصل سوم، م۱۰.

۲- سیدعلی خامنه ای، استفتای خصوصی، استفتای۱۹،کد رهگیری: ۱۹۷۵۳۱۴۰.

۳- ناصر مکارم شیرازی، سایت، تقلید، عمل به احتیاط، س۸.

کند و تقلید از مجتهد دیگر مجزی نیست. اگر هرکدام مجتهد خود را از دیگری اعلم تشخیص بدهد، با موازینی که در رسالۀ عملیه ذکر شده است، باید از مجتهد خود تقلید کرده و به فتوای او عمل کند (آیت الله تبریزی).(۱)

### ۱۰.۵. ملاک تقلید

تقلید عمل مستند به فتوای مجتهد است (حضرت امام و آیات عظام فاضل، مکارم، خویی، وحید، نوری و اراکی).(۲)

در تقلید، تطابق عمل با فتوای مجتهدی که قولش فعلاً حجت باشد (یعنی اکنون وظیفه اش تقلید از اوست)، با آشکارشدن مطابقت آن عمل با قول مجتهد کفایت می کند. در این تقلید اعتماد معتبر نیست (آیت الله سیستانی).(۳)

تقلید به وسیلۀ عمل بر وفق فتوای مجتهد جامع الشرایط و با یک بار عمل کردن تحقق می یابد. التزام و اخذ رساله و... از مقدمات تقلید به شمار می رود (آیت الله بهجت).(۴)

---

۱- جواد تبریزی، استفتائات،ج۱، س۹و۳۷.

۲- حسین وحیدخراسانی، منهاج الصالحین؛ سیدابوالقاسمخویی، ج۲، تقلید، م۴؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۶۲؛ حسین نوریهمدانی، محمدعلی اراکی؛ سیدروح الله خمینی؛ ناصرمکارم شیرازی؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج۱، تقلید، س۴ و الاحکام الواضحه، تقلید، م۳؛حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل،م۲؛ ناصر مکارم شیرازی: «حال باید از مجتهد زنده در مسئلۀبقای بر تقلید میت، تقلید کند. چنانچه فتوای مرجعفعلی او جواز بر بقا باشد، اعمال سابق او صحیح است» (استفتائات، ج۱، س۳؛ سایت،تقلید، بقای بر تقلید، میت، س۵)؛ توضیح المسائل مراجع، م۲؛ حسیننوری همدانی، استفتائات،«تنها به نیت تقلید، محقق نمی شود»، ج۱، س۲ وج۲، س۷.

۳- سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج۱، تقلید، م۴.

۴- محمدتقی بهجت، وسلیه النجاه، ج۱،تقلید، م۲ و استفتائات، ج۱،تقلید، س۸۹و۱۱۶و۱۲۵و۱۲۶و۱۳۴.

تقلید، اخذ فتوای مجتهد برای عمل است؛ هرچند به آن عمل نکرده باشد (آیت الله گلپایگانی).(۱)

تقلید، التزام به عمل به فتوای مجتهد معین است و با یادگرفتن فتوای مجتهد و التزام به عمل به آن، تحقق پیدا می کند (آیات عظام گلپایگانی و صافی).(۲)

تقلید اعتماد به فتوای مجتهد است. فرقی نمی کند این اعتماد در زمان عمل باشد یا قبل از آن (آیات عظام تبریزی و شاهرودی).(۳)

تقلید پیروی کردن از دیگری در عقیده یا عمل است (آیت الله زنجانی).(۴)

---

۱- سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۶۲؛ سیدمحمدرضاموسوی گلپایگانی، توضیح المسائل،م۲: «تقلید یادگرفتن و التزام به عمل بیان شده است.»

۲- توضیح المسائل،م۲؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۶۲؛ سیدمحمدرضاموسوی گلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، ج۱، م۳.

۳- جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج۱، م۴؛استفتائات، ج۱، س۵۰:«تقلید یعنی عملی که مستند به فتوای مجتهد است و دربقای بر تقلید میت، عمل لازم نیست؛ بلکه تعلم فتوا کافیاست و التزام به عمل کردن به فتوای مجتهد اثری ندارد»؛ توضیح المسائل، سیدمحمودهاشمی شاهرودی، م۲.

۴- توضیح المسائلمراجع، س۲.

## فصل ششم: مسائل مربوط به فوت مجتهد

### اشاره

## ۱.۶. بقای بر میت

### اشاره

حکم فقهی مراجع تقلیدی که در زیر، اسامی آنان ذکر می شود و فوت کرده اند، در مسئلهٔ بقای بر تقلید میت از درجهٔ اعتبار و حجیت ساقط است و تنها برای نقل اقوال فقها ذکر می شود.

برای رعایت اختصار و سهولت فهم، ابتدا حکم فقها در جواز یا وجوب بقا ذکر می شود. توضیح دربارهٔ اینکه در چه مسائلی بقا واجب یا جایز است یا جایز نیست، به عنوان «دامنهٔ بقا» پس از آن خواهد آمد؛ ازاین رو در هنگام مطالعه، مراجعه به قسمت دامنهٔ بقا برای فهم حکم شرعی ضروری است.

### ۱.۱.۶. حکم بقا بر تقلید میت

#### اشاره

۱. زندهٔ اعلم است

الف. بنا بر احتیاط واجب بقا جایز نیست (رهبر معظم انقلاب).(۱)

ب. بقا جایز نیست (آیات عظام مکارم، بهجت، صافی، سیستانی، فاضل، نوری، خویی، تبریزی، وحید و زنجانی.) (۲)

---

۱- از حجت الاسلام رضایی، مسئول دفتر استفتائات رهبر معظم انقلاب حضوراًسؤال شد. ایشان فرمود: «جایز نیست.» همچنین از دفترایشان استفتای شخصی شده است. این استفتا در پایانجزوه ذکر شده است: استفتای خصوصی، ۱۷، کدپیگیری: ۳۷۹۱۷۸۳۸.

۲- سیدابوالقاسمخویی و حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین،ج۲ تقلید، م۲؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، م۸ و منهاج الصالحین، ج۱، تقلید،م۷؛ محمدتقی بهجت و محمد فاضل لنکرانی، توضیح المسائل، م۱۲؛ نوری، توضیح المسائل، م۹؛ لطف اللهصافی گلپایگانی، توضیح المسائل،م۹؛ سیدموسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل مراجع، م۹؛ حسینوحید خراسانی، توضیح المسائل،م۹، محمدتقی بهجت، استفتائات،ج۱، س۹۳و۱۵۶؛ ناصر مکارم شیرازی،استفتائات، ج۱، س۴ و ج۲،س۶ و ج۳، س۱۵ و سایت،بقای بر تقلید میت، س۲؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج۱،م۷؛ لطف الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج۱، س۴۲ و هدایه العباد، ج۱، م۱۴؛ گفتنی استفتوای امام راحل نیازمند تحقیق بیشتر بوده و محتمل استازآنجاکه معظم له تقلید از اعلم را بنا بر احتیاط واجب لازم می داند،رجوع به حیّ نیز در این مسئله بنا بر احتیاط لازم باشد.

۲. مردهٔ اعلم است

الف. بقا جایز است (حضرت امام و رهبر معظم انقلاب و آیات عظام نوری و گلپایگانی.)(۱)

ب. بنا بر احتیاط بقا واجب است (آیت الله صافی).(۲)

ج. بقا واجب است (آیات عظام مکارم، سیستانی، وحید، زنجانی، فاضل، خویی، تبریزی و بهجت).(۳)

۳. هر دو مساوی باشند

الف. بقا جایز است (رهبر معظم انقلاب و

---

۱- سیدروح اللهخمینی، توضیح المسائل،م۹؛ نوری، توضیح المسائل، م۹؛ سیدروح اللهخمینی، تحریرالوسیله، ج۱، تقلید، م۱۲ و استفتائات، ج۱، تقلید،س۲۰تا۲۳؛ سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س۳۵؛ تحریر المسائل، م۱۳و۱۴،«احتیاط مستحب بقای بر تقلید میت اعلم است»، استفتایخصوصی، ۱۷، کد پیگیری: ۳۷۹۱۷۸۳۸؛حسین نوری همدانی، هزارویکمسئلهٔ فقهی، ج۱، س۸و۱۵؛ سیدمحمدرضاموسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج۱،س۱۵.

۲- لطف الله صافی گلپایگانی، توضیح المسائل، م۹ و جامع الاحکام، ج۱،س۱۷و۲۱و۴۲ و هدایه العباد، ج۱، م۱۴.

۳- سیدعلیسیستانی، منهاج الصالحین،ج۱، تقلید، م۷ و توضیح المسائل،م۸؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج۲، تقلید، م۷ و توضیح المسائل، م۹؛ توضیح المسائل مراجع، سیدموسیشبیری زنجانی، م۹؛ ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل، م۱۰؛جواد تبریزی، استفتائات، ج۱،س۱۸و۲۱و۲۶و۵۴، آیت الله تبریزی:«درصورتی که مجتهد اعلم باشد، وظیفه، تقلید از اعلم است؛ولی درصورتی که محتمل الاعلمیه باشد، می توان درهمهٔ مسائل به حی رجوع کرد»؛ سیدمحمدکاظم طباطباییزدی، عروه الوثقی،ج۱، م۶۲، محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل،ج۱، تقلید، س۱۸تا۲۴و ج۲، س۱۵و۱۶ و الاحکام الواضحه، تقلید، م۱۳؛ سیدابوالقاسمخویی، منهاج الصالحین،ج۲، تقلید، م۷ و استفتائات،س۱۶؛ جواد تبریزی، توضیح المسائلمراجع، م۹؛ محمدتقی بهجت، توضیح المسائل،م۱۲ و استفتائات، ج۱،س۱۱۸و۱۲۳و۱۴۱؛ جامع المسائل، ج۱، تقلید میت؛وسیله النجاه، م۱۳.

آیات عظام فاضل، نوری، بهجت، صافی، مکارم، تبریزی و گلپایگانی).(۱)

ب. بقا جایز است؛ مگر در مصادیق علم اجمالی یا قیام حجت اجمالی بر تکلیف، مانند اختلاف در قصر و اتمام که بنا بر احتیاط لازم احتیاط کند (آیت الله سیستانی).(۲)

ج. بقا جایز است درصورتی که علم به مخالفت فتوای مرجع میت با مرجع زنده نداشته باشد؛ وگرنه باید بین دو قول احتیاط کند (آیات عظام وحید و خویی).(۳)

د. بقا واجب است. درصورتی که به فتوای او عمل کرده باشد و درصورتی که به فتوای او عمل نکرده است، مخیر است از هرکدام که خواست، تقلید کند (آیت الله زنجانی).(۴)

ه. نمی دانیم کدام اعلم است. ممکن است باهم مساوی باشند یا نباشند و احتمال اعلمیت دربارهٔ هر دو مجتهد یکسان است. مانند صورت تساوی است (آیات عظام سیستانی، تبریزی،

---

۱- سیدروح اللهخمینی، توضیح المسائل،م۹؛ نوری، توضیح المسائل،م۹؛ سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س۳۵ و تحریر المسائل، م۱۳؛ استفتای خصوصی،۱۷، کد پیگیری: ۳۷۹۱۷۸۳۸؛محمد فاضل لنکرانی، توضیح المسائلم۱۲ و الاحکام الواضحه،تقلید، م۱۳؛ محمدتقی بهجت، توضیح المسائل، م۱۲ و استفتائات، ج۱، س۱۱۸و۱۲۳؛ وسیله النجاه، ج۱، م۱۳؛جامع المسائل، ج۱، تقلید،میت، لطف الله صافی گلپایگانی، توضیح المسائل، م۹ و جامعالاحکام، ج۱، س۴۲؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج۱، س۲؛ استفتائات، ج۱، س۴؛ جواد تبریزی،منهاج الصالحین، ج۱،م۷ و استفتائات، ج۱،س۱۸ و ج۲، س۳۳؛ سیدمحمدرضا موسویگلپایگانی، مجمع المسائل، ج۱، س۱۵.

۲- منهاج الصالحین،ج۱، تقلید، م۸ و توضیح المسائل،م۷.

۳- سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ج۲، تقلید، م۷ و استفتائات، ج۱، تقلید،س۱۵و۱۶؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج۲، تقلید،م۷ و سایت، تقلید، س۱۳.

۴- سیدموسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل مراجع، م۹.

وحید، خویی و بهجت).(۱)

#### ۱.۱.۱.۶. دامنهٔ بقا

درصورتی که در بعضی از مسائل به فتوای مجتهدی عمل کرده است، بعد از مردن آن مجتهد می تواند در همهٔ مسائل از او تقلید کند. دراین صورت فرقی بین مسائلی که عمل کرده و مسائلی که عمل نکرده است، وجود ندارد (حضرت امام و رهبر معظم انقلاب و آیات عظام فاضل و نوری).(۲)

در مسائلی که عمل کرده یا اخذ فتوا برای عمل کرده است، بقا جایز(۳) است (آیت الله مکارم).(۴)

درصورتی که فتوای مرجع فوت شده در نظر مقلد بوده و فراموش نکرده باشد، حکم بعد از فوت او حکم زنده بودنش است؛ اما اگر فتوای او را یاد نگرفته یا فراموش کرده است، لازم است به مجتهد زنده رجوع کند (آیت الله خویی).(۵)

واجب است بقا بر تقلیدش در مسائلی که تعلم کرده است؛ هرچند که فراموش کرده باشد و تفاوتی ندارد که به آن ها عمل کرده باشد یا

---

۱- سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج۱، تقلید، م۷و۸؛ جوادتبریزی، منهاج الصالحین،ج۱، م۷ و استفتائات،ج۱، س۲۲و۲۶؛ منهاجالصالحین، حسین وحید خراسانی، ج۲، م۷؛ سیدابوالقاسمخویی، منهاج الصالحین،ج۲، تقلید، م۷؛ محمدتقی بهجت، استفتائات، ج۱، س۱۱۹.

۲- سیدروح الله خمینی، توضیح المسائل، م۹؛ سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س۴۱؛ محمدفاضل لنکرانی، توضیح المسائل،م۱۲؛ نوری همدانی، توضیح المسائل،م۹ و هزارویک مسئلهٔفقهی، ج۱، س۶.

۳- در فرضی که مجتهد متوفی اعلم است، بقا واجب است.

۴- ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل، م۱۰ و استفتائات، ج۱، س۲و۴ و ج۳، س۱۵.

۵- سیدابوالقاسم خویی، توضیح المسائل، م۹.

نباشد و در غیر این صورت ها، رجوع به زنده واجب است (آیت الله تبریزی).(۱)

اگر کسی در مسئله ای به فتوای مجتهدی عمل کرده است یا آن را یاد گرفته و به عمل به آن ملتزم شده باشد، اگر بعد از مردن آن مجتهد در آن مسئله به فتوای مجتهد زنده رفتار نکرده باشد، می تواند(۲) در آن مسئله به فتوای مجتهدی باقی باشد که از دنیا رفته است؛ بلکه جواز بقا بر تقلید او در سایر مسائل نیز بعید نیست؛ ولی اگر مجتهد میت اعلم از حی باشد، بنا بر احتیاط واجب باید بر تقلید او باقی بماند (آیت الله صافی).(۳)

درصورتی که به متابعت از فتوای مجتهد فوت شده التزام داشته است، حکم بعد از فوت او حکم زنده بودنش است و فرقی بین مسائل عمل کرده و عمل نکرده نیست (آیت الله سیستانی).(۴)

چنانچه مجتهدی که انسان از او تقلید می کند، از دنیا برود، پس از وفات، حکم زنده بودن را دارد؛ بنابراین اگر مجتهدی که از دنیا رفته است، اعلم باشد یا درصورت تساوی به فتوای او عمل کرده باشد، لازم است بر فتوای او باقی بماند. اگر به فتوای مجتهد متوفی که با مجتهد زنده مساوی است، عمل نکرده باشد، از هریک از آن ها که بخواهد، می تواند تقلید

---

۱- توضیح المسائلمراجع، م۹ و استفتائات،ج۱،س۳و۷و۱۴و۲۳و۳۹و۴۱و۵۰و ج۲، س۱۰و۱۱ و منهاج الصالحین، ج۱، م۷.

۲- .در فرضی که مجتهد متوفی اعلم باشد، بقا به احتیاط واجب لازماست.

۳- لطف الله صافی گلپایگانی، توضیح المسائل، م۹ و جامع الاحکام، ج۱،س۱۷و۲۰؛گلپایگانی، هدایه العباد،ج۱، م۱۴.

۴- سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، م۸.

کند. در مسئلهٔ بقا کافی است که فرد در سن تمییز، زمان حیات آن مجتهد را درک کرده باشد (آیت الله زنجانی).(۱)

باقی ماندن بر تقلید میت در مسائلی که در آن ها تقلید و عمل کرده است، بنا بر اقوا جایز(۲) است (آیت الله بهجت).(۳)

در مسئلهٔ بقا فرقی نمی کند که در زمان حیات او التزام به عمل به فتوای او داشته یا نداشته باشد و چه عمل به فتوای او کرده یا نکرده باشد و چه فتوای او را یاد گرفته یا نگرفته باشد؛ بلکه در بقا کافی است که فرد در سن تمییز، زمان حیات آن مجتهد را درک کرده باشد (آیت الله وحید).(۴)

کسی که در مقدار زیادی از مسائل به فتوای مجتهدی عمل کرده و همان گونه که متعارف و معمول است، بنا بر عمل در بقیه هم داشته است، بعد از مردن آن مجتهد می تواند در همهٔ مسائل از او تقلید کند (آیت الله اراکی).(۵)

کسی که در مسئله ای به فتوای مجتهدی عمل کرده است یا آن را یاد گرفته و به عمل به آن ملتزم شده باشد، اگر بعد از مردن آن مجتهد در آن مسئله به فتوای مجتهد زنده رفتار نکرده باشد، می تواند در آن مسئله به فتوای مجتهدی که از دنیا رفته است، باقی بماند

---

۱- توضیح المسائلمراجع، م۹.

۲- در فرضی که مجتهد متوفی اعلم است، بقا واجب است.

۳- محمدتقی بهجت، توضیح المسائل،م۱۲.

۴- حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، م۹.

۵- توضیح المسائل،م۹.

(آیت الله گلپایگانی).(۱)

اگر انسان مجتهدی را در زمانی درک کند که می توانسته است از او تقلید کند، یعنی در هنگامی که ممیز بوده و خوب و بد را می فهمیده، هرچند بالغ نشده بوده است، می تواند پس از مرگِ آن مجتهد هم از او تقلید کند؛ خواه در زمان زنده بودن مجتهد از او تقلید کرده باشد یا از او تقلید نکرده باشد. در غیر این صورت بنا بر احتیاط، عمل کردن به فتوای مجتهدی که از دنیا رفته است، جایز نیست (آیت الله شبیری زنجانی).(۲)

### ۲.۱.۶. بقا بر میت

اگر از مجتهدی تقلید کنیم که بقا بر میت را جایز نمی داند و ایشان فوت کند و مرجع زنده اجازهٔ بقا بر میت را بدهد، در غیر این مسئله می توانیم از مجتهد اول تقلید کنیم (حضرت امام و آیات عظام خویی، سیستانی، مکارم، فاضل، اراکی، نوری و گلپایگانی).(۳)

### ۳.۱.۶. بقا بر میت، بدون رجوع به زنده

اگر شخصی بر تقلید میت باقی باشد، بدون اینکه در این مسئله به مجتهد زنده رجوع کرده

---

۱- توضیح المسائل،م۹؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، هدایه العباد؛ ج۱،م۱۴.

۲- توضیح المسائلمراجع، م۹.

۳- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۲۶، سیدعلی سیستانی؛ ناصر مکارمشیرازی؛ سیدروح الله خمینی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ سیدابوالقاسم خویی؛ حسین نوری همدانی؛ محمدعلی اراکی؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی.

باشد، عمل این شخص مانند کسی است که بدون تقلید، اعمالی را انجام داده است (آیات عظام گلپایگانی و صافی: مانند کسی است که بدون تقلید عمل کرده است: اگر بقا مطابق مرجع زنده بود، صحیح است؛ وگرنه مانند عمل بدون تقلید است) (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، فاضل، مکارم، خویی، بهجت، اراکی، گلپایگانی، نوری، تبریزی و صافی).(۱)

پرسش: نظر مبارک را راجع به کسی که مرجع او از دنیا رفته و همین طور باقی مانده است، بیان فرمایید. پاسخ: باید به مجتهد حی رجوع کرده و در مسئلهٔ بقا بر تقلید، فتوای او را مراعات کند و اعمالش را طبق فتوای او انجام دهد. اعمال سابقی که بعد از فوت مجتهد اول انجام داده است، اگر با فتوای مجتهد حی یا با فتوای مجتهد میت، در مسائلی که بقا در آن مسائل به نظر مجتهد حی جایز است، مطابق است، مجزی است (آیت الله تبریزی).(۲)

پرسش: شخصی پس از فوت آقای بروجردی رحمت الله در مسئلهٔ بقا بر تقلید میت، از

---

۱- سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۵۲؛ حسین نوریهمدانی؛ محمدعلی اراکی؛ سیدمحمدرضا موسویگلپایگانی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ سیدعلیسیستانی؛ سیدروح الله خمینی؛ محمد فاضللنکرانی؛ سیدابوالقاسم خویی؛ سیدروح اللهخمینی، تحریرالوسیله، ج۱، تقلید۱۳؛محمد فاضل لنکرانی، الاحکام الواضحه،تقلید، م۱۲؛ محمدتقی بهجت، استفتائات، ج۱، تقلید، س۱۲۲؛ وسیله النجاه، ج۱، س۱۳؛ناصر مکارم شیرازی، استفتائات،ج۱، س۳، سایت،بقای بر تقلید، میت، س۵؛ حسین نوریهمدانی، هزارویک مسئلهٔ فقهی، ج۱،س۱۵؛ جواد تبریزی، منهاجالصالحین، ج۱، م۱۲و استفتائات، ج۱، س۱۰؛ سیدمحمدرضا موسویگلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، ج۱، م۱۵.

۲- جواد تبریزی، استفتائات،ج۱، س۱۰.

یکی از آقایان مراجع، تقلید کرده است و اکنون فراموش کرده که در آن وقت کدام یک از آنان را در نظر گرفته است؛ ولی او را اجمالاً بین چند نفر می داند. بنابراین، تکلیف او درصورتی که همهٔ ایشان در قید حیات باشند، چیست و اگر بعضی از آنان فوت کرده باشند، وظیفهٔ او چیست؟ پاسخ: با فرض عدم تمکن از تحصیل علم یا ظن به مرجع قبلی، فعلاً مثل شخصی که ابتدا می خواهد تقلید کند، به مجتهد حی که واجد شروط تقلید باشد، رجوع کند و با تعدد و تساوی، مخیر است به هریک رجوع کند و فرق نیست که مرجع قبلی مردد بین احیا باشد یا بین احیا و اموات (آیت الله گلپایگانی).(۱)

### ۴.۱.۶. اجازه از اعلم در بقای بر میت

در بقای بر تقلید میت، اعلمیت مجتهدی که اجازهٔ بر بقا می دهد، شرط است. اگر کسی با اجازهٔ مجتهد غیراعلم بر تقلید میت باقی مانده بود، اکنون عدول به اعلم و دریافت نظر او در چگونگی بقای بر میت لازم است (آیت الله بهجت).(۲)

بنا بر احتیاط، رجوع در مسئلهٔ بقا بر تقلید میت و شروطش به مجتهد حی اعلم واجب است. البته اگر بقا بر تقلید میت محل اتفاق جمیع فقهای معاصر باشد، رجوع در این مسئله

---

۱- سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، مجمعالمسائل، ج ۱، س ۱۲.

۲- محمدتقی بهجت، استفتائات،ج ۱، تقلید، س ۱۳۱و ۱۳۲.

لازم نیست (رهبر معظم انقلاب).(۱)

باقی ماندن بر تقلید میت باید به نظر مجتهد حی باشد. مراجع فعلی بقا بر میت را معمولاً جایز می دانند. در گذشته نیز مسئله به همین منوال بوده است (آیت الله مکارم).(۲)

در مسئلهٔ بقای بر تقلید باید به مجتهد زندهٔ اعلم (آیت الله تبریزی: یا محتمل الاعلمیه) رجوع کند و در خصوصیات مسئله به فتوای او عمل کند (آیات عظام تبریزی و صافی).(۳)

### ۵.۱.۶. اجازهٔ بقا بر میت با فوت مرجع دوم

اگر مکلف از مجتهدی تقلید کند و سپس آن مجتهد از دنیا برود، آنگاه از مجتهدی دیگر تقلید کند، او نیز از دنیا برود و به ناچار در مسئلهٔ بقا بر تقلید میت از مجتهد سوم تقلید کند، اگر فتوای او این باشد که بقا واجب است، بر تقلید مجتهد اول باقی می ماند و اگر فتوایش این باشد که بقا جایز است، مکلف مخیر است بین بقای بر تقلید مجتهد دوم و بین رجوع به مجتهد زنده (حضرت امام و آیات عظام فاضل، خویی، نوری، گلپایگانی و صافی).(۴)

---

۱- سیدعلی خامنه ای، تحریر المسائل، م۱۵.

۲- ناصر مکارم شیرازی، سایت، تقلید، بقای بر تقلید میت، س۳؛جواد تبریزی، استفتائات، ج۲،ص۲۱.

۳- جواد تبریزی، استفتائات،ج۲، س۵۷ و ج۱، س۳۸؛ لطف الله صافیگلپایگانی، جامع الاحکام، ج۱،س۲۳.

۴- سیدروح اللهخمینی، تحریرالوسیله، ج۱،تقلید، م۱۴؛ سیدمحمدکاظم طباطباییزدی، عروه الوثقی،ج۱، تقلید،م۶۱،محمد فاضل لنکرانی؛ سیدابوالقاسم خویی؛ حسیننوری همدانی؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، مجمعالمسائل، ج۱،س۱۶: «پرسش: اگر کسی از چند مجتهد پس از فوتدیگری تقلید کرد و در بعضی از مسائل که به فتوایمجتهد میت اوّلی عمل کرده بود، به فتوای مجتهد دوم رجوع و عملکرد یا اینکه در بعضی از مسائل که به رأی مجتهداولی عمل کرده بود، به رأی مجتهد دوم، بر تقلید، مجتهداولی باقی ماند، حال در این دو دسته از مسائل، به رأیکدام یک از دو مجتهد باقی بماند؟ پاسخ: در مسائلی که به مجتهدحی رجوع کرده و به فتوای او عمل کرده است، جایز نیست مجدداًبه اولی رجوع کند و اگر خواسته باشد باقی بماند، باید برتقلید دوم باشد. اما در مسائلی که در زمان حیات مجتهد دومنیز بر فتوای اولی باقی بوده است، می تواند با تقلیداز حی در بقا، باقی بر تقلید اولی باشد»؛سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی و لطف الله صافیگلپایگانی، هدایه العباد،ج۱، م۱۶؛ آیت الله صافی: «اگر میت، اعلم از حی باشد، حقیر،بقا را بنا بر احتیاط لازم می دانم؛ بنابراین اگر آخرینمجتهدی که از او تقلید می کرده است، اعلم از سابقان بر او و ازحی بوده است، بقا بر تقلید او بی اشکال است و اگر مجتهد قبل ازاو اعلم بوده و مجتهد بعد اعلم از حی بوده است، در فتوای ایندو مجتهد به احتیاط عمل کند. این درصورتی است که مجتهد حیبقا را به تفصیل مذکور احتیاطاً لازم بداند؛ ولی اگر جزماً واجببداند، باید به تقلید هرکدام که اعلم است، باقی بماند و اگرمجتهد حی بقا را جایز می داند، ظاهر این است که اگربخواهد به تقلید آخری باقی بماند، باقی بماند و درصورتاول و همچنین دوم، فروع دیگر نیز هست که مجال تفصیلش نیست؛ولی اگر فقط در مسئلهٔ بقا از مجتهد بعد تقلید کرده است، نمی توانداز این

مجتهد تقلید کند»؛ جامعالاحکام، ج ۱،س ۲۶و ۲۷و ۳۴و ۳۵و ۴۳.

اگر مکلف از مجتهدی تقلید کند و سپس آن مجتهد از دنیا برود، آنگاه از مجتهدی دیگر تقلید کند، او نیز از دنیا برود و به ناچار در مسئلهٔ بقا بر تقلید میت، از مجتهد سوم تقلید کند، چنانچه فتوای او این باشد که بقا واجب یا جایز است، بنا بر اظهر، باید از مجتهد دوم تقلید کند (آیت الله اراکی).(۱)

اگر مکلف از مجتهدی تقلید کند و سپس آن مجتهد از دنیا برود، آنگاه از مجتهدی دیگر تقلید کند او نیز از دنیا برود و به ناچار در مسئلهٔ بقا بر تقلید میت از مجتهد سوم تقلید کند، درصورتی که مرجع اول اعلم یا محتمل الاعلمیه از مرجع حی باشد، در مسائلی که در زمان حیات مرجع اول از وی یاد گرفته است، باید در

---

۱- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی و محمدعلیاراکی، عروه الوثقی،ج۱، تقلید، م۶۱.

آن مسائل بـاقی باشـد. همچنین در مسـائلی که از مرجع دوم در زمـان حیـاتش یاد گرفته است، اگر اعلم یا محتمل الاعلمیه از حی باشد، باید در آن مسائل نیز باقی بر مرجع دوم باشد و در بقیهٔ مسائل به حی مراجعه کند (آیت الله تبریزی).(۱)

اگر مکلف از مجتهـدی تقلیـد کنـد و آن مجتهـد از دنیا برود، آنگاه در بعضـی از مسائل از مجتهـد دیگری تقلید کند، سـپس مجتهـد دیگر نیز بمیرد، مکلف می توانـد در مسائلی که از مجتهـد اول عدول نکرده است، بر او باقی بماند و در مسائلی که به دومی عدول کرده است، بین بقا بر دومی یا عدول به مجتهد زنده مخیر است (رهبر معظم انقلاب).(۲)

اگر مکلف از مجتهدی تقلید کند و سپس آن مجتهد از دنیا برود، آنگاه از مجتهدی دیگر تقلید کند که به جواز عدول به حی یا وجوب عدول مطلقاً یا در خصوص فتاوایی که از مرجع اول یاد نگرفته است، قائل است، پس به زنده عدول کرد و بعدازآن این مرجع هم فوت کرد، در اینجـا در مسـئلهٔ بقـا بر میت، بایـد از اعلم احیـا تقلیـد کرد. نظر مـا این است که درصورت علم به اختلاف فتاوا بین آنان، بایـد از اعلم این سه مرجع تقلید کرد؛ مانند اینکه اگر مجتهد اول اعلم باشد، باید به او عدول کرد و بر او باقی ماند (آیت الله سیستانی).(۳)

---

۱- جواد تبریزی، استفتائات،ج ۱، س۸و۲۵ و ج ۲، س ۱و۳۸ و منهاج الصالحین، ج ۱، م۷و۱۶.
۲- سیدعلی خامنه ای، تحریر المسائل، م۱۷.
۳- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج ۱، تقلید،م۶۱؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، م۱۶.

اگر مکلف از مجتهدی تقلید کند و سپس آن مجتهد از دنیا برود، آنگاه از مجتهدی دیگر تقلید کند او نیز از دنیا برود و در مسئلۀ بقای بر تقلید میت از مجتهد سوم تقلید کند، اگر فتوای او این باشد که بقا واجب است، بر تقلید مجتهد دوم باقی می ماند و اگر فتوایش این باشد که بقا جایز است، مکلف مخیر است بین بقا بر تقلید مجتهد دوم و بین رجوع به مجتهد زنده (آیت الله مکارم).(۱)

اگر مکلف از مجتهدی تقلید کند، آن مجتهد از دنیا برود، آنگاه از مجتهدی دیگر تقلید کند، او نیز از دنیا برود و از مجتهد سوم تقلید کند، در مسئلۀ بقای بر میت، کسی که به وجوب یا جواز بقا حکم می کند، این شخص باقی می ماند بر مجتهد دوم جوازاً یا وجوباً. جایز است بقا بر اولی درصورتی که اولی اعلم از احیا باشد (آیت الله بهجت).(۲)

### ۶.۱.۶. تقلید از همۀ مراجع در مسئلۀ جواز بقای در تقلید

انسان در مسئلۀ بقای بر میت می تواند در مقداری که همه قبول دارند، از همۀ مراجع فعلی تقلید کند و همۀ آن ها را در این مسئله، مرجع تقلید خود بداند (رهبر معظم انقلاب و

---

۱- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۶۱؛ ناصر مکارم شیرازی.

۲- محمدتقی بهجت، وسیلهالنجاه، ج۱، م۱۴.

آیات عظام بهجت و نوری و صافی).(۱)

### ۷.۱.۶. بقای بر تقلید دربارهٔ احتیاط بین دو نفر

در بقا بر فتوای میت لازم است که درحال حیات، مشخصاً از او تقلید شده باشد یا بین فتوای او و مجتهد دیگری احتیاط شود و اگر به قول هر دو تقلید کرده است، بعد از فوت هرکدام در مسئله ای که از او تقلید کرده است، جایز یا واجب است بر تقلید او باقی بماند (آیت الله بهجت).(۲)

### ۸.۱.۶. بقا بر میت درخصوص احتیاط واجب

پرسش: اگر مجتهد میت در مسئله ای احتیاط واجب داشته باشد، آیا جواز یا وجوب بقای بر تقلید، شامل آن هم می شود یا به فتوا اختصاص دارد؟ پاسخ: اگر به احتیاط عمل کرده باشد، می تواند باقی باشد؛ گرچه در احتیاط، با رعایت اعلمیت، می تواند به مجتهد زنده رجوع کند (آیت الله بهجت).(۳)

پرسش: در مسائلی که حضرت آیت الله گلپایگانی احتیاط می کرد، بنده به حضرت آیت الله اراکی رجوع می کردم. حال در این زمان هر دو به رحمت ایزدی پیوسته اند. چه باید بکنم؟ پاسخ: در مسائلی که به مرحوم آیت الله

---

۱- محمدتقی بهجت، استفتائات،ج۱، تقلید، س۱۳۸؛ استفتائات، نوری، ج۲، س۲؛ سیدعلی خامنه ای،تحریر المسائل، م۱۵؛لطف الله صافی گلپایگانی، جامعالاحکام، ج۱، س۳۷،۳۱،۲۴،۱۵تا۴۱.

۲- محمدتقی بهجت، استفتائات،ج۱، تقلید، س۱۴۲و۱۴۳.

۳- محمدتقی بهجت، استفتائات،ج۱، تقلید، س۱۴۹.

آقای اراکی رحمت الله رجوع کرده اید، می توانید به تقلید ایشان باقی بمانید (آیت الله صافی).(۱)

### ۲.۶. فوت مجتهد

اگر مجتهدی که از او تقلید می کنیم، فوت کند و ندانیم فتوای او با فتوای مجتهد زنده ای که اکنون وظیفه داریم از او تقلید کنیم، مخالف است، می توانیم در مسائلی که در معرض ابتلاست، بر تقلید میت باقی بمانیم (آیت الله سیستانی).(۲)

### ۳.۶. تقلید ابتدایی میت

جایز نیست (حضرت امام و آیات عظام شاهرودی، سیستانی، خویی، نوری، مکارم، بهجت، فاضل، صافی، تبریزی، اراکی و گلپایگانی؛ رهبر معظم انقلاب: بنا بر احتیاط واجب).(۳)

---

۱- لطف الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج۱، س۳۳.

۲- سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج۱، تقلید، م۷.

۳- سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، «بنا بر احتیاطواجب»، س۲۲ و تحریرالمسائل، م۱۳؛ سیدروح الله خمینی، توضیح المسائل، م۹ و تحریرالوسیله، ج۱، تقلید، م۱۳؛ سیدعلیسیستانی، منهاج الصالحین،ج۱، تقلید، م۶؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ج۲، تقلید،م۶؛ سیدمحمود شاهرودی، منهاجالصالحین، ج۱، تقلید، م۶؛ توضیح المسائل مراجع، م۹، نوری همدانی؛ لطف اللهصافی گلپایگانی؛ جواد تبریزی؛ محمد فاضللنکرانی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ محمدتقی بهجت، استفتائات، ج۱، تقلید، س۱۲۷؛سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید، م۲۲؛محمدعلی اراکی؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی؛ حسیننوری همدانی، هزارویک مسئلهٔ فقهی، ج۲،س۸؛ محمد فاضل لنکرانی، جامعالمسائل، ج۱، تقلید، س۱۷، و الاحکام الواضحه، تقلید، م۱۳ و جامع المسائل، ج۳، س۱۹؛ناصر مکارم شیرازی، استفتائات،ج۳، س۱۳؛ محمدتقی بهجت، استفتائات، ج۱، تقلید، س۱۲۷؛ وسیله النجاه، م۱۳؛ سیدمحمدرضاموسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج۱،س۹و۱۰و۱۱و۱۳ (هرچند اعلم باشد)؛ جواد تبریزی،منهاج الصالحین، ج۱،م۶ و استفتائات، ج۱،س۱۶ و ج۲، س۳۷؛ سیدمحمدرضا موسویگلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، ج۱،م۱۴.

جایز است؛ به شرط اینکه در زمان حیاتِ آن مجتهد، ممیز بوده باشد؛ هرچند بالغ نبوده و تقلید نکرده باشد (آیات عظام وحید و زنجانی).(۱)

## ۴.۶. اجازه و اذن و وکالت، بعد از فوت

### ۱.۴.۶. با فوت مرجع، اجازهٔ او از بین می رود

اگر مجتهدی فوت کند و با اجازهٔ مرجع زنده، بر تقلید او باقی بمانیم و بعد مجتهد دوم هم فوت کند، باید به مجتهد سوم رجوع کنیم و در این اجازه (حضرت امام: بنا بر احتیاط واجب) نمی توانیم از مجتهد دوم تقلید کنیم (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، وحید، خویی، فاضل، مکارم، اراکی، گلپایگانی، نوری و تبریزی).(۲)

### ۲.۴.۶. اذن و وکالت مجتهد بعد از فوت

کسی که ازطرف مجتهدی وکیل یا مأذون در تصرف در اوقاف یا وصیت ها یا تصرف در اموال افراد قاصراست، با مرگ آن مجتهد منعزل

---

۱- توضیح المسائل،سیدموسی شبیری زنجانی، مراجع، م۹؛ حسینوحید خراسانی، منهاجالصالحین، ج۲، تقلید، م۶ و استفتائات، سایت، س ۱و۴۳۸.

۲- سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین،ج۱، تقلید، م۱۶: «و هرکدام از این سه مجتهد که اعلمبود، باید از او تقلید کنیم»؛ حسین وحیدخراسانی، منهاج الصالحین،ج۲، تقلید، م۱۶؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ج۲، تقلید،م۱۶: «و هرکدام از این سه مجتهد که اعلم بود، در فتواهاییکه یادش مانده است، باید تقلید کند»؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۱۵؛ سیدروح اللهخمینی: «بنا بر احتیاط واجب در این اجازه نمی توانیماز مجتهد دوم تقلید کنیم»؛ محمد فاضل لنکرانی؛ ناصر مکارمشیرازی؛ محمدعلی اراکی؛ حسین نوریهمدانی؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی؛ جواد تبریزی،استفتائات، ج۱، س۲۸.

می شود (و وکالت و اذنی که داشت، باطل می شود)؛ اما اگر از ناحیهٔ او منصوب بوده باشد، مثلاً مجتهد او را به تولیت اوقافی نصب یا وی را قیم بر فردی قاصر کرده باشد، بعید نیست بگوییم با مرگ مجتهد منعزل نمی شود؛ ولی سزوار این است که احتیاط کند؛ یعنی از مجتهد زنده اجازه یا نصبی جدید تحصیل کند (حضرت امام و آیات عظام فاضل و مکارم).(۱)

کسی که ازطرف مجتهدی، در تصرف در اوقاف یا وصیت ها یا در تصرف در اموال افراد قاصر وکیل یا مأذون است، با مرگ آن مجتهد منعزل می شود (و وکالت و اذنی که داشت، باطل می شود)؛ اما اگر از ناحیهٔ او منصوب بوده باشد، مثلاً مجتهد او را به تولیت اوقافی نصب یا وی را قیم بر فردی قاصر کرده باشد، بنا بر احتیاط واجب باطل است (آیات عظام اراکی، گلپایگانی، نوری و صافی).(۲)

اجازهٔ مجتهد و وکالت در تصرف اوقاف و اموال قاصران، بعد از فوت او باطل می شود و بنا بر اظهر، کسانی که ازجانب او منصوب می شوند، عزل می شوند (آیات عظام سیستانی و وحید و خویی).(۳)

---

۱- سیدروح اللهخمینی، تحریرالوسیله، ج۱، تقلید، م۱۵؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۵۱؛ ناصر مکارم شیرازی؛محمد فاضل لنکرانی، الاحکام الواضحه،تقلید، م۳۰ و جامعالمسائل، ج۲، س ۲۰.

۲- سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۵۱؛ محمدعلیاراکی؛ حسین نوری همدانی؛ سیدمحمدرضا موسویگلپایگانی، مجمع المسائل، ج۱،س۱۷و۴۰؛ سیدمحمدرضا موسویگلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، ج۱، م۱۷.

۳- سیدعلیسیستانی، منهاج الصالحین،ج۱، تقلید، م۲۵: «بنا بر احتیاط واجب، کسانی کهازجانب وی منصوب می شوند، عزل می شوند»؛ حسین وحیدخراسانی، منهاج الصالحین؛ سیدابوالقاسمخویی، ج۲، تقلید، م۲۵؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۵۱؛ آیت الله خوییدر عروه احتیاط واجب دارد.

مأذون و وکیل با فوت مجتهـد عزل می شود؛ اما منصوب ازجانب او در اوقاف و وصایا و اموال قاصـر عزل نمی شود (آیت الله بهجت).(۱)

مأذون و وکیل ازطرف مجتهد در تصـرف در اوقاف یا اموال قاصران بعد از فوت مجتهد عزل می شود؛ ولی کسی که ازجانب او به عنوان ولی یا قیم منصوب شده است، بعد از فوت او عزل نمی شود (آیت الله تبریزی).(۲)

## ۶.۵. اعمال مقلد بعد از فوت

### ۶.۵.۱. صحیح بودن اعمال گذشته با فوت مجتهد

اگر مجتهـدی که از او تقلیـد می کنیم، فوت کنـد و مرجع زنـده ای انتخـاب کنیم که اعلم است، لازم نیست اعمال گذشـته را اعاده کنیم؛ هرچند خلاف فتوای مرجع زنده باشد. مثلاً اگر شخصـی از مرجعی تقلید کند که تسبیحات اربعه را یک بار کافی می دانـد و مقلـد به آن اکتفا کنـد یا دربارهٔ تیمم به یک ضـربه اکتفا کنـد، بعـد مرجع او فوت کرده و مقلـد به مرجع زنده ای رجوع کند که تعدد را واجب می داند، در هر دو صورت، اعادهٔ اعمال سابق بر مقلد واجب نیست (حضـرت امام و آیات عظام سیستانی،

---

۱- محمدتقی بهجت، وسیلهالنجاه، م۱۵.

۲- جواد تبریزی، منهاجالصالحین، ج۱، م۲۵.

فاضل، مکارم، بهجت، اراکی گلپایگانی، نوری و تبریزی).(۱)

اگر مجتهدی که از او تقلید می کنیم، فوت کند و مرجع زنده ای انتخاب کنیم که اعلم است، دو صورت متصور است: ۱. نقص در آن عمل نقصی است که درصورت سهو یا جهل، ضرری به صحت آن وارد نمی شود. دراین صورت اعاده لازم نیست. مثال: اگر از کسی تقلید کند که قائل به عدم وجوب سوره در نماز است، سپس از کسی تقلید کند که قائل به وجوب آن است، در اینجا نیازی به اعاده نیست، حتی داخل وقت. ۲. نقص در آن عمل نقصی است که به صحت آن ضرر می زند مطلقاً. دراین صورت تفصیل دارد؛ مانند طهور: الف. اگر اجتهاد دومی از باب اخذ به متیقن و قاعدهٔ احتیاط باشد، اعاده در وقت لازم است و در خارج وقت، لازم نیست؛ ب. اگر ازجهت تمسک به دلیل باشد، اعاده لازم است مطلقاً (آیت الله خویی).(۲)

پرسش: درصورتی که از مجتهدی تقلید کنیم و او فوت کند، اگر عقد یا ایقاعی در زمان مرجع

---

۱- سیدعلیسیستانی، منهاج الصالحین،ج۱، تقلید، م۱۷؛ حسین وحید خراسانی و سیدابوالقاسمخویی: «مگر در اعمالی که ازروی جهل هم، خلل در آن باعثبطلان عمل می شود» (منهاجالصالحین، ج۲، تقلید، م۱۷)؛ نظر آیت الله سیدابوالقاسم خویی در عروه با تفصیل بیانشده است. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۵۳؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، م۱۴؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۵۳؛ حسین نوریهمدانی؛ محمدعلی اراکی؛ سیدمحمدرضا موسویگلپایگانی؛ سیدروح الله خمینی؛ ناصر مکارمشیرازی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ سیدعلیسیستانی؛ محمدتقی بهجت، وسیلهالنجاه، م۱۶؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج۱، م۱۷ و استفتائات، ج۱، س۱و۲.

۲- سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ج۲، تقلید، م۱۷؛ سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۵۳.

فوت شده انجام شده باشد که او آن را صحیح می دانسته است، اما مرجع زنده آن را صحیح نمی داند، تکلیف مقلد چیست؟ آیا اعمال گذشته صحیح است؟ مثلاً در ازدواجی که مرجع زنده آن را باطل می داند و در زمان مرجع متوفی صورت گرفته است و وظیفهٔ مقلد تقلید از مرجع زنده است، آیا اکنون همان آثار زوجیت باقی است؟ پاسخ: در فرض مرقوم، اعمال و معاملات گذشته اشکال ندارد (مقام معظم رهبری).(۱)

اگر عقد یا ایقاعی در زمان مرجع فوت شده انجام شود که او آن را صحیح می دانسته است، اما مرجع زنده آن را صحیح نمی داند، برای مکلف جایز است به اعمال سابقه بنا را بر صحت بگذارد؛ اما درخصوص آینده باید از مجتهد زنده تقلید کرده و به فتوای وی عمل کند (حضرت امام و آیات عظام مکارم، فاضل، بهجت، سیستانی، اراکی، نوری و تبریزی).(۲)

اگر عقد یا ایقاعی در زمان مرجع فوت شده انجام شود که او آن را صحیح می دانسته است، اما مرجعی که اکنون از آن تقلید می کند، قائل به بطلان آن است، جایز است بنا را بر صحت اعمال سابق بگذارد؛ هرچند احتیاط آن است که آثار فعلیه بر بطلان آن ها را مترتب کند و بر او

---

۱- سیدعلی خامنه ای،استفتای خصوصی، کد رهگیری: ۹۸۶۲۰۱۶۴.

۲- سیدمحمدکاظم طباطباییزدی، عروه الوثقی،ج۱، تقلید، م۵۳؛ محمدعلی اراکی؛ حسیننوری همدانی؛ سیدروح الله خمینی؛ ناصر مکارمشیرازی؛ سیدعلی سیستانی؛ سیدابوالقاسمخویی: «فالظاهر عدم جواز البنا علی صحته فی مفروضالمسئله مما یترتب علیه الاثر»؛ سیدروح اللهخمینی، تحریرالوسیله، ج۱، تقلید، م۱۶؛ فاضل، الاحکام الواضحه، تقلید، م۳۵؛محمدتقی بهجت، وسیله النجاه،م۱۶؛ جواد تبریزی، منهاجالصالحین، ج۱، م۱۷.

واجب است در اعمال آتی مطابق فتوای مجتهد دوم عمل کند (آیات عظام گلپایگانی و صافی).(۱)

اگر عقد یا ایقاعی در زمان مرجع فوت شده انجام شود که او آن را صحیح می دانسته است، اما مرجع زنده آن را صحیح نمی داند، اعمال گذشته صحیح است و اکنون اگر بر عقد و ایقاع سابق اثری بار می شود، ظاهر این است که جایز نیست بنا را بر صحت بگذاریم. در آینده اگر عقد یا ایقاعی صورت گرفت، باید طبق نظر مرجع زنده باشد (آیت الله خویی).(۲)

اگر مرجع فوت شده غساله را پاک می دانسته است و بعد مرجع زنده به نجاست آن حکم کند، نمازها و اعمالی که در گذشته انجام داده ایم، صحیح است؛ اما اگر همان غساله بعد از فوت مرجع باقی باشد، دیگر محکوم به طهارت نیست و نمی توانیم با آن نماز بخوانیم. همچنین است در حلیت و حرمت (حضرت امام و آیات عظام مکارم، خویی، بهجت، اراکی، نوری و تبریزی).(۳)

اگر مرجع فوت شده غساله را پاک می دانسته

---

۱- سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی و لطف اللهصافی گلپایگانی، هدایهالعباد، ج۱، م۱۸؛ سیدمحمدکاظم طباطباییزدی، عروه الوثقی،ج۱، تقلید، م۵۳؛ گلپایگانی، عروه: «اگرعقد یا ایقاعی در زمان مرجع فوت شده انجام شود که وی آنرا صحیح می دانسته است، اما مرجع زنده آن را صحیح نمی داند،بنا بر احتیاط واجب، عقد باطل است و باید آثار فعلیه در بطلانرا رعایت کند؛ مانند اینکه اگر وطی به شبهه باشد، بایدعده نگه دارد.»
۲- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۵۳؛ سیدابوالقاسم خویی.
۳- سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۵۳؛ سیدروح اللهخمینی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ سیدابوالقاسمخویی؛ محمدعلی اراکی؛ حسین نوریهمدانی؛ محمدتقی بهجت، وسیلهالنجاه، م۱۶؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج۱، م۱۷ و استفتائات، ج۱، س۱و۲.

است و بعد مرجع زنده به نجاست آن حکم کند، نمازها و اعمالی که در گذشته انجام داده ایم، صحیح است. اگر همان غساله بعد از فوت مرجع باقی باشد، محکوم به طهارت نیست (آیات عظام فاضل و سیستانی).(۱)

اگر مرجع فوت شده غساله را پاک می داند و بعد مرجع زنده به نجاست آن حکم کند، بنا بر احتیاط واجب غساله در زمان عمل هم محکوم به نجاست است. همین گونه است در حلیت و حرمت (آیت الله گلپایگانی).(۲)

چنانچه مرجع فوت شده به حلیت یا حرمت چیزی قائل بود، ولی نظر مرجع زنده به عکس آن بود، اگر اعمالی در زمان مرجع اول انجام داده است که آثارش همچنان باقی است، می تواند طبق نظر مرجع اول عمل کند؛ اما درخصوص اعمال آینده باید طبق فتوای مجتهد زنده عمل کند (آیات عظام فاضل و سیستانی).(۳)

اگر از کسی تقلید کند که برای مثال، ذبح حیوان را با آهن جایز می داند و حیوان را به همان گونه ذبح کند، سپس مجتهد فوت کرده و مقلد از شخص دیگری تقلید کند که ذبح به آهن را جایز نمی داند، اگر آن حیوان را در همان زمان مجتهد اول معامله کرده یا خورده باشد، معاملهٔ او صحیح و خوردن آن حلال است؛

---

۱- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۵۳، محمد فاضل لنکرانی؛ سیدعلیسیستانی.
۲- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۵۳؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی.
۳- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۵۳، محمد فاضل لنکرانی؛ سیدعلیسیستانی.

اما اگر حیوان ذبح شده موجود باشد، بیع و خوردن آن در زمان مجتهد دوم جایز نیست (آیت الله تبریزی).(۱)

### ۲.۵.۶. درصورت عدول به مرجع بعد و تعارض فتوا

اگر انسان از مجتهدی تقلید کند که نماز را در مکانی قصر می داند و بعداً به مجتهد دیگری رجوع کند که می گوید نماز را باید تمام بخواند، اعمال گذشتهٔ این شخص صحیح است و درخصوص آینده باید نماز را تمام بخواند. در اینجا مخالفت قطعیه پیش نمی آید. در هر زمان، فتوای مجتهد فعلی به منزلهٔ حکم واقعی برای مقلد است (آیت الله فاضل).(۲)

### ۳.۵.۶. اعمالی که به فتوای مرجع بعد درست باشد

شخصی به قصد قربت، عبادتی را انجام داده است؛ ولی طبق فتوای مجتهدی که از او تقلید می کرده، باطل بوده است. بعد از فوت این مجتهد، به مجتهد اعلم بعد از او رجوع کرده است. حال اگر عمل مذکور بر طبق فتوای مجتهد دوم صحیح باشد و عبادات خود را با قصد قربت انجام داده باشد، اعاده لازم نیست (آیت الله فاضل).(۳)

---

۱- جواد تبریزی، منهاجالصالحین، ج۱، م۱۷.

۲- محمد فاضل لنکرانی، جامعالمسائل، ج۳، تقلید، س۱۸.

۳- محمد فاضل لنکرانی، جامعالمسائل، ج۱، تقلید، س۳۳ و ج۲، س۱۷و۱۸و۱۹.

اگر اعمال کسی منطبق بر نظر مجتهد میت نباشد، ولی با نظر مجتهد زنده منطبق باشد، چنانچه اعلم بودن مجتهد زنده را احراز کرده باشد، اعمال او قضا و اعاده ندارد و وجوب و عدم وجوب قضا، وظیفهٔ الان است نه گذشته. بنابراین باید طبق نظر مجتهد زنده عمل کنید (آیت الله بهجت).(۱)

پرسش: شخصی از مرجعی تقلید می کرده است که تسبیحات را سه مرتبه احتیاط واجب می دانسته است و همان وقت نماز قضا بر ذمهٔ این شخص بوده است. پس از فوت مجتهدش، از مرجع زنده تقلید می کند. آیا نماز قضای آن وقت را می تواند به یک تسبیحات بخواند؟ پاسخ: بلی، می تواند قضا را به یک تسبیح به جا بیاورد (آیت الله خویی).(۲)

اگر برای انسان طبق فتوای مرجع تقلید قبلی، احکامی ازقبیل خمس و مانند آن، واجب یا بعضی از اعمالش باطل یا مشکوک به نظر برسد، ولی طبق فتوای مرجع فعلی، اعمالش صحیح باشد یا خمس و مانند آن واجب نباشد، این شخص بنا بر احتیاط واجب نمی تواند طبق فتوای مرجع بعدی خود عمل کند (آیت الله مکارم).(۳)

پرسش: شخصی به قصد قربت، نماز یا حج به جا آورده است؛ ولی طبق فتوای مجتهدی

---

۱- محمدتقی بهجت، استفتائات،ج۱، تقلید، س۹۹و۱۳۳و۱۴۴.

۲- سیدابوالقاسم خویی، استفتائات، تقلید، س۱۹.

۳- ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج۱، س۲۰ و ج۲، س۳.

که از او تقلید می کرده، باطل بوده است. بعداً این مجتهد فوت شده و فرد به اعلم بعد از او رجوع کرده است. حال، درصورتی که حین عمل، مطابق فتوای مجتهد اول باطل بوده است، اگر طبق فتوای مجتهد دوم، عمل صحیح باشد، آیا می تواند عمل خود را به وسیلهٔ فتوای مجتهد دوم تصحیح کند یا باید اعاده کند؟ پاسخ: با فرض اینکه درحال عمل، قصد قربت از او ناشی شده است، فعلاً می تواند مطابق فتوای مجتهد دوم به عمل مذکور اکتفا کند (آیت الله گلپایگانی).(۱)

### ۴.۵.۶. عمل به احتیاط پس از فوت مرجع

شخصی پس از فوت مرجع تقلیدش مدتی بدون اینکه از شخص معینی تقلید کند، به احتیاط عمل کرده است. این شخص دیگر نمی تواند به مجتهد میت برگردد و بنا بر احتیاط واجب باید از مجتهد حی تقلید کند (آیت الله فاضل).(۲)

## ۶.۶. تقلید میت بعد از تقلید از زنده

اگر در مسئله ای به فتوای مجتهدی عمل کند و بعد از مردن او در همان مسئله به فتوای مجتهد زنده رفتار کند، دوباره نمی تواند آن را مطابق فتوای مجتهدی که از دنیا رفته است، انجام دهد (ولی اگر مجتهد زنده در مسئله ای

---

۱- سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، مجمعالمسائل، ج۱، س۳۳.

۲- محمد فاضل لنکرانی، جامعالمسائل، ج۳، تقلید، س۱۳.

فتوا ندهـد و احتیاط کنـد و مقلد مدتی به آن احتیاط عمل کند، دوباره می تواند به فتوای مجتهدی که از دنیا رفته است، عمل کند) (مراجع؛ آیات عظام خویی و تبریزی متن داخل پرانتز را ندارند).(۱)

مثلاًـ اگر مجتهـدی گفتن یـک مرتبه «سـبحان الله و الحمـد لله و لاـ اله الا الله و الله اکبر» را در رکعت سوم و چهارم نماز کافی بداند و مقلد مدتی به این دستور عمل کند و یک مرتبه بگوید، چنانچه آن مجتهد از دنیا برود و مجتهد زنده احتیاط واجب را در سه مرتبه گفتن بدانـد و مقلـد مـدتی به این احتیاط عمل کنـد و سه مرتبه بگویـد، می تواند دوباره به فتوای مجتهدی که از دنیا رفته است، برگردد و یک مرتبه بگوید.

بعد از اینکه از مجتهد میت به زنده رجوع کرد، دیگر نمی تواند به مجتهد میت برگردد؛ مگر اینکه کشف شود طبق فتوایی که حین رجوع حجیت داشته است، اصل رجوع او جایز نبوده است (آیت الله بهجت).(۲)

---

۱- توضیح المسائل مراجع، م۱۰؛ سیدروح اللهخمینی، استفتائات، ج۱،تقلید، س۳۵؛ سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س۳۸و۳۹و تحریر المسائل، م۳۵؛سیدعلی سیستانی، منهاجالصالحین، ج۱، تقلید، م۱۴؛ حسینوحید خراسانی، منهاجالصالحین؛ سیدابوالقاسم خویی، ج۲، تقلید،م۱۴؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۱۰؛ محمد فاضل لنکرانی، جامعالمسائل، ج۲، س۱۵؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، م۱۰؛ نظرآیت الله سیدابوالقاسم خویی در استفتائات متفاوت است، س۱۸: «پرسش: بنده از مقلدان مرحومآیت الله سیدمحسن حکیم بودم سابقاً. سپس به شما رجوع کردم مطلقاً.آیا الاـن برای من جایز است به ایشان در طهارتکتابی (کافر اهل کتاب) رجوع کنم؟ پاسخ: بله، می توانید، اگراین حکم را در زمان حیات ایشان از ایشان می دانستیدتا الان»؛ حسین نوری همدانی، هزارویک مسئلهٔ فقهی، ج۱، س۱۶؛ جوادتبریزی، منهاج الصالحین،ج۱، م۱۴؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، هدایه العباد، ج۱، م۱۴.

۲- محمدتقی بهجت، استفتائات،ج۱، س۱۳۵و ۱۴۰و۱۴۷و۱۴۸،وسیله النجاه، ج۱، م۱۳.

## ۷.۶. وجوهات بعد از فوت

### ۱.۷.۶. آیا پرداخت وجوهات به مجتهدی که فوت کرده است، جایز است

اجازۀ اخـذ وجوه و سایر امور مربوط به مجتهـد، بعـد از فوت از اثر و اعتبار ساقط می شود و بایـد از مجتهـد زنده اجازه بگیرد (آیات عظام فاضل و بهجت).(۱)

---

۱- محمــد فاضـل لنکرانی، جامعالمسائـل، ج۱، تقلیـد، س۲۹ و ج۳، تقلیـد، س۳۱؛محمـدتقی بهجت، اسـتفتائات، ج۱،تقلید، س۱۳۷.

## فصل هفتم: عدول از مجتهد زنده به مجتهد زندهٔ دیگر در مسائل اختلافی

### اشاره

۱. به اعلم: بنا بر احتیاط واجب است (حضرت امام و رهبر معظم انقلاب و آیات عظام گلپایگانی و صافی).(۱)

به اعلم: واجب است (آیات عظام سیستانی، خویی، وحید، فاضل، بهجت، تبریزی، اراکی، نوری و زنجانی).(۲)

۲. به غیراعلم: بنا بر احتیاط جایز نیست (حضرت امام و رهبر معظم انقلاب و آیات عظام گلپایگانی و نوری).(۳)

به غیراعلم: جایز نیست (آیات عظام سیستانی، مکارم، فاضل، خویی، بهجت، اراکی، زنجانی و تبریزی)(۴)

---

۱- سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س۴۴و۴۵؛ سیدروح اللهخمینی، تحریرالوسیله، تقلید، م۱۳؛ آموزش فقه، ص۲۶؛وسیله النجاه، تقلید،م۴و۱۳؛ سیدمحمدکاظم طباطباییزدی، عروه الوثقی،ج۱، تقلید، م۱۱و۱۲و۳۴؛ لطف اللهصافی گلپایگانی، جامعالاحکام، ج۱، س۹؛ سیدمحمدرضا موسویگلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، ج۱، م۴.

۲- سیدعلی سیستانی، ج۱، تقلید،م۱۰؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین؛ سیدابوالقاسم خویی، ج۲،تقلید، م۱۰؛ سیدمحمدکاظم طباطباییزدی، عروه الوثقی،ج۱، تقلید، م۱۱؛ محمدعلی اراکی؛ حسیننوری همدانی؛ هزارویک مسئلهٔ فقهی، ج۲،س۴و۱۲؛ محمد فاضل لنکرانی، استفتائات، ج۱، تقلید، س۱۴ و الاحکام الواضحه، تقلید، م۱۵؛محمدتقی بهجت، وسیله النجاه،ج۱، م۴ و استفتائات، ج۱،تقلید، س۱۵۷؛ حسین وحید خراسانی، سایت، استفتائات، تقلید، س۱۷؛ ناصر مکارمشیرازی، سایت، تغییرمرجع، س۱و۳و۶؛ سیدموسی شبیریزنجانی، رسالهٔ مراجع،م۹؛ جواد تبریزی، منهاجالصالحین، ج۱، تقلید، م۱۰ و استفتائات، ج۱، س۵۳.

۳- سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س۳۱و۴۵؛ سیدروح اللهخمینی، تحریرالوسیله، تقلید، م۱۳؛ آموزش فقه، ص۲۶؛سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۱۱و۲۲و۳۴؛ سیدمحمدرضا موسویگلپایگانی؛ حسین نوری همدانی؛ هزارویک مسئلهٔ فقهی، ج۲، س۴.

۴- سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۱۱؛ محمدعلیاراکی؛ سیدعلی سیستانی؛ ناصر مکارمشیرازی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ سیدابوالقاسمخویی؛ محمدتقی بهجت، وسیلهالنجاه، ج۱، تقلید، م۴ و استفتائات، ج۱، تقلید، س۱۵۹؛ حسینوحید خراسانی، سایت،استفتائات، تقلید،س۱۷؛ سیدموسی شبیری زنجانی، رسالهٔ مراجع، تقلید،م۹؛ جواد تبریزی، استفتائات،ج۱، س۲۷ و ج۲، س۳۴.

۱. جایز است (آیات عظام فاضل، بهجت، نوری، تبریزی و صافی و گلپایگانی: تفصیلی دارند که در پاورقی ذکر شده است).(۱)

۲. بنا بر احتیاط واجب جایز نیست (حضرت امام و رهبر معظم انقلاب).(۲)

۳. به مساوی، جایز نیست (آیات عظام شاهرودی، وحید، خویی، اراکی و زنجانی).(۳)

۴. تغییر مرجع تقلید در مسائلی که به فتوای او عمل کرده است، جایز نیست؛ مگر اینکه ثابت شود مرجع جدید از مرجع فعلی او اعلم است؛ اما می تواند در مسائلی که هنوز به فتوای مرجع تقلیدش عمل نکرده است، از مرجع دیگری که

---

۱- محمد فاضل لنکرانی، توضیح المسائل،م۱۳ و الاحکام الواضحه،تقلید، م۱۵؛ محمدتقی بهجت، استفتائات، ج۱، س۱۵۹ و وسیله النجاه، ج۱، تقلید، م۴: «درصورتی کهمحذور دیگری پیش نیاید»؛ حسین نوریهمدانی، هزارویک مسئلهٔ فقهی، ج۲،س۴و۱۲و۱۴؛ جواد تبریزی، استفتائات، ج۱، س۱۱؛ لطف اللهصافی گلپایگانی، جامعالاحکام، ج۱، س۱۸؛ سیدمحمدرضا موسویگلپایگانی، مجمع المسائل، ج۱، س۳و۴؛آیات عظام نوری، تبریزی، صافی وگلپایگانی: «در مسائلی که به فتوای مجتهد اول عمل نکردهاست، (صافی، گلپایگانی: بنا بر احتیاط واجب) رجوعجایز است و اگر عمل کرده است، رجوع جایز نیست»؛ سیدمحمدرضاموسوی گلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، ج۱، م۴.

۲- سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س۳۱و۴۵؛ سیدروح اللهخمینی، تحریرالوسیله، تقلید، م۴و۱۳؛ آموزش فقه، ص۲۶؛وسیله النجاه، تقلید، م۴و۱۳؛آقای فلاح زاده هم در آموزش فقه، درس۳، ص۲۴، چاپ۹۱،این گونه توضیح داده است: «در برخی از چاپ های کتاب تحریر الوسیله، تعبیر 'یجوزالعدول...' آمده است؛ ولی بارها از اعضای محترم شورای استفتای امام خمینیسؤال شد و فرمودند به فتوای ایشان عدول در فتوا به مجتهد مساویجایز نیست.» در کتاب تفصیل الشریعه شرح تحریر الوسیله آیت اللهفاضل لنکرانی هم عبارت «لا یجوز» وجود دارد.

۳- سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س۳۱؛ سیدمحمود شاهرودی، منهاج الصالحین، تقلید، م۱۴؛حسین وحید خراسانی، منهاجالصالحین؛ سیدابوالقاسم خویی، ج۲، تقلید،م۱۴؛ آیات عظام خویی و وحید: «گفتنیاست درصورت علم به اختلاف فتوا هرچند اجمالاً بین او و مجتهد مساوی دررتبهٔ علمی، باید بین فتاوای آنان احتیاطکرد»؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۱۱؛ محمدعلی اراکی؛ سیدموسیشبیری زنجانی، م۹.

هم ردیف اوست، تقلید کند (آیت الله مکارم).(۱)

۵. جایز است؛ مگر در مصادیق علم اجمالی یا قیام حجت اجمالی بر تکلیف؛ مانند اختلاف در قصر و اتمام. در این اختلاف باید بنا بر احتیاط لازم، احتیاط کند (آیت الله سیستانی).(۲)

### ۱.۷. عدول بدون مجوز

اگر کسی بدون مجوز از مجتهد اعلم به مجتهد غیراعلم عدول کرد، تقلیدش در آن زمان صحیح نیست و اعمالی را که به خلاف نظر مجتهد اعلم صورت گرفته است و به نظر ایشان باطل است، باید قضا کند (آیت الله فاضل).(۳)

### ۲.۷. قصد عدول به زنده و بازگشت به میت

پرسش: شخصی پس از فوت مرجع تقلیدش از مجتهدی تقلید کرده است؛ ولی قبل از عمل به فتوای آن مجتهد، مجدداً از مرجع قبلی که فوت شده تقلید کرده است. آیا عدول با توصیف یادشده جایز است؟ پاسخ: چنانچه مجتهد زنده اعلم باشد، عدولش صحیح و بازگشت از آن جایز نیست. اگر میت اعلم بوده است، تقلیدش از مجتهد زنده در مصادیق علم اجمالی یا تفصیلی به اختلاف جایز نبوده است (آیت الله مکارم).(۴)

---

۱- ناصر مکارم شیرازی، سایت، تقلید، تغییر مرجع، س۱و۵و۷و۸.

۲- منهاج الصالحین،ج۱، تقلید، م۸و۱۴ و توضیح المسائل، م۸.

۳- محمد فاضل لنکرانی، جامعالمسائل، ج۳، تقلید، س۱۱.

۴- ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج۱، س۱۹.

## ۳.۷. رجوع بعد از عمل

بعـد از عمل، درصورتی که طبق فتوای مرجع اول عمل باطل بوده و طبق نظر بعـدی عمل ایشان صـحیح است و درصورتی که عمل را با قصد قربت انجام داده باشد و شروط صحت را داشته باشد، می تواند در زمانی که مرجع اول مساوی باشد یا احتیاط واجب داشته باشد، رجوع کند (آیت الله فاضل).(۱)

پرسـش: شخصـی بعـد از فوت مرجع خود متوجه شـده اعمـالی که انجـام داده، بر طبق فتوای او نبوده است و همچنین اعمالش مطـابق فتوای مرجع حی هم نیست. او برای آگاهی از فتوای مجتهـد حی تلاش نکرد تا اینکه به مجتهـد حی دیگر مراجعه کرد که اعمالش مطابق با فتوای اوست. دراین صورت اعمال او چه صورتی دارد؟ پاسـخ: چنانچه تقلیـد از مرجع سوم بر طبق مجوز شرعی باشد، باید در وجوب اعاده یا اکتفا به اعمال گذشته، طبق نظر وی عمل کند (آیت الله تبریزی).(۲)

پرسـش: شخصـی از مجتهـدی که تخمیس مؤونه را بعـد از خروج از حاجت مطلقاً یا درصورت فروش، واجب می داند، تقلید کرده است. او بعـد از فوت آن مجتهد به مجتهدی عدول نکرده است که این تخمیس را واجب نمی دانسـته است. حال پس از فوت مجتهد دوم به فرض اینکه مجتهد اول از دوم اعلم باشد یا با شک

---

۱- محمد فاضل لنکرانی، جامعالمسائل، ج۳، تقلید، س۳۳و۳۴.

۲- جواد تبریزی، استفتائات،ج۱، س۲۷.

در اعلمیت او و از دوم، بنا بر اینکه بقای بر تقلیـد میت با اعلمیت میت از حی را احتیاطاً لازم می دانیـد، تکلیفش دربارهٔ تخمیس این مـال چیست؟ پاسـخ: اگر به اعلمیت مجتهـد اول از دوم و از مجتهـد حی علم دارد، احتیاط تخمیس مال مـذکور است و با شک در اعلمیت اول از دوم و سوم و اعلمیت دوم از سوم تخمیس واجب نیست (آیت الله صافی).(۱)

### ۴.۷. اگر ازروی اشتباه به مرجع بعد رجوع کند

اگر در فتوای مجتهـد به خیـال اینکه احتیـاط واجب است، به مرجع بعـد رجوع کنـد، چنانچه مجتهـد اول اعلم باشـد، رجوع او صحیح نیست و باید عمل را اگر طبق نظر مجتهد اول درست نیست، اعاده کند (آیات عظام فاضل و بهجت).(۲)

### ۵.۷. وظیفهٔ پسر در انجام تکالیف والدین

پرسـش: پدر شخصـی فوت کرده است. فرزندش می خواهد امور پدر را انجام بدهد؛ ولی اطلاع ندارد که پدرش از چه کسی تقلید می کرده است. دراین صورت تکلیف او چیست؟ پاسخ: اگر پسـر مطابق فتوای مرجع تقلید خود، امور پدر را انجام دهد، کافی است (آیت الله گلپایگانی).(۳)

---

۱- لطف الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۳۶.

۲- محمد فاضل لنکرانی، جامعالمسائل، ج ۳، تقلید، س ۳۵؛ محمدتقی بهجت، استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۹۱.

۳- سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، مجمعالمسائل، ج ۱، س ۲۷.

## فصل هشتم: ولایت فقیه

### اشاره

## ۱.۸. معنای ولایت فقیه

ولایت فقیه یعنی حکومت فقیه عادل و دین شناس (رهبر معظم انقلاب).(۱)

ولایت فقیه در رهبری جامعهٔ اسلامی و ادارهٔ امور اجتماعی ملت اسلامی، در هر عصر و زمان از ارکان مذهب حقهٔ اثناعشری است. ولایت فقیه ریشه در اصل امامت دارد. اعتقادنداشتن به ولایت فقیه، اعم از اینکه بر اثر اجتهاد باشد یا تقلید، در عصر غیبت حضرت حجت موجب ارتداد و خروج از دین اسلام نمی شود و اگر کسی به نظر خود براساس استدلال و برهان به عدم لزوم اعتقاد به آن رسیده باشد، معذور است؛ ولی ترویج اختلاف و تفرقه بین مسلمانان برای او جایز نیست (رهبر معظم انقلاب).(۲)

ولایت فقیه مسئله ای تقلیدی و از فروع است (آیت الله بهجت).(۳)

به نظر حقیر، ولایت فقیه جامع الشرایط در زمان غیبت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فی الجمله ثابت و مسلم است و تفصیل آن در رسالهٔ «ولایه الفقهاء فی عصر الغیبه» بیان شده است (آیت الله صافی).(۴)

## ۲.۸. ضرورت ولایت فقیه

دین حنیف اسلام که آخرین دین آسمانی است و تا روز قیامت استمرار دارد، دین حکومت

---

۱- اجوبه الاستفتائات، س۵۶و ۵۹و ۶۱.

۲- اجوبه الاستفتائات، س۵۶و ۵۹و ۶۱.

۳- محمدتقی بهجت، استفتائات،ج۱، تقلید، س۷۲.

۴- لطف الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج۱، س۴۷.

و ادارهٔ امور جامعه است؛ ازاین رو همهٔ طبقات جامعهٔ اسلامی ناگزیر از داشتن ولی امر و حاکم و رهبر هستند تا امت اسلامی را از شر دشمنان اسلام و مسلمانان حفظ کند و از نظام جامعهٔ اسلامی پاسداری کرده و عدالت را در آن برقرار و از ظلم و تعدی قوی بر ضعیف جلوگیری کند و وسایل پیشرفت و شکوفایی فرهنگی و سیاسی و اجتماعی را تأمین کند (رهبر معظم انقلاب).(۱)

## ۸.۳. قلمرو ولایت فقیه

### ۸.۳.۱. امر ولی فقیه

همهٔ مسلمانان باید از اوامر ولایی و دستورهای حکومتی ولی فقیه اطاعت کنند و تسلیم امرونهی او باشند. این حکم شامل فقهای عظام هم می شود، چه رسد به مقلدان آنان (رهبر معظم انقلاب و آیت الله فاضل).(۲)

برای هیچ کس جایز نیست با متصدی امور ولایت به این بهانه که خودش شایسته تر است، مخالفت کند. این درصورتی است که متصدی منصب ولایت از راه های قانونیِ شناخته شده به مقام ولایت رسیده باشد (رهبر معظم انقلاب).(۳)

### ۸.۳.۲. احکام ولایی ولی فقیه

احکام ولایی و انتصابات صادرشده ازطرف

---

۱- اجوبه الاستفتائات، س۶۳.

۲- اجوبه الاستفتائات، س۶۲و۶۵؛فاضل، جامع المسائل (فارسی)، ج ۱،س۹۱۰تا۹۱۳.

۳- اجوبه الاستفتائات، س۶۲و۶۵.

ولی امر مسلمین اگر هنگام صدور، موقت نباشد، همچنان استمرار دارد و نافذ خواهد بود؛ مگر اینکه ولی امر جدید مصلحتی در نقض آن ها ببیند و آن ها را نقض کند (رهبر معظم انقلاب).(۱)

### ۳.۳.۸. مقدم بودن اختیارات ولی فقیه بر اختیارات آحاد امت

تصمیمات و اختیارات ولی فقیه درجایی که به مصالح عمومی اسلام و مسلمانان مربوط است، درصورت تعارض با اراده و اختیار آحاد مردم، بر اختیارات و تصمیمات آحاد امت مقدم و حاکم است (رهبر معظم انقلاب).(۲)

### ۴.۳.۸. اختلاف نظر ولی فقیه با نظر مرجع تقلید

در اموری که نظر ولی فقیه با نظر مرجع تقلید متفاوت است، اگر این اختلاف در مسائل مربوط به ادارهٔ کشور و در اموری باشد که به عموم مسلمانان ارتباط دارد، مانند دفاع از اسلام و مسلمانان برضد کفار و مستکبران متجاوز، باید نظر ولی امر مسلمین اطاعت شود. اگر در مسائل فردی محض است، هر مکلفی باید از فتوای مرجع تقلیدش پیروی کند (رهبر معظم انقلاب).(۳)

---

۱- اجوبه الاستفتائات، س۶۴.

۲- اجوبه الاستفتائات، س۶۳.

۳- اجوبه الاستفتائات، س۵۲و۵۳؛مکارم، استفتائات جدید؛ ج ۳، ص۱۹ و سایت، تقلید، حکم و فتوا، س۴.

در مسائل مربوط به حکومت، از نظر ولی فقیه و در مسائل دیگر از نظر مرجع تقلید پیروی می شود (آیت الله مکارم).(۱)

درصورت تعارض حکم یا فتوای ولی امر مسلمانان با رأی مجتهد اعلم، مقلد باید به فتوای مرجع تقلید خودش رجوع کند و مسائل خاص را سؤال کند (آیت الله بهجت).(۲)

## ۴.۸. حکم حاکم

### ۱.۴.۸. مقصود از حاکم شرع

مقصود از حاکم شرع، مجتهد عادل است و لازم نیست مرجع تقلید باشد (آیت الله فاضل).(۳)

### ۲.۴.۸. حکم حاکم جامع الشرایط

نقض کردن حکم حاکم جامع الشرایط جایز نیست، حتی برای مجتهد دیگر؛ مگر زمانی که خطای او ظاهر شود (حضرت امام و آیات عظام مکارم، فاضل، گلپایگانی، اراکی و نوری).(۴)

نقض کردن حکم حاکم جامع الشرایط جایز

---

۱- ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج ۳، ص۱۹و سایت، تقلید، حکم وفتوا، س۴.

۲- محمدتقی بهجت، استفتائات،ج۱، تقلید، س۱۰۵.

۳- محمد فاضل لنکرانی، جامعالمسائل، ج۳، س۳۷.

۴- سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱، تقلید، م۵۷؛ سیدمحمدرضاموسوی گلپایگانی؛ محمدعلی اراکی؛ حسیننوری همدانی؛ ناصر مکارم شیرازی: «مگر اینکهخطایش قطعاً آشکار شود یا طریق وصول به آن خطا باشد و منظور ازطریق وصول، موازین حکم یا اجتهاد است»؛ سیدروح اللهخمینی؛ سیدابوالقاسم خویی؛ محمد فاضللنکرانی، الاحکام الواضحه، تقلید،م۲۲؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج۱، س۲۲ و سایت، حکم و فتوا، س۲.

نیست، حتی برای مجتهد دیگر؛ مگر زمانی که مخالفت آن با قرآن و سنت، قطعی باشد (آیت الله سیستانی).(۱)

نقض کردن حکم حاکم جامع الشرایط جایز نیست، حتی برای مجتهد دیگر؛ مگر زمانی که علم به خلاف واقع بودن آن پیدا کند یا بداند آن حاکم در تحصیل مقدمات آن حکم کوتاهی کرده است (آیات عظام خویی و تبریزی).(۲)

نقض کردن حکم حاکم جامع الشرایط جایز نیست؛ حتی برای مجتهد دیگر. زمانی که علم به خلاف واقع بودن آن دارد، تجدید مرافعه و نقص آن توسط حاکم شرع دیگر خصوصاً در شبهات موضوعیه محل اشکال است. بلی، چنانچه حکم مذکور مخالف قرآن یا سنت فعلی یا اجماع مسلم باشد، نقض آن توسط حاکم شرع دیگر اشکال ندارد؛ البته اگر قائل نباشیم که چنین حکمی خودبه خود باطل محسوب می شود (آیت الله وحید).(۳)

حکم مجتهد جامع الشرایط نافذ است و عمل به آن بر همه لازم است؛ مگر اینکه کسی اشتباه و خطای او را در مبانی حکم بداند. به طور کلی نفوذ حکم او در مسائلی است که اگر مکلف خودش هم عالم به آن شود، مکلف به عمل به مضمون آن حکم است (آیت الله صافی).(۴)

---

۱- سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م۲۶؛ سیدمحمد کاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج ۱، تقلید، م۵۷.

۲- سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، تقلید، م۲۶؛ سیدمحمد کاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج ۱، تقلید، م۵۷؛ جواد تبریزی،منهاج الصالحین، ج ۱،م۲۶ و استفتائات، ج ۲،س۳۵.

۳- حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۲، تقلید، م۲۶.

۴- لطف الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج ۱، س۴۹.

### ۳.۴.۸. تشخیص حاکم در مرافعات

در مرافعات، اختیار تعیین حاکم به دست مدعی است؛ مگر اینکه آن حاکمی که مدعی علیه تعیین می کند، اعلم باشد؛(۱) بلکه با وجود اعلم و امکان ترافع به سوی او، احوط (آیت الله گلپایگانی: و ترک نشود این احتیاط زمانی که منشأ نزاع اختلاف فتوای دو حاکم باشد) رجوع است به او مطلقاً (حضرت امام و آیات عظام مکارم، خویی، فاضل، سیستانی و گلپایگانی).(۲)

در مرافعات، اختیار تعیین حاکم در دست مدعی است؛ مگر درصورتی که مختار مدعی علیه اعلم باشد؛ بلکه با وجود اعلم و امکان ترافع نزد او، درصورتی که منشأ اختلاف و نزاع فتوای دو حاکم باشد، باید مطلقاً به اعلم رجوع کرد (آیت الله نوری).(۳)

در مرافعات، اختیار تعیین حاکم در دست مدعی است؛ مگر درصورتی که مختار مدعی علیه، اعلم باشد؛ بلکه با وجود اعلم و

---

۱- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۵۶، سیدعلی سیستانی: بلکه دراین صورتهم به عهدهٔ مدعی است؛ سیدروح الله خمینی، محل اشکالاین نظر بررسی شود.

۲- سیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهالوثقی، ج۱،تقلید، م۵۶؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی؛ سیدروح اللهخمینی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ سیدعلیسیستانی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ آیات عظام سیدابوالقاسمخویی و گلپایگانی و صافی: «إذا وقعت معامله بینشخصین و کان أحدهما مقلّدا لمن یقول بصحّتها و الآخر مقلّدا لمن یقولببطلانها، وجب علی کل منهما مراعاه فتوی مجتهده، فلو وقع نزاع بینهماترافعا إلی أحد المجتهدین أو إلی مجتهد آخر، فیحکم بینهماعلی طبق فتواه، و ینفذ حکمه علی الطرفین. و کذا الحال فیالایقاع المتعلّق بشخصین کالطّلاق و العتق و نحوهما» (هدایهالعباد، ج۱،م۳۶).

۳- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۵۶.

امکان ترافع نزد او باید به او مراجعه کرد؛ مگر در صورتی که منشأ اختلاف، شبهۀ حکمیه باشد و هر دو استفتاکننده یا مدعی باشند و هریک از دو حاکم، به خلاف دیگری حکم کند؛ هرچند در شبهۀ موضوعیه باشد. دراین صورت، بنا بر احتیاط واجب بازهم باید به اعلم مراجعه کرد (آیت الله اراکی).(۱)

اگر نزاع بین بایع و مشتری واقع شود، مرافعه را نزد یکی از دو مجتهد خودشان یا مجتهد دیگر می برند و آن مجتهد طبق فتوای خودش بین آن دو حکم می کند و حکمش بر دو طرف نافذ است (آیت الله بهجت).(۲)

### ۴.۴.۸. تعارض قوانین و فتوای مرجع تقلید

#### ۱.۴.۴.۸. تعارض قوانین با فتوا

در تعارض قوانین تصویب شده در مجلس و شورای نگهبان با فتوای مرجع تقلید، وظیفۀ مقلد رجوع به فتوای مرجع تقلید خود است (آیت الله بهجت).(۳)

قاضی اگر مجتهد باشد، به رأی خود حکم می کند و اگر بر اثر ضرورت، غیرمجتهد برای منصب قضا نصب شود، به رأی مرجع تقلید خود عمل خواهد کرد. در تعارض قوانین حکومت اسلامی با رأی مرجع تقلید، چنانچه عمل به

---

۱- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۵۶.

۲- محمدتقی بهجت، وسیلهالنجاه، م۳۳.

۳- محمدتقی بهجت، استفتائات،ج۱، تقلید، س۱۰۳.

احتیاط ممکن باشد، اَولی عمل به احتیاط است و اگر ممکن نباشد یا موجب ضرر و زیان و عسر و حرج شود، قوانین حکومت اسلامی در مسائل عمومی و اجتماعی مقدم است و در مسائل خصوصی باید به رأی مرجع خود عمل کند (آیت الله مکارم).(۱)

#### ۲.۴.۴.۸. تعارض حکم و فتوا

فتوا در کلیات است و حکم در قضایای شخصیه؛ بنابراین بین این دو تعارض وجود ندارد (آیت الله بهجت).(۲)

### ۵.۴.۸. شروط حاکم شرع

#### اشاره

در عمل به دستورهای حاکم شرع، شروط تقلید نیز معتبر است و حاکم شرع همان مجتهد جامع الشرایط است (آیت الله بهجت).(۳)

اعلمیت فقط درخصوص تقلید شرط است و در امور دیگر که به نظر حاکم شرع منوط است، اعلمیت معتبر نیست (آیت الله فاضل).(۴)

#### ۱.۵.۴.۸. اعلمیت در امور حسبیه

فقط اعلمیت در تقلید معتبر است و همچنین است در امور دیگر؛ مانند ولایت بر ایتام و دیوانگان و اوقافی که متولی ندارد و وصایایی که

---

۱- ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج۱، س۱۲ و سایت، تعارض قوانین با فتوا، س۱و۲و۳.

۲- محمدتقی بهجت، استفتائات،ج۱، تقلید، س۱۰۴.

۳- محمدتقی بهجت، استفتائات،ج۱، س۱۰۱.

۴- محمد فاضل لنکرانی، جامعالمسائل، ج۲، س۶.

وصـی ندارد. بنابراین در آن ها اعلمیت مجتهد معتبر نیست. بلی، احوط در قاضی(۱) این است که اعلمِ اهل بلد باشد و غیربلد نیز از جاهـایی کـه بردن مرافعـه بـه نزد آن قاضـی حرجی نیست (حضـرت امـام و آیـات عظـام سیسـتانی، فاضـل، خـویی و مکارم).(۲)

اعلمیت در مسـائلی که امر آن به مجتهـد مربوط می شود، معتبر نیست؛ مگر در تقلیـد. اما در ولایت بر ایتام و مجانین و اوقافی که متولی ندارد و وصایایی که وصـی ندارد و مانند آن، اعلمیت معتبر نیست. بله، احوط در قاضـی این است که اعلم آن شـهر باشـد یا اعلم در غیر آن شـهر؛ درصورتی که بردن ترافع نزد او حرجی نداشـته باشـد. درجایی که منشأ نزاع، اختلاف فتوای دو حکم است، این احتیاط نباید ترک شود (آیت الله گلپایگانی).(۳)

اعلمیت در مسـائلی که امر آن به مجتهـد مربوط می شود، معتبر نیست؛ مگر در تقلیـد. اما در ولایت بر ایتام و مجانین و اوقافی که متولی ندارد و وصایایی که وصـی ندارد و مانند آن، اعلمیت معتبر نیست. بله، در مرافعات که اختیار تعیین حاکم در دست مدعی است، مگر درصورتی که مختار مدعی علیه اعلم باشد، بلکه

---

۱- سیدمحمدکاظم طباطبـایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۶۸؛ ناصـر مکارم شـیرازی: «و بنا بر احتیاط واجب،قاضـی باید اعلم باشد در زمانی که علم به اختلاف فتوا در زمانابتلا باشد.»

۲- ســـیدمحمدکاظمطباطبایی یزدی، عروهـــالوثقی، ج۱، تقلیـــد، م۶۸؛ ســـیدروح اللهخمینی؛ ســـیدعلی سیســـتانی؛ محمد فاضللنکرانی؛ سیدابوالقاسم خویی؛ ناصر مکارمشیرازی.

۳- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۶۸.

با وجود اعلم و امکان ترافع نزد او، باید به او مراجعه کرد؛ مگر درصورتی که منشأ اختلاف، شبهۀ حکمیه باشد و هر دو استفتاکننده یا مدعی باشند و هریک از دو حاکم، به خلاف دیگری حکم کند (هرچند در شبهۀ موضوعیه باشد) که دراین صورت بنا بر احتیاط واجب بازهم باید به اعلم مراجعه کرد (آیت الله اراکی).(۱)

اعلمیت در اموری که امر آن به مجتهد مربوط می شود، معتبر نیست؛ مگر در تقلید. اما در ولایت بر ایتام و دیوانگان و اوقافی که متولی ندارد و وصایایی که وصی ندارد و مانند آن، اعلمیت معتبر نیست؛ بلکه در مرافعات که اختیار تعیین حاکم در دست مدعی است، درصورتی که مختار مدعی علیه، اعلم باشد یا منشأ اختلاف و نزاع، فتوای دو حاکم باشد، باید به اعلم از آن دو مراجعه کرد (آیت الله نوری).(۲)

پرسش: آیا اعلمیت در امور حسبیه مانند ولایت بر ایتام و دیوانگان و اوقافی که متولی ندارد و وصایایی که وصی ندارد و مانند آن ها شرط است؟ پاسخ: ولایت این گونه امور موکول به حاکم شرع است (رهبر معظم انقلاب).(۳)

---

۱- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۶۸.

۲- سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج۱، تقلید،م۶۸.

۳- سیدعلی خامنه ای،استفتای خصوصی، کد رهگیری: ۱۰۴۵۸۰۲۴.

## ۵.۸. رعایت قوانین

### ۱.۵.۸. رعایت قوانین و مقررات

تخلف از مقررات دولت اسلامی جایز نیست (حضرت امام).(۱)

نباید از قوانین و مقررات دولت که به تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان رسیده است، تخلف کرد (آیت الله مکارم).(۲)

به طور کلی قوانین و مقرراتی که برای حفظ نظم و برای جلوگیری از اختلال نظام و ناامنی تصویب و اعلام شده است، لازم است رعایت شود و تخلف از آن ها جایز نیست. اگر کسی تخلف کرد و آن ها را نادیده گرفت، تعزیر او به هر نحو که حاکم شرع صلاح دانست، اعم از جزای نقدی یا شلاق، مشروع و بلامانع است (آیت الله فاضل).(۳)

رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی تا به مقداری که اگر تخلف کند، سبب بروز تصادف و اختلال نظم می شود یا در آن احتمال خطر یا ضرر برای خود یا دیگری است، واجب است (آیت الله بهجت).(۴)

رعایت مقرراتی که برای نظم جامعه وضع شده است، درهرحال واجب است. هرچند آن قوانین را دولت غیراسلامی وضع کرده باشد. دریافت حقوق در برابر عمل حلال، اشکال ندارد

---

۱- سیدروح الله خمینی، استفتائات، ج۲، س۱۴۸و ۱۵۰.

۲- ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج۱، س۱۸.

۳- محمد فاضل لنکرانی، جامعالمسائل، ج۲، س۱۴۶۳.

۴- محمدتقی بهجت، استفتائات، ج ۴، ص ۵۷۰،س۶۵۱۳.

(رهبر معظم انقلاب).(۱)

قوانین تنفیذشده ازطرف حاکم شرعی باید رعایت شود (آیت الله سیستانی).(۲)

---

۱- سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، ص۳۰۳، س۱۳۵۸.

۲- سیدعلی سیستانی، سایت، سؤال ها و جواب ها، قانون، س۱و۲و۳و۵.

ص: ۲۳۹

## فصل نهم: مسائل متفرقه

### اشاره

## ۱.۹. کتاب های فقهی مراجع

حضـرت امام: تحریر الوسـیله، حاشـیه بر عروه الوثقی، توضـیح المسائل، اسـتفتائات، حاشـیه بر وسیله النجاه، مناسک حج، نجاه العباد، زبده الاحکام.

رهبر معظم انقلاب: تحریر المسائل، اجوبه الاستفتائات، مناسک حج، رسالهٔ آموزشی جلد ۱ و ۲، راهنمای اختلاف فتاوا.

آیت الله سیستانی: مسائل منتخبه، منهاج الصالحین، حاشیه بر عروه الوثقی، تکملهٔ منهاج، توضیح المسائل.

آیت الله مکـارم: حاشـیه بر عروه الوثقی، توضـیح المسائـل، اسـتفتائات، احکـام بـانوان، احکـام پزشـکی، مناسک حـج، احکام عزاداری.

آیت الله فاضل: الاحکام الواضـحه، حاشـیه بر عروه الوثقی، توضـیح المسائل، جامع المسائل، احکام پزشـکان و بیماران، احکام جوانان، مناسک حج، تفصیل الشریعه شرح تحریر الوسیله.

آیت الله بهجت: وسیله النجاه، توضیح المسائل، استفتائات، جامع المسائل، مناسک حج.

آیت الله خویی: منهاج الصالحین، حاشیه بر عروه الوثقی، توضیح المسائل، استفتائات، صراط النجاه، مناسک حج.

آیت الله صافی گلپایگانی: توضـیح المسائل، احکام نوجوانان، جامع الاحکام، احکام پزشـکی، هدایه العباد، فقه الحج، مناسک حج.

ص: ۲۴۲

آیت الله وحید: منهاج الصالحین، توضیح المسائل، مناسک الحج.

آیت الله تبریزی: صراه النجاه، توضیح المسائل، استفتائات، المسائل المنتخبه، منهاج الصالحین، مناسک حج، رسالهٔ احکام جوانان و نوجوانان، احکام بانوان.

آیت الله نوری: توضیح المسائل، هزارویک مسئلهٔ فقهی جلد ۱ و ۲، حاشیه بر عروه.

آیت الله اراکی: توضیح المسائل، حاشیه بر عروه.

آیت الله زنجانی: توضیح المسائل، مناسک حج، کتاب النکاح.

آیت الله شاهرودی: توضیح المسائل، منهاج الصالحین.

آیت الله سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی: توضیح المسائل، مجمع المسائل، حاشیه بر عروه، وسیله النجاه، هدایه العباد.

## ۲.۹. استفتائات کتبی خصوصی

تصویر

ص: ۲۴۴

تصویر

ص: ۲۴۵

تصویر

تصویر

شمارهٔ استفتا: ۳۴۸۹۹۸

بسمه تعالی

با عرض سلام و خسته نباشید

درصورتی که شخصی از مرجعی تقلید کند و بعد از گذشتن مدتی، مرجع ایشان فوت کند، وظیفهٔ ایشان رجوع به زنده و درصورت بقا، اجازه از مجتهد زنده می خواهد. لطفاً مسئله را در تمام فروضش توضیح دهید:

۱. درصورتی که مجتهد زنده اعلم باشد، تکلیف چیست؟

۲. درصورتی که مجتهد فوت شده اعلم باشد، تکلیف چیست؟

۳. درصورتی که مساوی باشند، تکلیف چیست؟

بسمه تعالی

سلام علیکم و رحمه الله و برکاته

در بقا بر تقلید مجتهد میت، البته با اجازه از مجتهد زنده، یا عدول به مرجع زندهٔ جامع شرایط و بنا بر احتیاط اعلم مخیر می باشد.

موفق و مؤید باشید.

## کتابنامه

قرآن کریم.

اراکی، محمدعلی، توضیح المسائل، دفتر تبلیغات اسلامی حوزۀ علمیۀ قم، ۱۳۷۲.

بهجت، محمدتقی، استفتائات، چ۱، ۱۳۸۶، شفق.

بهجت، محمدتقی، توضیح المسائل، چ۸۲، شفق، ۱۳۸۶.

بهجت، محمدتقی، جامع المسائل، چ۲، ۱۳۸۴، دفتر معظم له.

بهجت، محمدتقی، وسیله النجاه، چ۲، ۱۳۸۱، شفق.

تبریزی، جوادبن علی، استفتائات، چ۳، سرور، ۱۳۸۵.

تبریزی، جوادبن علی، توضیح المسائل، چ۲، ۱۳۸۱، هجرت.

تبریزی، جوادبن علی، منهاج الصالحین، چ۱، مجمع الامام المهدی (عج)، ۱۴۲۶، براساس نرم افزار جامع فقه اهل بیت، مؤسسۀ نور.

توضیح المسائل (مراجع)، چ۱۲، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۴.

جمعی از پژوهشگران، مناسک حج مطابق با فتاوی مراجع عظام تقلید، چ۳، محراب قلم، ۱۳۹۱.

حاشیه بر عروه (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، خویی، گلپایگانی، فاضل لنکرانی، نوری همدانی، اراکی و مکارم).

حر عاملی، محمدحسن، وسائل الشیعه، چ۱، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۷.

حسینی سیستانی، سیدعلی، سایت: http://www.sistani.org.

خامنه ای، سیدعلی، اجوبه الاستفتائات، چ۶۳، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۹.

خامنه ای، سیدعلی، تحریر المسائل.

خامنه ای، سیدعلی، رسالهٔ آموزشی، چ۶، مؤسسهٔ فرهنگی هنری امین، ۱۳۹۰.

خامنه ای، سیدعلی، سایت: www.leader.ir.

خمینی، سیدروح الله، استفتائات، چ۵، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۰.

خمینی، سیدروح الله، الرسائل، چ۱، مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۰، براساس نرم افزار.

خمینی، سیدروح الله، آموزش فقه، چ۲۷، الهادی، ۱۳۸۵.

خمینی، سیدروح الله، تحریرالوسیله، چ۲۳، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۶.

خمینی، سیدروح الله، توضیح المسائل، چ۷، نیلوفرانه، ۱۳۸۴.

خویی، سیدابوالقاسم، استفتائات، چ۱، مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی، ۱۳۸۱.

خویی، سیدابوالقاسم، توضیح المسائل، چ۱، رستگار، ۱۳۸۰.

خویی، سیدابوالقاسم، منهاج الصالحین، چ۶، مدرسهٔ امام باقرالعلوم (ع)، ۱۳۸۶.

راهنمای فتاوا (رهبر معظم انقلاب و حضرت امام)، چ۱، ادارهٔ پاسخ گویی به سؤالات دینی، ۱۳۹۲.

سیستانی، سیدعلی، توضیح المسائل، چ۸، ولایت، ۱۳۸۹.

سیستانی، سیدعلی، رسالهٔ جامع، چاپ نشده است.

سیستانی، سیدعلی، منهاج الصالحین، چ۱۰، بیروت، ۱۴۲۷.

شاهرودی، سیدمحمود، توضیح المسائل.

شاهرودی، سیدمحمود، منهاج الصالحین، چ۲، دفتر معظم له، ۱۴۳۲.

شبیری زنجانی، سیدموسی، توضیح المسائل، چ۲۲، ۹۲، سلسبیل.

شیخ طوسی، عده فی اصول الفقه، چ۱، چاپخانهٔ ستاره، ۱۴۱۷، براساس نرم افزار جامع فقه ۲، مؤسسهٔ نور.

صافی گلپایگانی، لطف الله، توضیح المسائل، گلپایگانی، چ۵، مشهد: هاتف، ۱۳۸۷.

صافی گلپایگانی، لطف الله، هدایه العباد، جامع الاحکام، چ۴، حضرت معصومه علیها السلام، ۱۴۱۷، براساس نرم افزار جامع فقه، مؤسسهٔ نور.

صافی گلپایگانی، لطف الله، هدایه العباد، چ۱، دارالقرآن کریم، ۱۴۱۶، براساس نرم افزار جامع فقه، مؤسسهٔ نور.

طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم، عروه الوثقی، چ۱، مطبعه الزیتون، ۱۴۲۷.

فاضل لنکرانی، محمد، الاحکام الواضحه، چ۵، مرکز فقه ائمهٔ اطهار (علیهماالسلام)، ۱۴۲۴.

فاضل لنکرانی، محمد، توضیح المسائل، چ۱۳۰، چاپخانهٔ مهر قم، ۱۳۸۵.

فاضل لنکرانی، محمد، جامع المسائل، چ۱۱، امیرالمؤمنین.

محدث نوری، میرزاحسین، مستدرک الوسائل، چ۱، مؤسسهٔ آل البیت (علیهماالسلام)، ۱۴۰۸، براساس نرم افزار جامع فقه ۲، مؤسسهٔ نور.

مکارم شیرازی، ناصر، استفتائات، چ۵، امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۸۸.

مکارم شیرازی، ناصر، توضیح المسائل، چ۴۷، امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۹۱.

مکارم شیرازی، ناصر، سایت: persian.makarem.ir.

موسوی گلپایگانی، سیدمحمدرضا، توضیح المسائل، قم: دارالقرآن کریم.

موسوی گلپایگانی، سیدمحمدرضا، مجمع المسائل، قم: دارالقرآن کریم.

موسوی گلپایگانی، سیدمحمدرضا، هدایه العباد، چ۱، دارالقرآن کریم، ۱۴۱۳، براساس نرم افزار جامع فقه، مؤسسه نور.

نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، دار الکتاب الاسلامیه، ۱۳۸۴.

نوری همدانی، توضیح المسائل، چ۲۰، دفتر تبلیغات اسلامی حوزهٔ علمیهٔ قم، ۱۳۸۵.

نوری همدانی، هزارویک مسئلهٔ فقهی، چ۴، دفتر تبلیغات اسلامی حوزهٔ علمیهٔ قم، ۱۳۸۳.

وحید خراسانی، حسین، توضیح المسائل، چ۸، مدرسهٔ امام باقرالعلوم (ع).

وحید خراسانی، حسین، سایت: www.vahid-khorasani.ir.

وحید خراسانی، حسین، منهاج الصالحین، چ۶، مدرسهٔ امام باقرالعلوم (ع)، ۱۳۸۶.

وحیدی، محمد، فلسفه و اسرار احکام، چ۱، چاپخانهٔ قدس، ۱۳۸۳.

## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان


www